



د افغانستان اسلامي جمهوري دولت
د علومو اکاډمي
معاونیت بخش علوم بشری
مرکز مطالعات منطقه یی

سیمه ییز مطالعات

فصلنامه مرکز مطالعات منطقه یی افغانستان

سیمه ییز مطالعات



په دې ګڼه کې:

- رژیم حقوقی تنګه هر مز و باب المندب
- له پاکستان سره د ملي یووالي حکومت اړیکې
- اصلاحات داخلی پسا کریموف در ازبکستان
- په جنوبي قفقاز کې د امریکا د متحده ایالاتو موخې
- بررسی مختصری پیرامون روابط چین با برخی...
- له ترکمنستان سره د ملي یووالي حکومت اړیکې
- د پښتون ژغورنې غورځنګ پیژندنه اور اتلونکی یې
- او...

۳

- دوره : اول
- ربع : چهارم
- سال: ۱۳۹۷ ه.ش.
- شماره مسلسل : ۵۱
- سال تأسیس: ۱۳۸۵ ه.ش.
- کابل-افغانستان

شماره: ۳ ، سال ۱۳۹۷



REGIONAL STUDIES

Quarterly Journal

Establishment 2006

Academic Publication of
Afghanistan Academy of Sciences

Serial No: 51

Address:
Academy of Science of Afghanistan
Sherpoor Square, Kabul-Afghanistan
Tel: 0202201279





د افغانستان اسلامي جمهوري دولت د علومو اکاډمي
معاونیت بخش علوم بشری
مرکز مطالعات منطقه‌یی

سمر نر مطالعات

مجله علمی - تحقیقی

مطالعات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی منطقه‌یی. معرفی، بررسی
و تحلیل سازمان‌ها، کنفرانس‌ها و نهادهای منطقه‌یی

سال تأسیس: ۱۳۸۵ ه.ش.

شماره مسلسل: ۵۱

یادداشت:

- مقاله رسماً از آدرس مشخص با ذکر نام، تخلص، رتبه علمی، نمبر تیلفون، و ایمیل آدرس نویسنده به ادارهٔ اکادمی علوم فرستاده شود.
- مقالهٔ ارسالی باید علمی - تحقیقی، بکر و مطابق معیارهای پذیرفته شدهٔ علمی باشد.
- مقاله باید قبلاً در جای دیگری چاپ نگردیده باشد.
- عنوان مقاله مختصر و با محتوا مطابقت داشته باشد.
- مقاله باید دارای خلاصه و حداقل حاوی ۸۰ الی ۲۰۰ کلمه بوده، گویای اصلی پرسشی باشد که مقاله در پی پاسخ‌دهی به آن است. همچنان خلاصه باید به یکی از زبان‌های یونسکو ترجمه شده باشد.
- مقاله باید دارای مقدمه، اهمیت، مبرمیت، هدف، سؤال تحقیق، روش تحقیق، نتایج به دست آمده و فهرست منابع بوده و در متن به منبع اشاره شده باشد.
- مقاله باید بدون اغلاط تایپی با رعایت تمام نکات دستور زبان و تسلسل منطقی موضوعات در یک روی صفحهٔ کاغذ A۴ در برنامهٔ word تنظیم شده باشد.
- حجم مقاله حد اقل ۷ و حد اکثر ۱۵ صفحه معیاری بوده، با فونت سایز ۱۳ تایپ شود، فاصله بین سطرها واحد (Single) باشد و به شکل هارد و سافت کاپی فرستاده شود.
- هیأت‌تحریر مجله صلاحیت رد، قبول و اصلاح مقالات را بادر نظر داشت لایحهٔ نشراتی اکادمی علوم دارد.
- تحلیل‌ها و اندیشه‌های ارائه شده بیانگر نظریات محقق و نویسنده بوده، الزاماً ربطی به موقف اداره ندارد.
- حق کاپی مقالات و مضامین منتشره محفوظ بوده، فقط در صورت ذکر مأخذ از آن استفاده نشراتی شده می‌تواند.
- مقالهٔ وارده دوباره مسترد نمی‌گردد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ناشر: ریاست اطلاعات و ارتباطات عامه اکادمی علوم افغانستان

مدیر مسؤول: معاون سرمحقق خادم احمد حقیقی

مهتمم: معاون محقق فضل الرحمن علیزی

هیأت تحریر:

خپرنوال رفیع الله نیازی

سرمحقق عبدالرحیم بختانی

محقق غلام نبی حنیفی

محقق راضیه غوث

مطبعه: مطبعه صنعتی چهاردهی

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

آدرس: مرکز مطالعات منطقه‌یی اکادمی علوم افغانستان،

چهارراهی شیرپور، شهرنو، کابل.

شماره تماس:

۰۲۰۲۲۰۱۲۷۹-۰۷۹۰۱۹۹۴۳۸-۰۷۷۷۵۵۹۵۲۶

ایمیل ریاست اطلاعات و ارتباطات عامه: informationasakabul@gmail.com

ایمیل مدیریت مجله: simayiz.mujala.yahoo.com

اشتراک سالانه:

کابل: ۳۲۰ افغانی

ولایات: ۳۴۰ افغانی

کشورهای خارجی: ۲۰ دالر امریکایی

قیمت یک شماره در کابل:

• برای استادان و دانشمندان اکادمی علوم: ۷۰ افغانی

• برای محصلین و شاگردان مکاتب: ۴۰ افغانی

• برای سایر ادارات: ۸۰ افغانی

فهرست مطالب

شماره	عنوان	نام نویسنده	صفحه
۱.	رژیم حقوقی تنگه هرمز و باب‌المندب	محقق نعمت‌الله اخگر	۱
۲.	له پاکستان سره د ملي يووالي ...	خېړنيار احسان الله احسان	۱۳
۳.	اصلاحات داخلی پسا کریموف در ...	معاون محقق کمال‌الدین سهیم	۳۱
۴.	په جنوبي قفقاز کې د امریکا د ...	خېړنيار عبدالخالق فردوس	۴۷
۵.	بررسی مختصری پیرامون روابط ...	معاون محقق زهره محمدزی	۵۷
۶.	له ترکمنستان سره د ملي يووالي ...	خېړنيار رحمت‌الله همت	۸۷
۷.	بررسی مقایسوی روند قانونگذاری ...	محقق راضیه غوث	۱۰۷
۸.	د پښتون ژغورنې غورځنگ پېژندنه ...	خېړنيار جلال الدين نجم	۱۲۵
۹.	راه‌های جلوگیری از وقوع نزاع در ...	برگردان: عبدالرحیم بختانی	۱۵۱
۱۰.	جایگاه تاپی در حقوق بین‌الملل	معاون سرمحقق عبدالبصیر	۱۶۳
۱۱.	مدیریت و مهار آب‌های فرامرزی ...	محقق سیدعمر اعزامی	۱۸۱

محقق نعمت الله اخگر

رژیم حقوقی تنگه هرمز و باب المندب

خلاصه:

بررسی رژیم حقوقی تنگه هرمز و باب المندب به دلیل حمل و نقل کالاهای تجارتي دارای اهمیت ویژه بوده و در خور تأمل می‌باشد. به اساس مفاد معاهدات ۱۹۵۸ و ۱۹۸۲ کشورهایی که از تنگه‌های استراتژیژیک چون هرمز و باب المندب استفاده می‌کنند، مکلف به رعایت مقررات مربوط به حقوق بین الملل دریاها می‌باشند و کشورهای که این تنگه‌ها در قلمرو دریایی آنها قرار دارد، دارای حقوق و امتیازاتی بخاطر حفظ منافع شان هستند و می‌توانند مقررات و محدودیت‌هایی را در عرصه عبور و مرور از این تنگه‌ها وضع کنند؛ ولی این کشورها به اساس قواعد مطرح در حقوق بین الملل دریاها به هیچ‌وجه صلاحیت مسدود کردن کامل این تنگه‌ها را ندارند.

در صورت بروز واقعه جرمی، صلاحیت رسیده‌گی به جرم مربوط به کشور مالک کشتی می‌باشد، مگر اینکه واقعه جرمی به کشوری سرایت کند که تنگه در قلمرو دریایی آن قرار دارد که در این صورت این کشور، صلاحیت رسیده‌گی به جرم را پیدا می‌کند.

مقدمه:

شرق میانه به دلیل داشتن تنگه‌های استراتژیژیک و ذخایر انرژی دارای اهمیت ژئواکونومیک است از همین جهت نه تنها مورد توجه بازیگران جهانی

است بلکه محل برخورد منافع کشورهای منطقه نیز می‌باشد در این میان مسأله ترانزیت انرژی و مال التجاره از طریق تنگه‌های استراتژیک نه تنها برای کشورهای که این تنگه‌ها در قلمرو دریایی شان واقع شده، دارای اهمیت است بلکه برای کشورهای که از طریق این تنگه‌ها انرژی و سایر مایحتاج تجاری خود را تأمین می‌کند، نیز درخور اهمیت استراتژیک است. در میان تنگه‌های استراتژیک شرق میانه، دو تنگه هرمز و باب‌المندب از لحاظ عبور انرژی و ترانزیت کالا دارای اهمیت فوق‌العاده می‌باشند. برعلاوه مسایل استراتژیک و اقتصادی که از لحاظ ترانزیت کالا متوجه این دو تنگه و کشورهای می‌شود که این تنگه در قلمرو دریایی شان قرار دارد و یا کشورهای که از طریق این تنگه‌ها کشتی‌های تجاری و غیرتجاری شان عبور و مرور می‌کنند، رژیم حقوقی استفاده از این دو تنگه دارای اهمیت و در خور تأمل است.

برای تبیین مسایل در این نوشتار، کوشش خواهیم نمود که رژیم حقوقی تنگه هرمز و باب‌المندب را در چارچوب مقررات حقوق بین‌الملل دریاها و معاهدات موجود در این عرصه بررسی نماییم و این مسأله را روشن سازیم که کشورها در مسأله حمل و نقل و ترانزیت دارای چه حقوق و مکلفیت‌هایی هستند که باید رعایت کنند. سوال اساسی اینست که قاعدتاً رژیم حقوقی تنگه هرمز و باب‌المندب در چارچوب حقوق دریاها و معاهدات بین‌المللی چگونه است و آیا کشورهای که این تنگه‌ها در قلمرو آنها قرار دارد صلاحیت انسداد این تنگه‌ها را دارند یا خیر؟

فرضیه‌ی که در این رابطه قابل طرح می‌باشد، این است که کشورهای ساحلی که تنگه‌ها در قلمرو آنها واقع گردیده است صلاحیت انسداد آنها را ندارد، به شرط اینکه عابرین حقوق و مکلفیت‌های خود را

درک نموده و عبور کشتی‌ها و حمل و نقل کالاهای تجارتي مبتنی بر اصل قاعده عبور بی ضرر باشد.

برای تبیین مسایل و طرح مسأله به شکل خوبتر آنرا در دو قسمت مورد بررسی قرار می‌دهیم در نخست به حقوق و مکلفیت‌های کشورهای ساحلی اشاره خواهیم نمود و در قسمت دوم به حقوق و مکلفیت‌های عابرین اشاره خواهیم کرد؛ این مسایل در چارچوب حقوق بین‌الملل دریاها و معاهداتی که در این عرصه وجود دارد بررسی خواهد شد؛ تا از این طریق رژیم حقوقی تنگه هرمز و باب‌المنذب به خوبی روشن گردد.

اهمیت: تنگه‌های استراتژیک و بحث ترانزیت انرژی از جمله مسایل مهم و حیاتی در منطقه است از این جهت نوشتن در این رابطه و تحقیق علمی راجع به آن دارای اهمیت خاصی است.

مبرمیت: در شرایط کنونی و نظر به حساسیت‌های موجود میان قدرت‌های منطقه‌یی و جهانی و توجه این کشورها به تنگه‌های استراتژیک؛ ضرورت زمان بوده و دارای مبرمیت است.

میتود تحقیق: برای تحقیق و طرح خوبتر مسایل در این مقاله علمی-تحقیقی از میتود توصیفی-تحلیلی استفاده گردیده است.

الف: حقوق و مکلفیت‌های کشورهای ساحلی:

با پیشرفت تکنالوژی و رشد حمل و نقل دریایی؛ مسأله ترانزیت کالا از طریق دریاها بطور عموم و حمل و نقل کالا از طریق تنگه‌های استراتژیک که در قلمرو آبی یک کشور یا چند کشور قرار دارد، اهمیت پیدا کرد در این میان تنگه هرمز واقع در خلیج فارس در قلمرو دریایی ایران و عمان و تنگه باب‌المنذب در قلمرو دریایی یمن و جیبوتی از جمله تنگه‌های استراتژیک است که در حمل و نقل انرژی و سایر مال‌التجاره مهم پنداشته می‌شوند زیرا از یکطرف بحث منافع ملی دولت یا دولت‌هایی مطرح است که این تنگه‌ها در

قلمرو دریایی آنها واقع شده است و از طرف دیگر منافع کشورهای مطرح بحث است که از طریق حمل و نقل دریایی از راه این تنگه‌ها مایحتاج تجارتي خود را تأمین می‌کند به همین جهت حقوق دریاها و معاهدات بین‌المللی که در این رابطه وجود دارد در صدد تأمین این دو نوع منافع است و تأمین آنها نیاز به طرح یک رژیم حقوقی دارد. به همین اساس است که امروزه ۲۹ منطقه دریایی به عنوان دریاهای بسته یا نیمه بسته شناخته شده‌اند؛ از جمله دریای بالتیک، دریای مدیترانه، دریای سرخ، دریای کارائیب، دریای برینگ، خلیج مکزیک و خلیج فارس شامل آنها می‌شود و این مناطق خلیج و یا آبراه دریایی هستند که به وسیله چند کشور احاطه شده و از طریق گذرگاه باریکی به دریای دیگر یا اقیانوس مرتبط گردیده یا اینکه کاملاً یا در اصل؛ از دریاهای سرزمینی و مناطق انحصاری اقتصادی چند کشور تشکیل شده است، به همین اساس کشورهای ساحلی این دریاها باید در اعمال حقوق و تعهدات مندرج در کنوانسیون و عهدنامه حقوق دریاها، به طور مستقیم یا از طریق یک سازمان منطقه‌ای با یکدیگر همکاری نموده و در این راه تلاش نمایند. (۱)

مسأله نخست در بررسی رژیم حقوقی تنگه‌ها، رعایت اصل احترام به حاکمیت دولت‌های ساحلی می‌باشد که در حقوق بین‌الملل حاکمیت دولت‌ها اصل بوده و احترام به آن، الزامی پنداشته می‌شود. به اساس حکم معاهده ۱۹۸۲م حقوق دریاها، تنگه هرمز و تنگه باب‌المندب از جمله آبراه‌های مربوط به دریای بسته است که در قلمرو دریایی دو یا چند کشور قرار دارد و این آبراه‌های استراتژیک دریای بسته را به اقیانوس و یا آبهای آزاد وصل می‌کند و دولت‌های که این تنگه‌ها در قلمرو دریایی شان قرار می‌گیرد به اساس مفاد این معاهده ملزم به اطاعت قواعد حقوق دریاها بوده و مانع ترانزیت کالا از طریق این تنگه‌ها نمی‌شوند گرچه اصل حاکمیت

دولت‌ها به قلمرو دریایی شان به رسمیت شناخته شده، ولی در قسمت عبور کشتی‌ها، دولت‌ها باید ایجاد محدودیت‌ها را بپذیرند؛ چنانچه اصل حاکمیت کشور ساحلی بر آبهای داخلی در بند ۱ ماده ۱ معاهده ۱۹۵۸ ژنیو در مورد دریای سرزمینی و منطقه نظارت و در بند ۱ ماده ۲ معاهده ۱۹۹۲ حقوق دریاها و نیز در رأی دیوان بین‌المللی عدالت در قضیه فعالیت‌های نظامی و شبه نظامی نیکارگوا، مورخ ۲۷ جون ۱۹۸۶ به رسمیت شناخته شده است، یعنی در مجموع آبهای داخلی تحت حاکمیت کشوری هستند و کشورها باید در امور حمل و نقل و عبور کشتی‌های شان از طریق تنگه‌ها قایل به پذیرش محدودیت بر خود باشند. (۲)

امتیاز دیگری که برای کشورهای ساحلی در نظر گرفته شده است، وضع قواعد و مقررات برای حفظ منافع شان می‌باشد ولی وضع این قواعد و مقررات به هیچ‌وجه نمی‌تواند مخل مقررات موجود در معاهده ۱۹۸۲ م و بخصوص ماده ۱۹ این معاهده باشد که حق عبور بی‌ضرر را برای کشورهای دیگر به رسمیت می‌شناسد. کشورهایی که تنگه‌های استراتژیک در قلمرو دریایی آنها قرار دارد، حق وضع قوانین و مقررات حقوقی را دارند ولی این قوانین وضع شده باید منوط به موارد زیر باشند:

- ۱- امنیت کشتیرانی و تنظیم ترافیک دریایی.
- ۲- حفاظت از تجهیزات و سیستم‌های امداد کشتیرانی و سایر تجهیزات و تأسیسات.
- ۳- حفاظت از لاین‌ها و لوله‌های زیر دریایی.
- ۴- حفاظت از منابع جاندار دریایی.
- ۵- جلوگیری از نقض قوانین ماهیگیری.
- ۶- حفاظت از محیط زیست دریایی و جلوگیری، کاهش یا مهار آلودگی.
- ۷- جلوگیری از نقض قوانین و مقررات گمرکی، مالی، صحتی و مهاجرتی. (۳)

بنابراین به اساس معاهده دریای سرزمینی و منطقه نظارت، اعمال هرگونه محدودیت‌های غیرقانونی توسط کشورهای که تنگه‌ها در قلمرو دریایی آنها واقع است، ممنوع است و مغایر حقوق بین‌الملل دریاها پنداشته می‌شود، به همین دلیل ایران و عمان به عنوان کشورهای ساحلی تنگه هرمز و یمن و جیبوتی به عنوان کشورهای ساحلی تنگه استراتیژیک باب‌المندب، حق اعمال محدودیت‌های غیرقانونی و غیرحقوقی را ندارند، چنانچه در فوق تذکر رفت، فقط حق و صلاحیت وضع مقرراتی را دارد که به اساس معاهدات بین‌المللی به آنها اجازه داده شده است که در فوق به طور مشرح ذکر گردید. کشورهای ساحلی به دلیل اهمیت مسأله حاکمیت ملی از بعضی حقوق و امتیازات دیگری نیز برخوردار است که این حقوق و امتیازات بر علاوه داشتن صلاحیت وضع بعضی مقررات که بدان پرداخته شد، قرار ذیل می‌باشند:

۱- کشورهای ساحلی می‌تواند در دریای سرزمینی خود کلیه تدابیر لازم را به منظور جلوگیری از هرگونه عبوری که بی‌ضرر نیست، معمول دارند.

۲- در مورد کشتی‌های که در آب‌های داخلی یا تأسیسات بندری واقع در خارج از تنگه‌ها می‌روند، کشور ساحلی همچنین حق دارد برای جلوگیری از هرگونه نقض شرایطی که پذیرش این کشتی‌ها در این آب‌ها یا در این تأسیسات منوط به رعایت آنهاست، تدابیر لازم را اتخاذ نمایند.

۳- کشور ساحلی می‌تواند بدون هرگونه تبعیض چه حقوقی و چه عملی میان کشورها، حق عبور بی‌ضرر را بطور موقت به حالت تعلیق درآورد ولی این امر کوتاه مدت بوده و تنها به موردی خلاصه می‌شود که تهدید از ناحیه عبور کشتی‌ها، متوجه منافع کشور ساحلی باشد.

۴- کشور ساحلی حق دریافت عوارض از کشتی‌های خارجی در برابر خدمات ویژه را دارد. (۴)

بنا بر آنچه گفته شد دولت، حاکمیت دولت‌های ساحلی اصل بوده و این کشورها صلاحیت وضع مقررات و اتخاذ تدابیر برای حفاظت از منافع شان را دارد؛ ولی به هیچ عنوان صلاحیت انسداد تنگه‌های استراتژیک را ندارند؛ علاوه بر موارد فوق، مورد استثنایی که در معاهده ۱۹۸۲ م وجود دارد، بروز موارد قضایی و جزایی می‌باشند که به اساس رویه معمول در معاهده فوق اصولاً صلاحیت جزایی مربوط به کشور صاحب پرچم است ولی این صلاحیت و امتیاز در موارد آتی به کشور ساحلی تعلق گرفته است:

- ۱- چنانچه نتایج جرم به کشور ساحلی سرایت کند.
- ۲- چنانچه جرم از نوعی باشد که آرامش کشور ساحلی یا نظم دریای سرزمینی را مختل سازد.
- ۳- چنانچه ناخدای کشتی یا مأمور دیپلماتیک و قنسولی کشور صاحب پرچم، از مقامات محلی درخواست یاری کرده باشد.
- ۴- در صورت که معامله غیر مجاز چون مواد مخدر و ... باشد. (۵)

ب- حقوق و مکلفیت‌های عابرین:

کشورهایی که مایحتاج تجارتي و نیازهای خود را از طریق حمل و نقل از تنگه‌های استراتژیک، تأمین می‌کنند به اساس حقوق بین‌الملل دریاها و معاهدات ناشی از آن، دارای حقوق و مکلفیت‌هایی می‌باشند. در قدم نخست این کشورها می‌تواند از حق عبور بی‌ضرر کشتی‌ها از این تنگه‌ها استفاده نمایند ولی این امر متکی به قاعده بی‌ضرر بودن عبور و حمل و نقل می‌باشد و تنها تأکید معاهدات بین‌المللی بخصوص معاهده ۱۹۸۲ م راجع به حقوق دریاها به این مسأله مرتبط است. اصولاً کلیه کشورها اعم از کشورهای کناره دریا و یا کشورهای بدون ساحل، بی‌آنکه تفاوتی میان آنها از حیث نوع کشتی وجود داشته باشد، از حق عبور بی‌ضرر در دریای سرزمینی و تنگه‌ها

برخوردارند و عبور بی‌ضرر قاعده قدیمی و عرفی است که در حقوق بین‌الملل دریاها به رسمیت شناخته شده است. (۶)

به اساس توضیحات فوق، در حالات عادی تمامی کشورها بدون در نظر داشت موقعیت و نوع کشتی، می‌توانند از دریاها و تنگه‌ها استفاده کنند ولی این عبور یا حمل و نقل باید متکی به قاعده بی‌ضرر بودن باشد، بنا بر این کشورهای منطقه و سایر کشورها به مقصد حمل و نقل و ترانزیت انرژی و سایر کالاهای تجارتي می‌توانند از تنگه هرمز و باب‌المنندب استفاده کنند و این عبور و مرور باید متکی به قاعده بی‌ضرر بودن باشد. حمل و نقل و عبور تا زمانی بی‌ضرر است که مخل نظم، امنیت و وجدان عامه کشور ساحلی نباشد. در صورتیکه حمل و نقل به اساس قاعده بی‌ضرر بودن ادامه یابد کشورهای که تنگه‌ها در قلمرو دریایی آنها واقع است، حق توقیف کشتی‌ها و انسداد تنگه‌ها را به اساس حقوق بین‌الملل دریاها ندارند اما سوال اساسی اینجاست که کدام فعالیت‌ها مخل عبور بی‌ضرر می‌باشند؟ بعضی از فعالیت‌ها این قاعده معروف حقوقی که در حقوق دریاها مطرح است را نقض می‌کند که تنها در این صورت است که دولت‌های که تنگه‌ها در قلمرو دریایی شان قرار دارد، می‌تواند برای حفظ منافع ملی خود وارد عمل شوند؛ فعالیت‌های مخل عبور بی‌ضرر قرار ذیل است:

- ۱- تهدید یا توسل به زور علیه حاکمیت، تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی کشور ساحلی یا هرگونه روش دیگری که با اصول حقوق بین‌الملل مندرج در منشور ملل متحد مغایر باشد.
- ۲- تمرین یا مانور نظامی با انواع تسلیحات.
- ۳- گردآوری اطلاعاتی که به زیان امور دفاعی و امنیتی کشور ساحلی باشد.
- ۴- اقدامات تبلیغاتی که هدف آن، اخلال امور دفاعی و امنیتی کشور ساحلی باشد.

- ۵- پیاده یا سوار کردن کالا، پول یا اشخاص بر خلاف قوانین و مقررات گمرکی، مالی، صحتی و مهاجرتی کشور ساحلی.
 - ۶- ایجاد آلودگی عمدی و شدید مغایر با حقوق بین‌الملل.
 - ۷- ماهیگیری.
 - ۸- انجام تحقیقات یا فعالیت‌های مساحی.
 - ۹- پرواز، فرود یا انتقال انواع ناوهای هوایی و یا ادوات نظامی.
 - ۱۰- اخلال در کار سیستم‌های ارتباطی یا سایر تجهیزات کشور ساحلی.
 - ۱۱- سایر فعالیت‌های که به نحوی با عبور رابطه مستقیم ندارند. (۷)
- بناءً تنها حقوقی که عابرین دارد، حق حمل و نقل و ترانزیت کالا به اساس قاعده عبور بی‌ضرر بوده و مکلفیت‌های عابرین موارد فوق است که از حق حاکمیت ملی کشورهای ساحلی ناشی می‌شود؛ در کل در رژیم حقوقی استفاده از تنگه‌های استراتژیک چون هرمز و باب‌المندب از لحاظ قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل دریاها، تعادل میان کشورهای که از این تنگه‌ها برای عبور و حمل و نقل استفاده می‌کنند و میان کشورهای که این آبراه‌ها در قلمرو دریایی شان واقع است، وجود دارد به همین دلیل است که از یکطرف کشورهای که از این تنگه‌ها به مقصد ترانزیت استفاده می‌کنند باید قواعد و مقررات مربوط به قاعده بی‌ضرر را رعایت نمایند و از مفاده ماده ۱۹ معاهده ۱۹۸۲م حقوق دریاها نباید عدول کند و کشورهای که این تنگه‌ها در قلمرو شان واقع گردیده، حق و صلاحیت توقیف کشتی‌ها و انسداد این تنگه‌ها را ندارند؛ طبق ماده ۳۷ معاهده رژیم عبور ترانزیت به تنگه‌هایی که برای کشتیرانی بین‌المللی بیک بخش از دریای آزاد یا یک منطقه انحصاری اقتصادی و بخش دیگری از دریای آزاد یا یک منطقه انحصاری اقتصادی، مورد استفاده قرار می‌گیرند، اعمال می‌شود، بناءً این قاعده در رژیم حقوقی دریاهایی که در

قلمرو دریای سرزمینی یک دولت خارجی منتهی می‌شود، قابل اعمال نیست. همچنان در ماده ۳۸ معاهده حقوق دریاها، وجود راه بدیل را نیز مانع از اجرای حق عبور بی‌ضرر از تنگه‌ها نمی‌داند. (۸)

نتیجه:

چنانچه گفته شد شرق میانه به لحاظ داشتن تنگه‌های استراتژیک دارای اهمیت ژئواکونومیک خاصی می‌باشد با توجه به این اهمیت کشورها چه تنگه‌های استراتژیک در قلمرو آبی آنها قرار داشته باشد و یا کشورهای که از چنین تنگه‌هایی برای حمل و نقل و ترانزیت کالا و انرژی استفاده می‌کند باید مقررات موجود در حقوق بین‌الملل دریاها را رعایت نموده و باهم همکاری نمایند.

به اساس حقوق بین‌الملل دریاها و معاهدات موجود در این عرصه اصل حاکمیت ملی دولت‌های که تنگه‌ها در قلمرو آبی آنها قرار دارد به رسمیت شناخته شده است اما دولت‌ها باید در بخش ترانزیت کالا و عبور بی‌ضرر به اساس معاهدات ۱۹۵۸ م، ۱۹۸۲، ۱۹۸۶ و ۱۹۹۲ قایل به پذیرش بعضی از محدودیت‌ها باشند.

کشورهای که تنگه‌ها در قلمرو آبی آنها موقعیت دارد تنها وقتی محدودیت را بر عملکرد و حاکمیت ملی خود تحمل می‌کنند که این حمل و نقل و عبور مرور متکی به قاعده عبور بی‌ضرر باشد که مورد تأکید عرف بین‌المللی و معاهده ۱۹۸۲ م راجع به حقوق دریاها می‌باشد؛ در غیر آن دولت‌های که تنگه‌های استراتژیکی چون هرمز و باب‌المندب در قلمرو آبی آنها قرار دارد در صورت تشخیص این عبور و مرور و حمل و نقل به اساس قاعده بی‌ضرر بودن نیست، می‌تواند مانع انجام شود.

به همین دلیل است که به اساس معاهدات موجود در حقوق بین‌الملل دریاها مواردی به عنوان موارد مخل قاعده بی‌ضرر بودن عبور و مرور و حمل و

نقل مطرح است که همانا نقض نظم عمومی کشور ساحلی، تحرکات نظامی، تخریب اکو سیستم و غیره می‌باشند که در ماده ۱۹ معاهده ۱۹۸۲ حقوق دریاها تذکر داده شده اند.

به اساس مفاد معاهده ۱۹۵۸ ژنیو راجع به حمل و نقل دریایی و معاهده ۱۹۸۲ راجع به حقوق دریاها کشورهای که تنگه‌ها استراتیژیک در قلمرو آبی آنها قرار دارد، می‌توانند برای حفظ منافع خود، مقرراتی را وضع نماید و اجازه دارد که از حمل و نقل و عبور و مرور و جلوگیری نماید که قاعده بی‌ضرر بودن حمل و نقل دریایی را نقض می‌کنند ولی به اساس قواعد ذکر شده این کشورها به هیچوجه صلاحیت انسداد کامل و دائمی تنگه‌های استراتیژیک را ندارد به همین اساس که ادعای ایران مبنی بر انسداد کامل تنگه هرمز مخالف قواعد مطرح در معاهده ۱۹۸۲ حقوق دریاها می‌باشد که ایران یکی از امضاء کنندگان آن است.

بنا بر این می‌توان گفت که هم کشورهای که تنگه‌های استراتیژیک در قلمرو آبی آنها قرار دارد و هم کشورهای که از طریق این تنگه مایحتاج تجارتي خود را تأمین می‌کند، مکلف به رعایت قواعد حقوق بین الملل دریاها می‌باشد و در صورت بروز وقایع جرمی در حمل و نقل در صورتی که این وقایع به کشور ساحلی سرایت نکند و یا تقاضای کمکی از کشور ساحلی صورت نگیرد، صلاحیت رسیدگی به چنین وقایع از صلاحیت کشور صاحب پرچم می‌باشد و کشورهای ساحلی به بهانه وقوع جرم نمی‌تواند مانع عبور بی‌ضرر کشتی‌های تجارتي شوند.

مآخذ:

- ۱- معاهده حقوق دریاها: ۱۹۸۲ م، مواد ۱۲۲، ۱۲۳.
- ۲- بیگدلی، محمد رضا ضیایی. حقوق بین الملل عمومی، چاپ سی و ششم، انتشارات گنج دانش: تهران، ۱۳۸۸، ص ۳۱۵.
- ۳- همانجا. ص ۳۲۹.
- ۴- معاهده حقوق دریاها: ۱۹۸۲، ماده ۲۶.
- ۵- معاهد ژنیو: ۱۹۵۸، ماده ۱۹.
- ۶- معاهده حقوق دریاها: ۱۹۸۲، مواد ۱۷-۲۷.
- ۷- همانجا. ماده ۱۹.
- ۸- هوشنگ، مقتدر. حقوق بین الملل عمومی، چاپ هفدهم، انتشارات وزارت امور خارجه: تهران: ۱۳۸۸، صص ۲۲۳، ۲۲۴.

له پاکستان سره د ملي يووالي حکومت د سياسي اړیکو څېړنه

خلاصه:

په افغانستان کې د ملي يووالي حکومت په منځ ته راتگ سره د افغانستان-پاکستان په اړیکو کې ځانگړی بدلون راغی او د تېرې دورې خلاف کابل د نوي ډهلي په پرتله پاکستان ته ډېر نږدې شو چې له امله يې د افغانستان-پاکستان اړیکې ډېرې نېې شوې او کابل او اسلام آباد ته د افغان او پاکستاني لوړپوړو پوځي او ملکي چارواکو سفرونه هم ډېر شول خو له دغو نېسو او نږدې اړیکو څخه ډېر وخت لا نه و تېر شوی چې پاکستان د افغانستان پر وړاندې په خپلو کړو ژمنو وفا ونه کړه او په افغانستان کې د جگړې تر څنگ لویو خونړيو بریدونو هم زور واخیست. له همدې امله د افغانستان-پاکستان اړیکې بېرته ترینگلي شوې او د دواړو هېوادونو په اړیکو کې د باور فضاء هم له منځه ولاړه. له دې ټولو سره سره د افغانستان-پاکستان په اړیکو کې په زړه پورې خبره بیا دا ده چې دواړه لوري په یو بل د تورونو او شکونو سره سره لا هم د اړیکو نېسه کولو هڅې کوي چې دا هڅې اوس مهال د دواړو هېوادونو ترمنځ د سولې او پیوستون د عمل پلان (APAPPS) په پلي کولو را څرخي.

سریزه:

پاکستان زموږ گاونډی هېواد دی چې له ۱۹۴۷ ز. کال څخه نېولې تر ننه پورې یې له افغانستان سره اړیکې له ډېرو لوړو ژورو څخه ډکې دي. یاد هېواد د خپل پیدایښت له لومړۍ ورځې څخه نېولې تر ننه پورې تل په دې هڅه کې دی چې د خپل تاریخي او لوی سیال یعنی هند پر وړاندې په سیمه او نړۍ کې ملگري او پلویان پیدا کړي. د ډېرو پاکستانیانو د باور پر بنسټ په سیمه کې د پاکستان لپاره تر ټولو لوی او مؤثره ملگری افغانستان بلل کېږي چې که چېرته یې اړیکې له افغانستان سره نېې شي نو ډېر ژر به په دې وتوانېږي چې په سیمه کې خپل لوی او تاریخي سیال هند ته سیاسي او اقتصادي زیان واړوي. یعنی له افغانستان سره په ملگرتیا پاکستان کولای شي چې له یوې خوا د کشمیر په مسئله کې پر هند فشار راوړي او له بلې خوا د افغانستان له لارې مرکزي آسیا هېوادونو ته د هند د اقتصاد او سوداگرۍ مخه ونیسي او هند له اقتصادي پلوه کلانند کړي. له همدې امله ده چې دواړو هېوادونو هر یوه هند او پاکستان هڅې پیل کړي، تر څو په سیمه کې له افغانستان سره په اړیکو لرلو سره یو د بل پر وړاندې گټه پورته کړي. پاکستان د خپل پیدایښت له ورځې څخه نېولې تر ننه پورې له افغانستان سره د ډېورنډ فرضي کرښې له امله نېې اړیکې نه لري او د همدې فرضي کرښې له امله د افغانستان-پاکستان اړیکې ډېرې لوړې ژورې لیدلي او کله نا کله خو ان تر ټولو ترینګلي حالت او د سیاسي اړیکو د پرې کېدو تر پولې هم رسېدلي دي. که له تېر څخه را تېر شو او یوازې د افغانستان د ملي یووالي حکومت له منځ ته راتگ څخه تر ننه پورې د افغانستان-پاکستان اړیکې تر خېړنې لاندي ونیسو، نو په ډاگه څرگندېږي چې د یادو دواړو هېوادونو اړیکې په دې دوره کې هم ثابتې نه وې. اوس هم دواړه هېوادونه یو پر بل تورونه لگوي او تر څنګ یې د خبرو اترو او نښو اړیکو جوړولو هڅې کوي. په دې

له پاکستان سره د ملي يووالي حکومت د سياسي اړیکو څېړنه

علمي-څېړنيزه مقاله کې هڅه کوو چې د پاکستان او هند اوسنیو سیالیو او سیمه ییز نظام ته په کتو سره د ملي يووالي حکومت له رامنځ ته کېدو څخه تر ننه پورې د افغانستان-پاکستان سياسي اړیکې تر څېړنې لاندې ونیسو او دې اصلي پوښتنو ته، چې د ملي يووالي حکومت په رامنځ ته کېدو سره د افغانستان-پاکستان سياسي اړیکې څرنگه وې؟ او وروسته بیا د ملي يووالي حکومت او پاکستان په سياسي اړیکو کې څرنگه بې باوري رامنځ ته شوه؟ ځوابونه ومومو. د څېړنې له اصولو سره سم د یادو پوښتنو فرضي ځواب دا دی چې د ملي يووالي حکومت په منځ ته راتگ سره که څه هم افغانستان له پاکستان سره د اړیکو یو نوی او پراخ باب پرانیست او د کابل-ډهلي اړیکو په پرتله د کابل-اسلام آباد اړیکو ته ارزښت او لومړیتوب ورکړل شو، خو د ډېر وخت په تېرېدو سره له یوې خوا د افغان سولې په برخه کې د پاکستان نه رېښتینولي او له بلې خوا د افغان حکومت پر وړاندې د دوه مخي سیاست دوام له امله د دواړو هېوادونو اړیکې ښې نه شوې او د وخت په تېرېدو سره د دواړو هېوادونو په اړیکو کې یو ځل بیا بې باوري حاکمه شوه.

د څېړنې مبرمیت: که چېرته له تاریخي پلوه د افغانستان-پاکستان اړیکې تر څېړنې لاندې ونیول شي، نو په ډاگه څرگندېږي چې د دواړو هېوادونو اړیکې له بېلابېلو پړاوونو څخه تېرې شوې دي. همدغه شان د ملي يووالي حکومت پر مهال هم د افغانستان-پاکستان سياسي اړیکې له ډېرو لوړو ژورو څخه تېرې شوې او بېلابېل پړاوونه یې تېر کړي دي. د دې لپاره چې په دې دوره کې د دواړو هېوادونو سياسي اړیکو څرنگوالی روښانه شي او په دې وپوهېږو چې د دواړو هېوادونو اړیکې له کومو پړاوونو څخه تېرې شوې دي، نو له پاکستان سره د ملي يووالي حکومت د سياسي اړیکو د څېړلو اړتیا لېدل کېږي.

د خپرنې موخه: د دې علمي-خپرنیزې مقالې د خپرلو لنډه موخه له پاکستان سره د ملي یووالي حکومت د سیاسي اړیکو خپرل او پورتنیو پوښتنو ته ځواب موندل دي.

د خپرنې مېتود: د دې علمي-خپرنیزې مقالې په لیکلو کې د خپرنې له توصیفي-تحلیلي مېتود څخه کار اخیستل کېږي او هڅه کېږي چې مؤثرې پایلې رسېدو ته ټول اړوند مواد له شرایطو او حالاتو سره سم او په دقت سره تحلیل شي.

د دې لپاره چې له پاکستان سره مو د ملي یووالي حکومت سیاسي اړیکې نښې خپرلې وي او پورتنیو پوښتنو ته مو ځواب موندلای وي، نو لومړی د ملي یووالي حکومت منځ ته راتگ او د پاکستان پر وړاندې یې بهرنی سیاست، دویم د افغانستان-پاکستان په سیاسي اړیکو کې د بې باوري رامنځ ته کېدل او د اړیکو د خرابوالي لاملونه او په پای کې د دواړو هېوادونو ترمنځ د بیاځلي لپاره د باور جوړونې او اړیکو رغولو نوې هڅې خپرو:

۱- د ملي یووالي حکومت او د پاکستان پر وړاندې یې بهرنی سیاست:
 وروسته له دې چې له پخواني ولسمشر- حامد کرزي څخه نوي ولسمشر- محمد اشرف غني ته سیاسي واک په سوله ییز ډول سره ولېږدول شو او د ملي یووالي حکومت رامنځ ته شو، نو نوي ولسمشر- محمد اشرف غني د ۲۰۱۴ ز. کال د سپتامبر په ۲۹ د لوړې په مراسمو کې د هېواد د بهرني سیاست لوی ټکي له پنځو کړيو سره په تړاو کې داسې ترسیم کړل: ۱- له گاونډيو هېوادونو سره د افغانستان اړیکې ۲- له اسلامي هېوادونو سره د افغانستان اړیکې ۳- له لوېدیځو هېوادونو سره د افغانستان اړیکې ۴- له آسیایي هېوادونو سره د افغانستان اړیکې ۵- له نړیوالو سازمانونو سره د افغانستان اړیکې. د یادو پنځو کړيو له ډلې څخه یو هم له گاونډيو هېوادونو سره د ملي یووالي حکومت اړیکې او بهرنی سیاست و چې د ملي یووالي حکومت ورته ځانگړی پام وکړ او

له پاکستان سره د ملي يووالي حکومت د سياسي اړیکو څېړنه

پر وړاندې يې خپل بهرنی سياست اعلان کړ. که څه هم له گاونډيو هېوادونو سره د ملي يووالي حکومت اړیکې او بهرنی سياست څېړل خورا لويه موضوع ده، خو موږ دلته په دې برخه کې يوازې له پاکستان سره د ملي يووالي حکومت اړیکې تر بحث او څېړنې لاندې نيسو.

که چېرته له تاريخي پلوه د افغانستان-پاکستان اړیکې په ژوره توگه تر څېړنې لاندې ونيول شي، نو په ډاگه څرگندېږي چې د دواړو هېوادونو اړیکې له ډېرو لوړو ژورو څخه تېرې شوې دي. د تېر په شان د پخواني ولسمشر حامد کرزي د واکمنۍ په دوره کې هم د دواړو هېوادونو اړیکې له بېلابېلو بې باوريو څخه ډکې وې. حامد کرزي د خپلې واکمنۍ پر مهال ۲۱ ځله پاکستان ته سفر وکړ، تر څو د افغانستان د سولې او امنيت د ټينگښت په برخه کې د پاکستان ملگرتيا تر لاسه کړي، خو مؤثره گټه يې نه درلوده او هماغه و چې د خپلې واکمنۍ په وروستۍ ورځ يې خپل ځای ناستي ته د اسلام آباد له نه همکارۍ او نه ريښتینولۍ څخه شکايت وکړ. نوموړي همداراز د خپلې واکمنۍ په وروستيو ورځو کې په کراتو کراتو سره وويل چې د افغانستان د سولې کيلې له پاکستان او امريکا سره ده او دواړه هېوادونه د افغانستان د سولې په ټينگښت کې ريښتوني نه دي.^۱

له همدې امله کله چې د ملي يووالي حکومت رامنځ ته شو، نو ولسمشر-غني د حامد کرزي د دورې خلاف له پاکستان سره په اړیکو کې د تحول او نه تداوم په چوکاټ کې يو بې ساری بدلون راوست. يعنې ولسمشر-غني په لومړي قدم کې د افغانستان د سولې ټينگښت او د جگړې د درولو په موخه د پاکستان کارډ استعمال کړ چې پاکستان هم له ډېرې مودې وروسته د لومړي ځل لپاره له افغانستان سره د اړیکو بڼه کېدو چانس تر لاسه کړ او د دواړو هېوادونو اړیکې يو نوي پړاو ته لاړې. دا په داسې حال کې ده چې په نوې ټوله دوره کې يعنې له ۲۰۰۱ ز. کال څخه را په دې خوا پاکستان له

افغانستان سره د افغان دولت د وسله والو مخالفینو د ملاتړ له امله ترینګلې اړیکې درلودې او د دواړو هېوادونو په اړیکو کې بې باوري حاکمه وه. پاکستان له ۲۰۰۱ ز. کال څخه را په دې خوا په افغانستان کې د هند له نفوذ څخه اندېښنه لري او له همدې امله یې د افغانستان پر وړاندې دوه ګونې لوبه پیل کړې ده. یعنې له یوې خوا ځان د افغانستان د مرکزي حکومت ملاتړی ښيي او له بلې خوا یې د افغان دولت له وسله والو مخالفینو سره اړیکې ټینګې کړې او په خپله خاوره کې یې ورته پناه ځایونه ورکړي دي. د راپورونو له مخې یاد هېواد نه یوازې دا چې په خپله خاوره کې یې د افغان دولت وسله والو مخالفینو ته پناه ځای ورکړی دی، بلکې د هغوی په روزنه او تجهیز کې هم د پام وړ ونډه لري، خو پاکستان بیا دا ټول د افغان دولت د څو څو ځلې اعتراضونو سره سره په کلکه رد کړي او دا ادعاوې یې بې بنسټه بللې دي.^۲

په هر حال د ملي یووالي حکومت د افغان جګړې درولو او د سولې ټینګښت په موخه په روښانه توګه له پاکستان سره د ښو اړیکو جوړولو په لټه کې شو او کابل له اسلام آباد سره خپلې اړیکې نږدې کړې چې په همدې موخه یې پاکستان ته ځینې امتیازات هم ورکړل. د بېلګې په توګه د پاکستان د تحریک طالبانو مشر لطف الله مسعود یې پاکستان ته وسپاره، پاکستان ته یې په سوداګرۍ کې امتیازات ورکړل، افغان ولسمشر- هند ته تر ۷ میاشتو پورې هېڅ سفر ونه کړ، له هند څخه یې د درنو وسلو رانیول او پوځي مرستې رد کړې، تر څو په دې برخه کې د پاکستان اندېښنې لېرې شي، د پاکستان ایبټ آباد پوځي اکاډمۍ ته یې د روزنې لپاره خپل سرتېري واستول، د پاکستان له آی ایس آی سره یې د افغانستان د ملي امنیت ریاست په امنیتي او استخباراتي ډګر کې د همکارۍ یوه تفاهمنامه لاسلیک کړه، د ډیورنډ فرضي کرښې دې خوا ته یې په کنړ کې د پاکستاني طالبانو د ځپلو په موخه عملیات تر سره کړل او داسې نور.^۳ د کابل د دغه ژر بدلېدونکي بهرني

له پاکستان سره د ملي يووالي حکومت د سياسي اړیکو څېړنه

سياست له کبله د دواړو هېوادونو ترمنځ د لوړ پوړو چارواکو سفرونه هم زيات شول او د پاکستان ملکي او پوځي مشرانو په تېره بيا د پاکستان لومړی وزير نواز شريف، د ملي امنيت پخواني او د بهرنيو چارو اوسني سلاکار وزير سرتاج عزيز، لوی درستيز جنرال راحيل شريف او د آی ایس آی مشر رضوان اختر په کراتو کابل ته سفرونه وکړل او د سولې پروسې او د خبرو اترو مېز ته يې د طالبانو د چمتو کولو تودې ژمنې وکړې. همدغه شان ولسمشر- محمد اشرف غني هم د پاکستان د لومړي وزير نواز شريف په رسمي بلنې سره د ۲۰۱۴ ز. کال د نومبر په ۱۴ د يوه منظم پلان او لويې آجندا سره د لومړي ځل لپاره پاکستان ته رسمي سفر وکړ. په دې دوه ورځني سفر کې ښاغلي غني، چې شاوخوا ۱۵۰ نور سياسي او اقتصادي لوړپوړي چارواکي هم ور سره مل وو، هڅه وکړه، تر څو له پاکستان سره په بېلابېلو برخو کې د پراخو اړیکو جوړولو زمينه برابره کړي.^۴ په دې سفر کې ولسمشر غني د لانجمنو موضوعاتو پر ځای د افغانستان په سوله کې د پاکستان په رول او له افغانستان سره د سياسي، اقتصادي او امنيتي اړیکو پر ټينگوالي ټينگار وکړ. په ټوله کې پاکستان ته د ولسمشر غني ياد دوه ورځنی سفر د دې لامل شو چې د دواړو هېوادونو اړیکې د ښه کېدو نوي پړاو ته دننه شي، کوم چې د حامد کرزي د دورې په وروستيو کلونو کې د بې باورۍ، فضاء او ښکاره ټکرونو له امله سرې شوې وې.

۲- د ملي يووالي حکومت او پاکستان په سياسي اړیکو کې د بې

باورۍ رامنځ ته کېدل:

د ملي يووالي حکومت په لومړيو کې د افغان جگړې درولو، د سولې او امنيت د ټينگښت او د خبرو اترو مېز ته د طالبانو کېنولو په موخه له پاکستان سره ډېرې نږدې اړیکې جوړې کړې، تر څو له دې لارې وکولای شي د خبرو اترو مېز ته د طالبانو په حاضرولو کې د پاکستان مرسته تر لاسه کړي. د ملي يووالي حکومت په دې برخه کې ځانگړې عملي گامونه پورته کړل چې له امله

بې د یادو دواړو هېوادونو په اړیکو کې د باور فضاء پیاوړې شوه او پاکستان له افغانستان سره د سولې ټینګښت او د خبرو اترو مېز ته د طالبانو په حاضرولو کې د مرستې کولو تودې ژمنې وکړې. افغان ولسمشر- ښاغلي غني هم د پاکستان پر وړاندې په ځلونو د افغان لوري حسن نیت ښکاره کړ، د افغانستان د سولې په پروسه کې یې د پاکستان په موثره رول باندې ټینګار وکړ او له افغان لوري څخه یې یاد هېواد ته په اطلاعاتي او امنیتي برخه کې د همکارۍ ډاډ ورکړ، خو کله چې د طالبانو پخواني مشر ملا محمد عمر د مرګ راپورونه خپاره شول او د څو میاشتو په تېرېدو سره پاکستان د خبرو اترو مېز ته د طالبانو په حاضرولو کې خپلې تودې ژمنې پوره نه کړې، په افغانستان کې نا امنیو او جګړو زور واخیست او په کابل کې سخت خونړي بریدونه تر سره شول، نو په دې وخت کې د افغانستان په وړاندې د پاکستان په سیاسي نیت او دریځ شک پیدا شو. هماغه و چې د ۱۳۹۵ لمریز کال په میزان کې د کشمیر په مسئله کې د پاکستان د لومړي وزیر نواز شریف ځانګړي استازي شاهد حسین په واشنگټن کې یوې غونډې ته په ډاګه کړه چې د افغانستان سوله د کشمیر مسئلې حل پورې تړلې ده او تر کومه پورې چې د هند او پاکستان ترمنځ د کشمیر شخړه حل شوې نه وي، په افغانستان کې هم سوله نشي ټینګېدای. د شاهد حسین یادو څرګندونو له یوې خوا د افغانستان په وړاندې د پاکستان دوه مخي سیاست دوام څخه پرده پورته کړه او له بلې خوا یې په ښکاره د افغانستان په چارو کې د پاکستان د لاسوهنو ښکارندويي کوله چې د افغانستان-پاکستان په یادو نږدې اړیکو یې ډېرې منفي اغېزې واچولې. پر دې سربېره کله چې د ۱۳۹۴ لمریز کال د زمري په شپاړسمه د کابل په شاه شهید سیمه کې تر ټولو لویه چاودنه رامنځ ته شوه او لږ تر لږه د ۴۰ تنو د وژل کېدو او له ۴۰۰ څخه ډېرو نورو د ټپي کېدو لامل شوه، د دواړو هېوادونو اړیکې یې لا ډېرې ترینګلې کړې. طالبانو د یوې اعلاميې په خپرولو

له پاکستان سره د ملي يووالي حکومت د سياسي اړیکو خپرنه

سره ياده چاودنه په کلکو ټکو وغندله او زیاته یې کړه، چې ياده چاودنه د دوی کار ندی او د دوی له بریدونو سره هیڅ ورته والی نلري. له دې چاودنې څخه وروسته دافغانستان د ملي امنیت ریاست خپرنو ونښوده، چې ياده چاودنه د حقاني شبکې له خوا تر سره شوې او د پاکستان په خاوره کې پلان شوې وه. له يادې چاودنې څخه وروسته له طالبانو سره د سولې خبرو اترو پروسه هم په تپه ودرېده او په پایله کې یې د افغانستان-پاکستان ترمنځ هغه تودې اړیکې بېرته ترینګلې شوې او د دواړو هېوادونو په سياسي اړیکو کې د باور کومه فضاء چې رامنځ ته شوې وه هم له منځه ولاړه. په چمن او تورخم بندرونو کې د دواړو لوریو پوځیانو ترمنځ نښتې وشوې چې دواړو غاړو ته یې مرګ ژوبله هم درلوده. دې حالت نه یوازې دا چې د دواړو هېوادونو اړیکې تر ټولو بد حالت ته یووړې، بلکې د دواړو لوریو په خلکو کې یې یو د بل په وړاندې تر ټولو سخته کینه او بدبیني هم رامنځ ته کړه. په سلګونو زره افغان کډوال د پاکستانی پولیسو د ځور او ظلم له امله خپل هېواد ته را ستانه شول. په کور دننه افغانستان کې د پاکستان پر وړاندې لاریونونه وشول او د پاکستان په وړاندې بدبیني دې کچې ته ورسېده چې په عوامو کې ډېرو خلکو په داوطلبانه ډول سره د پاکستان پر وړاندې جګړې کولو ته نوم لیکنه وکړه. په کابل کې د پاکستان سفارت تر ناڅرګند وخته پورې د افغان محصلینو تحصیلي بورسونه وځنډول او د دواړو هېوادونو په سوداګرۍ کې هم له یو میلیارډ ډالرو څخه ډېر کم والی راغی.

په ټوله کې داسې ویلی شو چې په افغانستان کې د جګړو او ناامنیو د دوام سربېره د شاه شهید چاودنه د دې لامل شوه چې د یادو دواړو هېوادونو اړیکې یو ځل بیا پخواني عادي حالت ته او د دواړو هېوادونو ډیپلوماتیک ادبیات هم یو پر بل تورونو ته واوړي. د شاه شهید له چاودنې څخه وروسته د سولې په برخه کې د پاکستان له مرستې څخه تمه په اوبو لاهو شوه او ولسمشر- غني

هم وویل چې هېواد یې له پاکستان سره په یوه نا اعلان شوې جگړه ښکېل دی او نور له پاکستان څخه د سولې په برخه کې د مرستې تمه نلري او په دې برخه کې د پاکستان په ریښتینولۍ هم نور باور نلري. ځکه پاکستان په څلور اړخیزو غونډو کې په لیکلي ډول ژمنه کړې وه چې وسله وال طالبان به د خبرو اترو مېز ته کېږي، کله پر وړاندې به یې پوځي گام اخلي.^۶ دا هغه وخت و چې د دواړو هېوادونو په اړیکو کې یو ځل بیا ژور بدلون راغی او هغه تودې اړیکې چې د افغان سولې او خبرو اترو لپاره یې د باور فضاء رامنځ ته کوله هم له منځه ولاړې او پر ځای یې یو ځل بیا د تېر په شان د دواړو هېوادونو په سیاسي اړیکو کې بې باوري حاکمه شوه. په همدې توگه، د ملي یووالي حکومت پر مهال د افغانستان-پاکستان اړیکې دومره ترینګلې شوې چې افغان ولسمشر په نړیوالو کنفرانسونو کې د پاکستان مرستې رد کړې او په نړیواله کچه یې د پاکستان د منزوي کولو جدي هڅې پیل کړې. که څه هم په دغه لنډه دوره کې د افغانستان-پاکستان اړیکو په وړاندې د افغانستان-هند اړیکې سختې زیانمنې شوې، خو ډېر وخت لانه و تېر چې د ملي یووالي حکومت په خپل بهرني سیاست کې یو سلو اتیا درجې بدلون راوست او د پاکستان پر ځای یې هند ته مخه کړه، تر څو د پاکستان پر وړاندې له هند سره اړیکې لا ډېرې پیاوړې کړي او پاکستان په سیمه ییزه او نړیواله کچه منزوي کړي. په دې وخت کې هند او افغانستان دواړو په گډه د پاکستان د منزوي کولو هڅې پیل کړې. دواړو هېوادونو خپله دا نوې او گډه تگلاره په داسې مهال پلې کړه چې د تېرو پنځلسو کلونو په پرتله په افغانستان کې جگړه تر هر وخت زیاته توده شوې وه او تلفات یې هم تر ټولو زیات شوي و. د هند د پټانکوټ په هوایي ډگر او د کشمیر په اوږي سیمه کې د ځینو توندلارو لخوا بریدونه وشول چې هند یې پر پاکستان واچوله.

_____ له پاکستان سره د ملي يووالي حکومت د سياسي اړیکو څېړنه

افغانستان کې هم نا امنیو زور واخیست او په کابل کې لویې خونړۍ حملې وشوې چې افغان دولت یې پرته پر پاکستان واچوله.

۳- د ملي يووالي حکومت او پاکستان په سياسي اړیکو کې د بیاځلي

باور جوړونې هڅې:

وروسته له دې چې پاکستان د افغان دولت پر وړاندې خپلې کرې ژمنې پوره نه کړې او په افغانستان کې جگړې او لویو چاودنو دوام وموند، نو ولسمشر غني وویل چې نور له پاکستان څخه د سولې تمه نلري. له همدې امله له وسله والو طالبانو سره د سولې او خبرو اترو پروسه په تپه ودرېده او د افغانستان-پاکستان اړیکې هم بیرته سرې شوې. د افغانستان-پاکستان یادو سړو اړیکو څه باندې درې کاله دوام وموند. بالاخره کله چې د ۱۳۹۶ ل. کال د زمري په ۳۱ مه د امریکا ولسمشر ډونالد ټرمپ د سویلي آسیا په اړه خپله ستراتیژي اعلان کړه، د پاکستان پر وړاندې یې وسله والو طالبانو ته د پناه ځای ورکولو له امله توند غبرگون وښود او پر وړاندې یې د افغانستان د امنیت د ټینګښت او اقتصادي پراختیا په برخه کې د هند د لا ډېر رول غوښتونکی شو، نو پاکستان په سیمه ییزه او نړیواله کچه تر فشار لاندې راغی. له همدې امله پاکستان له افغانستان سره د اړیکو د بیا رغولو هڅې پیل کړې او هماغه و چې د دواړو هېوادونو ترمنځ د بې باوري په اوج کې د لومړي ځل لپاره د ۱۳۹۶ ل. کال د سلواغې په ۱۴ مه یوه پاکستاني لوړپوړي پلاوي له افغانستان سره د پاکستان د اړیکو ښه کولو په موخه کابل ته سفر وکړ. د دغه پلاوي مشري چې د پاکستان د بهرنیو چارو وزارت مرستیالې تهمینه جنجوعه په غاړه وه، له افغان پلاوي سره خبرې اترې وکړې. نوموړې د لومړي ځل لپاره وویل چې یو پر بل د تورو او ملامتیا پر ځای باید دواړه لوري یو بل سره عیني مرستې وکړي. پاکستاني پلاوي د افغان حکومت د بهرنیو چارو وزارت د سياسي مرستیال حکمت خلیل کرزي په مشرۍ له افغان پلاوي سره د دواړو

هېوادونو ترمنځ د باور جوړونې، سیاسي، سوداگریز او ترانزیتی اړیکو پیاوړتیا، د ډیورنډ کرښې په اوږدو کې د امنیت ټینګښت او د افغان سولې په اړه خبرې اترې وکړې. دغه راز دواړو لوریو هوکړه وکړه، چې د بېلابېلو میکانیزمونو په پام کې نیولو سره به د دواړو لورو ترمنځ د متقابل باور رامنځته کولو په موخه هڅې کوي. له دې څخه وروسته د دواړو هېوادونو بهرنیو چارو وزارتونو په خپلو کې بېلابېلې سیاسي او مشورتي ناستې وکړې او د دواړو هېوادونو ډیپلوماټیک پلاوو څو څو ځلې کابل او اسلام آباد ته سفرونه وکړل، چې د دواړو هېوادونو ترمنځ په اړیکو کې یې مهم رول ولوباوه او له امله یې د دواړو هېوادونو په اړیکو کې یو ډول د باور فضاء رامنځ ته شوه. وروسته له دې چې د دواړو لوریو د ډیپلوماټیکو پلاوو ترمنځ د سفرونو په تبادلې سره په اړیکو کې لږ ښه والی راغی، نو د نورو اړیکو او خبرو اترو دوام د دواړو دولتونو مشرانو ته وسپارل شو.^۷ هماغه و چې ولسمشر- غني د پاکستان لومړی وزیر شاهد خاقان عباسي کابل ته وغوښت او نوموړي هم د ۱۳۹۷ ل. کال د وري په ۱۷ مه د افغان حکومت د رسمي بلنې پر بنسټ کابل ته سفر وکړ. په دې وخت کې د ولسمشرۍ ماڼۍ اعلان وکړ چې د ټولو هغو لارو چارو به تود هرکلی وکړي، کوم چې د افغانستان- پاکستان ترمنځ په اړیکو کې د باور د رامنځ ته کېدو لامل ګرځي. له ولسمشر غني سره د ښاغلي عباسي په لیدنه کې په سیمه ییزې همکارۍ، له ترهګرو ډلو سره په ګډه مبارزه او د سولې او ثبات په ټینګښت کې د دواړو لوریو په مرستې ټینګار وشو. همداراز یادو مشرانو د دواړو هېوادونو ترمنځ د سولې او پیاوړتیا لپاره د عمل پلان (APAPPS) د پلي کولو په موخه په لاندې اصولو سره هوکړه وکړه:

۱- پاکستان د افغانانو په مشرۍ او د افغانانو په مالکیت د سولې او

پخلاينې د بهير ملاتړ کوي.

۲- دواړه لوري به د هغو ډلو پرضد اغېزناک ګامونه پورته کوي چې سولې ته نه

له پاکستان سره د ملي يووالي حکومت د سياسي اړیکو څېړنه

حاضرېږي او د دواړو هېوادونو امنیت ته گواښ پېښوي.

۳- دواړه لوري ژمن دي چې خپله خاوره به يې د کوم بل هېواد، شبکې، ډلې يا فرد له خوا د مقابل هېواد د حکومت ضد چارو لپاره نه کارول کېږي.

۴- د هوکړه شويو اصولو د پلي کولو لپاره بايد د اړیکو د مديرانو له لارې د ارزونې، همغږۍ او تثبيت گډ ميکانيزم جوړ شي.

۵- دواړه هېوادونه د يو بل سيمه کې د ځمکنيو او هوايي تاوتريخوالي مخنيوي ته ژمن دي.

۶- دواړه لوري به د عامه تورونو لوبې د مخنيوي او اندېښمنوونکو مسئلو ته د

ځواب ويلو لپاره د افغانستان- پاکستان د عمل پلان د همغږۍ ميکانيزم کاروي.

۷- د سولې او پيوستون لپاره د افغانستان- پاکستان د عمل پلان (APAPPS)

د پلي کولو لپاره به د کار ډلې او د همغږۍ ميکانيزم جوړوي.^۸

له ولسمشر غني سره د شاهد خاقان عباسي په ليدنه کې پرېکړه وشوه چې

د دواړو هېوادونو د بهرنيو چارو وزيران او د ملي امنيت سلاکاران به ياد سند

نهايي کوي. هماغه و چې د ۱۳۹۷ ل. کال د جوزا په ۶ مه د افغانستان د ملي

امنيت شورا سلاکار محمد حنيف اتمر، د ملي امنيت عمومي رئيس معصوم

ستانکزی او د کورنيو چارو وزير ويس احمد برمک پاکستان ته ولاړل او له

پاکستاني چارواکو سره يې د سولې او پيوستون د عمل پر پلان خبرې وکړې.^۹

د افغانستان- پاکستان د لوړپوړو چارواکو په همدې تگ راتگ کې د همدې

کال د غبرگولې په ۲۲ مه د پاکستان د پوځ لوی درستيز قمر جاوېد باجوه

کابل ته راغی او له افغان چارواکو سره يې د دواړو هېوادونو په اړیکو او د

سولې په ټينگښت خبرې اترې وکړې. په دې وخت کې د لومړي ځل لپاره د

افغان حکومت او وسله والو طالبانو ترمنځ د کوچني اختر اوربند هم د دواړو

لوريو له خوا په برياليتوب سره پلي شو چې له يوې خوا يې په کور دننه

افغانستان کې د سولې په اړه نوې هيلې را ژوندۍ کړې او له بلې خوا يې د

افغانستان-پاکستان په اړیکو کې د باور فضاء بیاځلې پیاوړې کړه. هماغه و چې د روان کال د غبرگولې میاشتې په ۲۹مه بیاځلې د افغانستان د ملي امنیت سلاکار محمد حنیف اتمر، د کورنیو چارو وزیر ویس برمک او د ملي امنیت عمومي رئیس معصوم ستانکزی اسلام آباد ته لاړه، تر څو د افغانستان-پاکستان تر منځ د سولې او پیوستون د عمل پلان (APAPPS) د پلي کولو په موخه له پاکستانی چارواکو سره خبرې اترې وکړي. په ټوله کې داسې ویلای شو چې که چېرته پاکستان په ریښتوني ډول سره د پورته یادو شوو اصولو په پلي کولو کې له افغان دولت سره ریښتوني مرسته وکړي، نو لېرې نه ده چې د دواړو هېوادونو اړیکې یو ځل بیا نښې شي او له وسله والو طالبانو سره خبرو اترو ته زمینه برابره شي.

پایله:

د ملي یووالي حکومت پر مهال د افغانستان-پاکستان د سیاسي اړیکو د خپرلو په پایله کې داسې ویلای شو چې په یاده دوره کې تر دې مهاله د دواړو هېوادونو سیاسي اړیکې له بېلابېلو پړاوونو څخه تېرې شوې دي. لومړی کله چې د ملي یووالي حکومت رامنځ ته شو، نو د تېرې دورې یعنې پخواني ولسمشر حامد کرزي د دورې خلاف د لومړي ځل لپاره د افغانستان-پاکستان اړیکې نښې شوې او د دواړو هېوادونو د لوړ پوړو پوځي او ملکي چارواکو ترمنځ سفرونه هم ډېر شول. پاکستان له افغانستان سره د نښو اړیکو ټینګولو او د افغانستان د سولې په ټینګښت کې د مرستې تودې ژمنې وکړي، خو کله چې د څو میاشتو په تېرېدو سره پاکستان د افغانستان پر وړاندې په خپلو کړو ژمنو وفا ونه کړه او په کابل کې ځینې لویې چاودنې ترسره شوې، نو د افغانستان پر وړاندې د پاکستان دوه مخي توب څرګند شو او د دواړو هېوادونو ترمنځ اړیکې ترینګلې شوې چې په پایله کې یې د دواړو هېوادونو په اړیکو کې بیاځلې بې باوري حاکمه شوه. افغانستان هم په خپل بهرني سیاست کې یو

له پاکستان سره د ملي يووالي حکومت د سياسي اړیکو څېړنه

سلو اتيا درجې بدلون راوست او سمدلاسه يې د هند په لوري مخه کړه. کله چې د سويلې آسيا په هکله د امريکا ولسمشر-ډونالډ ټرمپ خپله نوې ستراتيژي اعلان کړه او پاکستان په سيمه ييزه او نړيواله کچه وسله والو طالبانو ته د پناه ځي ورکولو له امله تر سخت فشار لاندې راغی، نو پاکستان هم دې ته اړ شو چې بېرته له افغانستان سره خپلې اړیکې ښې کړي. هماغه و چې د ۱۳۹۶ ل. کال د سلواغې په ۱۴ مه يوه پاکستاني لوړپوړي پلاوي چې مشري يې د پاکستان د بهرنیو چارو وزارت مرستيالې تهمينه جنجوعه په غاړه وه، له افغانستان سره د پاکستان د اړیکو ښه کولو په موخه کابل ته سفر وکړ او له افغان پلاوي سره يې د دواړو لوريو ترمنځ د باور فضاء رامنځ ته کولو او پر عيني مرستو ټينگار وکړ. له دې څخه وروسته د ۱۳۹۷ ل. کال د وري مياشتې په ۱۷ مه د پاکستان نوي لومړي وزير شاهد خاقان عباسي د ولسمشر غني د رسمي بلنې پر بنسټ کابل ته سفر وکړ، تر څو له ولسمشر-غني سره د دواړو هېوادونو د اړیکو په ښه کولو او د افغانستان د سولې په اړه خبرې اترې وکړي. په دې سفر کې دواړو لوريو د افغانستان او پاکستان ترمنځ د سولې او پيوستون د عمل پلان (APAPPS) د پلي کولو په موخه په ۷ اصولو هوکړه وکړه چې د يادو اصولو د پلي کولو په موخه د دواړو هېوادونو د بهرنیو چارو وزارتونو هم بېلابېلې ناستې وکړې. په ټوله کې ياد اصول د دې لامل شول چې د دواړو هېوادونو په اړیکو کې يو ځل بيا د باور فضاء رامنځ ته شي او په دې اړه د نورو خبرو اترو لپاره هم زمينه برابره شي. د همدغو ناستو او خبرو اترو په لړ کې د وسله والو طالبانو او افغان حکومت ترمنځ د کوچني اختر درې ورځنۍ اوربند هم په برياليتوب سره پلي شو چې په افغانستان کې يې د سولې په اړه نوې هيلې را ژوندۍ کړې. همداراز په دې وروستيو کې د افغان سولې په برخه کې د امريکا ځانگړي استازي په توگه د زلمي خليلزاد له ټاکل کېدو وروسته د پاکستان له زندان څخه د ملا عبدالغني برادر او ځينو

نورو پخوانیو لوړپوړو چارواکو خوشې کېدل هغه څه دي چې پاکستان یې د افغان سولې په اړه مهم گام بولي. په ټوله کې داسې ویلای شو چې که چېرته په راتلونکي کې امریکا او نړیواله ټولنه پر پاکستان لا ډېر فشار راوړي، نو ډېر ژر به یاد هېواد د افغان سولې په اړه ریښتیني همکاري ته غاړه کېږدي.

وړاندیزونه:

له پاکستان سره د ملي یووالي حکومت د سیاسي اړیکو خپرلو په پایله کې افغان دولت ته وړاندیز کېږي چې د پاکستان پر وړاندې لا ډېر روښانه او باثباته بهرنی سیاست تعقیب کړي. د ښې او مؤثرې ډیپلوماسۍ په کارولو سره دې پاکستان ته دا قناعت ورکړي چې افغانستان د ښه گاونډیتوب او د نورو هېوادونو په کورنیو چارو کې د نه لاسوهنې د اصل پر بنسټ ټولو گاونډیو هېوادونو سره ښې او دوستانه اړیکې غواړي. بامنه او با ثباته افغانستان نه یوازې د افغانانو بلکې د گاونډیو او د سیمې د ټولو هېوادونو په گټه دی.

د سویلي آسیا په اړه د امریکا د ستراتیژۍ له اعلان څخه وروسته پاکستان یو ځل بیا له افغان حکومت سره د خپلو اړیکو د ښه کولو هڅې پیل کړي چې د دواړو لوریو لوړ پوړو چارواکو کابل او اسلام آباد ته څو څو ځلې سفرونه کړي او په پایله کې یې د دواړو هېوادونو په اړیکو کې یو ډول د باور فضاء رامنځ ته شوې، نو افغان دولت باید له دې چانس څخه گټه پورته کړي او د افغان سولې په تړاو دې له وسله والو طالبانو سره د خبرو اترو لړۍ کومه چې د ډېرې مودې لپاره په تپه درېدلې وه بیاځلې پیل کړي. ځکه د یادو دواړو لوریو ترمنځ د کوچني اختر د بریالي اوربند څخه وروسته اوس داسې انگېرل کېږي چې د افغان سولې په تړاو د امریکا په درېځ کې هم بدلون راغلی او له وسله والو طالبانو سره د مخامخ خبرو کولو په موخه یې پلاوی ټاکلی دی.

له پاکستان سره د ملي يووالي حکومت د سياسي اړیکو خپرنه

مأخذونه:

^۱- بی بی سی فارسی. (۱۳۹۲)، گشتی نرم کرزی و آمریکا؛ پنج نگاه. د لا ډېرو معلوماتو لپاره لاندې لینک ته مراجعه وکړئ.

http://www.bbc.com/persian/afghanistan/۲۰۱۳/۱۲/۱۳۱۲۲۸_k۰۲-karazai-us-tensions

^۲- د تسنیم خبري سايټ. (۱۳۹۵)، ادعای حمایت پاکستان از طالبان افغانستان بی اساس است. د لا ډېرو معلوماتو لپاره لاندې لینک ته مراجعه وکړئ.

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/۱۳۹۵/۰۱/۱۳/۱۰۳۷۲۲۷>

^۳- بی بی سی فارسی. (۱۳۹۴)، سفر غنی به هند؛ تلاش برای دستیابی به سیاست متوازن منطقه‌یی. د لا ډېرو معلوماتو لپاره لاندې لینک ته مراجعه وکړئ.

http://www.bbc.com/persian/afghanistan/۲۰۱۵/۰۴/۱۵۰۴۲۶_mar-harun_ghani_india_trip

^۴- طلوع نیوز. (۱۳۹۳)، نگاهی به دیدارهای رئیس جمهور غنی در سفر به پاکستان. د لا ډېرو معلوماتو لپاره لاندې لینک ته مراجعه وکړئ.

<https://www.tolonews.com/fa/afghanistan/>

^۵- د رزاق مامون ویبلاگ، (۱۳۹۵/۷/۱۸)، «پاکستان: صلح کابل از راه کشمیر میگذرد»، لاسرسی: http://www.razaqmamoon.com/۲۰۱۶/۱۰/blog-post_۹۷.html#more

[مراجعة: ۱۳۹۷/۵/۴ ل. کال].

^۶- پښواک خبري آژانس. (۱۳۹۴)، اشرف غنی: پاکستان در یک جنگ اعلام نشده با افغانستان قرار دارد. د لا ډېرو معلوماتو لپاره لاندې لینک ته مراجعه وکړئ.

<http://peace.pajhwok.com/dr/peace-news/>

^۷- نواندیش، الیاس. «پلان عمل افغانستان-پاکستان برای صلح و همبستگی دیوار بی اعتمادی میان کابل-اسلام‌آباد را از بین می‌برد؟»، اطلاعات روز،

۱۳۹۷/۱/۲۱، لاسرسی: <https://etilaatroz.com/۵۹۴۰۴/> [مراجعه:
۱۳۹۷/۴/۸۱ ل.کال].

^۸- بی بی سی فارسی. (۱۳۹۷)، مشاور امنیت ملی افغانستان به پاکستان رفت.
د لا ډېرو معلوماتو لپاره لاندې لینک ته مراجعه وکړئ.

<http://www.bbc.com/persian/afghanistan-۴۴۲۷۰۵۳۶>

^۹- د ستراتېژیکو او سیمه ییزو څېړنو مرکز. (۱۳۹۷)، افغان - پاک اړیکې؛ د باور
جوړونې نوې هڅې. د لا ډېرو معلوماتو لپاره لاندې لینک ته مراجعه وکړئ.

<http://csrskabul.com/pa/wp-content/uploads/>

اصلاحات داخلی پسا کریموف در ازبکستان نتایج و پیامدهای آن

خلاصه

با مرگ اسلام کریموف رئیس جمهور مادام‌العمر جمهوری ازبکستان و با به قدرت رسیدن شوکت میرضیایف، تحولات جدی در جمهوری ازبکستان رونما گردید. رهبری جدید ازبکستان با طرز دید و تجاربی که داشت، دست به یک سلسله اصلاحات گسترده در این کشور زد. این اصلاحات بیشتر بخش‌های داخلی را در بر می‌گیرد؛ که می‌توان اصلاح قوانین، از بین بردن فساد در نهادهای دولتی، رهایی زندانیان سیاسی و خبرنگاران، مسأله احزاب، دموکراسی و حقوق بشر، مسایل اقتصادی از جمله حل مشکلات ارزی در کشور و همچنان اجازه دادن اقلیت قومی تاجیک برای فعالیت‌های شان بعد از دو دهه، را از جمله کارکردهای اصلاحی رهبری جدید عنوان نمود. همچنان در بخش سیاست خارجی و تعاملات این کشور با همسایگان و حل اختلافات چندین ساله با آنان و روابط با قدرت‌های بزرگ منطقه‌یی و فرامنطقه‌یی نیز تحولاتی رونما گردیده است.

مقدمه

جمهوری ازبکستان یکی از پرو نفوس‌ترین جمهوری‌های آسیای مرکزی به شمار می‌آید و این کشور در سال ۱۹۹۱ با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق مانند سایر کشورهای این منطقه استقلال خود را بدست آورد. جمهوری

ازبکستان با قرغیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قزاقستان و افغانستان دارای مرز مشترک می‌باشد. این جمهوری دارای منابع بزرگ معدنی به ویژه طلاست. همچنان جمهوری ازبکستان در صادرات پنبه از جایگاه بالایی برخوردار می‌باشد. اما با این هم، آنچه قابل ملاحظه است اوضاع بد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی این کشور از همان سال‌های استقلال آن است. ازبکستان طی رهبری اسلام کریموف رئیس جمهوری مادام‌العمر این کشور و با سیاست‌های اقتدارگرایانه وی دچار بحران‌های سیاسی و اقتصادی شدید شده بود. اختلافات مرزی، بروز مشکلات اقتصادی، واگرایی منطقه‌یی و عدم انسجام اجتماعی و مسایل حقوق بشری از مشکلات عدیده این کشور طی دو دهه و نیم زمان کریموف بود. عدم تعادل در سیاست‌های اسلام کریموف در مقابل قدرت‌های کلان منطقه‌یی و فرامنطقه‌یی بیشتر باعث سوء اعتماد بالای ازبکستان و کاهش روابط با این کشور گردیده بود. همچنان انتقادات وارده بر این کشور در مورد عدم تطبیق دموکراسی، این کشور را با مشکلات جدی در سطح بین‌الملل مواجه ساخته بود. اما با مرگ اسلام کریموف، اوضاع در ازبکستان دگرگون گردید و شوکت میرضیایف به قدرت رسید. رهبری جدید ازبکستان بلافاصله در پی اصلاحات گسترده در بخش‌های مختلف در این کشور برآمد و طی دو سال گذشته تغییرات جدی در ازبکستان رونما گردید. همچنان روابط این کشور با همسایه‌گانش و قدرت‌های بزرگ در سطح بین‌الملل نیز دستخوش تغییرات گردید. حال، سوال مطرح می‌گردد که این اصلاحات کدام بخش‌ها را در بر می‌گیرد؟ و همچنان اصلاحات جدید با رویکار آمدن شوکت میرضیایف چه پیامدهایی را برای خود ازبکستان و منطقه در پی دارد؟ چنین به نظر می‌رسد که اصلاحات داخلی در ازبکستان بیشتر باعث گردیده تا این کشور چهره مثبت و فعال از خود به نمایش بگذارد و روابطش با سایر کشورهای بهبود یابد.

هدف: این مقاله با هدف بررسی وضع جدید که در ازبکستان با مرگ اسلام

کریموف حاکم گردید، تحریر می‌گردد.

اصلاحات داخلی پسا کریموف در ازبکستان نتایج و پیامدهای آن

مبرمیت: جمهوری ازبکستان یکی از کشور همسایه و همرز با افغانستان می‌باشد و تحولات داخلی آن لزوماً تأثیراتی بر کشور ما نیز خواهد داشت. از این رو ضروری پنداشته می‌شود تا این تحولات بررسی گردد.

روش تحقیق: این مقاله با روش توصیفی- تحلیلی تحریر می‌گردد.

وضعیت ازبکستان قبل از اصلاحات جدید

با در نظر داشت اینکه درک اصلاحات مبنی بر فهم اوضاع و احوال پیش از اصلاحات است، در اینجا تلاش خواهد شد تا اوضاع و احوال ازبکستان در دوران زمامداری رئیس جمهور پیشین این کشور اسلام کریموف به طور فشرده مورد بررسی قرار گیرد. تا بتوانیم متعاقباً مباحث بعدی را خوبتر مورد کاوش قرار دهیم.

زمامداری اسلام کریموف به طور رسمی بر کشور ازبکستان از آغاز اسقلال این کشور یعنی سال ۱۹۹۱ شروع شد. اسلام کریموف در سال ۱۹۳۸ در سمرقند به دنیا آمد، وی انجنیر میخانیک بود و در سال ۱۹۶۰ از پوهنتون پولی تکنیک آسیای مرکزی در تاشکند فارغ التحصیل شد و بعداً به مدت شش سال به عنوان انجنیر هوافضا در کارخانه طیاره سازی تاشکند مشغول کار بود. وی در سال ۱۹۶۶ در کمیته برنامه ریزی جمهوری ازبکستان مشغول فعالیت میشود و یک سال بعد سند تحصیلات عالی در رشته اقتصاد را بدست می‌آورد و در نهاد مذکور به مقام معاونیت می‌رسد. بعداً، در سال ۱۹۸۳ به حیث وزیر مالیه ازبکستان تعیین می‌شود. اسلام کریموف در سال ۱۹۸۶ به ریاست کمیته برنامه ریزی جمهوری ازبکستان می‌رسد و متعاقباً دبیر حزب کمونست در شهر قشقه دریا این جمهوری می‌شود. وی پیهم به مقام‌های مختلف دست پیدا می‌کند تا اینکه در سال ۱۹۸۹ به مقام دبیر حزب کمونست ازبکستان ارتقا می‌نماید. پس از آن، اجلاس شورای عالی ازبکستان در ۲۴ مارچ ۱۹۹۰ اسلام کریموف را به عنوان رئیس جمهور ازبکستان انتخاب می‌نماید. وی در سال ۱۹۹۱ در اولین انتخابات ریاست جمهوری پس از فروپاشی شوروی سابق و کسب استقلال به طور رسمی رئیس جمهور ازبکستان شد.^۱ این روند تا آخر عمر

وی ادامه داشت و قدرت را در ازبکستان به طور انحصاری تا آخرین لحظه حیات خود در دست داشت.

پیروزی اسلام کریموف در سال ۱۹۹۱ در واقع، شروع تمرکز قدرت در این کشور بود. قانون اساسی ازبکستان که در سال ۱۹۹۲ به تصویب رسید این تمرکز قدرت را رسمیت بیشتر بخشید و اختیارات رئیس جمهور را به شکل وسیع و گسترده منظور نمود. در اینجا به طور فشرده صلاحیت‌های رئیس جمهور که در قانون اساسی ازبکستان مسجل گردیده را بیان می‌داریم:

▪ نصب و عزل صدراعظم، معاون اول رئیس جمهور، معاون اول صدراعظم، اعضای کابینه، لوی خارنوالی و معاونینش البته با تأیید بعدی مجلس عالی.

▪ نصب رئیس و اعضای محکمه قانون اساسی، رئیس دیوان عالی کشور، رئیس محکمه عالی اقتصادی و همچنان رئیس کل بانک مرکزی.

▪ گماشتن و برکناری قضات مناطق و نواحی، شهرها

▪ نصب و عزل والیان ولایات و رئیس شهر تاشکند

▪ انحلال پارلمان در صورت بروز اختلاف میان رئیس جمهوری و اعضای پارلمان)^۲

همچنان مواردی دیگر نیز وجود دارد که نقش رئیس جمهور را در ساختار قدرت تعیین کننده می‌سازد. مانند نصب و عزل والیان ولایات. اولاً قدرت رئیس جمهور از طریق والیان در شهرها و نواحی مختلف اعمال می‌گردد و این والیان خود را در مقابل رئیس جمهور مسئول می‌دانند و به همین ترتیب رئیس جمهور در رأس قدرت قرار می‌گیرد. ثانیاً، والیان ولایات در تعیین نماینده‌گان پارلمان نقش اساسی دارند بنابراین قدرت رئیس جمهور از این طریق نیز افزایش می‌یابد. رئیس جمهور در ازبکستان دارای قدرت فوق‌العاده‌بی است که با هیچ نهاد دیگر نمی‌شود مقایسه نمود. به همین دلیل است که بسیاری از مخالفین از صحنه سیاست در این کشور در زمان زمامداری اسلام کریموف بیرون رانده شدند. به طور مثال در سال ۱۹۹۲ اسلام کریموف مقام معاونیت اول رئیس

اصلاحات داخلی پسا کریموف در ازبکستان نتایج و پیامدهای آن

جمهور که در رأس آن شکرالله میرسعیدف بود و به گونه‌یی دارای قدرت هم سطح با رئیس جمهور بود را حذف نمود و عملاً تمامی قدرت را در دست گرفت. دوره پنج ساله ریاست جمهوری کریموف در ماه دسمبر سال ۱۹۹۶ ختم گردید. اما طی یک همه پرسی عمومی دوره ریاست جمهوری کریموف برای مدت چهار سال تمدید گردید. البته این دوره چهار ساله به عنوان یک دوره برای اسلام کریموف محسوب نمی گردید. با پایان رسیدن دوره چهارساله در سال ۲۰۰۰ انتخابات ریاست جمهوری برگزار گردید که در نتیجه اعلام نتایج ۹۰ درصد آرا به کریموف اختصاص یافته بود.^۳ بنابراین اسلام کریموف بار دیگر به مسند ریاست جمهوری ازبکستان باقی ماند تا اینکه با به وقوع پیوستن حوادث یازده سپتمبر سال ۲۰۰۱، دولت ازبکستان اعلام نمود که کشور در شرایط خاص قرار گرفته است و لازم است تا به خاطر حفظ ثبات در کشور، دوره ریاست جمهوری کریموف به هفت سال دیگر تمدید گردد. این در حالی است که رئیس مجلس عالی ازبکستان اعلام نمود که ضروری است اسلام کریموف منحیت رئیس جمهوری مادام العمر این کشور شناخته شود.^۴

وضعیت داخلی ازبکستان با زمامداری مادام العمری کریموف به گونه اقتدارگرایانه و دیکتاتورانه بود. ازبکستان در این مدت نتوانست بیشتر با دیگر کشورها ارتباط برقرار نماید و در پی سرکوب گروه‌های مخالف خود در داخل کشور بود. تا جایی که قوانین مختلف برای مانع شدن از تشکیل احزاب مخالف و فعالیت‌های سیاسی مخالفین تصویب گردیده بود. به طور مثال، قانون حمایت از اعتبار و حیثیت رئیس جمهور، قانون مؤسسات اجتماعی در ازبکستان، قانون رسانه‌ها و قانون آزادی وجدان و سازمانهای مذهبی. از سوی دیگر، دولت رسانه‌ها را به طور جدی در کنترل داشت، همچنان هیچ حزب نمی‌توانست فعالیت‌های اسلامی داشته باشد. به اساس قانون حمایت از اعتبار و حیثیت رئیس جمهوری، هر گونه نقد و انتقاد از کارکردهای رئیس جمهور جرم پنداشته می‌شد. در زمان زمامداری کریموف هر شخصی که در قالب احزاب و یا خارج از آن به مخالفت دولت می‌پرداخت دستگیر می‌گردید و به زندان‌ها

انداخته می‌شد که این خود نقض صریح حقوق بشر و آزادی‌های بشری شمرده می‌شد. به همین ملحوظ شهروندان ازبکستان بیشتر در ترس و هراس از دولت مقتدر و دیکتاتور کریموف بودند.

تمرکز قدرت، اقتدارگرایی و ساختارهای بجا مانده دوران شوروی سابق در ازبکستان باعث به وجود آمدن شرایط بد اقتصادی و سیاسی در این کشور گردیده بود که این شرایط خود باعث اعتراضات گسترده مردمی در جاهای مختلف گردید. اما دولت ازبکستان این اعتراضات را چندین بار سرکوب نمود که در نتیجه درگیری‌ها میان نیروهای دولتی و اعتراض کنندگان بسیاری از مردم جان‌های خود را از دست دادند.^۵

عوامل مختلف شرایط اقتصادی و سیاسی ازبکستان را تحت فشار قرار داده بود که از آنجمله می‌توان خارج شدن این کشور از اتحادیه روبل، عدم همکاری با کشورهای منطقه در مسایل کلان اقتصادی و گرایش‌های ضدروسی شخص رئیس جمهور و تمایل به غرب را عنوان نمود.

سیاست خارجی ازبکستان نیز در دوران زمامداری کریموف دارای رویکرد دوگانه یعنی همراهی و تقابل با فدراسیون روسیه و ایالات متحده امریکا بوده که این رویکرد، برخاسته از عواملی چون شخصیت و منش اقتدارگرایانه اسلام کریموف، اختلاف‌ها در آسیای مرکزی و رقابت روسیه و امریکا بود. از سوی دیگر توسعه نیافتگی جامعه ازبکستان از نظر سیاسی و اقتصادی می‌تواند عامل دیگر شکل‌گیری سیاست خارجی و وضع بسته داخلی ازبکستان بوده باشد. البته در نتیجه اتخاذ چنین سیاست خارجی از سوی دولت ازبکستان، اعتمادها بالای این کشور کاهش پیدا نمود، اختلافات این کشور با کشورهای منطقه آسیای مرکزی شدت گرفت و رقابت‌ها میان روسیه و چین با امریکا اوج پیدا کرد^۶ که این امر خود باعث به وجود آمدن وضع ناگوار برای منطقه و ازبکستان شد.

اصلاحات داخلی پسا کریموف در ازبکستان نتایج و پیامدهای آن

تغییر رهبری

زمانی که خبر مرگ اسلام کریموف در ازبکستان نشر شد، بیشتر گمانه زنی‌ها برای جانشینی وی وجود داشت. اما آنچه که توجه اکثر کارشناسان را در این زمینه جلب نمود دورنمای پسا کریموف در ازبکستان بود. اصلاحات در ازبکستان یک امر ضروری پنداشته می‌شد اما چه کسی اصلاحات را به وجود آورده می‌توانست و تا چه اندازه وضعیت قبلی بالای فرد حاکم تأثیر گذار بود مورد شک و تردید قرار داشت.

رهبری اسلام کریموف به عنوان رئیس جمهور مادام العمر ازبکستان و طرز دید او به قضایای داخلی و خارجی طی سال‌های متمادی این کشور را تقریباً به انزوا کشانده بود، وی قدرت متمرکز نموده و سیاست خارجی دولت را نیز در انحصار خود گرفته بود تا اینکه همین امر باعث شد کشورهای منطقه و قدرت‌های بزرگ کمتر تمایل به روابط با این کشور نشان دهند. به هر حال، تغییر رهبری با مرگ اسلام کریموف، باعث چرخش در سیاست خارجی این کشور نیز گردید. رهبر جدید ازبکستان با آوردن اصلاحات در بخش‌های مختلف توانست توجه بعضی از کشورها را به خود جلب نماید.

اصلاحات داخلی

شوکت میرضایف رهبر جدید جمهوری ازبکستان از آغاز تصدی اش در پی اصلاحات جدی و گسترده در کشورش بود. اصلاحاتی که در زمان اسلام کریموف حتا تصورش هم ناممکن می‌نمود.

اصلاح قوانین از مواردی است که می‌توان به عنوان تغییرات جدی تحت رهبر شوکت میرضایف یاد نمود. وی قانون اصلاحات اداری ازبکستان را تصویب نمود. این قانون بیشتر به هدف اصلاحات و تغییر سیستم مدیریتی به تصویب رسیده است. بر اساس این اصلاحات فعالیت‌های بیشتر از ۱۰۰ سازمان و نهادهای اقتصادی مورد بازبینی مجدد قرار خواهد گرفت. فرمان اصلاحی رئیس جمهور ازبکستان شامل موارد چون اصلاحات کلی سیستم مدیریتی دولتی از جمله تکامل اصول نهادی و سازماندهی حقوقی سازمان‌های قوه مجریه،

وظایف، روشهای اجرایی، تکامل جریان‌ها هماهنگی و همکاری متقابل، کاهش نفوذ اداری در رشته‌های اقتصادی و توسعه روشهای مدیریت بازار، برنامه ریزی استراتژی به شکل معاصر در سیستم مدیریت دولتی، تکامل روشهای سیستم عمودی مدیریت و همکاری‌های متقابل سازمان‌های قوه مجریه، شکل‌گیر سیستم خدمات موثر حرفه‌یی دولتی، مبارزه با فساد، می‌شود.^۷ البته هدف کلی چنین اصلاحات تغییر در سیستم مدیریتی، حمایت از حقوق و آزادی‌های شهروندی در ازبکستان و همچنان برای جلب توجه کشورهای قدرتمند جهت جذب سرمایه‌گذاری‌های کلان بوده است.

اصلاحات شوکت میرضیایف همچنان در برگیرنده موضوعات چون ساختار آموزش و پرورش، فساد، آزادی سازی ارز، آزادی بیان و رسانه‌ها، می‌باشد. وی دو وزارتخانه از جمله وزارت توسعه نوآوری و وزارت آموزش و پرورش ایجاد نمود و ۱۷ وزارتخانه و نهاد دولتی دیگر نیز تجدید ساختار شدند. وی همچنان مبارزه با فساد را یکی از اولویتهای کاری خود قرار داده است. طوریکه با ایجاد یک تیم ویژه قابل اعتماد، تعدادی زیادی از مقامات دولتی این کشور را در رابطه با تخلف و ناتوانی در کار شناسایی و برکنار نمود. به باور کارشناسان آزاد سازی ارز، یکی از اقدامات اساسی رئیس جمهور ازبکستان در بخش اقتصاد می‌باشد. بنابراین اقدام، اشخاص حقیقی، مجوز فروش ارز در صرافی‌ها را کسب کردند. بنا بر گزارشات، شهروندان و اشخاص حقوقی بعد از این اقدام رئیس جمهور، طی یک هفته بیش از ۳۰۰ میلیون دالر را به بانک‌ها تحویل دادند.

از دیگر مواردی که در بخش اصلاحات رهبری جدید ازبکستان، آزاد سازی ۱۶ تن از زندانیان سیاسی و خبرنگارانی بودند که در زمان اسلام کریموف دستگیر گردیده بودند. همچنان بیشتر از شانزده هزار تن از فعالین و چهره‌های مطرح سیاسی از لست سیاه خارج شدند. رهبر جدید ازبکستان از سازمان‌های حقوق بشری و رسانه‌ها نیز دعوت نموده تا دوباره دفاتر خود در این کشور بازگشایی نمایند. در سال ۲۰۱۷ برنامه‌یی به نام "باشگاه بین‌المللی رسانه‌یی"

اصلاحات داخلی پسا کریموف در ازبکستان نتایج و پیامدهای آن

در تلویزیون دولتی ازبکستان راه اندازی گردید که با حضور مقامات دولتی و مسئولان وزارتخانه‌ها، مشکلات جاری کشور مورد بررسی قرار گرفت.^۸

بخش دیگری از اصلاحات رهبری جدید جمهوری ازبکستان مسأله فعالیت اقلیت بزرگ تاجک‌ها در این کشور است. تاجک‌ها بیشتر از سی سال است که از هر نوع فعالیت سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در این کشور محروم هستند. بسیاری از چهره‌های مطرح تاجک در این کشور تحت پیگرد و فشار شدید بودند و این بیشتر به دلیل ادعاهای ارضی طی جنگ‌های داخلی تاجکستان بر شهرهای سمرقند و بخارا بود. اما در ماه می سال ۲۰۱۷ برای اولین بار از چهره‌های مطرح تاجک دعوت به عمل آمد تا از خواسته‌ها و نیازهای ملی خود صحبت نمایند.^۹ البته این اصلاحات تنها جنبه داخلی ندارد. وضع بسته ازبکستان بیشتر باعث شده بود تا دیگر کشورها به خصوص کشورهای همسایه روابط مطلوب با این کشور نداشته باشند؛ به همین دلیل شوکت میرضیایف در تلاش است تا با آوردن اصلاحات در ساختارهای داخلی زمینه‌های همکاری‌های منطقه‌یی را فراهم نماید.

اصلاحات خارجی در سیاست خارجی

با رویکار آمدن شوکت میرضیایف، تجدید نظرهایی در سیاست‌های ازبکستان نسبت به همسایگانش نیز رونما گردید. طوریکه وی سال ۲۰۱۷ را سال مهمی برای سیاست خارجی ازبکستان عنوان نمود. ازبکستان که با کشورهای قرغیزستان، قزاقستان، ترکمنستان، افغانستان و تاجیکستان هم مرز است، در سال‌های گذشته مشکلاتی با بعضی از این کشورها داشته است. شوکت میرضیایف برای حل این مشکلات سه سفر به ترکمنستان، دو سفر به قرغیزستان و یک سفر هم به قزاقستان و روسیه داشته است و همچنان مقامات عالی رتبه دولتی کشورهای مذکور را در تاشکند استقبال نموده است. در نتیجه سفرها و دیدارهای مقامات دولتی کشورهای یاد شده توافقات زیادی در مسایل اقتصادی و مسأله تعیین حدود مرزی با همسایگان صورت گرفته است که شامل، امضای قرارداد راهبردی میان ازبکستان و ترکمنستان، امضای ۱۳ سند

و افتتاح گذرگاه جدید بین ازبکستان و قزاقستان، امضای توافقنامه‌های اقتصادی به ارزش ۱۶ میلیارد دلار با روسیه، حل مشکلات مرزی با قرغیزستان، امضای سند ۲۳ میلیارد دلاری با چین، توافقنامه ۹ میلیارد دلاری با کوریای جنوبی و گسترش روابط با افغانستان می‌گردد.^{۱۰}

روابط با قدرت‌های بزرگ و تأثیرگذار در آسیای مرکزی

دولت ازبکستان همواره در روابط خود با ایالات متحده آمریکا شاهد کش و قوس‌هایی بوده است. بدیهی است که این همگرایی و واگرایی ناشی از سیاست‌های اسلام کریموف در ازبکستان و طرز دید او به اوضاع بیرونی کشورش بود. پیش از حوادث یازده سپتمبر سال ۲۰۰۱ روابط ایالات متحده آمریکا و ازبکستان به دلیل نقض گسترده حقوق بشر، آزادی‌های اساسی و سیاست‌های اقتدارگرایانه اسلام کریموف، به شدت تنزل پیدا نموده بود. اما وقوع حوادث یازده سپتمبر سال ۲۰۰۱، ایالات متحده را واداشت، تا از بسیاری مسایل چشم پوشی نماید و روابطش را با ازبکستان گسترش دهد. تا جایی که ازبکستان یک پایگاه نظامی به نام کارشی خان‌آباد را در اختیار ایالات متحده قرار داد. در پی همین همکاری‌ها اسلام کریموف در سال ۲۰۰۲ به واشنگتن سفر نمود و با جورج دبیلو بوش دیدار نمود. اما وقوع حوادث اندیجان در سال ۲۰۰۵ یک بار دیگر روابط ازبکستان و ایالات متحده را به تیره‌گی کشاند. ایالات متحده نیروهای خود را از ازبکستان بیرون نمود و کمک‌های اقتصادی خود را نیز به شدت کاهش داد. البته حوادث اندیجان تنها باعث تیره‌گی روابط میان ایالات متحده آمریکا و ازبکستان نشد، بلکه ترکیه نیز از موارد بارز آن است. برابند حوادث سال ۲۰۰۵ در اندیجان ازبکستان، به خوبی در فاصله زمانی ۱۶ سال در روابط با ایالات متحده و فاصله زمانی ۲۰ سال در روابط با ترکیه مشاهده می‌شود. روسیه همچنان مانند سایر کشورهای یادشده، به دلیل سیاست‌های اسلام کریموف دلگرمی زیادی به این کشور نشان نمی‌داد. چند بار خروج ازبکستان از پیمان امنیت دسته‌جمعی، تصویب قانون منع ایجاد

اصلاحات داخلی پسا کریموف در ازبکستان نتایج و پیامدهای آن
پایگاه‌های نظامی کشورهای خارجی در ازبکستان و سایر موارد مشابه، ناامیدی
روسیه را نسبت به ازبکستان بیشتر نموده بود.

به هرحال، رهبری جدید ازبکستان در بخش روابطش با کشورهای قدرتمند
در سطح بین‌الملل نیز تجدید نظر نموده است که دیدار شوکت میرضیایف با
دونالد ترامپ در واشنگتن پس از شانزده سال از بارزترین مصادیق آن می‌باشد.
رهبری جدید ازبکستان تلاش نموده است، تا در عرصه بین‌الملل سیاست توازن
را میان سه قدرت تأثیر گذار در آسیای مرکزی به پیش گیرد. سفرهای
میرضیایف به مسکو و پیکنگ در سال ۲۰۱۷ و توافقات انجام شده میان این
کشورها، خود نشان دهنده تغییرات گسترده در سیاست‌های ازبکستان نسبت
به این کشورهاست. همچنان بهبود اندکی در روابط ازبکستان با ترکیه و ایران با
روی کار آمدن شوکت میرضیایف دیده می‌شود.^{۱۱}

پیامدها

با توجه به مباحث قبلی، تأثیر تغییر رهبری و ایجاد اصلاحات در ازبکستان
دارای جنبه‌های داخلی و خارجی می‌باشد. بدین معنا که اصلاحات به وجود
آمده در ازبکستان هم بالای اوضاع داخلی این کشور تأثیر داشته است و هم
بالای روابط و تعاملات این کشور با سایر کشورهای منطقه‌یی و فرامنطقه‌یی.
در بُعد داخلی، اصلاحاتی که توسط رهبری جدید ازبکستان صورت گرفت،
باعث انسجام بیشتر اجتماعی و سیاسی گردید. همان طوری که در مباحث
قبلی بدان اشاره داشتیم، زمامداری اقتدارگرایانه اسلام کریموف باعث شده بود
تا فاصله بین دولت و مردم روز به روز زیادتر و شدیدتر شود. جمهوری ازبکستان
با ساختار بسته سیاسی که داشت، هیچگاه اجازه شکل‌گیری، رشد و توسعه
جامعه مدنی، رسانه‌های مستقل با فعالیت گسترده و منتقد دولت را نداد. و
همین امر باعث گردید، تا رابطه میان دولت و جامعه یک سویه و از بالا به پایین
باشد. اما در حال حاضر، احزاب و سازمان‌های داخلی که در دوران اسلام
کریموف به عدم فعالیت مجبور شده بودند، فعالیت‌های خود را به شکل عادی
آن آغاز نموده اند. رسانه‌ها و آزادی بیان که در حالت بدی در آن زمان قرار

داشتند، روحیه جدیدی پیدا نموده و اکنون فعالیت‌های گسترده رسانه‌ها در ازبکستان با رویکار آمدن میرضیاف از سر گرفته شده است.

توسعه روابط اقتصادی ازبکستان با همسایگانش با طرح اصلاحات جدید، رو به بهبود است و رهبری جدید ازبکستان جهت رشد اقتصادی و بیرون شدن از بحران اقتصادی که دامنگیر این کشور بود، در تلاش است تا سرمایه‌گذاری‌های بیشتر را در بخش‌های مختلف جلب نماید. کشورهایی که به دلیل رهبری اسلام کریم از ازبکستان در بخش اقتصادی فاصله گرفته بودند، اکنون با ایجاد فضای اعتماد از سوی رهبری جدید، دوباره آغاز به روابط و سرمایه‌گذاری در این کشور نموده اند.

از سوی دیگر، ازبکستان از دیر زمانی ادعای هژمونی منطقه‌یی را داشت و به همین دلیل هم بود که این کشور در انزوا قرار گرفت. اکنون، شوکت میرضیاف با اجرای سیاست‌های متعادل در تلاش است، تا دوباره جایگاه خود را در میان کشورهای منطقه مشخص نماید. همان طوری که قبلاً نیز بدان اشاره گردید جمهوری ازبکستان تقریباً در یک انزوای سیاسی و اقتصادی قرار داشت و این امر ناشی از سیاست‌های رهبری سابق این کشور بود. اما اکنون رهبری جدید ازبکستان در پی خارج شدن از این انزواست. به طور مثال، همگرایی منطقه‌یی یکی از پیامدهای اصلاحاتی است که رهبری جدید ازبکستان آنرا در نظر دارد. این کشور روابط با همسایگانش را از سر گرفته، بالای مشکلات و اختلافات مرزی با کشورهای منطقه به توافقات زیادی دست پیدا نموده است و مهمتر از همه در این مدت کوتاه ازبکستان توانسته است اعتماد دوباره بسیاری از کشورهای منطقه و فرامنطقه را جلب نماید. از سوی هم، ازبکستان می‌خواهد در پروسه صلح افغانستان نقش آفرینی نماید که این خود نشان دهنده فعال بودن این کشور در منطقه می‌باشد.

همچنان تعامل با قدرت‌های بزرگ یکی اساسی‌ترین تلاش‌های رهبری جدید ازبکستان محسوب می‌گردد.

به همین اساس، به نظر می‌رسد که ازبکستان در تلاش است تا به عنوان کشور فعال در منطقه عرض اندام نماید. از این رو است که ازبکستان با قراری

اصلاحات داخلی پسا کریموف در ازبکستان نتایج و پیامدهای آن

روابط با دولت‌های بیشتر، تلاش می‌روزد.^{۱۲} از سوی دیگر تعامل این کشور با قدرت‌های بزرگ مانند ایالات متحده آمریکا، روسیه و چین یکی از مصادیق بارز نقش آفرینی این کشور در سطح منطقه و نظام بین‌الملل است. ازبکستان در تلاش است تا با ایجاد اعتماد میان قدرت‌های بزرگ یاد شده، بتواند حیثیت و جایگاه خود را مشخص نماید.

نتیجه‌گیری

جمهوری ازبکستان در دوران اسلام کریموف، از اوضاع بد سیاسی و اجتماعی و حتا اقتصادی رنج می‌برد و این حالت ناشی از اجرای سیاست‌های اقتدارگرایانه اسلام کریموف در داخل کشور بود. عدم انسجام سیاسی و اجتماعی، عدم توسعه اقتصادی و واگرایی منطقه‌یی از پیامدهای ناگوار سیاست‌های اسلام کریموف برای ازبکستان بود. همچنان نقض حقوق بشر، عدم تطبیق دموکراسی و عدم تعادل سیاست خارجی این کشور در قبال ایالات متحده آمریکا و روسیه باعث کاهش کمک‌های اقتصادی و سردی روابط میان آنها گردیده بود. اما با مرگ اسلام کریموف اوضاع در داخل ازبکستان دگرگون گردید. شوکت میرضیایف که بیشترین آرا را در انتخابات ریاست جمهوری از آن خود نمود به منحن رهبر جدید ازبکستان تعیین گردید. وی با احراز کرسی ریاست جمهوری بلافاصله در پی اصلاحات گسترده در این کشور برآمد. اصلاحات جدیدی که در ازبکستان در بخش‌های مختلف صورت گرفت، نوید دوباره برای مردم و جامعه جهانی بود. اصلاح قوانین، آزادسازی مخالفین سیاسی، آزادسازی خبرنگاران، اجازه دادن احزاب برای فعالیت‌های شان، حل مشکلات تاجک‌ها، حل مشکلات ارزی و موارد بسیاری دیگر از جمله اصلاحات داخلی بود که شوکت میرضیایف آنها را در اولویت کاری خود قرار داد. وی همچنان در قسمت حل اختلافات که با همسایگانش بر سر مسایل مرزی داشت به توافقات زیاد دست پیدا نمود. روابط ازبکستان با تاجیکستان، قرغیزستان و قزاقستان از سر گرفته شد، چیزی که در دوران اسلام کریموف بعید به نظر می‌رسید. سفرهای رهبری جدید ازبکستان به کشورهای همسایه، ایالات متحده

و روسیه، بعد از چندین سال و توافقاتی که میان آنها صورت گرفت، امیدواری‌های زیادی را برای مردم ازبکستان به وجود آورده است. بر علاوه با اجرای سیاست‌های متعادل در قبال ایالات متحده و روسیه ازبکستان توانسته است که اعتماد از دست رفته خود را تا جایی احیا نماید. میرضیایف همچنان از رسانه‌های معتبر درخواست تا دوباره دفاتر شان را در این جمهوری بازگشایی نماید. جلب سرمایه‌گذاری‌ها از دیگر مواردی است که رهبری جدید ازبکستان آنرا در دستور کار خود قرار داده تا بتواند اقتصاد بحران زده این کشور را از حالت کنونی آن بیرون آورد. بنابراین، با اجرای اصلاحاتی که توسط رهبر جدید ازبکستان صورت گرفت، این کشور تلاش می‌نماید، تا چهره مثبتی از خود به نمایش بگذارد و همچنان در تلاش است نقش فعالی را در منطقه بازی نماید.

پیشنهادها

۱. جمهوری ازبکستان با داشتن مرز مشترک با افغانستان و موقعیت ویژه که در منطقه دارد، از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد. بنابراین، روابط گسترده با چنین کشور بدون شک به نفع افغانستان خواهد بود.
۲. اصلاحات داخلی بعد از اسلام کریم در ازبکستان باعث گردیده است تا سرمایه‌گذاری‌های بیشتری در این کشور صورت بگیرد. بناً پیشنهاد می‌گردد، تا دولت افغانستان در بخش اقتصادی نیز توجه این کشور را به خود جلب نماید.
۳. برای دولت افغانستان پیشنهاد می‌گردد تا از نقش ازبکستان به عنوان کشور میانجی در پروسه صلح افغانستان استفاده نماید.

منابع

- ^۱. جامعه خبری تحلیلی الف. "نگاهی به کارنامه اسلام کریماف" سایت جامعه خبری تحلیلی الف، ۱۳ ثور ۱۳۹۵، دسترسی: <http://old.alef.ir/vdcgu?z97wwak79http://old.alef.ir/vdcgu> ۳۸۸۰۷۳.rpra.html [مراجعه: ۱۳۹۷/۷/۱۵].
- ^۲. موسوی، سیدرسول. "ازبکستان در مسیر انقلاب یا اصلاحات؟"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۴۹، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی: تهران، ۱۳۸۴، ص ۱۱.
- ^۳. John C.K., Daly. Anatomy of crisis: U.S Uzbekistan Relation, ۲۰۰۱-۲۰۰۵, central Asia- Caucasus institute silk Road studies program, silk road paper February ۲۰۰۶, p ۷۰.
- ^۴. موسوی، سیدرسول. "ازبکستان: در مسیر انقلاب یا اصلاحات؟" فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۴۹، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی: تهران، ۱۳۸۴، ص ۱۲.
- ^۵. همان، ص ۲۵.
- ^۶. عطایی، فرهاد و کالچی، ولی کوزه گر. "تاملی بر سیاست خارجی جمهوری ازبکستان از منظر نظریه پیوستگی"، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۷۸، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی: تهران، ۱۳۹۱، ص ۱۱۵.
- ^۷. کار- ایرنیوز. "میرضایف قانون اصلاحات اداری در ازبکستان را تصویب کرد" سایت کار- ایرنیوز، ۱۳۹۷/۶/۲۰، دسترسی: <http://www.ca-irnews.com/fa-ir/central-asia-fa/uzbekistan/> AF۲۱۵۲۷ [مراجعه: ۱۳۹۷/۷/۲۲].
- ^۸. ایرنا. "ازبکستان در سال ۲۰۱۷/ آغاز اصلاحات و تقویت تعامل با همسایگان"، سایت ایرنا، ۱۳۹۶/۱۱/۸، دسترسی: <http://www.irna.ir/fa/News/> ۸۲۸۱۰۸۸۰ [مراجعه: ۱۳۹۷/۷/۲۸].

- ^۹. بی بی سی فارسی. "بهار تاجیکان در ازبکستان" سایت بی بی سی فارسی، ۱۷ فوریه/ ۲۰۱۸، دسترسی: <http://www.bbc.com/persian/blog-viewpoints-43098068> [مراجعه: ۱۳۹۷/۷/۱۵].
- ^{۱۰}. ایرنا. "ازبکستان در سال ۲۰۱۷/ آغاز اصلاحات و تقویت تعامل با همسایگان"، سایت ایرنا، ۱۳۹۶/۱۱/۸، دسترسی: <http://www.irna.ir/fa/News/82810880> [مراجعه: ۱۳۹۷/۷/۲۸].
- ^{۱۱}. ایران دیپلماسی. "دیدار رهبران امریکا و ازبکستان پس از ۱۶ سال"، سایت ایران دیپلماسی، ۱۳۹۷/۲/ ۲، دسترسی: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/%D1%AF%DB%80/%D1%97%94%91> [مراجعه: ۱۳۹۷/۷/۴].
- ^{۱۲}. کی جی، هالستی. مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل، مترجم: بهرام مستقیمی و مسعود طارم سری، چاپ پنجم، وزات امور خارجه: تهران، ۱۳۸۵، ص ۲۰۱.

په جنوبي قفقاز کې د امريکا د متحده ايالاتو موخې

خلاصه

د جنوبي قفقاز ستراتيژيک او جيو ايکانوميک موقعيت د دې لامل شوی، چې دا سيمه په نړۍ کې له مهمو او ارزښناکو سيمو څخه وشميرل شي. سترو ځواکونو ته ځينې سيمې له دوو اړخونو اهميت لري، يو داچې ستراتيژيک او ايکانوميک اهميت ولري بل دا چې دا سيمه يو يا څو لويو قدرتونو ته د تهديد د رامنځته کولو وړتيا ولري. د سويلي قفقاز سيمه دغه دواړه ځانگړتياوې لري، د امريکا لپاره له يوې خوا اقتصادي او جيوپوليتيکي اهميت لري او له بلې خوا د روسې او ايران د تهديد يوه وسيله هم گڼل کېږي. روسيه هم سربيره پر دې چې غواړي پر دې سيمه خپل پخوانی نفوذ ولري، له بېلابېلو لارو څخه په گټه پورته کولو د امريکا د نفوذ مخنيوی کوي؛ نو په دې اساس سويلي قفقاز نه يوازې داچې د روسيې په بهرني سياست کې ځانگړی ځای لري امريکا هم ورته په خپل بهرني سياست کې ځانگړې پاملرنه کړې.

سريزه

د قفقاز سيمه د تور سمندرگي او خزر سمندرگي ترمنځ د روسيې په جنوب او د ايران په شمال لويديځ کې موقعيت لري. دا سيمه په دوو برخو وېشل شوې، يوه شمالي برخه ده او بله يې سويلي برخه ده چې په کې د آذربايجان،

گرجستان او ارمنستان هېوادونه پراته دي. دغو هېوادونو د شوروي اتحاد تر پاشل کېدو د مخه خپلواکي نه درلوده او کله چې شوروي اتحاد ړنگ شو خپلواکي ترلاسه کړه او په خپلواکو هېوادونو بدل شول. دا سیمه روسیې ته چې ورسره ډېر مشترکات لري خورا ارزښت لرونکې ده، خو کله چې د شوروي اتحاد د قدرت خلا په دې سیمه کې را څرگنده شوه، امریکا دغو هېوادونو ته ځانگړې پاملرنه وکړه، او د دې سیمې له هېوادونو سره یې د انرژۍ په برخه کې پر پانگونې سربیره بېلابېل نظامي تړونونه لاسلیک کړل، ترڅو په سیمه کې خپل نفوذ پراخ کړي.

نو دا پوښتنه را ولاړېږي هغه کومې موخې دي، چې په یاده سیمه کې د امریکا متحده ایالات یې د ترلاسه کولو لپاره هلې ځلې کوي ؟ داسې معلومېږي، چې په یاده سیمه کې امریکا د روسیې او ایران د نفوذ د پراختیا د ډب کولو لپاره هڅه کوي او د دې موخې د ترلاسه کولو لپاره له بېلابېلو لارو چارو څخه گټه پورته کوي.

د څیړنې موخه: د دې څېړنې اساسي موخه دا ده ترڅو د امریکا متحده ایالاتو هغه موخې چې د سویلي قفقاز په سیمه کې یې لري او د ترلاسه کولو لپاره یې له بېلا بېلو لارو څخه گټه پورته کوي په ډاگه شي او را ولاړې شوې پوښتنې ته به دقیق جواب ورکړی شي.

د څیړنې اهمیت: په سیمه بیزه کچه د لویو قدرتونو د بهرنیو سیاستونو مطالعه کول او له هغه څخه جاج اخیستل او بالاخره د خپل هېواد د بهرني سیاست په جوړولو کې ترې گټه پورته کول پخپله د دې څیړنې اهمیت په ډاگه کوي. پر دې سربیره، دا چې په ملي ژبو په دې اړه کوم ځانگړی اثر شتون نه لري؛ ترڅو په هېواد کې دننه د سیاسي علومو او نړیوالو اړیکو مینه وال ترې گټه پورته کړي؛ نو په دې برخه کې د یوې علمي لیکنې چمتو کول هم د دې څیړنې اهمیت په گوته کوي.

په جنوبي قفقاز کې د امریکا د متحده ایالاتو موخې

د خپرني میتود: د دې مقالې په لیکلو کې د خپرني له توصیفي - تحلیلي میتود او د معلوماتو په راټولو کې له کتابتوني خپرني څخه ګټه پورته شوې ده. په لیکنه کې د خپرني مطالب په داسې توګه تنظیم شوي، چې لومړی د قفقاز سیمه په لنډو کرښو کې پېژندل شوې او وروسته په شماره وار توګه په یاده سیمه کې د امریکا موخې تحلیل شوې دي.

د قفقاز د سیمې لنډه پیژندنه: د قفقاز ښکلي او غرنۍ سیمه د اسیا په شمال لویدیځه څنډه کې د اروپا او اسیا وچو ترمنځ پرته ده. دغه سیمه د نړۍ د متمدنو سیمو له جملې څخه ګڼل کیږي. د لرغون پېژندونکو د خپرني له مخې په دې سیمه کې پنځه زره کاله مخکې د میلاد څخه خلکو پر مختللی او متمدن ژوند درلود. دا سیمه د ښه جغرافیایي موقعیت، ښېرازۍ او آبادۍ له امله د تاریخ په اوږدو کې د بهرنیو اشغالګرو له خوا تر دوامدارو بریدونو لاندې وه او تر اوسه پورې دغه پروسه دوام لري.

د قفقاز سیمه په مجموعي ډول ۴۰۰ زره کیلو متره مربع مساحت لري او نږدې ۲۲ میلونه خلک په دې ځای کې ژوند کوي، د دې سیمې ختیځ لورته د کسپین سمندرګۍ او ترکیه، شمال لور ته یې روسیه او سویل خوا ته یې ایران پروت دی.^۱

دغه سیمه د کسپین سمندرګۍ او تور سمندرګۍ په منځ کې پرته ده، دغو دواړو سمندرګیو د دې سیمې اقلیمي، اقتصادي او ستراتیژیک اهمیت نور هم زیات کړی دی. د لوی قفقاز غرونه چې ۱۵۰ کیلومتره اوږدوالی لري، قفقاز یې په دوه برخو (شمالي قفقاز او جنوبي قفقاز) ویشلی دی. د قفقاز شمالي برخه چې اوسمهال د روسې پورې تړلی دی او په دې سیمه کې د روسیې لاندې کور واکه جمهوریتونه شامل دي.

۱. د داغستان کور واکه جمهوریت.

۲. د چیچین - اینګوش کور واکه جمهوریت.

۳. د شمالي اوسیتیا کور واکه جمهوریت.

۴. د کاربادا - بالکار کور واکه جمهوریت.

۵. د قارچای - چرکس کور واکه جمهوریت.

۶. د آدیگه کور واکه جمهوریت.

او په جنوبي قفقاز کې د اذربایجان، ارمنستان او گرجستان جمهوریتونه واقع دي، چې یادو دريو جمهوریتونو په ۱۹۹۱ زکال د شوروي اتحاد له ړنگیدو وروسته خپلواکي ترلاسه کړه.^۲

چې زموږ د بحث موضوع هم په همدې هېوادونو را څرخي؛ نو د دې لپاره چې په یاده سیمه کې د امریکا پر موخو پوه شو په لاندې ډول یې د جلا عنوان په ترڅ کې تر څیړنې لاندې نیسو.

په سویلي قفقاز کې د امریکا موخې: د سپتمبر د ۱۱ پېښې د مخه امریکا په مرکزي اسیا او قفقاز سیمه کې هڅه کوي ترڅو خپل ټول امکانات په دوو نقطو را وڅرخوي او خپلې موخې ته ورسېږي، یو دا چې د روسیې تاریخي نفوذ د را ژوندی کیدو مخه ډب کړي او له بلې خوا یې په سیمه کې د ایران د نفوذ د زیاتیدو مخنیوی وکړي سربیره پر دې په سیمه کې د شته انرژۍ د ترلاسه کولو او کنترول لپاره هم بیلابیل سیاستونه مخ ته وړي. د دې موخو د ترلاسه کولو لپاره یې د یادې پېښې وروسته خپل نظامیان په دې سیمه کې ځای پر ځای کړل او څرگنده یې کړه چې په هیڅ ډول له سیمې څخه د وتلو هیله نه لري. له تروریزم سره د جگړې په نوم او په نړیواله سطحه د دې جگړې د رهبرۍ د ترلاسه کولو په موخه، د امریکا لپاره د سپتمبر د ۱۱ پېښې واقع کیدل هغه څه وه چې په دې سیمه کې د امریکا د نظامي شتون لپاره فرصت برابر کړ. په ټوله کې کولای شو، چې په دې سیمه د امریکا موخې په لاندې ډول واضح کړو.

لومړۍ: په سیمه کې د ایران گونښه کول: ایران چې د سویلي قفقاز د هېوادونو گاونډی هېواد شمیرل کېږي او ډیری مشترکات ورسره لري او هڅه کوي چې له دې هېوادونو سره خپلې اړیکې لا پراخې کړي ترڅو وشي کولای له یوې خوا په سیمه کې خپل نفوذ پراخ کړي او له بلې خوا د امریکا متحده ایالاتو

په جنوبي قفقاز کې د امریکا د متحده ایالاتو موخې

د نفوذ د پراخیدو مخنیوی وکړي. د دې لپاره چې د امریکا متحده ایالات پورته موخې ته ورسېږي نو هڅه کوي ترڅو د سیمې نفت په داسې لارو باندې اروپایي بازارونو ته انتقال کړي چې په هیڅ ډول د ایران خاورې ته یې پېپ لین داخل نه شي. چې له دې طرحو څخه یې یو هم د باکو-تفلیس - جیحان د نل لیکې جوړول دي. دا نل لیکه چې د قفقاز د سیمې نفت د آذربایجان د پلازمینې باکو څخه د گرجستان د تفلیس بندر او له هغې د ترکیې د جیحان بندر ته انتقالوي او د جیحان له بندر څخه بیا نړیوال بازارونو ته بارگیری کېږي. دا طرحه په ۱۹۹۹ ز. کال د اروپا د امنیت او همکارۍ شورا لخوا د استانبول د ناستې په حاشیه کې لاسلیک شوه.^۳ د گازدو دغه نل لیکه چې ۱۷۶۸ کیلو متره اوږدوالی لري په ۲۰۰۵ ز. کال د مې میاشتې په ۲۵ نېټه رسماً پرانېستل شوه.^۴ او تر اوسه یې ۶،۲۴۹ میلیونه ټنه گاز نړیوالو بازارونو ته انتقال کړي دي.^۵

د ایران او امریکا متحده ایالاتو د اړیکو د ترینګلتیا اساسي ټکي، چې د امریکا له لوري مطرح کېږي د ایران د اتومي پروګرام، د ایران له خوا د تروریزم د ملاتړ کول او د منځني ختیځ په مسایلو کې د ایران د لاسوهنې دي.^۶

د پورته مطالبو څخه په دقیقه توګه داسې پوهه ترلاسه کېږي، د دې لپاره چې د امریکا متحد ایالات خپل سیال ته په سیمه کې ماتې ورکړي او خپلې غوښتنې پرې ومني له بېلابېلو لارو چارو څخه ګټه پورته کوي، چې له دې لارو چارو څخه یې یوه هم په سیمه کې د ایران ګوښې کول دي. له سیاسي - نظامي نقطې له اړخه د امریکا متحده ایالاتو د جنوبي قفقاز هیوادونه له ځان سره نږدې ملګري کړي ترڅو وشي کولای په سیمه کې د ایران ضد فعالیتونو مرکز ولري او هم پر ایران د احتمالي حملې ستراتیژیک موقعیت په لاس کې ولري. له اقتصادي اړخه هڅه کوي چې له دې سیمه څخه ایران هیڅ ګټه پورته نه کړي، د دې موخې د ترلاسه کولو لپاره هڅه کوي چې هغه نل لیکې چې د جنوبي قفقاز له سیمې اروپا ته گاز انتقالوي د ایران په خاوره کې داخل نه شي.

دویم: په سیمه کې د روسیې د قدرت ترلاسه کولو د مخنیوي لپاره هلیې ځلې: بل هغه اساسي هدف چې د امریکا متحد ایالات یې د قفقاز په سیمه کې لري، هغه په سیمه کې د روسیې د نفوذ کمول دي ترڅو روسیه ونه شي کولای لکه د پخوا (شوروي اتحاد) په څیر په سیمه کې له نفوذ څخه برخمن وي د دې هدف د ترلاسه کولو لپاره یې د قفقاز په سیمه کې هڅه وکړه ترڅو داسې اشخاص قدرت ته ورسوي چې تر یوه حده له ځان سره د خلکو رضایت ولري او له بلې خوا غرب او د امریکې متحده ایالاتو ته وفادار شخص وي. په سیمه کې د امریکا متحده ایالاتو له خوا د روسیې او ایران منزوي کولو اساسي موخه داده ترڅو وشي کولای د سیمې له یو شمیر لویو اقتصادي پروژو لکه د انرژۍ د انتقال او د شرق او غرب ترمنځ د حمل و نقل دهلیز جوړولو څخه روسیه او ایران بې برخې کړي.

په سیمه کې د روسیې د منزوي کولو لپاره د امریکا متحده ایالاتو هڅه وکړه ترڅو شرق طرف ته د ناټو نفوذ پراخ کړي، د یو شمیر نظامي تړونو لکه د گوام ملاتړ وکړي او د سیمې له هېوادونو سره مالي، فني او نظامي همکارۍ وکړي. د امریکا متحده ایالاتو د قفقاز د سیمې د هېوادونو سره د خپلواکې د ترلاسه کولو را په دې خوا مرستې پیل کړي دي او تر دې دمه دوام لري، حتی تر دې چې د خپل یو شمیر مستعمل نظامي تجهیزات یې بلاعوضه د قفقاز د سیمې هېوادونو ته ورکړل.^۷

د پورته یاد شویو مطالبو څخه له ورايه ښکاري، چې د امریکا متحد ایالات هڅه کوي ترڅو (هرڅه یوازې د امریکا متحده ایالاتو لپاره) سیاست مخ ته یوسي، قفقاز سیمه د خپل جغرافیوي موقعیت له مخې د ایران او روسیې لپاره چې گاونډي هیوادونه یې شمیرل کېږي، له اقتصادي او سیاسي - نظامي نقطې له اړخه د زیات اهمیت لرونکې ده، امریکا هڅه کوي ترڅو د پورته یادو شویو کمکونو په مرسته د قفقاز د هیوادونو پاملرنه ځان ته را واړوي، ترڅو خپلې

په جنوبي قفقاز کې د امریکا د متحده ایالاتو موخې

پورتنۍ یادې شوې موخې ته ورسېږي او په هیڅ ډول ترې ایران او روسیه گټه پورته نه کړي.

د گوام تړون (GUAM Organization for Democracy and Economic Development) چې په ۱۹۹۷ ز. کال د قفقاز سیمه کې د آذربایجان، گرجستان، اوکراین او مولداوی لخوا رامنځته شو او په ۱۹۹۹ ز. کال کې ورسره ازبکستان هم یوځای شو، ترکیه او لیتوا هېوادونه یې ناظر غړي دي. د دې تړون اساسي موخې عبارت دي له (ډیموکراتیکي ارزښتونو ته پراختیا ورکول، د ثابت او دوامداره پرمختګ لپاره هڅې او د نړیوال او سیمه ییز امنیت پراختیا)^۸ دا تړون د امریکا متحده ایالاتو ته ځانګړې اهمیت لري ځکه چې د امریکا متحده ایالات په دې باور دی چې دا تړون په سیمه کې د ناټو نفوذ پراخوي او د روسیې د کمزوري کیدو سبب ګرځي؛ نو ځکه د امریکا متحده ایالات وخت نا وخته د گوام د تړون غړو هېوادونو سره بېلابیلې نظامي مرستې کوي.

درېیم : د قفقاز د سیمې نظامي کول: بله ستره موخه چې د امریکا متحده ایالات یې د قفقاز په سیمه او د خزر په سمندرګي لري هغه د یادې سیمې نظامي کول دي. چې د دې موخې د ترلاسه کولو لپاره یې له لاندې لارو چارو څخه گټه پورته کړې ده.

- د قفقاز د سیمې له هېوادونو سره ګډ نظامي تمرینات ترسره کول.
 - د قفقاز د سیمې د هېوادونو د نظامیانو لپاره د نظامي زده کړو د پروګرامونو په لاره اچول.
 - د مشاورینو په توګه سیمې ته د نظامي افسرانو استول.
 - د سیمې له هېوادونو سره نظامي مرستې کول.^۹
- د پورته مخو د ترلاسه کولو لپاره د امریکا متحده ایالات هڅه کوي ترڅو د ترکیې په همکارۍ اوکراین هم دې ته وهڅوي چې د قفقاز په سیمه کې د

امریکا د نفوذ د پراخیدو لپاره هلې ځلې وکړې ځکه چې اوکراین هم یو له هغو هېوادونو څخه دی چې د گوام غړیتوب لري.

هغه مرستې چې د امریکا متحد ایالات یې د قفقاز د سیمې د هیوادونو سره کوي اساسي موخه یې ترې داده ترڅو وشي کولای دا هیوادونه د روسیې له دوستي لیرې وساتي. دا مرستې په سیمه کې د دې سبب ګرځیدلي چې د اړونده هیوادونو اړیکې یې د امریکا متحده ایالاتو سره ډیرې نږدې کړي دي. د قفقاز د سیمې درې واړه جمهوریتونه په یو نه یو ډول داخلي ستونزې لري لکه د ګرجستان لپاره د جنوبي اوستیا او آبخازیا د بېلتون غوښتنې مسله او د آذربایجان او ارمنستان ترمنځ د قره باغ د شخړې مسله؛ نو د دې لپاره چې د قفقاز د سیمې هیوادونه خپل مرکزي قدرت لا باثباته کړي، یوه نړیوال قدرت ته اړتیا لري، ترڅو وکولای شي اړونده شخړې کنترول او په خپل هیواد کې سرتاسري حاکمیت ولري.

څلورم: هغه ستره موخه چې دې سیمه کې یې د امریکا متحد ایالات د ترلاسه کولو لپاره هلې ځلې کوي هغه داچې د خزر سمندر د حقوقي رژیم د ټاکلو په اړه چې تر اوسه پرې آذربایجان، ایران، قزاقستان، ترکمنستان او روسیه نه دي همغږي شوي، داسې یوه د حل لاره جوړه کړي ترڅو وشي کولای ایران او روسیه ترې زیاته گټه ترلاسه نه کړي. امریکا په دې برخه کې د آذربایجان ملاتړ کوي.^{۱۰}

آذربایجان، ایران، قزاقستان، ترکمنستان او روسیه د خزر سمندر ساحلي دولتونه گڼل کېږي او دې تر دې دمه په دې نه دي توانیدلي ترڅو داسې یو فارمول جوړ کړي، چې د خزر سمندر څخه د گټې اخیستنې په موخه ټولو ذیدخلو هیوادونو ته د قبول وړ وي، په دې اړه د آذربایجان، ایران، قزاقستان، ترکمنستان او روسیې لیدلوري بېلابېل دي؛ نو فکر کېږي چې په دې برخه کې هر هیواد داسې طرحه وړاندې کوي چې خپلې گټې یې په کې نغښتي وي. داچې په یاده سیمه کې آذربایجان د امریکا متحده ایالاتو سره نږدې اړیکې

په جنوبي قفقاز کې د امریکا د متحده ایالاتو موخې

لري؛ نو ځکه امریکا په دې برخه کې د اذربایجان ملاتړ کوي، ترڅو وشي کولای د خزر له سمندر څخه د ایران او روسیې د گټې اخیستلو کچه ټیټه کړي. **پایله:** د شرق په لور د امریکا متحده ایالاتو د نفوذ د پراخیدو لپاره د قفقاز سیمه ډیر اهمیت لري؛ ترڅو وکولای شي له یوې خوا په دې سیمه کې روسیه خپل پخوانی قدرت را ژوندی نه کړي او له بلې خوا ایران چې په سیمه کې د امریکا متحده ایالاتو ستر رقیب گڼل کیږي د نفوذ مخه ډب کړي سربیره پر دې امریکا غواړي ترڅو روسیه او ایران د سیمې له انرژي څخه بې برخې کړي، په سیمه کې د ایران او روسیې له همکارو مخنیوی وکړي، یادې سیمه کې د ناټو نفوذ پراخ کړي او په دې سازمان کې د گډون لپاره د سیمې هیوادونه وهڅوي. د دې اهدافو د ترلاسه کولو لپاره د امریکا متحده ایالات د جنوبي قفقاز د سیمې له هېوادونو (اذربایجان، گرجستان او ارمنستان) سره بلا عوضه اقتصادي او نظامي مرستې کوي او هڅه کوي ترڅو په یادو هېوادونو کې داسې اشخاص د قدرت تر گدی ورسوي ترڅو د غرب له سیاستونو متاثره وي او د امریکې متحده ایالاتو سره نږدې اړیکې ټینګې کړي.

ماخذونه:

^۱ ارین زی ، احسان الله. د نړۍ هینداره، اسيا، د ساپي پښتو څېړنو او پراختيا مرکز: پېښور، ۱۳۸۲ هـ ش، ۵۲۵ مخ.

^۲ پورتنی، ماخذ.

^۳ کاظمي، احمد. امنیت در قفقاز جنوبي، چاپ نخست، انتشارات موسسه فرهنگي مطالعات و تحقيقات بين المللي ابرا معاصر: تهران، ۱۳۸۴ هـ ش. ص ۱۲۵.

^۴ احمدیان، داکتر بهرام امير. افتتاح خط لوله باکو - تفليس - جيهان و پیامدهای ان در منطقه، شرکت لوله سازی هواز، د نشر نېټه ۱۳۸۷/۱۱/۱۷،

انلین لاس رسي <https://www.apm-ir.com/fa/article/۳/> [مراجعه:

.]۱۳۹۷/۷/۲۵

^۵ شبکه اطلاع رسانی نفت و انرژی شانا، د نشر نیته ۱۳۹۳/۴/۱۸، انلین لاس
رسی <https://www.shana.ir/fa/newsagency/220994/> [مراجعه:
۱۳۹۷/۷/۲۲]

^۶ مرتضی ابادری، حسیب موسی زاده، محمد کریم زاده. فصلنامه تحقیقات
سیاسی بین المللی، قوم‌گرایی و تأثیرات آن بر روابط ایران و آذربایجان،
۱۳۹۱ هـ ل کال، ۴ دوره، ۱۳ گنه، ۲۲۲-۲۷۷ مخونه، انلین لاسرسی
<http://fa.journals.sid.ir/ViewPaper.aspx?id=209784> [مراجعه:
۱۳۹۷/۷/۵]

^۷ *Carnegie Endowment for International Peace .available at:*

<https://carnegieendowment.org/2017/05/31/u.s.-policy-toward-south-caucasus-take-three-pub-70122>

^۸ *Republic of Azarbaijan, ministry of foreign affairs, about guam. Available at:* <http://www.mfa.gov.az/en/content/557>

^۹ کاظمی، احمد. امنیت در قفقاز جنوبی، چاپ نخست، انتشارات موسسه فرهنگی
مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرا معاصر: تهران، ۱۳۸۴ هـ ش. ص ۱۳۰.
^{۱۰} هماغه سرچینه، ص ۱۲۸.

بررسی مختصری پیرامون روابط چین با امریکا و برخی کشورهای منطقه

خلاصه

چین پس از حدود چهار دهه پیگیری مدرنیزاسیون در ابعاد اقتصادی - اجتماعی از حالت انزوا بیرون شده و به عنوان یک قدرت روبه رشد در نظام بین الملل ظهور نموده است. مهمترین هدف سیاست‌گذاری‌های این کشور در ابتدا، ادامهٔ بقاء و ثبات داخلی بود که در نهایت به رشد و توسعهٔ سیاست خارجی آن انجامید. رهبران چین، این کشور را به عنوان یک قدرت رو به رشد با پیگیری رویکرد اقتصادی در عرصهٔ منطقه‌یی و جهانی مدیریت نموده و خواهان ارتقا و بهبود جایگاه شان می‌باشند. در حال حاضر، چینایی‌ها پس از گذشت چهاردهه تعقیب مدرنیزاسیون در کشورشان، توانایی تبدیل شدن به یک هژمون یا قدرت برتر منطقه‌یی را در آسیا دارند و می‌توان گفت که اتخاذ سیاست مدرنیزاسیون دلیلی شده است که چینایی‌ها در محاسبات و روابط خود با کشورهای منطقه و فرامنطقه تجدید نظر نمایند که در این رابطه به تجدید روابط میان چین و برخی کشورهای منطقه چون روسیه، هند، جاپان و ایران می‌توان توجه داشت و در رابطه به مناسبات چین در سطح بین‌الملل می‌توان روابط چین و امریکا را محور قرار داد. چون امنیت ملی ایالات متحده تحت تأثیر توازن قدرت در سایر مناطق قرار دارد و حضور ایالات متحده در مناطقی از جهان، پاسخ به افزایش قدرت هژمون همان منطقه می‌باشد؛ طوری که استراتژی جدید

ایالات متحده در آسیا پاسفیک به نحوی، پاسخ به افزایش قدرت چین پنداشته می‌شود. از طرف دیگر، باید دانست که ایالات متحده به عنوان یک قدرت برتر، نمی‌خواهد، با هژمون رقیبی در سایر نقاط جهان مواجه گردد که این موارد می‌تواند روابط چین و آمریکا را تحت تاثیر قرار دهد.

مقدمه

ظرفیت‌ها و توانایی جمهوری مردم چین طی چندین دهه اخیر در ابعاد مختلف چنان رشد نموده که این کشور در عرصه منطقه‌یی با کشورهای قدرتمند منطقه چون روسیه، جاپان، هند مواجه است و در نظام بین‌المللی می‌تواند به عنوان یک قدرت روبه‌رشد؛ هژمونی مانند ایالات متحده آمریکا را به چالش روبه‌رو نماید. چون ایالات متحده پس از ختم جنگ سرد تنها قدرتی است که در جهان به گونه تک قطبی عمل نموده و خیزش یا ظهور چین را به عنوان یک قدرت، برای هژمونی خود چالش‌زا می‌داند که این وضعیت احتمال تقابل چین و آمریکا را افزایش می‌دهد. موردی که در روابط چین و آمریکا نقش پررنگ دارد، سیاست‌های اقتصاد محور چین می‌باشد و به دلیل سیاست‌های اقتصاد محور چین است که قسمت اعظم تنش‌های ایجاد شده میان این دو شریک اقتصادی در قالب اختلافات و منازعات در تجارت بین‌المللی تبارز نموده و در کنار این مورد، دو طرف تقابل و اختلاف دیدگاه در مناطق چالش‌زا چون دریای چین جنوبی، تایوان، موضوعات حقوق بشری و غیره نیز دارند. ولی نکته قابل تامل این است که ناهماهنگی و برخورد چین- آمریکا در عرصه تجارتي به نحوی پررنگ‌ترین مسأله مورد بحث در این اواخر است و این رقابت و مخالفت می‌تواند، ظاهراً دیپلوماسی اقتصادی چین که مبنای رشد و پیشرفت این کشور است را به چالش مواجه نماید. بناء مدیریت روابط منطقه‌یی با قدرت‌های منطقه و روابط بین‌المللی با قدرتی چون ایالات متحده آمریکا چالشی است که در جهت کسب منافع خود، چینیایی‌ها به مقابل اند.

بررسی مختصری پیرامون روابط چین با آمریکا و برخی کشورهای منطقه

بادرنظرداشت موضوعات مطرح شده چنین سوال مطرح می‌گردد که:

سوال: مهمترین عامل تاثیرگذار بالای راهکارهای سیاسی چین که بتواند تداوم روابط این کشور را در مقابل تنش‌های ایجاد شده با کشورهای منطقه و ایالات متحده آمریکا یاری رسانده و بهبود بخشد؛ چه است؟

فرضیه: چنین به نظر می‌رسد که چین در سده بیست و یکم سیاست خارجی صلح آمیز و یا به گونه خیزش نرم را رویدست گرفته و ضمن تعقیب اهداف بنیادین سیاست‌هایش چون استقلال، حاکمیت، وحدت سرزمینی... دنبال محیط مناسب بین المللی برای رشد خود است که در این راستا با توجه به متغیر اقتصادی به عنوان مهمترین ابزار سیاسی در جهت افزایش توانمندی‌های خود در عرصه روابط منطقه‌یی و بین المللی عمل می‌نماید و رویکرد مذکور به عنوان راهکار برجسته سیاسیون این کشور کاربرد موفقیت آمیز دارد.

چارچوب نظری: به اساس نظریه وابستگی متقابل می‌توان گفت که در روابط میان کشورها تنها سازوکارهای نظامی و قدرت سخت افزاری تاثیر گذاری و کارایی نداشته و در عصر حاضر با ایجاد سازمان‌ها و نهادهای غیردولتی در روابط بین الملل مواردی چون منافع مشترک میان دول مختلف شکل گرفته است و در این راستا اقتصاد توانسته میان قدرت‌های مخالف منافع مشترک و همسو ایجاد نموده و هراس از برد و باخت قطعی در میان آنها کم‌رنگ شود.

هدف: این مقاله به هدف تبیین جایگاه سیاسی چین در سطح منطقه‌یی و بین المللی و اینکه کشور مذکور چه استراتژی را در روابط سیاسی خود در منطقه و فرامنطقه دنبال می‌کند، نگاشته شده است.

مبرمیت: اقتضات سیاسی ایجاب آن را می‌نماید که دولت‌ها باید در رابطه به ظرفیت‌های موجود کشور همجوار خود و رویکردهایی که در سیاست‌های شان اعمال می‌نمایند، معلومات حاصل نموده و در زمینه تاثیرگذاری راهبردهای آن در نظام جهانی تحلیل‌های درست داشته باشند.

روش تحقیق: نوعیت تحقیق حاضر توصیفی- تحلیلی بوده که به واسطه داده‌ها و اطلاعات کتابخانه‌یی و اینترنت نگاشته شده است.

سازماندهی: این نوشتار موضوعاتی چون برخی ابزارهای تاثیرگذار در روابط خارجی چین، روابط چین با برخی کشورهای منطقه، روابط چین با امریکا و جنگ تجاری امریکا- چین را به ترتیب مورد بررسی قرار داده و در اخیر با نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها به پایان رسیده است.

برخی ابزارهای تاثیرگذار در روابط خارجی چین

چین در سال ۱۹۹۴* م. توسط کارگزاران حزب کمونست این کشور وارد عرصه نظام بین‌الملل گردید و امروزه از جمله قدرت‌های در حال ظهور بوده و توانسته است در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی و امنیتی دستاوردهای چشمگیری داشته باشد و با پیشرفت‌هایی که در این اواخر شاهد آن بوده به عنوان یکی از قدرت‌های اقتصادی جهان؛ شناخته شده است. این کشور در جهت اجرای رویکرد خیزش مسالمت آمیز یا همان توسعه مسالمت آمیز پابند است و آنها در راستای روابط منطقه‌یی و همکاری‌های بین‌المللی‌شان به علاوه اتخاذ مناسبات صلح آمیز در طیف‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی در تلاش اند تا با کشورهای بزرگ و قدرتمند جهان و سازمان‌های بین‌المللی نیز مشارکت داشته باشند و به دنبال این هدف اند که از تقابل‌شان با قدرت‌های کلان جهانی جلوگیری نمایند که این روش و اتخاذ چنین برنامه‌ها برای کشوری چون چین که به دنبال پیشرفت در عرصه جهانی می‌باشد، مفید تمام شده است و تا امروز توانسته اند با پیشبرد این رویکرد موفقانه عمل نمایند. در راستای اجرای این اهداف و در جهت ایجاد و بهبود روابط شان با دول دیگر جهان؛ رهبران چین از مائو تا شی اقداماتی چون سفرها، سرمایه گذاری‌ها و مشارکت در سازمان‌های منطقه‌یی و فرامنطقه‌یی را انجام داده و سیاسیون چین «یکی از اصول سیاست خارجی خود را در راستای تامین روابط نیک؛ عدم مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر قرار داده اند»^(۱) از طرف دیگر اصلاحاتی را که

بررسی مختصری پیرامون روابط چین با آمریکا و برخی کشورهای منطقه

چینایی‌ها به پیش گرفته اند، نقش و رفتار اصلاح طلبانی چون دنگ شیائوپنگ و شی جینگ پینگ بیشتر از همه برجسته می‌باشد. سیاسیون چین با درک وضعیت بین‌المللی و در کنار آن نیازهای داخلی کشور شان راهکارهای را دنبال می‌نمایند تا بتوانند، از طریق آن مناسبات منطقه‌یی و جهانی را با حفظ و تامین منافع‌شان مدیریت نمایند که در این راستا می‌توان به همکاری گسترده این کشور با اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا در عرصه اقتصادی و مشارکت فعالانه چینایی‌ها در نهادهای بین‌المللی و سیاست خارجی محافظه کارانه آنها اشاره کرد که مجموعه از راهکارهای متذکره به افزایش قدرت اقتصادی، سیاسی و نظامی چینایی‌ها در عرصه جهانی کمک نموده است^(۲). در رابطه به افزایش قدرت چین در ابعاد مختلف باید به این نکته توجه کرد که امروزه چینایی‌ها با اتخاذ رویکرد قدرت نرم و انعطاف پذیر به شکل ماهرانه دنبال رشد و پیشرفت توانایی‌های خود هستند. اتخاذ سیاست‌های انعطاف پذیر با تاکید به مولفه اقتصادی باعث شد که منافع آنها با کشورهای دیگر مشترک و مستحکم گردد. از طرف دیگر باید گفت با وجود این که چین در مناسبات خود بیشتر بالای سیاست های اقتصاد محور تاکید دارد و توان و ظرفیت خود را در جهان بر مبنای قدرت نرم جلوه می‌دهد و هم با توجه به نظم جهان و روابط قدرت‌های بزرگ که با در نظر داشت وابستگی متقابل وارد عمل می‌شوند و با تاکید به نقش جهانی شدن و این که در این عصر مرزهای جغرافیایی کم‌رنگ گردیده است و ابعاد جنگ متعارف و گرم میان قدرت‌های بزرگ کاهش یافته است. اما همه این قدرت‌ها برای کسب و حفظ منافع خود دست به افزایش قدرت نظامی نیز می‌زنند^(۳). که چین همچنان در عرصه توسعه توانایی‌های نظامی- امنیتی و ایجاد یک قوای نظامی مجهز تلاش‌های خود را انجام داده و می‌دهد. در حال حاضر این کشور مجموع صنایع نظامی نسبتاً هماهنگی را در اختیار داشته که ظرفیت تولید آن در حد بالا قرار دارد. ابداعات در طراحی لوازم دفاع، نوآوری‌ها در شیوه‌های تولید و دقت نظر در کنترل کیفیت کالاهای تسلیحاتی؛ این

کشور را تا حدی جایگاه برجسته در میان قدرت‌های نظامی جهان داده است. به این ترتیب است که چین در عرصه مناسبات خارجی با اینکه توجه بالای اقتصاد دارد، اما برای اینکه در مقابل قدرت‌های منطقه و فرامنطقه توان دفاع از اهداف و کسب منافع بیشتر را داشته باشد، توجه به بُعد نظامی نیز دارد و آن‌ها می‌خواهند که این عرصه قدرت خود را نیز در مقابل دیگران افزایش دهند.

باتوجه به این نکته که در عرصه نظامی نیروهای مسلح و سلاح‌های هسته‌یی بیانگر قدرت و توان یک کشور می‌باشد و این شاخصه می‌تواند ظرفیت تاثیرگذاری دولت‌ها را در عرصه نظام بین الملل تقویت بخشد که در این راستا چین به دلیل دسترسی و داشتن سلاح‌های هسته‌یی در نظام پراشوب بین الملل توان دفاع از خود و تاثیرگذاری بر دیگران را دارد. این کشور در سال ۱۹۶۲م.^(۴) برای اولین بار آزمایش اسلحه هسته‌یی را در ایالت سینکیانگ انجام داد و خود را به عنوان یک قدرت هسته‌یی در نظام بین الملل معرفی کرد. هسته‌یی شدن و داشتن ظرفیت‌های هسته‌یی؛ قوای نظامی آن‌ها را روحیه بیشتر قدرتمند شدن بخشید و اکنون چین برعلاوه قدرت سیاسی- اقتصادی در عرصه نظامی نیز توانایی‌های را دریافت کرده است. قبلاً نیز نیروهای نظامی چین در نبردهای متعددی توانسته بودند، جایگاه خود را تثبیت نمایند. طوری که جنگ کوریا ۱۹۵۰م.^(۵)، درگیری مرزی با هند ۱۹۶۲م.^(۶)، درگیری مرزی با شوروی سابق ۱۹۶۱م.^(۷)، جنگ ویتنام ۱۹۷۹م.^(۸) نمایشی از توان نظامی‌شان شمرده می‌شود. امروزه در زمینه قدرت نظامی چین، می‌توان از ارتش آزادی بخش، ظرفیت‌های هسته‌یی، راکت‌های دوربرد، زیر دریایی‌ها و ... یاد کرد که این همه موارد در تقویت موضع نظامی چین نقش تاثیرگذار داشته و باعث می‌گردد که این کشور از منافع خود به نحوی قدرتمندانه دفاع نماید. ولی در رابطه به جایگاه این کشور در عرصه نظام بین المللی نکته عمده این است که همه ظرفیت‌های نظامی چین به نسبت توان نظامی ایالات متحده آمریکا به عنوان قدرت برتر در جهان؛ کمتر می‌باشد، اما با این همه چینایی‌ها می‌توانند

بررسی مختصری پیرامون روابط چین با آمریکا و برخی کشورهای منطقه

با ظرفیت نظامی دست داشته خود از تحرکات قدرت‌های دیگر در آب‌های این کشور و سایر منافع‌شان در نقاط مختلف منطقه و جهان حفاظت نمایند.

در کنار تاثیر ظرفیت نظامی چین در تعیین جایگاه این کشور در منطقه و جهان؛ مولفه اقتصاد، ظرفیت آن‌ها برای صنعتی شدن و تکنالوژی که در اختیار دارند (البته نه به اندازه تکنالوژی آمریکا) می‌تواند عامل و ابزاری در دست چینایی‌ها برای ایجاد روابط با کشور دیگر باشد. چون متغیر اقتصاد می‌تواند ابعاد نظامی این کشور را بیشتر از پیش تقویت بخشد و باید به این نکته توجه داشت که «قدرت نظامی را بدون قدرت اقتصادی نمی‌توان حفظ و گسترش داد قدرت‌مندی اقتصادی یکی از موارد مهم برای ارتقای سطح قدرت نظامی در دولت‌ها بوده و از جایگاه خاص برخوردار است و بدون قدرت اقتصادی ادامه حیات دولت‌ها به نحوی ناممکن می‌گردد^(۱)». با تقویت این دو بُعد دولت‌ها می‌توانند در تامین منافع ملی، توسعه ارزش‌ها، تامین امنیت، افزایش پرستیژ و سایر اهداف سیاست خارجی از آن بهره ببرند؛ طوری که اکنون چینایی‌ها از راهبردهای مذکور توانسته‌اند، تا اندازه موفقانه استفاده نمایند.

در حال حاضر که چین بنیادهای اقتصادی چون حجم تولید ناخالص داخلی، درآمد سرانه، سطح نسبتاً بالای تکنالوژی، منابع انسانی، بازار و منابع مدیریت شده چون تجارت، رقابت و امورمالی را داراست و از طرف دیگر، گذر کشور مذکور از یک اقتصاد برنامه‌ریزی شده به طرف یک اقتصاد نسبتاً آزاد تاثیر چشمگیری در توانمندی اقتصادی آن‌ها داشته^(۲) و موارد دیگری که در عرصه قدرت‌یابی اقتصادی چین می‌توان به آن اشاره داشت، این است که حضور چین در سازمان تجارت جهانی برای این کشور امکاناتی را فراهم ساخته است، تا رابطه چند جانبه تجاری با کشورهای مختلف جهان برقرار نماید و به همین دلیل است که معدود کشورهای وجود دارند که در آن محصولات چینایی و یا تجارت با این کشور وجود نداشته باشد که این خود بیانگر قدرت و تاثیرگذاری

چین در عرصه تجاری- اقتصادی بوده و از طرفی هم این وضعیت معرف قدرت نرم چین می‌باشد.

در رابطه به قدرت نرم باید یادآور شد که ظرفیت‌های فرهنگی یک کشور می‌تواند به عنوان بخشی از ابزارهای قدرت نرم به حساب آید. ابزارهای یادشده به مواردی چون دیپلوماسی، مشارکت در سازمان‌های چند ملیتی، سازمان‌های منطقه‌یی و فرامنطقه‌یی، اقدامات برای تجارت خارجی و جذب آن، شغل‌زایی، مدیریت صحت، کنترل نسبی مهاجرت‌های داخلی و خارجی، کارکرد موسسات کنفیسیوس و گسترش زبان چینی... می‌توان اشاره کرد. چینی‌ها با نوعیت اداره نظام شان توانسته اند که از پراکنده‌گی، مشکلات اجتماعی جلوگیری نمایند و میزانی بسیاری از مسایلی که منجر به بحران اجتماعی می‌شود را کاهش دهند. این ابزار (قدرت نرم) موجب محبوبیت و جذابیت چینی‌ها میان دیگر کشورها شده و با استفاده از آن به پرستیژ جایگاه خود افزوده اند. نکته قابل توجه این است که اگر رضایت و توافق اجتماعی در مورد اهمیت ارزش‌ها و باورهای یک فرهنگ وجود داشته باشد، آن فرهنگ قوی و اگر توافق اجتماعی وجود نداشته باشد، آن فرهنگ ضعیف خواهد بود^(۱۱). ولی این مورد در گفتار نظریه پردازان چون هانتینگتون به مفهوم دیگری برجسته شده است؛ طوری که او از هفت یا هشت تمدن بزرگ مانند (اسلام، مسیحیت، بودایی، کنفیسیوس، تمدن آفریقایی، تمدن امریکای لاتین، تمدن هندی، تمدن اسلاو-ارتدوکس و جاپان) به عنوان تمدن‌هایی یاد کرده که برای غرب تهدید آور است^(۱۲). یعنی فرهنگ می‌تواند، چالش‌زا باشد، پس به این اساس می‌توان گفت که قدرت نرم که متاثر از داشته‌های فرهنگی است؛ نمی‌تواند جایگزین ظرفیت نظامی یک کشور گردد، به این دلیل است که چینی‌ها در کنار توجه به بعد نرم قدرت به بعد نظامی قدرت نیز توجه دارند و در نهایت این کشور توانسته است، ظرفیت چانه‌زنی‌های خود را با افزایش قدرت نظامی، سیاسی و اقتصادی در سطح بین‌المللی افزایش دهد و برعلاوه آسیا و مناطق هم‌جوار در سطح بین‌المللی برای

بررسی مختصری پیرامون روابط چین با آمریکا و برخی کشورهای منطقه
خود منافع را تعریف و حرفی برای گفتن داشته باشد. باید یادآور شد که تعریف
منافع چین در منطقه و بیرون از منطقه باعث گردیده، تا روابط این کشور در
منطقه با کشورهای قدرتمند و در سطح جهان با ایالات متحده آمریکا مطالعه
گردد و در ادامه به گونه مختصر به مطالعه این مناسبات می پردازیم:

روابط چین با برخی کشورهای منطقه

چین در جنوب آسیا با هند در شمال آسیا با روسیه در شرق آسیا با جاپان،
در آسیا مرکزی با جمهوری های این منطقه، در غرب آسیا با ایران و بسیاری
کشورهای دیگر به عنوان قدرت های برجسته منطقه ای مقابل است و با هر کدام
این واحدها روابط منحصر و مشخص دارد که در زمینه مناسبات و ارزیابی قدرت
چین قابل تامل و درک می باشند. از طرف دیگر، روابط کشورهای همسایه در
سیاست خارجی چین اهمیت خاص داشته و این مورد یک موضوع اتفافی نبوده
بلکه مسأله تاریخی و جغرافیایی می باشد. چین با دارا بودن بیش از ۲۲۰۰۰
کیلومتر مرز سرزمینی با ۱۴ کشور بیشترین امتداد مرزها را با سایر کشورها در
جهان دارد (۱۳). این کشور به لحاظ موقعیت جغرافیایی، تعدد همسایگان و
منازعات ارضی و مرزی روابط همجواری متشنج و پیچیده را سپری کرده و به این
دلیل سیاسیون چین دیپلوماسی همسایگی خوب را روی دست گرفتند تا از
احتمال پرننگ شدن مناقشات و منازعات جلوگیری نمایند. بنا بر دیپلوماسی
همسایگی خوب؛ روابط همجواری در اولویت اصلی سیاست خارجی چینایی ها
قرار داشته در حالی که قبل از اتخاذ این راهکار روابط با قدرت های بزرگ برای
آن ها از اهمیت بیشتر برخوردار بود، ولی بعد از کنفرانس کمیته مرکزی حزب
کمونست این کشور در سال ۲۰۰۳ م. اولویت به همسایه ها داده شده است.
(۱۴). ذیلاً جهت شناخت موضعگیری چین در منطقه به مطالعه مختصر روابط
این کشور با قدرت های برجسته می پردازیم:

هند: برجسته ترین نکته در روابط دو جانبه چین و هند معضله مرزی میان
آن ها بوده که این اختلافات در سال ۱۹۶۲ م. منجر به جنگ گردید. ولی دیدار

راجیو گاندی در ۱۹۸۸م. از چین نقطه عطفی در روابط دو کشور شناخته می‌شود. در کنار این مورد پنج اصل همزیستی مسالمت که از طرف نهر و چوئن لای* اعلام شد، تیوری منطقه بی‌طرف و استراتژی جبهه مشترک مائو دلایلی در بهبود روابط دو طرف پنداشته می‌شود^(۱۵). در مقطع زمانی پس از ختم جنگ سرد سال ۱۹۹۱ دیدار لی پنگ* از دهلی و دیدار رائو* از پیکنگ، چهار طرح پیشنهادی جیانگ زمین برای صلح، برگزاری پنجاه و پنجمین سال برقراری روابط دو کشور، پذیرفتن هند در سازمان شانگهای، آغاز مذاکرات استراتژیک دو کشور، برنامه پنج ساله همکاری دو جانبه اقتصادی در ۲۰۰۵ و افزایش روابط اقتصادی- تجاری دو کشور به بیش از ۲۰ میلیارد دالر در ۲۰۰۶م. بیانگر بهبود روابط چین- هند پنداشته می‌شود^(۱۶). به این ترتیب نکات یاد شده می‌تواند به عنوان سرآغاز روابط نیک و حسنه میان دولت‌های مذکور شناخته شود که دیدار سران دو طرف را در پی داشت و اکنون الزامات اقتصادی به عنوان عامل مهم میان دو طرف باعث بهبود مناسبات شان گردیده است به این دلیل آن‌ها خواهان حل مسالمت آمیز مناقشات و منازعات مرزی خود نیز می‌باشند؛ البته باید به این نکته نیز توجه داشت که در عرصه سیاست خارجی و در نوعیت نظام بین الملل چین و هند به عنوان قدرت‌های در حال رشد خواهان چندجانبه گرایی قدرت جهانی هستند و می‌توانند به تبع آن از جمله قدرت‌های برجسته در تعیین قطب‌های جهان پنداشته شوند. در رابطه به این مورد باید یادآور شد که دهلی جدید از پیکنگ برای کسب حمایت این کشور جهت دستیابی به کرسی شورای امنیت بهره برده می‌تواند که این عامل در بهبود روابط شان موثر بوده و نشان دهنده ایجاد روابط حسنه میان چین و کشور های منطقه به خصوص هند می‌باشد^(۱۷).

جاپان: با اینکه چین و جاپان مشترکات دیرینه تاریخی و فرهنگی چون خط چینی، نظام اخلاقی کنفیسیوس، صنعت، هنر، ادبیات، طب و... دارند، اما این دو کشور شرق آسیا روابط شدیداً متشنج را تجربه نموده اند. با وجود این همه

بررسی مختصری پیرامون روابط چین با آمریکا و برخی کشورهای منطقه

سال ۱۹۸۹ م. و سفر امپراتور جاپان به چین به عنوان نقطه عطفی در مناسبات دو کشور پنداشته می شود که بعداً در سال ۱۹۹۱ م سفرهای کایفو نخست وزیر جاپان و جیانگ زمین رییس جمهور چین، دیدار نخست وزیران دو کشور در اجلاس آپک و معذرت خواهی جاپان از چین به دلیل تجاوز جاپان در جنگ دوم جهانی به چین، حمایت جاپان از چین در گرفتن عضویت در سازمان تجارت جهانی، حمایت چین از جاپان برای کسب کرسی شورای امنیت و ... موارد را در پی داشت. اما با همه این تلاش‌ها مناسبات دو کشور بالای مسایلی چون مالکیت جزایر، روابط با ایالات متحده، میزان مالیات و بسیار موارد سیاسی-اقتصادی دچار تنش می‌باشد. امروزه چین توانسته است با پیوستن به نهادها و سازمان‌های متعدد توانمندی و ساحت نفوذ خود را به عنوان قدرت منطقه‌یی افزایش دهد و از آن در منطقه و فراتر از آن برای خود جایگاه برجسته ترسیم نماید که چنین وضعیت جاپان را به عنوان رقیب تاریخی به چالش و آزمون مواجه می‌نماید و در مقابل جاپان به نحوی دنبال تضعیف چین است و مشخصاً از جنگ دوم جهانی به این سو روابط دو همسایه بزرگ آسیای شرقی یعنی چین و جاپان همواره پر تنش بوده است (۱۸). نکته مهم در این روابط این است که عدم هماهنگی جاپان می‌تواند بالای روند روبه رشد چین تأثیرات منفی گذارد و چینی‌ها را به چالش مواجه نماید. در کل روابط دو طرف شاهد رقابت استراتژیک است. از طرفی هم همراهی امریکایی‌ها و جاپانی‌ها چین را به این نتیجه رسانیده که یک مشارکت استراتژیک بین پکن و مسکو بتواند با مشارکت امریکایی-جاپانی به تعادل رسیده و از عمیق شدن تنش کاسته شود (۱۹). یعنی چینی‌ها به این باور اند که با ایجاد بازدارندگی، توازن منطقه‌یی و بین المللی بتواند جلو سرد شدن و یا به وخامت کشیده شدن روابط را بیگیرند.

روسیه: پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق، جمهوری خلق چین و فدراتیف روسیه نظم جدید جهانی که به نفع تک قطبی شدن امریکایی‌هاست را به گونه تهدیدی برای منافع و امنیت ملی خود می‌دانند. به این ترتیب اکنون

روابط دو کشور (چین و روسیه) در قالب مشارکت استراتژیک قرار دارد و دو طرف در سازمان همکاری‌های شانگهای، شورای امنیت سازمان ملل متحد، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی... باهم همراه اند. همین اهداف و منافع مشترک باعث شده طرفین به گسترش روابط شان بپردازند. از طرف دیگر آن‌ها حضور ناتو و فعالیت‌های این سازمان در شرق بخصوص شرق اروپا، افغانستان و عراق را مخالف خواست‌های خود می‌دانند که همه در نظام فعلی بین‌المللی می‌تواند عوامل نزدیکی اهداف دو کشور باشد و روابط شان در سطح قناعت بخش قرارداد شده باشد. طوری که چندی قبل در دیداری روسای جمهوری دو کشور طیف وسیعی از مسایل مربوط به روابط دوجانبه، از جمله توسعه همکاری‌ها در عرصه‌های مختلف اقتصادی، زراعتی و انرژی را مورد بررسی قرار دادند و رهبر چین تاکید کرد که پیکنگ و مسکو در تماس دائمی با یکدیگر هستند و همواره در رابطه با مسایل مهم بین‌المللی و منطقه‌ای با یکدیگر تبادل نظر نموده و مواضع خویش را هماهنگ می‌کنند (۲۰). بنابراین است که روابط دو جانبه میان قدرت‌های آسیایی چون چین و روسیه شاهد بهبود و گسترش بوده و این مورد چالش‌های ایجاد شده سرراه چین را کاهش می‌دهد.

آسیای مرکزی: بعد از سال‌های ۱۹۹۱ م. و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق، منطقه آسیای مرکزی به دلیل داشتن منابع طبیعی مثل نفت و گاز مورد توجه قدرت‌های منطقه و فرامنطقه قرار گرفت؛ به این ترتیب منطقه مذکور و جمهوریت‌های شامل آن به عرصه رقابت میان کشورهای روسیه، امریکا و چین مبدل گردیده است که در این راستا چین به دلیل اقتصاد محور بودن سیاست‌هایش بیشتر به این منطقه توجه دارد. از طرف دیگر به دلیل اینکه چین در جهان به دنبال چند قطبی شدن نظام بین‌الملل می‌باشد، پس نقش داشتن در قضایای آسیای مرکزی برای آن مهم پنداشته می‌شود که از آن جمله بازگشایی مرزها، تصمیم جسورانه چینایی‌ها را برای اولویت دادن به توسعه اقتصادی با وجود خطر بی‌ثباتی در منطقه خودمختار سینکیانگ بیان

بررسی مختصری پیرامون روابط چین با آمریکا و برخی کشورهای منطقه

می‌نماید. بنابراین چین، پایه‌های اولیه سازمان همکاری شانگهای را با هدف مقابله با جدایی‌طلبی، تروریسم، افراط‌گرایی و به طور ضمنی هژمونی آمریکا گذاشته است. چینیایی‌ها در این مدت به نحوی تلاش کرده‌اند، تا نفوذ سیاسی، تضمین امنیت، منافع اقتصادی و دسترسی به منابع انرژی را در این منطقه به دست داشته باشند. از طرفی، رشد سریع روابط میان چین و آسیای مرکزی در سال‌های اخیر، اهمیت آسیای مرکزی را از موقعیت مرزی ارتقا داده و به یک اولویت اصلی در استراتژی سیاست خارجی چین تبدیل کرده است، در دهه گذشته، آسیای مرکزی هم در عرصه نفوذ چینی‌ها و هم از جنبه تحول جایگاه جهانی چین در موقعیت رقابت با ایالات متحده، روسیه، اروپا و دیگر کشورهای قدرتمند، معنا یافته است. از این منظر، چین، آسیای مرکزی را به عنوان یک فرصت منحصر به فرد برای افزایش ابعاد قدرت خود فراتر از شرق آسیا در دوره پس از پایان جنگ سرد می‌بیند (۲۱). بناءً همکاری‌های اقتصادی و تجاری چین با آسیای مرکزی در سال‌های اخیر توسعه سریعی یافته و به سطح غیر قابل پیش‌بینی رسیده است. ارتباطات دو طرف در بخش‌های علمی، آموزشی، فرهنگی و ورزشی نیز گسترش قابل توجهی یافته است. اگرچه امروز عوامل تهدید را مانند تروریسم، افراط‌گرایی، اختلافات قومی، جدایی‌طلبی ... در روابط چین و قسمتی از آسیای مرکزی وجود دارد، اما دولت‌ها مذکور تلاش در مهار این معضل دارند که فعالیت و نقش سازمان همکاری‌های شانگهای بیانگر آن می‌باشد.

ایران: چین و ایران دارای مناسبات گسترده و همکاری‌های سیاسی، اقتصادی و تجاری بسیار نزدیک و رو به رشد هستند و عرصه‌های مهم همکاری میان دو کشور سیاست، امنیت، تکنالوژی، طرح‌های زیربنایی، تعلیم و تربیه و غیره می‌باشد. در میان عرصه‌های برجسته همکاری میان چین و ایران می‌توان به فعالیت شرکت‌های چینی اشاره داشت که در بسیاری از طرح‌ها و برنامه‌های نفت و گاز در ایران فعال هستند. طوری که چین در سال‌های

گذشته بزرگترین شریک تجاری ایران بوده و در سال ۲۰۱۴ م ارزش مبادلات دو کشور به بیش از ۵۰ میلیارد دلار رسیده بود که ۱۵ برابر بیشتر از حجم تبادلات دوجانبه در سال های ۱۹۹۰ بوده است. سال ۲۰۱۶ م یک قرارداد چهار میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلری بین پتروپارس ایران و شرکت 'سی ان پی سی' چین و توتال فرانسه امضا شده است. حجم مبادلات ایران و چین در سال ۲۰۱۷ میلادی به ۳۷ میلیارد دلار رسیده است؛ از طرف دیگر، ایجاد زیر ساخت‌ها، احداث خطوط لوله نفت و گاز، ساخت بنادر، طرح‌های زیربنایی و خط آهن‌های سریع السیر از برنامه‌های آینده است که دو کشور توان بالقوه برای اجرای آن‌ها دارند و در کنار آن راه ابریشم نو نیز نه تنها همکاری‌های اقتصادی و تجاری دو کشور را تقویت می‌کند، بلکه باعث می‌شود، فرصت‌های بیشتری برای شرکت‌های دو کشور فراهم شده و استندردهای زنده‌گی و تجاری دو طرف ارتقا می‌دهد (۲۲). اما در رابطه به مورد قابل تعمق در سیاست‌های چین در ایران می‌توان به ایالات متحده آمریکا اشاره داشت که چینیایی‌ها بیشتر تلاش به ایفای نقش میانه دارند تا بتوانند منافع دوطرفه شان را با ایران و آمریکا حفظ نمایند. در زمینه برنامه های هسته‌یی ایران سیاست چین دارای دو وجه است؛ از طرفی خواهان اجرای رژیم NPT با همکاری امریکاست و از طرفی دیگر، چین معتقد به هسته‌یی شدن ایران است و آن را در راستای منافع جیوپولتیکی خود در خلیج فارس مهم می‌پندارد (۲۳) و با اینکه چینیایی‌ها با اعمال تحریم‌های امریکا در مقابل ایران مخالفت می‌نمایند، اما در برخی قطعنامه‌هایی که در این مورد شورای امنیت صادر کرده، این کشور رای موافق داشته است؛ طوری که در ۳۱ جولای ۲۰۰۶ م. شورای امنیت قطعنامه ۱۶۹۶ را بنا بر ماده ۴۰ فصل ۷ منشور اتخاذ کرد که به ایران تا ۳ آگست ۲۰۰۶ فرصت می‌داد، تا تمام فعالیت‌های مربوط به غنی‌سازی یورانیوم را کنار بگذارد یا پذیرای تحریم‌های اقتصادی و دیپلماتیک باشد. این قطعنامه اولین قطعنامه الزام‌آور به لحاظ حقوقی در مقابل ایران بود، اما صرفاً به عنوان هشدار بود که اگر چنین نشود،

بررسی مختصری پیرامون روابط چین با آمریکا و برخی کشورهای منطقه

تحریم تداوم خواهد داشت^(۲۴) و در دسامبر ۲۰۰۶ شورای امنیت قطعنامه ۱۷۳۷ را تصویب کرد که صادرات و واردات کالاهای حساس هسته‌یی را منع می‌کرد و دارایی‌های مالی افراد و سازمان‌های حامی فعالیت هسته‌یی بلاک شد^(۲۵) در ۲۶ مارچ ۲۰۰۷، شورای امنیت قطعنامه ۱۷۴۷ را تصویب کرد که دامنه آن از قطعنامه‌های ۱۶۹۶ و ۱۷۳۷ بیشتر بود و صادرات و واردات، تسلیحات ایران و افراد شامل در فعالیت‌های هسته‌یی را نیز در بر می‌گرفت^(۲۶). مواردی اند که رای موافق چین را دارد، اما با وجود این همه، در طول سال‌های اخیر روابط اقتصادی چین و ایران رشد زیادی را تجربه کرده است.

چون منطق اصلی‌یی که پشتوانه همکاری چین با ایران است نه صرفاً تأمین گاز و نفت، بلکه فرصت‌های تجاری برای شرکت‌های ملی نفت چینی می‌باشد؛ چرا که ایران یکی از معدود کشورهایی در خاورمیانه است که به چین حق تجارت در زمینه فعالیت‌های بخش بالادستی (upstream sector)* را داده است. چین از سال ۱۹۹۳ به واردکننده محض نفت مبدل شد و برای اینکه ۴۰ درصد نیازهای مصرفی‌اش را پوشش دهد، به همان اندازه از نفت مصرفی را وارد می‌نماید. با رشد سیزده درصدی تقاضای چین برای نفت، این کشور در حال تبدیل شدن به بزرگترین مصرف‌کننده انرژی نفت می‌باشد^(۲۷). روابط چین و ایران در عصر کنونی دارای اهمیت فراوان برای دو طرف است و این مناسبات بالای سیاست‌های شرق میانه‌یی چین و تحقق منافع استراتژیک این کشور تاثیر به سزایی دارد و از طرف دیگر گسترش روابط طرفین در راستای تحقق و حفظ امنیت جاده ابریشم جدید نیز مثمر پنداشته می‌شود^(۲۸) که چینیایی‌ها بیشتر از همه به طرح جاده ابریشم جدید در سیاست‌های شان اهمیت قایل هستند؛ بدین ملحوظ در زمینه روابط منطقه‌یی شان محتاطانه اقدام می‌نمایند و از گسترش تنش‌ها پیشگیری می‌نمایند.

اکنون که ایالات متحده آمریکا بالای ایران تحریم‌های جدید را اعمال کرده و درکنار این موضوع از برجام هم خارج شده است، ایران برای حفظ و گسترش

روابط سیاسی- اقتصادی خود با چین تلاش می‌نماید و در مقابل چینایی‌ها هم تلاش دارند، تا منافع خود را در برابر بحران ناشی از برجام حفظ نمایند. این احتمال وجود دارد که چین تعاملات اقتصادی خود را در حوزه واردات نفت با ایران ادامه دهد. چون چینایی‌ها منافع جهانی خود را نیز در نظر می‌داشته باشند و این احتمال نیز وجود دارد که آن‌ها تعاملات دیپلوماتیک خود را چنان سازمان دهند که میزان حساسیت واشنگتن را در مقابل اقدامات خود به حداقل برسانند و باید به این نکته توجه داشت که با خروج آمریکا از برجام بخش بیشتر رفتار دو جانبه چین و ایران تحت تاثیر اقدامات و رفتارهای اتحادیه اروپا قرار خواهد گرفت و اولویت چین در این وضعیت حفظ تعادل میان منافع منطقه‌یی و بین‌المللی است.

بحث مختصری در رابطه به روابط چین و ایالات متحده آمریکا

بعد از فروپاشی بلوک شرق و تثبیت جایگاه ایالات متحده آمریکا به عنوان تک قدرت برتر در نظام بین‌الملل این کشور یکی از مهمترین و برجسته‌ترین فرصت و چالش در مقابل سیاست‌های چینایی‌ها در قرن بیست و یک شمرده می‌شود. آمریکا به دلیلی برای چین یک فرصت است که اگر ظرفیت اقتصادی و امنیتی دو کشور به قسم درست مدیریت گردد در آن صورت می‌توانند در کنار تضمین ثبات بین‌المللی وضعیت ایجاد شده باعث دسترسی به اهداف و منافع شان گردد و تهدید یا چالش به این علت است که در صورت مخالفت دو طرف می‌تواند ظرفیت‌های رشد و توسعه یک دیگر را به چالش مواجه کنند و یا نابود نمایند. به این دلیل است که چین به عنوان یکی از پر جمعیت‌ترین کشورهای جهان با داشتن بالاترین نرخ رشد اقتصادی؛ در سطح بین‌المللی کشوری است که قدرت هژمونی ایالات متحده را نمی‌پذیرد و تلاش می‌نماید با افزایش هزینه‌های بدون رویا رویی مستقیم جایگاه خود را در نظام بین‌الملل تقویت بخشد^(۲۹).

چین و ایالات متحده آمریکا در نظام کنونی بین‌الملل با وجود این که ظاهراً روابط حسنه دارند اما مناسبات آن‌ها همواره دچار تنش و فراز و فرود بوده است.

بررسی مختصری پیرامون روابط چین با آمریکا و برخی کشورهای منطقه

طوری که مناسبات امروزی دو کشور را بعد از به قدرت رسیدن دونالد ترامپ می توان به سه دوره تقسیم کرد. دوره اول از زمان کمپاین‌های انتخاباتی دونالد ترامپ تا سه ماه اول ریاست جمهوری او، دوره دوم زمان دیدار و ملاقات‌های شی جین پینگ و دونالد ترامپ در آمریکا تا سفر دوازده روزه ترامپ به آسیا و دور سوم روابط چین و آمریکا از سفر دوازده روزه به آسیا تا اعلام استراتژی امنیتی ملی آمریکا و نگاه به چین به عنوان یک تهدید و رقیب استراتژیک می‌باشد^(۳۰). دوره اول یعنی زمان کمپاین‌های انتخاباتی رییس جمهور آمریکا با اظهارات وی در رابطه به وضع تعرفه‌ها و محدود کردن واردات کشور های دیگر به آمریکا بود و در مقابل چینایی‌ها تلاشی برای شناخت راهکارها و موضعگیری های رییس جمهور آینده آمریکا داشتند. در دور بعدی که مربوط به دیدارهای دو طرفه می‌گردد حوزه های دیپلوماسی، اقتصاد، تجارت، فضای سیابیری و غیره را در بر داشت که در این دوره همراهی چین و آمریکا دیده می‌شد؛ از طرف دیگر چین توانست، متغیرهای مداخله گر چون مسأله تایوان، تبت، دریای جنوبی چین و دریای شرقی چین را در روابط با ایالات متحده به خوبی مدیریت نماید. اما دور نهایی و اعلام استراتژی امنیتی آمریکا و کد نویسی جدید جیوپولتیک از طرف ترامپ برای مهار این مناطق و این که در این استراتژی ترامپ از چین به عنوان رقیب استراتژیک یاد کرده است؛ می باشد^(۳۱). در نگاه دیگر باید یادآور شد که تنش و نوسانات در روابط چین و آمریکا کوتاه مدت نیست و این نوع برخورد امکان دارد در آینده ها بیشتر پررنگ و ابعاد آن برجسته تر گردد. طوری که این اختلافات و تنش‌ها در بُعد نظامی افزایش بودجه و مدرنیزه کردن نیروهای نظامی چین، در بُعد اقتصادی جنگ تجاری آمریکا- چین و غیره را شامل می‌گردد. اما باید به این نکته توجه داشت که مناسبات اقتصادی چین و ایالات متحده آمریکا در این اواخر وارد مرحله جدیدی از تنش شده که پیرامون آن در ادامه به طور جداگانه بحث می‌نمایم.

جنگ تجاری* (امریکا-چین)

دونالد ترامپ رییس جمهور ایالات متحده امریکا از زمان آغاز کارزار های انتخاباتی خود تاکید بالایی ابعاد اقتصادی روابط کشورش با دولت‌های دیگر داشت که از آن جمله چین به عنوان شریک تجاری این کشور و یکی از قدرت‌های بزرگ اقتصادی در جهان بیشتر مورد بحث وی قرار دارد. انتقاد ترامپ از این بود که موازنه تجاری میان امریکا و چین برابر نبوده و صادرات چین به امریکا بیشتر از واردات آن‌ها از ایالات متحده است. بعد از برنده شدن دونالد ترامپ در انتخابات؛ دولت امریکا راه حل این مشکل‌شان را به اعمال تعرفه‌های گمرکی دانسته است. به این دلیل دولت امریکا در وهله نخست با وضع تعرفه ۲۵ درصدی و ۱۰ درصدی بر فولاد و المونیم وارد رویارویی تجاری با جهان شد. در این مرحله؛ امریکا تعرفه‌هایی بر ۵۰ میلیارد دالر محصولات چین اعمال کرد. مرحله دوم این جنگ تجاری از ۱۷ سپتمبر ۲۰۱۸ آغاز شد؛ در این راستا؛ ترامپ جنگ تجاری با چین را تشدید و اعلام کرد امریکا ۱۰ درصد تعرفه بر حدود ۲۰۰ میلیارد دالر محصولات وارداتی چین اعمال خواهد کرد. ترامپ در عین حال برخی کالاهای ساخت چین را از این تعرفه‌ها مستثنی ساخت. و در کنار این مورد امریکا اعلام کرد که اگر چین علیه ده‌ها صنایع امریکایی اقداماتی تلافی جویانه وضع کند، فوراً در مرحله سوم برنامه تجاری خود در قبال چین، بر ۲۶۷ میلیارد دالر دیگر از محصولات وارداتی از این کشور اعمال تعرفه خواهیم کرد از طرف دیگر ترامپ تجارت آزاد را عامل اصلی نابسامانی اقتصاد امریکا دانسته و تهدید کرده است موانعی بر سر راه آن ایجاد می‌کند (۳۲). در زمینه اقدامات ترامپ در عرصه تجاری و این که وی به گونه‌ی تجارت آزاد را عامل نابسامانی کشورش می‌داند باید یادآور شد که وی با این نظرش کشورهای نوظهور مانند چین و همچنان دولت‌های دیگر که در جمع طرفداران بازار آزاد اند را مخالف خود ساخته و تاثیر این اقدامات او برای اقتصاد جهانی مخرب و تنش بار خواهد بود. به گونه که آلوارو پیرا Alvaro Pira، کارشناس مسایل

بررسی مختصری پیرامون روابط چین با آمریکا و برخی کشورهای منطقه

اقتصادی می‌گوید: «ادامه روند سیاست‌های اقتصادی آمریکا از جمله در بخش حمایت‌گرایی، بدون شک اقتصاد جهان را با مشکل و چالش مواجه خواهد کرد. اتخاذ سیاست‌های جدید یک جانبه اقتصادی از سوی آمریکا پس از روی کار آمدن دونالد ترامپ، ناخشنودی شرکای عمده تجاری آمریکا همانند چین و اتحادیه اروپا را در پی داشته است»^{۳۳}.

دونالد ترامپ رییس جمهوری آمریکا؛ چین را مهمترین تهدید و عامل مشکلات آمریکا تلقی می‌کند و جنگ تجاری با این کشور را ساده‌ترین و در عین حال موثرترین راه برای مهار رشد اقتصادی و محدود کردن چین در مرزهایش می‌داند در کنار موضوع اقتصادی آمریکا از نظر نظامی نه تنها در حال استقرار راکت‌های پیشرفته در کوریای جنوبی و جاپان است بلکه در سال جاری ۱۵۰۰ نظامی جدید نیز در استرالیا مستقر می‌نماید که این اقدام نشان می‌دهد دولت ایالات متحده در حال تقویت محور آمریکا-استرالیا-جاپان و هند در برابر چین است و محور و پایگاه نظامی آمریکا در منطقه، استرالیا خواهد بود که با افزایش نیروی نظامی در حال تجهیز و تقویت آن است^{۳۴}. با توجه به اینکه حوادث نقاط مختلف جهان بالای یک دیگر تاثیرگذار اند به این ترتیب جنگ تجاری میان آمریکا و چین تاثیرات احتمالی را بر اقتصاد جهان خواهد داشت که در گام‌های نخست این رویاروی اقتصادی می‌توان از اثرات این جنگ از ریزش دسته جمعی بورس‌های اروپایی و آسیایی یاد کرد که در واقع مهمترین بازارهای مالی اروپا و آسیا همگی در حاشیه منفی قرار گرفتند. شاخص CAC۴۰ فرانسه ۱,۱۰ درصد منفی، DAX آلمان ۱,۵۲ درصد منفی، شاخص اصلی هانگ کانگ ۲,۹۱ درصد منفی، شاخص Nikkie جاپان ۱,۷۳ درصد منفی، شاخص مالزی ۱,۶۹ درصد منفی، شاخص KOSPI کوریای جنوبی ۱,۵۲ درصد منفی و STI سنگاپور ۰,۶۹ درصد منفی شد. این واکنش دسته جمعی می‌تواند تصویر واقع‌بینانه‌دی از چالش جدید اقتصاد جهانی به دست دهد و ابعاد جدال میان بزرگترین اقتصادهای جهان را به وضوح نمایان کند^{۳۵}. در این رابطه

گوآن تائو Guan Tao عضو موسسه ۴۰ انجمن مالی چین ۴۰ (China Finance Forum) معتقد است: با اعمال تعرفه‌ها، اعتماد سرمایه گذار و مصرف کننده نیز تحت تاثیر قرار می‌گیرد همچنین این اقدام باعث می‌شود رشد مالی امریکا در آینده تحت تاثیر قرار گیرد. از این رو تاثیر واقعی چنین اقدامی این است که به راه انداختن جنگ تجاری علیه چین فقط آسیب زدن به این کشور نیست بلکه به دیگر کشورهای جهان نیز آسیب وارد می‌شود و این کار برای آینده اقتصادی جهان بسیار خطرناک است. همچنین نشریه بیزینس اسنایدر در گفت و گو با کارشناسان می‌نویسد که کشورهایی مانند ایرلند در زمینه دریافت سرمایه گذارهای خارجی، ایسلند در زمینه صنایع المونیم، گردشگری و شیلات آن می‌تواند آسیب پذیرتر از جاهای دیگر باشد، مالیزیا در رابطه به صدور محصولات، جمهوری چک با ۶۴ درصد، مجارستان با بیش از ۶۵ درصد، اسلواکی با ۶۷ درصد، تایوان با ۶۷ درصد و لوکزامبورگ که در رده نخست آسیب پذیری قرار می‌گیرد با بیش از ۷۰ درصد صادرات در زمینه های بانکی، خدمات، صنایع فولاد و المونیم و بسیاری از بخش‌های دیگر صنعتی از نبرد تجاری چین و امریکا و گسترش آن متضرر خواهند شد (۳۶). با توجه به وابستگی متقابل که میان قدرت‌های جهان در بُعد اقتصادی وجود دارد پس آن گونه که ایالت متحده امریکا به رهبری دونالد ترمپ به آن باور دارد که توسط اعمال فشارهای اقتصادی منافع‌شان را حاصل می‌توانند امکان پذیر نخواهد بود بلکه پیامد های این چنین راهکارهای اقتصاد امریکا و دیگر قدرت های اقتصادی جهان را به شدت آسیب خواهد زد چون اقتصاد کشورها در تعامل با یکدیگر بوده بناءً خسارات برخاسته از روابط آن‌ها دامن گیر سیستم می‌گردد.

از طرف دیگر باید گفت که دولت امریکا با اعمال تعرفه‌ها بالای کالای چین نمی‌تواند آن‌ها را وادار به پذیرش نماید طوری که تئودور. اچ موران Theodore H. Moran کارشناس مسایل اقتصادی می‌گوید: «جنگ‌های تجاری متعارف از طریق استفاده از تعرفه‌های گمرکی مطابق با زنجیره عرضه جهانی شده در

بررسی مختصری پیرامون روابط چین با آمریکا و برخی کشورهای منطقه

دنیای کنونی نیستند^(۳۷)» با استناد به افت و ریزش بازارهای بورس اروپایی و آسیایی و پیش بینی‌های کارشناسان عرصه اقتصادی می‌توان گفت که جنگ تجاری به جای این که اصلاحات ایجاد نماید مشکلات را بیشتر تشدید می‌کند. و اعمال تعرفه‌ها بالای محصولات چینیایی تمامی کشورهای شامل زنجیره اقتصادی جهان را آسیب می‌زند چون چین در عرصه اقتصادی با کشورهای چون مالیزیا، کوریا جنوبی، جاپان، کشورهای اروپایی... معاملات تجاری دارد. و آسیبی که از اعمال تعرفه‌ها به اقتصاد بین‌المللی می‌رسد بالای تمامی کشورها تاثیر داشته و این مورد می‌توان باعث آشفتگی بیشتر مسایل اقتصاد جهانی گردد.

نتیجه‌گیری

روابط چین با قدرت‌های منطقه چون روسیه، هند، ایران و حتی جاپان باوجود تنش‌های تاریخی بار اقتصادی داشته و چینیایی‌ها به واسطه کارکرد اقتصادی و همگرایی در سازمان‌های منطقه‌یی توانسته اند تنش‌های موجود در روابط شان را کاهش بدهند. نکته برجسته مناسبات چین با همه کشورهای منطقه و جهان روابط اقتصادی و مبادلات تجاری است که این گونه روابط همکاری‌ها را پی‌درد. البته با وجودی که اقتصاد توانسته است تا یک حدی وابستگی متقابل میان این کشورها ایجاد نماید و به عنوان اصل تنظیم‌کننده روابط میان شان باشد اما نباید فراموش کرد که روند رو به توسعه چین و افزایش تدریجی قدرت اقتصادی چینیایی‌ها منجر به زمینه‌شکل‌گیری برخی مخالفت‌ها نیز شده می‌تواند و از طرفی هم وجود منافع اقتصادی نیاز به حمایت و پشتیبانی سیاسی- نظامی را نیز لازم دارد و به این دلیل است که چین در کنار رشد اقتصادی توجه به بهبود وضعیت نظامی نیز دارد. طوری که امروزه دیده می‌شود چین از آن نوع توانایی‌ها برخوردار شده است که می‌تواند در عرصه نظام بین‌المللی از موضع خود دفاع نموده به موازنه‌گری و تقابل بپردازد.

در زمینه روابط چین و ایالات متحده آمریکا باید گفت که بعد از ۱۹۹۰م. و با تغییرات ایجاد شده در نظام بین‌الملل آمریکا به عنوان تک‌قدرت برتر در جهان

به گونه‌ی تعیین کننده مناسبات میان کشورها بوده و چین با قدرت روبه رشد خود با ایالات متحده مناسباتی را در قالب الگوهای همکاری که بیشتر جنبه اقتصادی داشته و رقابت که بیشتر جنبه استراتژیک دارد، پیش می‌برد یعنی رویکرد حاکم در مناسبات بین المللی میان ایالات متحده امریکا به عنوان قدرت برتر و چین به عنوان قدرت در حال رشد متأثر از الگوی همکاری و رقابت می‌باشد. یعنی می‌توان به وضاحت گفت که میان دو طرف در عرصه اقتصاد همکاری‌های گسترده وجود داشته و در حوزه‌های امنیتی مناسبات آن‌ها متأثر از رقابت استراتژیک است که در این اواخر بعد اقتصادی مناسبات چین و امریکا دچار تنش شده و این دو کشور به عنوان قدرت‌های تاثیر گذار در اقتصاد جهان از سال ۲۰۱۷م. و بعد از به قدرت رسیدن دونالد ترامپ دچار اختلافات تا سرحد جنگ تجاری اند. که این جنگ تجاری یا نبرد تعرفه‌ها میان آن‌ها آسیب‌های را به سیستم اقتصادی جهان وارد کرده می‌تواند و در نهایت همه قدرت‌های اقتصادی به شمول امریکا و چین از اضرار مخرب آن به دور بوده نمی‌توانند چون اقتصاد جهانی میان همه طرف‌ها در هم تنیده است.

چین در مقابل تاخت و تازهای ایجاد شده در نظام جهان و تنش‌های موجود در روابط منطقه‌ی بیشتر متکی به دیپلوماسی اقتصادی عمل می‌نماید و این راهکار آن‌ها را در کاهش مخاصمات یاری رسانیده است. به این ترتیب درک می‌گردد که تدوین و ترتیب یک دیپلوماسی اقتصادی کارآمد، همه جانبه و موفق از یک طرف باعث رفاه، قدرت یابی توسعه و پیشرفت یک دولت در سطح بین الملل می‌گردد و از طرف دیگر این نوع کارکرد می‌تواند از تخاصم و تقابل جدی قدرت‌ها جلوگیری نماید. طوری که در رابطه به چین می‌توان این موضوع را به وضاحت دید که چگونه چین با اتخاذ الزامات یک دیپلوماسی اقتصادی توانسته است در سطح کشور و منطقه و جهان شاهد دست آورد‌ها باشند بناءً در ختم این مقاله به گونه پیشنهاد می‌توان یاد آور شد که دولت افغانستان نیز با در نظر داشت موقعیت جیوپولتیکی و جیواکونومیکی خود توان و مولفه‌های تدوین و

بررسی مختصری پیرامون روابط چین با آمریکا و برخی کشورهای منطقه
استفاده از دیپلوماسی اقتصادی را دارد پس نیاز است که از ظرفیت‌های موجود
در کشور برای تدوین دیپلوماسی اقتصادی و کاربرد آن در منطقه استفاده گردد تا
به این ترتیب بتواند از تنش‌ها و مخالفت‌ها جلوگیری نماید.

مآخذ و پی‌نوشت‌ها

^۱ - تاریخ تاسیس جمهوری خلق چین به نقل از:
<https://www.nationsonline.org/oneworld/china.htm>

^۲ - yang fuchang. Qin yaqing, contemporary china and its foreign
policy, world affair press ۲۰۰۲. Pp ۱۸۱-۱۸۵.

^۳ - سازمند، بهاره. سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ، موسسه فرهنگی و
مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر: تهران، ۱۳۹۰، ص ۹۰.

^۴ - همانجا، ص ۱۳۶.

^۵ - International Crisis Group, "The Iran Nuclear Issue: The View
from Beijing", International Crisis Group Asia Briefing, No. ۱۰۰,
February ۱۷/۲۰۱۰, at.
[http://www.crisisgroup.org/en/regions/asia/north-east-
asia/china/b۱۰۰-the-iran-nuclear-issue-the-view-from-beijing.aspx](http://www.crisisgroup.org/en/regions/asia/north-east-asia/china/b۱۰۰-the-iran-nuclear-issue-the-view-from-beijing.aspx)
, accesses: ۲۲/۵/۲۰۱۸.

^۶ - Cody K. Carlson, "This week in history: China enters the Korean
War", For the Deseret News, available at: ۱۰/۲۶/ ۲۰۱۴.
[https://www.deseretnews.com/article/۸۶۵۶۱۶۴۸۹/This-week-in-
history-China-enters-the-Korean-War.html](https://www.deseretnews.com/article/۸۶۵۶۱۶۴۸۹/This-week-in-history-China-enters-the-Korean-War.html) [accessed: ۲/۶/۲۰۱۸].

^۷ - Dipanjan Roy Chaudhur, "China should stop ratcheting up
۱۹۶۲, remember ۱۹۶۷ Nathu La battle" available at: Jul ۱۲, ۲۰۱۱,

<https://economictimes.indiatimes.com/news/defence/china-should-stop-ratcheting-up-۱۹۶۲-remember-۱۹۶۷-nathu-la> , [accessed: ۲/۶/۲۰۱۸].

^۸ - گزارش خبری، "روابط ایران و چین، پویا در سیاست سودآور در اقتصاد" ایران نیوز، ۲۵/۳/۲۰۱۸، ۸۲۸۷۰۵۵۸، <http://www.irna.ir/fa/News/۸۲۸۷۰۵۵۸> ، [مراجعه: ۱۳۹۷/۶/۱۴].

^۹ - گزارش و تحلیل خبری، "تجمع ویتنامی‌ها در سالگرد جنگ این کشور با چین"، سایت بین الملل، ۲۸/۱۲/۱۳۹۴، دسترسی: <https://www.isna.ir/news/۹۴۱۱۲۸۱۸۵۸۰/> [مراجعه: ۱۳۹۷/۸/۱۵].

^{۱۰} - نای، جوزف. آینده قدرت، ترجمه احمد عزیزی، انتشارات نی: تهران، سال ۱۳۹۲، ص ۷۰.

^{۱۱} - گارو، جان دبلیو. چین و ایران شریکان باستانی در جهان پس از امپراتوری، مترجم سعیده موسوی، انتشارات وزارت امور خارجه: تهران، سال ۱۳۸۸، ص ۲۱۹.

^{۱۲} - خراسانی، رضا. جایگاه و نقش قدرت فرهنگی در سیاست خارجی و تاثیر آن بر روند جهانی شدن، وزارت امور خارجه: تهران، سال ۱۳۸۹، صص ۲۴-۲۵.

^{۱۳} - هانتینگتون، ساموئل. "نظریه برخورد تمدن‌ها: هانتینگتون و منتقدانش، مترجم مجتبی امیری وحید، وزارت امور خارجه: تهران، سال ۱۳۸۱، صفحات ۲۸۶.

^{۱۴} - Zeng, Jin, Yuefan Xiao and Shaum, Breslirn, "Securing Chain's core interest: the stute of the Debate in chain" , international affairs , ۲۰۱۵, no۹۱, Pp ۲۴۲-۲۴۵.

^{۱۵} - Huasheng, Zhao, " Afghanistan and chain's new neighborhood diplomacy", the royal internal affairs, ۲۰۱۶, p ۸۰۴.

^{۱۶} - جواهر لعل نهرو که پاندیت (معلم) نیز خوانده می‌شود، یکی از بزرگترین رهبران جنبش استقلال و کنگره ملی هند به شمار می‌رود. او پس از استقلال هند در ۱۵ اگست ۱۹۴۷ (۲۳ اسد ۱۳۲۶)، به‌عنوان نخستین نخست‌وزیر این کشور انتخاب شد.

زندگینامه-جواهر-لعل-نهرو،-از-رهبران-
<https://persianv.com/maharat/>
جن.html.

^{۱۷} - چوئن لای، اولین نخست‌وزیر یا رئیس شورای دولتی جمهوری خلق چین در سال ۱۸۹۸م به دنیا آمد. وی پس از بازگشت به چین مدتی به امور سیاسی اشتغال داشت و پس از فرار به شوروی سابق در سال ۱۹۳۱م، کمیسر سیاسی ارتش سرخ شوروی شد. او در سال ۱۹۳۶م به‌عنوان مرد شماره دو حزب کمونیست چین تبدیل گردید و پس از پیروزی کمونیست‌ها و برقراری جمهوری خلق چین به رهبری مائوتسه تونگ، چوئن لای در اکتبر ۱۹۴۹م به ریاست شورای دولتی چین و نخست‌وزیری این کشور دست یافت. او همچنین در جریان انقلاب فرهنگی چین در نیمه دوم دهه ۱۹۶۰م، ریاست مرکزی حزب کمونیست چین را برعهده گرفت. چوئن لای در سال ۱۹۶۷م به عضویت گارد سرخ درآمد و از افکار مائو حمایت کرد.

<https://www.delgarm.com/calendar/gregorian/> ۳۲۵۸۲-چوئن-لای

^{۱۸} - دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چین، انتشارات وزارت امور خارجه: تهران، ۱۳۸۷، ص ۲۵۵.

^{۱۹} - لی پنگ سیاست‌مدار اهل جمهوری خلق چین است. او بین سال‌های ۱۹۸۳ تا ۱۹۸۷ به‌عنوان معاون نخست‌وزیر خدمت کرده‌است و سپس از مارچ

۱۹۸۸ تا مارچ ۱۹۹۸ چهارمین نخست‌وزیر جمهوری خلق چین بوده‌است.

https://fa.wikipedia.org/wiki/لی_پینگ

۲۰- ناراسیمها رائو، نخست‌وزیر سابق هند که در دهه ۱۹۹۰ تحول عظیمی را در اقتصاد هند به وجود آورد. در سال ۱۹۹۱ پروژه هند سوسیالیست را بر اساس حرکت در مسیر اصلاحات بازار آزاد راه اندازی کرد و پس از آن من موهن سینگ، ریاست وزارت مالیه را به عهده گرفت. در سال ۱۹۹۱ بعد از ترور راجیو گاندی، نخست‌وزیر اسبق هند، رائو به ریاست حزب کنگره منصوب شد. رائو در سال ۱۹۷۷ برای عضویت در پارلمان فدرال انتخاب شد و چندین پست کابینه را از جمله سمت وزیر امور خارجه در زمان ایندرا و راجیو گاندی عهده‌دار شد. وی در سال ۱۹۹۱ در حالی که دولت هند در آستانه‌ی ورشکستگی قرار گرفته بود، نخست‌وزیر این کشور شد. در سال ۱۹۹۶ هنگامی که از سمت خود به عنوان رهبر بزرگترین کشور دموکراتیک جهان کنار رفت، اقتصاد هند به روند رو به رشد خود بازگشت اما حزب کنگره به دنبال عملکرد ضعیفش بعد از استقلال هند از انگلیس در سال ۱۹۴۷، دچار اغتشاش شد. شکست وی در انتخابات نخست‌وزیری راه را برای ظهور حزب "بهاراتیا جاناتا"، حزب ملی گرای هند و حزب‌های محلی دیگر باز کرد.

<https://www.isna.ir/news/۰۱۳۴۵-۸۳۱۰> /ناراسیمها-رائو-نخست-وزیر-

سابق-هند-درگذشت

۲۱- همانجا. ۲۲۵.

۲۲- احمدی، حسین پور. اقتصاد سیاسی بین الملل و تغییرات قدرت امریکا: از چند جانبه گرایی هژمونیک تا یک جانبه گرایی، مرکز پژوهش‌های علمی مطالعات استراتژیک خاور میانه: تهران، ۱۳۸۶، ص ۳۲.

بررسی مختصری پیرامون روابط چین با آمریکا و برخی کشورهای منطقه

^{۲۳} - بوزان، بری. ایالات متحده و قدرت های بزرگ: سیاست جهانی قرن ۲۱، مترجم: عبدالمجید حیدری، پژوهشکده مطالعات راهبردی: تهران، سال ۱۳۸۸، صص ۱۷۱-۱۷۲.

^{۲۴} - یزدانی، عنایت الله و گل سفیدی، حجت الله. «همکاری ها و اتحاد ها در منطقه آسیای مرکزی: نگاه حکومت های منطقه»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز: تهران، شماره ۶۱، بهار سال ۱۳۸۷.

^{۲۴} - گزارش خبری تسنیم، "پوتین: روابط روسیه-چین در تمامی عرصه ها قابل اعتماد است"، سایت آسیا-اقیانوسیه، ۲۰/۶/۱۳۹۷،

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/> [مراجعه: ۱۴/۶/۱۳۹۷].

^{۲۵} - احمدیان، بهرام امیر. "روح الله صالحی دولت آبادی، اهداف و راهبردهای سیاست خارجی چین در آسیای مرکزی"،

http://ca.ipisjournals.ir/article_۱۲۳۲۵_fbd۸۶a۳f۰۳۰۵۵۴۴۳fd۹ae
dbf۳eb۴۸۸cPdf ۷۶- . ۷۷

^{۲۶} - گزارش خبری. "روابط ایران و چین، پویا در سیاست سودآور در اقتصاد"

ایران نیوز، ۲۵/۳/۲۰۱۸، ۲۰۵۸/۸۲۸۷۰۵۵۸، <http://www.irna.ir/fa/News/۸۲۸۷۰۵۵۸>، [مراجعه: ۱۴/۶/۱۳۹۷].

^{۲۷} - International Crisis Group, The Iran Nuclear Issue: The View from Beijing", International Crisis Group Asia Briefing, No. ۱۰۰, February ۱۷/۲۰۱۰.at.

<http://www.crisisgroup.org/en/regions/asia/north-east-asia/china/b۱۰۰-the-iran-nuclear-issue-the-view-from-beijing.aspx>, accesses: ۲۲/۵/۲۰۱۸.

^{۲۸} Peter Kuran, "۱۶ OCTOBER ۱۹۶۴ - FIRST CHINESE NUCLEAR TEST", available at: ۳۰/۴/۲۰۰۱.

<https://www.ctbto.org/specials/testing-times/16-october-1964-first-chinese-nuclear-test> , [accessed: ۱۱/۶/۲۰۱۸] .

^{۲۹} - UN Security Council ۱۷۴۷/SC/۸۹۸۰, March ۲۴'۲۰۰۷, Adopted by the Security Council at its ۵۶۴۷th meeting on ۲۴ March ۲۰۰۷ At: <http://www.un.org/news/press/docs/۲۰۰۷/sc۸۹۸۰.doc.htm>.

^{۳۰} - UN Security Council ۱۶۹۶, SC/۸۷۹۲, July ۳۱'۲۰۰۶, SECURITY COUNCIL DEMANDS IRAN SUSPEND URANIUM ENRICHMENT BY ۳۱ AUGUST, OR FACE POSSIBLE ECONOMIC, DIPLOMATIC SANCTIONS at: <http://www.un.org/news/press/docs/۲۰۰۶/sc۸۷۹۲.doc.htm> .۸۹۲۸/decambr .

^{۳۱} - Most oil and gas companies' business structures are segmented and organized according to business segment, assets, or function. The upstream segment of the oil and gas business is also known as the exploration and production (E&P) sector because it encompasses activities related to searching for, recovering and producing crude oil and natural gas.

<https://www.ektinteractive.com/upstream-vs-downstream/>

^{۳۲} - IEA, Findings of Recent IEA Work ۲۰۰۵, p.۷۱, at <http://www.iea.org/findings> .

^{۳۲} - کشمیری، سید محمد. «امریکا چین: از همکاری اقتصادی تا رقابت استراتژیک»، تهران: مطالعات اقتصاد سیاسی بین المللی، سال اول، شماره ۲، خزان و زمستان ۱۳۹۵، ص ۱۰۵.

- ۳۳ - رضایی، علی رضا. چین و موازنه نرم در برابر هژمونی ایالات متحده آمریکا در عرصه نظام بین الملل، انتشارات یاس: تهران، سال ۱۳۸۷، ص ۱۲-۱۴.
- ۳۴ - محمدزراع. "فراز و فرود روابط چین و ایالات متحده آمریکا"، سایت ایریا دیپلماسی، ۱۳۹۶/۱۱/۲۵، <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news>، [مراجعه: ۱۳۹۷/۸/۴].
- ۳۵ - کشمیری، سید محمد. «آمریکا چین: از همکاری اقتصادی تا رقابت استراتژیک»، تهران: مطالعات اقتصاد سیاسی بین المللی، سال اول، شماره ۲، خزان و زمستان ۱۳۹۵، ص ۱۰۵.
- ۳۶ - در قرن ۱۷ انگلیس و هالند وارد جنگ های واقعی برای تسلط بر بازارهای تجاری اروپایی شدند. در دهه ۱۹۳۰ میلادی در واکنش به افول اقتصادی جهان، کشورهای بزرگ تجاری جهان سعی کردند تا از صنایع و فرصت های شغلی در برابر رقابت محافظت کنند آن هم با اعمال تعرفه های مشخص و سایر اقدامات محدود کننده علیه واردات. امروزه وقتی درباره جنگ تجاری صحبت می کنیم، منظور ما اقدامات متقابل و تلافی جویانه در استفاده از تعرفه ها و سایر اقدامات اداری است که بر تجارت تاثیر می گذارد.
- <http://www.ireconomy.ir/fa/page/۳۴۰۷۲> / خطرات+جنگ+تجاری+آمری+ کا+چیست.html
- ۳۷ - میرطاهر، سیدرضا. "مرحله جدید از جنگ تجاری آمریکا با چین؛ ترامپ دنبال چیست؟/ تحلیل"، سایت پارس تودی، ۱۳۹۷/۶/۲۷، دسترسی: <http://parstoday.com/fa/america-i۱۴۷۷۰۹>، [مراجعه: ۱۳۹۷/۸/۴].
- ۳۸ - گزارش خبری، "ایستادگی تمام قد چین در مقابل جنگ تجاری ترامپ"، ۱۳۹۷/۱، دسترسی: <http://parstoday.com/fa/asia-i۱۲۵۷۳۸>، [مراجعه: ۱۳۹۷/۷/۱۲].

- ^{۳۹} - وقاری، مجید. "پیامدهای آغاز جنگ تجاری آمریکا با چین / تحلیل"،
سیایت پارس تودی، ۱۳۹۷/۱/۴، دسترسی:
<http://parstoday.com/fa/america-i125816>، [مراجعه: ۱۳۹۷/۷/۴].
- ^{۴۰} - خجسته، رحیم. "تاثیر جنگ تجاری چین و آمریکا بر اقتصاد جهان"،
سیایت ایرا نیوز، ۱۳۹۷/مرداد/۱۸، دسترسی:
<http://www.iribnews.ir/fa/news/2193879/>، [مراجعه: ۱۳۹۷/۶/۳].
- ^{۴۱} - خجسته، رحیم. "تاثیر جنگ تجاری چین و آمریکا بر اقتصاد جهان"،
سیایت ایرا نیوز، ۱۳۹۷/مرداد/۱۸، دسترسی:
<http://www.iribnews.ir/fa/news/2193879/>، [مراجعه: ۱۳۹۷/۶/۳].
- ^{۴۲} - میرطاهر، سیدرضا. "مرحله جدید از جنگ تجاری آمریکا با چین؛ ترامپ
دنبال چیست؟/ تحلیل"، سایت پارس تودی، ۱۳۹۷/۶/۲۷، دسترسی:
<http://parstoday.com/fa/america-i14770>، [مراجعه: ۱۳۹۷/۸/۴].

له ترکمنستان سره د ملي وحدت حکومت اړیکې

خلاصه:

د ترکمنستان بهرنی سیاست په بې طرفۍ اصولو باندې ولاړ دی او د نورو ګاونډیو هېوادونو په نسبت یې د افغانستان په داخلي چارو کې مداخله نه دی کړې. د ۲۰۰۲ کال راهیسې یې له افغانستان سره اړیکې پراخې شوې دي او د ملي وحدت حکومت رامنځته کېدو سره دوه اړخیزې اړیکې لا پیاوړې شوې، محمد اشرف غني او نورو دولتي لورپوړو چارواکو ترکمنستان ته سفرونه وکړل. د افغانستان او ترکمنستان ترمنځ د اقتصادي او تجارتي همکاريو ګډ کمیسیون شتون لري، چې تر اوسه یې شپږ غونډې نیولې دي. د دواړو هېوادونو ترمنځ د سوداګریزو اړیکو کچه له ۴۰۰ میلیون ډالرو څخه ۸۰۰ میلیون ډالرو ته لوړه شوې ده. افغانستان له ترکمنستان سره د برېښنا، ریل پټلۍ، ګازو نللیکې لېږدولو، لوړو زده کړو او نورو برخو کې ګڼ تړونونه لاسلیک کړي دي. د ټاپي د ګازو نللیکې پروژې عملی کېدو سره د افغانستان اقتصادي حالت پیاوړی شي، ډیر کسان به د کار خاوندان شي او هر کال به افغانستان د ګازو نللیکې ترانزیت له لارې ۴۰۰ میلیون ډالره ترلاسه کړي. د افغانستان او ترکمنستان ترمنځ د ریل پټلۍ هم پرانېستل شوه، دغه پټلۍ د ترکمنستان امام نظر سیمې او د افغانستان فاریاب ولایت له د آتا مراد او آقینه بندر سره نښلوي او وروسته د کندز ولایت له لارې شېرخان بندر او بیا تاجکستان ته رسېږي.

ترکمنستان افغان محصلینو ته د تېلو، برېښنا او کرنې برخه کې تحصیلي بورسونه ورکړي دي او د ترکمنستان ولسمشر له لوري ولسمشر محمد اشرف غني ته افتخاري دوکتورا ورکړل شوه. په افغانستان کې مېشت ترکمن کولی شي، د افغانستان او ترکمنستان ترمنځ اړیکو پیاوړي کولو کې مهم رول ولوبوي.

سریزه:

د ۲۰۰۲ زکال وروسته د افغانستان او ترکمنستان ترمنځ سیاسي، اقتصادي او فرهنگي اړیکو نوی باب پرانېستل شو او دوه اړخیزه راکړه ورکړه، سیاسي استازيو سفرونه، اقتصادي او سوداگریزه برخه کې اړیکې پراخه شوې دي. د برېښنا، روغتیا، تحصیلي بورسونو ورکولو او د افغانستان، پاکستان، ترکمنستان او هند ترمنځ د گازو نللیکې جوړولو په شمول گڼ تړونونه لاسلیک کړي دي.

دا چې له ۲۰۱۴ زکاله وروسته په افغانستان کې د ملي وحدت حکومت رامنځته شوی دی، نو دغه سوال وړاندې کېږي، چې په دې وخت کې د افغانستان او ترکمنستان ترمنځ اړیکې په کوم حالت کې قرار لري؟ نو ویلي شو، چې د دواړو هېوادونو ترمنځ اړیکې ښې شوي دي، تمه ده، چې په سیمه کې د عمراني مهمو پروژو په ځانگړې توگه د ټاپي پروژې عملي کېدو سره به اړیکې نورې هم پیاوړې شي.

د ترکمنستان او افغانستان ملي وحدت حکومت ترمنځ د اړیکو د ښه پوهېدو لپاره په دې مقاله کې به د دواړو هېوادونو ترمنځ سیاسي او اقتصادي اړیکو، ټاپي پروژې، ریل پټلۍ، برېښنا تړونونو، کلتوري او ټولنیزو اړیکو په تړاو بحث وشي.

د څېړنې مبرمیت: افغانستان او ترکمنستان گاونډي هېوادونه دي. په افغانستان کې د سیاسي، اقتصادي او امنیتي تغییراتو رامنځته کېدو سره ترکمنستان هم اغېزمن کیدلی شي. دواړه هېوادونه پراخه سیاسي او اقتصادي اړیکې لري او د دواړو هېوادونو ترمنځ سیمه ییزې او عمراني پروژې

له ترکمنستان سره د ملي وحدت حکومت اړیکې

شتون لري، په ځانگړې توگه د ټاپي پروژه چې پر سيمه ييزه همکارۍ اغيز لري، نو اړينه ده، چې د دواړو هېوادونو ترمنځ پر اړیکو باندې بحث وکړو. **د خپرنې موخه:** د ملي وحدت حکومت او ترکمنستان ترمنځ د اړیکو خپرلو موخه دا ده، ترڅو د دواړو هېوادونو ترمنځ له اقتصادي، سياسي او کلتوري فرصتونو څخه څرگند او موثره استفاده وشي او گډو ستونزو ته لازمي حل لارې پيدا شي.

د خپرنې مېتود: د دې مقالې په ليکلو کې له توصيفي - تحليلي ميتود څخه گټه اخيستل شوې ده.

سياسي اړیکې

ترکمنستان له افغانستان سره ۷۵۰ کيلو متره گډه پوله لري، د شوروي اتحاد پر مهال د افغانستان او ترکمنستان ترمنځ اړیکې محدودې وې، خو د خپلواکي تر اخيستلو وروسته، دغه هېواد په ۱۹۹۱ز کال د افغانستان له لوري په رسميت وپيژندل شو. د ترکمنستان پخوانۍ ولمشر صفر مراد نیازوف د بهرني سياست له مخې چې په بې طرفۍ ولاړ وو، د افغانستان په داخلي چارو کې د نورو گاونډيو په نسبت کم رول درلوده او په مختلفو دورو کې يې له افغانستان سره محتاطانه حسنه اړیکې درلودې. له ۲۰۰۲ کال وروسته دوه اړخيزې اړیکې نورې هم پراخې شوې او د ملي وحدت حکومت رامنځته کېدو سره افغانستان د ترکمنستان په شمول د منځنۍ آسيا هېوادونو سره خپلې اړیکې پياوړې کړې.

د ملي وحدت حکومت منځته راتگ سره د لومړي ځل لپاره محمد اشرف غني د يو لوړپوړي پلاوي په مشرۍ د ۱۳۹۳ کال په سلواغې مياشت کې ترکمنستان ته سفر وکړ، په دغه دوه ورځني رسمي سفر کې د دواړو هېوادونو ولسمشرانو ترمنځ په سياسي، ديپلوماتيک، اقتصادي، برېښنا او سپورت برخه د همکارۍ توافقنامې لاسليک شوې.^۱

د افغانستان او ترکمنستان ترمنځ اړیکې پر اقتصادي محور باندې ولاړې دي، دواړو هېوادونو ترمنځ د سوداګرۍ، ترانزیت، برېښنا او ګازو نللیکې لیرې برخه کې ګڼ تړونونه لاسلیک شوي دي. د ملي وحدت حکومت لورپوړو دولتي چارواکو ترکمنستان ته سفرونه درلودل او همدارنګه له ترکمنستان څخه هم په دې موده کې ځینې دولتي پلاوي افغانستان ته راغلي دي.

له ترکمنستان څخه د دولتي لورپوړو چارواکو د سفر په بهیر کې د ترکمنستان ولسمشر قربان بردی محمدوف په ۱۳۹۴ کال کابل ته سفر وکړ او له افغاني لوري سره پنځه د همکاري تړونونه (د تروریزم تمویل لپاره د غیر قانوني لارو څخه ترلاسه شویو پیسو وینځلو سره د مبارزې، د برېښنا برخه کې همکاري، سپورټ، تکنالوژۍ، اقتصاد او سوداګرۍ برخه کې) لاسلیک کړل.^۲ افغانستان او د منځنۍ آسیا هېوادونه په ځانګړې توګه ترکمنستان د مخدره توکو له قاچاق، ناامنۍ، د تروریزم او توندلارې توب له ګواښونو سره مخ دي، د افغانستان سیاسي وضعیت پر ترکمنستان او د منځنۍ آسیا نورو هېوادونو باندې هم اغېز لري، نو د دواړو هېوادونو ترمنځ د ګډو ګواښونو له منځه وړلو لپاره ګډې هڅې ترسره شوي دي.

ترکمنستان له افغانستان سره په سیمه ییزه همکاري کې هم ونډه درلوده، له افغانستان سره د سیمې هېوادونو اقتصادي همکاري کنفرانس (ریکا) د ۲۰۱۷ زکال نومبر پر ۱۵ د ترکمنستان پلازمینه عشق آباد کې جوړ شو، چې په یاد کنفرانس کې ځینو وزیرانو، د وزارتونو مرستیالانو، د هېواد لومړی میړمن او د ولسمشر دویم مرستیال په مشرۍ یو لوړ رتبه دولتي پلاوي ګډون درلود.^۳

اقتصادي اړیکې

ترکمنستان د منځنۍ آسیا له مهمو هېوادونو څخه دی، چې د خامو موادو لویې زیرمې لري. افغانستان او ترکمنستان خپلمنځي پیاوړې اړیکې لري، د ملي وحدت حکومت په راتګ سره د دواړو هېوادونو ترمنځ اقتصادي راکړه

له ترکمنستان سره د ملي وحدت حکومت اړیکې

ورکړه زیاته شوې او په مختلفو اقتصادي او سوداگریزو برخو کې سره تړونونه لاسلیک کړي دي.

د افغانستان د ماليې پخوانی وزیر اکیل حکیمی د ۱۳۹۵ کال د غويي میاشتې په ۶ مه د ترکمنستان د لومړي وزیر مرستیال او د بهرنیو چارو له وزیر بناغلي رشید مردوف او ورسره پلاوي سره د ولسمشرۍ په ماڼۍ کې وکتل. په یاده لیدنه کې د افغانستان او ترکمنستان ترمنځ د راتلونکي گډو اقتصادي او تجارتي همکاريو ناستې ته د چمتووالي، د سیمه ییزې پرمختیا، ترانسپورت، ریل پټلۍ او په مناسبه بیه د سون موادو د اخیستو په اړه خبرې وشوې. دوی همدا راز د آفینې او اندخوی د ریل پټلۍ د پرانیستې، د لاجوردو د تجارتي لارې او د افغانستان او ترکمنستان ترمنځ د اقتصادي او تجارتي همکاريو په تړاو د معلوماتو تبادلې وکړه. ۴

د یادونې وړ دی، چې ترکمنستان د گازو لویې زیرمې لري او د خپلو گازو پلورلو لپاره لوی بازار ته اړتیا لري، چې افغانستان، پاکستان او هند یې د پېرلو مناسب بازار لري. ترکمنستان د تیلو لویې زیرمې هم لري. د ترکمنستان او سویلي آسیا ترمنځ د اقتصادي راکړې ورکړې او سوداگریزو توکو لپاره د ترانسپورت، ریل پټلۍ او ترانزیتی لارو جوړول مهمه خبره ده.

د ۱۳۹۵ کال په جوزا کې د ترکمنستان ولسمشر قربان قلی بردي محمدوف په لارښوونه یو پلاوي هرات ته سفر درلود، تر څو په هرات کې د مرمر ډبرو کیفیت وڅیړي. په هرات کې د سوداگرۍ او صنایعو خونې مشر سعد خطیبي د وینا له مخې اوسمهال د مرمر ډبرو ۴۰ کارخانې د هرات په صنعتي ښارگوټي کې فعالیت لري او د ترکمنستان د اړتیا وړ د مرمر ډبرو تولید وړتیا لري. ۵

د افغانستان او ترکمنستان ترمنځ د اقتصادي او تجارتي همکاريو د گډ کمیسیون شپږمه ناسته د ۱۳۹۵ د سلواغې په ۲۵ - ۲۶ مه د پخواني ماليې

وزیر ښاغلي اکلیل حکیمي او د ترکمنستان د وزیرانو شورا د مرستیال ښاغلي یخشي گلدي کاکایوف په مشرۍ د کابل په انټرکانټینینټل کې جوړه شوه. په یاده ناسته کې د دواړو هیوادونو د تخنیکي ټیمونو له خوا د افغانستان له لارې پاکستان ته د ۵۰۰ کیلو واټه برېښنا د لېږد، د دولت نه دولت ته د میکانیزم له لارې د نفتو او گازو خریداري، د اندخوی نه تر آقینې پورې د ریل پټلۍ جوړول، د نوري فایبر نښلول، د ټاپي په پروژه کې پرمختگونه او نور اقتصادي او تجارتي موضوعاتو باندې کار وشو. د ناستې په پای کې د افغانستان له خوا د مالیې وزیر او د ترکمنستان له خوا د ولسمشر مرستیال د ناستې هوکړه لیک چې د دواړو ټیمونو له خوا نهایی شوی وو، لاسلیک کړ. ۶

د افغانستان او ترکمنستان ترمنځ د اقتصادي او سوداگریزو اړیکو پر وړاندې د شته خنډونو له منځه وړلو او اقتصادي اړیکو پیاوړتیا لپاره اقتصادي کمیسیون شتون لري، تر اوسه یې شپږ غونډې نیولې دي، چې د غونډو په ترڅ کې پر مهمو اقتصادي او سوداگریزو موضوعاتو خبرې کړي دي.

د مالیې وزیر ښاغلي اکلیل حکیمي، او د اقتصاد وزیر ښاغلي عبدالستار مراد د ۱۳۹۶ کال د چنگاښ میاشتې په ۱۲ مه نېټه د افغان ولسمشر محمد اشرف غني او د ترکمنستان ولسمشر قربان قلي بردي محمدوف په شتون کې د نړیوالو اړیکو د پیاوړي کولو، لوړو زده کړو، اوبو او برېښنا، د غالیو صنعت، ترانزیت، د دواړو هیوادونو د پولې له لارې د نړیوال ریل پټلۍ تېرېدو، د ریل پټلۍ د اړیکو تنظیمولو طرزالعمل او ترانسپورت په برخو کې د ترکمنستان له وزیرانو سره اووه دوه اړخیز هوکړه لیکونه د یاد هیواد په پلازمېنه عشق اباد کې لاسلیک کړل. ۷

دا چې ترکمنستان هم د افغانستان په شان آزادو اوبو ته لاره نه لري او وچې پورې تړلی دی، نو د ریل گاډي پټلۍ جوړولو له لارې افغانستان سره

له ترکمنستان سره د ملي وحدت حکومت اړیکې

نښلول غواړي چې وروسته له هغې ایران چابهار له لارې هند سره ونښلول شي او خپل سوداگریز توکي سویلي اسیا ته ولیږدوي.

افغان ولسمشر محمد اشرف غني د ۱۳۹۶ سرطان پر ۱۳ مه ترکمنستان ته د سفر پر مهال له خپل ترکمنستاني سیال سره د ټاپي، توتاب او د اوسپنې پټلۍ پروژو باندې د کار چټکتیا او د لیږد رالیږد، تیل او گازو، کیمیاوي صنایعو، نساجی، کرنې برخو کې د همکارې هوکړه وکړه. چې له مخې به یې د دواړو هېوادونو ترمنځ سوداگریزې اړیکو کچه له ۴۰۰ میلیون ډالرو څخه ۸۰۰ میلیون ډالرو ته لوړه شي.^۸

د ۱۳۹۶ کال په دلو میاشتي په ۲۳ مه نېټه په مزارشريف کې د سوداگرو، د بهرنیو ډیپلوماتانو او د ترکمنستان کنسولگری استازيو په شتون کې د افغان ترکمن سوداگریزه خونه پرانیستل شوه. په دې سوداگریز مرکز کې به د ترکمنستان مختلف تولیدي توکي په ځانگړې توگه خوراکي توکي، د کنسرو مختلف ډولونه، د میوې اوبه، منسوجات، لباس، کورنۍ اړتیا وړ توکي او نور شیان په دایمي توگه پلورل کېږي.^۹

برېښنا برخه کې تړونونه:

افغانستان د اوبو، لمر او باد څخه کابو ۳۱۰ زره میگا واټه برېښنا د تولید ظرفیت لري، چې د کافي مالي منابعو نشتوالي له امله نه شي کولای خپله د اړتیا وړ برېښنا تولید کړي او اوسمهال ۷۵ سلنه برېښنا له منځنۍ اسیا او ایران څخه هېواد ته واردوي او ۲۵ سلنه له داخلي منابعو څخه برېښنا تولیدوي. له ترکمنستان څخه افغانستان ته د دوه مسیرو څخه امام نظر – اندخوی او سرحد آباد – هرات له لارې برېښنا صادريږي.

د افغانستان او ترکمنستان د برېښنا وزیرانو له لوري د ۱۳۹۴ کال د عقرب پر ۱۶ نېټه د برېښنا د پیر او پلور تړون لاسلیک شو، چې یاد تړون د اعتبار موده ۱۰ کاله ټاکل شوې ده او له ۲۰۱۸ز کال وروسته به په درېیو

مرحلو کې پلی شي. ددې تړون له مخې په لومړۍ مرحله کې ۳۰۰ میگاواټه برېښنا به افغانستان ته وارد شي چې د یو کیلوواټ برېښنا قیمت په هر ساعت کې امریکایی ۵ سنته وي. په دویمه مرحله کې ۵۰۰ میگا واټه او درېیمه مرحله کې ۱۰۰۰ میگا واټه برېښنا به افغانستان ته وارد شي. له ترکمنستان سره د یاد تړون له مخې افغانستان ددې صلاحیت لري ترڅو دغه وارده شوې برېښنا په نورو هېوادونو باندې وپلوري.^{۱۰}

د یادونې وړ دی، چې افغانستان له ترکمنستان څخه ۱۵۲ میگا واټه برېښنا واردوله، چې دغه تړون د ۱۳۹۶ کال جدی په ۱۰ پای ته ورسېد او ترکمنستان هم خپله برېښنا قطع کړه او د یاد تړون بیا تمدیدولو لپاره یې د وارداتي برېښنا قیمت له دو سنتو څخه څلورو سنتو ته د لوړولو غوښتنه وکړه. ترکمنستان هر کال ۹۰۰ میلیون کیلو واټه برېښنا د افغانستان هرات ولایت ته ورکوي، چې د هرات گلران او کشک رباط سنگی ولسوالیو د اړتیا وړ برېښنا تامینوي.^{۱۱} همدارنگه فاریاب ولایت ته هم برېښنا له ترکمنستان هېواد څخه نښلول شوې ده.

د افغانستان برېښنا شرکت عمومي مشر امان الله غالب د ۱۳۹۶ کال د دلوي په ۱۰ نېټه ترکمنستان د سفر پر مهال له ترکمنستان سره د برېښنا پېرلو تړون تمدید کړ. له دغې برېښنا څخه د هرات، فاریاب او سرپل ولایتونو کې گټه اخیستل کېږي. ترکمنستان یو میاشت وړاندې خپله برېښنا پر افغانستان قطع کړې وه او د یو کېلو واټ برېښنا قیمت یې له ۲ سینټو څخه ۴ سینټو ته د لوړولو غوښتنه یې کړې وه.^{۱۲}

د توتاب پروژې چې له مخې به یې ۵۰۰ کیلو ولټه برېښنا له ترکمنستان او تاجکستان څخه افغانستان او پاکستان ته ولیږدول شي.

ټاپي پروژه:

له ترکمنستان څخه پاکستان ته د افغانستان له لارې د گازو د نللیکې د لیرد هڅې د طالبانو واکمنۍ پر مهال پیل شوې. د طالبانو واکمنۍ پرمهال سیمه ییز رقابتونه ددې لامل شول چې ددې پروژې عملي چارې له خنډونو سره مخ شي. هغه مهال ترکمنستان د روسیې تاثیر لاندې وو او د یونیکال امریکایي شرکت په نسبت یې ارجنتایني بریداس شرکت ته ترجیح ورکوله، ایران هم غوښتل چې دغه د گازو نللیکه د ایران له خاورې پاکستان ته وغځول شي. د طالبانو واکمنۍ له سقوط وروسته یو ځل بیا له ترکمنستان څخه د گازو نللیکې لیرد باندې خبرې وشوې او هند هم ورسره یو ځای شو.

د ټاپي پروژه په رسمي توګه د ۲۰۱۵ز کال په دسمبر کې د ترکمنستان، افغانستان، پاکستان او هند ترمنځ د ترکمنستان په ماري ښار کې لاسلیک شوه او همدارنګه پریکړه وشوه، چې ددې پروژې ترڅنګ به له ترکمنستان څخه ۵۰۰ کیلو واټه برېښنا هم د افغانستان له لارې پاکستان ته لېږل کېږي.^{۱۳}

د ټاپي پروژه د ۱۳۹۶ کال حوت په ۴ د هرات په ولایت کې د افغانستان ولسمشر محمد اشرف غني، د ترکمنستان ولسمشر قربان قلی بردی محمدوف، د پاکستان لومړی وزیر شاهد خاقان عباسی او د هند په بهرنیو چارو کې د دولت وزیر مبشر جاوید اکبر له لورې پرانېستل شوه. د ترکمنستان ولسمشر قربان قلی بردی محمدوف په یاده غونډه کې وویل، چې ددې پروژې څخه په استفادې غواړو، له ګاونډیو او د سیمې له هېوادونو سره

سیاسي او اقتصادي اړیکې پراخې کړو.^{۱۴}

د ټاپي پروژې پلي کېدو سره به د افغانستان له کورني امنیت سره مرسته کوي او دسیمې هېوادونو او افغانستان ترمنځ د اړیکو پیاوړتیا لامل ګرځي، پاکستان، هندوستان او ترکمنستان ددې پروژې غړی هېوادونه دی او د

سیاسي اړیکو په ټینګیدو کې اغیزمن رول لري. د ټاپي پروژې پلې کېدو سره د افغانستان جیوپولیتیکي ارزښت هم راڅرګندېږي.

د معادن او پترولیم سرپرست وزیر نرګس نهان د ۱۳۹۷ کال جوزا پر ۱۰ هرات ته سفر پرمهال وویل، د ټاپي پروژې لومړني کارونه له دوه میاشتو راهیسې پیل شوي دي، پنځه افغاني شرکتونه په کار باندې بوخت دي، تراوسه پورې د یادو پنځو افغاني شرکتونو لخوا ۱۲۰۰ تنه ثبت شوي او د اراضي، ځمکې پېژندنې، چاپیریال، اجتماعي او اقتصادي څېړنو باندې بوخت دي.^{۱۵}

دغه پروژه به تر ۲۰۲۰ زکال پورې تکمیل او هر کال به کابو ۳۳ میلیارد متر مکعبه ګاز له ترکمنستان څخه افغانستان، پاکستان او هند ته ولېږدوي، چې پاکستان او هند به مساوي ډول ۴۲ سلنه ګاز ترلاسه او ۱۶ سلنه به په افغانستان کې مصرف شي. ددې نللیکې اوږدوالي ۱۸۱۴ کیلومتره دی، چې ۲۱۴ کیلومتره په ترکمنستان، ۷۷۴ کیلومتره په افغانستان او ۸۲۶ کیلومتره په پاکستان کې جوړېږي. ټاپي د ګازو نللیکه به د ترکمنستان دولت آباد څخه پیل او د هرات، فراه، هلمند او کندهار څخه تیرېږي او وروسته د ملتان، کوټې له لارې د هند د پنجاب ایالت فضلیکا ښار ته رسېږي.^{۱۶}

د ټاپي پروژې عملي کېدو سره به د افغانستان اقتصادي حالت پیاوړی شي، تر یوې کچې بیکاری کمېږي او کابو لس زره نفر د کار خاوندان کیږي ترڅو ددې پروژې په جوړولو او تر ۳۰ کلونو پورې د دې نللیکې ساتلو لپاره دندې ترسره کړي. د ټاپي پروژې پلې کېدو سره به افغانستان ۱۶ سلنه ګازو څخه استفاده وکړي او هر کال به د ګازو نللیکې ترانزیت له لارې ۴۰۰ میلیون ډالره ترلاسه کړي، په افغانستان کې بهرنۍ پانګه اچونه زیاتېږي، د ټاپي پروژې د مالي تامین برخه کې اسیایي پراختیایي بانک، د اروپا بیاجوړونې او پراختیا بانک، چاپان، عربستان او ترکیې د مرستو ژمنتیا ښودلې ده.

له ترکمنستان سره د ملي وحدت حکومت اړیکې

د ټاپي پروژې پلي کولو پر وړاندې امنیتي ستونزې شتون لري، چې افغان حکومت هم ددې پروژې د امنیت ټینګولو لپاره د ځانګړې نظامي ځواک جوړولو ژمنه وکړه تر څو د ټاپي د ګازو نللیکې د جوړولو په مسیر کې امنیتي خنډونه له منځه یووښي. (خو د طالبانو ویاند قاری محمد یوسف رسنیو ته په رالیبرلي ایمیل کې له ټاپي پروژې څخه ملاتړ وکړ او د یادې پروژې د امنیت ساتلو ژمنه یې وکړه او د ټاپي پروژې یې یو ملي پروژه بللي ده او د طالبانو تر واکمنۍ لاندې سیمو کې د دې پروژې د امنیت ساتلو ژمنه یې وکړه). ۱۷۰ اما ددې باوجود په کندهار کې ناپېژاندو وسله‌والو د دغه ولایت په میوند ولسوالۍ کې د ټاپي د پروژې پنځه کارکوونکي وژلي او یو تن یې له ځان سره بیولی دی. ۱۸۰

ترکمنستان په نړۍ کې د ګازو زیرمو لرلو له مخې څلورم هېواد دی، چې خپل اقتصادي اړتیاوې د ګازو پلورلو له لارې پوره کوي، په تیرو څو کلونو کې روسیې له ترکمنستان څخه د ګازو پېرل کم کړي دي او چین د ترکمنستان د ګازو لوی پېرونکی دی. اوسمهال ترکمنستان هڅه کوي چې د خپلو ګازو پلورلو لپاره نوی مارکیټ پیدا کړي، چې سویلي آسیا ته د ګازو نللیکې غځولو سره کولی شي، خپلې اقتصادي اړتیاوې پوره او په سیمه کې په اقتصادي او سیاسي برخه کې ځانګړی ځای خپل کړي.

ترانزیت برخه کې رامنځته شوې اسانتیاوې:

افغانستان په سیمه کې د منځنۍ اسیا او سویلي اسیا د ترانزیت او نښلولو لپاره نږدې او مناسبه لاره ده، چې له مخې به یې د منځنۍ اسیا خام مواد، تیل او ګاز سویلي اسیا ته او بالمقابل له سویلي اسیا څخه سوداګریز توکي ولېږدول شي. اوسمهال په فاریاب کې د آقینې او هرات کې د تورغونډي دوه مهم بندرونه دي چې د ترکمنستان او افغانستان ترمنځ سوداګریز توکي ترې صادر او واردېږي.

د افغانستان، ترکمنستان او تاجکستان ترمنځ د اوسپنې پټلۍ جوړولو تفاهمنامه په ۲۰۱۳ زکال د ترکمنستان پلازمینه عشق آباد کې لاسلیک شوه. دغه پټلۍ به ۴۰۰ کیلومتره اوږدوالی ولري، چې د ترکمنستان له آتامراد څخه پیل او د فاریاب او کندز ولایت څخه تیرېږي او وروسته له تاجکستان سره نښلول کېږي.^{۱۹}

افغان ولسمشر محمد اشرف غني د ۱۳۹۶ کال د سرطان په ۱۴ ترکمنستان ته د سفر پرمهال وویل: چې ډېر ژر به د تورغونډي د اوسپنې پټلۍ به د افغانستان د کالیو د ترانزیت له مهمې لارې په توګه په کار پیل وکړي. ولسمشر محمد اشرف غني په دې غونډه کې وویل، چې د لس کلونو واټن په دوه نیمو کلونو کې وهل دا ثابتوی چې د دواړو دولتونو ترمنځ همکارۍ په نتیجه کې ننگونې په فرصتونو باندې بدلې شوي. د یادونې وړ دی، چې یاده د ریل پټلۍ د ۱۳۹۶ په قوس میاشت کې د دواړو هېوادونو مشرانو او لوړپوړو چارواکو او د نورو هېوادونو ۱۲ استازیو په شتون کې د افغانستان او ترکمنستان د سرحدي پولې په صفرې نقطه کې پرانېستل شوه.^{۲۰}

دغه پټلۍ د ترکمنستان امام نظر سیمې او د افغانستان فاریاب ولایت له د آتا مراد او آقینه بندر سره نښلوي او وروسته د کندز ولایت له لارې شیرخان بندر او بیا تاجکستان ته رسېږي. له ترکمنستان سره افغانستان اوسپنې پټلۍ جوړېدو سره له یوې خوا افغانستان د ترکمنستان، خزر سمندرګۍ، اذربایجان، گرجستان، تورې بحیرې، ترکیې له لارې اروپا سره نښلول کېږي او له بلې خوا د تاجکستان او قرغېزستان له لارې چین سره نښلول کېږي.

د افغانستان او ترکمنستان ترمنځ د ترانزیت برخه کې بل فرصت د لاجوردو لار دی، چې له مخې به یې په ترانسپورتي برخه کې اسانتیاوې رامنځته شي او افغانستان به له ترکمنستان، اذربایجان، گرجستان، ترکیې او وروسته به له اروپا سره ونښلول شي. لاجوردو لاره چې د افغانستان له شمال او لویدیځ

له ترکمنستان سره د ملي وحدت حکومت اړیکې

آقینې او تورغندی بنادرو پیل او د ترکمنستان ترکمن باشي بندر څخه تیرېږي او د آذربایجان باکو وروسته د گرجستان تفلیس او پوتې او بیا کارس او د ترکیې استانبول ته رسېږي او له دې لارې د اروپا پولو ته رسېږي.

افغانستان له لارې سویلي اسیا ته ترانزیت د ترکمنستان لپاره هم مهم دی، ترکمنستان هوډ لري تر څو خپل د تیلو او گازو استخراج ظرفیت لوړ کړي او تر ۲۰۳۰ زکاله پورې د گازو تولید ظرفیت ۲۵۰ ملیارد متر مکعبو ته لوړ کړي، دا چې ترکمنستان ۵ ملیونه نفوس لري او د گازو لویې زیرمې لري نو د خپلو تولیداتو لپاره بازار ته اړتیا لري، اوسمهال چین او روسیه د ترکمنستان د گازو اصلي او انحصاري پېرونکي دي. ترکمنستان غواړي د خپلو تیلو او گازو د قیمت او صادراتو زیاتیدو لپاره مناسب بازار پیدا کړي چې کولای شي د افغانستان له لارې سویلي اسیا سره ونښلېږي.^{۲۱}

فرهنگي او ټولنيزې اړیکې:

د افغانستان او ترکمنستان ترمنځ په اقتصادي، کلتوري او ټولنيزو برخو کې ډیر فرصتونه شتون لري. د ټولنيزو او کلتوري مشترکاتو په توگه په افغانستان ترکمن ټبره اقلیت شتون او په دواړو هېوادونو کې د نوروز جشن لمانځل او نور گڼ کلتوري اشتراکات د سیاسي او اقتصادي اړیکو پیاوړتیا لامل ګرځي. ترکمنستان اوسمهال په هرات او مزارشريف کې کنسولګری لري.

ترکمنستان له افغانستان سره په اظطراري حالاتو کې مرستې کړې دي، قربان قلی بردی محمدوف د افغانستان ولسمشر محمد اشرف غني او اجراییه رییس عبدالله عبدالله ته د ۱۳۹۴ کال په عقرب میاشت کې د وروستۍ زلزلې او زیان اوږدولو له امله د همدردۍ اوتسلیت مراتب وړاندې کړل او له زلزله ځپلو سره د مرستې لپاره یې د ۱۲۰ ټنو اوږو او ۱۲۰ ټنو سیمینټو د بشردوستانه مرستو ورکولو هدایت یې ورکړ چې یادې مرستې د آقینې بندر له

لارې افغانستان ته راولیږدولل شوې.^{۲۲}

په افغانستان کې له دری میلیونو زیات ترکمن تېره ژوند کوي، په همدې لامل ترکمنستان هر کال د خوراکي توکو او کالیو مرستې افغانستان ته لېږي. د عشق آباد دولت د لید لوري له مخې په افغانستان کې مېشت ترکمن کولای شي چې د دواړو هېوادونو ترمنځ د اړیکو پراختیا کې مرسته وکړي.

د پوهنې وزارت مسلکي او تخنیکي مرستیال محمد آصف ننگ د وینا له مخې ترکمنستان د افغانستان د مسلکي او تخنیکي انستیتوت زده کوونکو ته د لیسانس برخه کې ۳۰ تحصیلي بورسونه ورکولو ژمنه وکړه. د پوهنې وزارت د چارواکو د وینا له مخې اوسمهال ۵۳ تنه د مسلکي او تخنیکي انستیتوت زده کوونکي په ترکمنستان کې په زده کړو بوخت دي. ۲۳ همدارنگه د ۱۳۹۵ کال په میزان میاشت کې د بهرنیو چاور وزیر صلاح الدین ربانی د ملگرو ملتونو د ۷۱ عمومي غونډې په څنډه کې د ترکمنستان له بهرنیو چارو وزیر رشید مرادوف سره وکتل، مرادوف د ۴۳ پخوانیو تحصیلي بورسونه پرته د تیلو، برېښنا او کرنې برخه کې د ۷۱ نویو تحصیلي بورسونو ورکولو ژمنه وکړه^{۲۴}

دا چې افغانستان د تیلو، کانونو، او برېښنا برخه کې کافي فني او مسلکي کارکوونکي نه لري، نو په یادو برخو کې د فني او مسلکي کادر روزلو ته اړتیا دی، تر څو په مسلکي توگه د خپل هېواد معدنونه او د نفتو زیرمو څخه گټه واخلو او استخراج یې کړو، نو د تیلو، برېښنا او کرنې برخه کې د ترکمنستان تحصیلي بورسونه کولای شي، زموږ په اقتصادي پرمختگ کې گټور تمام شي.

د افغانستان ولسمشر محمد اشرف غني ترکمنستان ته د سفر پر مهال د ۱۳۹۵ کال قوس پر ۷ نیټه د ترکمنستان د نفت او گازو نړیوال پوهنتون کې وینا وکړه او د یاد پوهنتون رییس له خوا د محمد اشرف غني اقتصادي هڅو ستاینه وشوه او په یاده غونډه کې یې حاضرینو ته د محمد اشرف غني بیوگرافي ولوسته او ورپسې د ترکمنستان د علومو اکاډمۍ رییس له لورې

له ترکمنستان سره د ملي وحدت حکومت اړیکې

محمد اشرف غني ته د ترکمنستان ولسمشر له لورې د افتخاري دوکتورا ورکولو فرمان ولوستل شو.^{۲۵}

پایله:

ترکمنستان بې طرفه بهرنۍ سیاست لري، چې په گډو اقتصادي او سوداگریزو گټو باندې ولاړ دی. اوسمهال په گاونډیو او سیمې هېوادونو کې افغانستان د ترکمنستان لپاره ځانگړې ځای لری او هڅه کوي چې د افغانستان په اقتصادي او سوداگریزه برخه کې مهمه ونډه ولري. د افغانستان او ترکمنستان ترمنځ اړیکې اقتصاد محوره دي او پر سیمه ییزو اقتصادي پروژو، ترانزیت او برېښنا پلورلو باندې ولاړې دي.

ترکمنستان نه یوازې دا چې د برېښنا، گازو او تیلو درلودلو له مخې ښه اقتصادي ظرفیتونه لري، بلکې د ترانزیت او سوداگری برخه کې هم ځانگړې ځای لري. افغانستان برېښنا، گازو، تیلو ته اړتیا لري او ترکمنستان یې غني زیرمې لري نو افغانستان ورته مناسبه بازار لري او همدارنگه د افغانستان له لارې یې سویلي اسیا ته هم لیږدولی شي. چې ښه بیلگه یې د تاپې پروژې، توتاب او کاسا زر پروژې دي، چې له منځنۍ اسیا هېوادونو څخه افغانستان او سویلي اسیا ته لیږدول کیږي.

د ترکمنستان - افغانستان د ریل پټلۍ په هېواد کې د ترانسپورت او تجارت لپاره یوه ارزانه، خوندي او لنډه لار گڼل کېږي. همدارنگه د لاجوردو لارې جوړېدو سره د افغانستان او ترکمنستان د ترانزیتي اړیکو ترمنځ یو بل فرصت رامنځته شو، چې له مخې به یې افغانستان وکولای شي خپل سوداگریز توکي د ترکمنستان له لارې اذربایجان بیا گرجستان او ترکیې له لارې اروپا ته ولیږدوي.

وړاندیزونه:

د افغانستان ملي وحدت حکومت د ټاپي پروژې پلي کېدو پر وړاندې ټول شته خنډونه له منځه یوسي او د پلې کېدو لپاره یې امنیت ټینګ کړي. همدارنگه د افغانستان او ترکمنستان ترمنځ سوداګریز بیلانس شتون نه لري، افغانستان باید خپل داخلي تولیدات پیاوړي او د صادراتو کچه لوړه کړي.

ماخذونه:

۱ انیس. «اعلامیه مشترک محمد اشرف غنی رئیس جمهوري اسلامی افغانستان و قربانقلی بردی محمدوف رئیس جمهور ترکمنستان»، انیس سایت، ۲۲ جنوری ۲۰۱۵، لاسرسی:

<http://dailies.gov.af/site/anis/anis/news۳/afghanistan۳/۶۱۷۶>

[مراجعه: ۱۳۹۷/۲/۱۴]

۲ حبیب زاده، جمشید. «اشرف غنی نقش ترکمنستان را در رشد اقتصادی و صلح در افغانستان مهم خواند»، ازادی رادیو سایت، ۵ سنبله ۱۳۹۴، لاسرسی:

<https://da.azadiradio.com/a/۲۷۲۱۲۱۷۲.html> [مراجعه: ۱۳۹۷/۱/۲۷]

۳ هدایت، محمد. «چشم انداز روابط ترکمنستان و افغانستان»، ۲۲ عقرب ۱۳۹۶، د جمهوري ریاست دویم مرستیال سایت، لاسرسی:

<https://vpo.gov.af/?p=۴۹۸۶> [مراجعه: ۱۳۹۷/۲/۲۲]

۴ بهرنیو چارو وزارت. «مالیې وزیر د ترکمنستان د بهرنیو چارو وزیر سره په اقتصادی مسایلو خبرې وکړې»، د بهرنیو چارو وزارت سایت، ۲۶ اپریل ۲۰۱۶،

لاسرسی: <http://mof.gov.af/ps/news/۵۷۷۷۳> [مراجعه: ۱۳۹۷/۱/۱۱]

۵ سپوتنیک. «افغانستان با ترکمنستان برای صدور سنگ مرمر به توافق شفاهی رسیدند»، سپوتنیک سایت، ۳۱،۰۷،۲۰۱۶، لاسرسی:

له ترکمنستان سره د ملي وحدت حکومت اړیکې

https://af.sputniknews.com/afghan/۲۰۱۶۰۷۳۱۸۰۱۳۹۰/] مراجعه:

[۱۳۹۷/۲/۲۸

^۶ د بهرنیو چارو وزارت. «د افغانستان او ترکمنستان ترمنځ د اقتصادي همکاريو د گډ کمیسیون شپږمه ناسته جوړه شوه»، د بهرنیو چارو وزارت سایټ، ۲۶ جولای ۲۰۱۷، لاسرسی: <http://mof.gov.af/ps/news/۵۷۹۷۷> [مراجعه: ۲۹

[۱۳۹۷/۱/

^۷ د بهرنیو چارو وزارت. «افغان حکومت له ترکمنستان سره د همکاريو اووه دوه اړخیز تړونونه لاسلیک کړل»، د بهرنیو چارو وزارت سایټ، ۴ جولای ۲۰۱۷، لاسرسی: [http://mof.gov.af/ps/news/government-of-afghanistan-](http://mof.gov.af/ps/news/government-of-afghanistan-signs-۷-mutual-cooperation-agreements-with-turkmenistan)

signs-۷-mutual-cooperation-agreements-with-turkmenistan [مراجعه:

[۱۳۹۷/۱/۲۸

^۸ آوا پرس. «تجارت میان افغانستان و ترکمنستان از ۴۰۰ میلیون به ۸۰۰ میلیون دالر افزایش می یابد»، آوا پرس سایټ، ۱۳ سرطان ۱۳۹۶، لاسرسی: <http://www.avapress.com/fa/report/۱۴۵۸۱۰> [مراجعه: ۱۳۹۷/۲/۱۹

۹ فارسي نیوز. «افتتاح مرکز و خانه تجاری ترکمنستان در افغانستان»، فارسي نیوز سایټ، ۱۳۹۶/۶/۹، لاسرسی:

<http://af.farsnews.com/economy/news/۱۳۹۶۰۶۰۹۰۰۰۳۰۰> [مراجعه:

[۱۳۹۷/۲/۲۳

^{۱۰} بی بی سی. «افغانستان قرارداد خرید و فروش برق با ترکمنستان امضا کرد»، بی بی سی سایټ، ۸ نوامبر ۲۰۱۵، لاسرسی:

[http://www.bbc.com/persian/afghanistan/۲۰۱۵/۱۱/۱۵۱۱۰۸_mar_](http://www.bbc.com/persian/afghanistan/۲۰۱۵/۱۱/۱۵۱۱۰۸_mar_afg_turkmenistan_signed_agreement_purchase_sell_energy)
afg_turkmenistan_signed_agreement_purchase_sell_energy

[مراجعه: ۱۳۹۷/۳/۱۱

^{۱۱} Putz , Catherine .«Turkmenistan turns Off the Lights in Northern Afghanistan», the diplomat site, January ۰۳, ۲۰۱۸, Available: <https://thediplomat.com/۲۰۱۸/۰۱/turkmenistan-turns-off-the-lights-in-northern-afghanistan/> , Accessed: {۱۵ July, ۲۰۱۸}

^{۱۲} بی بی سی. «افغانستان قرارداد خریداری برق از ترکمنستان را تمدید کرد»، بی بی سی سایت، ۳۰ ژانویه ۲۰۱۸،

لاسرسی: <http://www.bbc.com/persian/afghanistan-۴۲۸۶۹۶۹۳>

[مراجعه: ۱۳۹۷/۲/ ۲۸]

^{۱۳} پارسی نیوز. «افغانستان و سیاست اقتصاد محور ترکمنستان»، پارسی نیوز سایت، ۱۰ دلو ۱۳۹۵، لاسرسی:

<http://af.farsnews.com/economy/news/۱۳۹۵۱۱۱۰۰۰۰۶۰۵> [مراجعه:

[۱۳۹۷/۲/ ۲۶]

^{۱۴} د معادن او پترولیم وزارت. «کار پروژه تاپی در افغانستان با سخنرانی رییس جمهور غنی آغاز شد»، د معادن او پترولیم وزارت سایت، ۱۳۹۶ حوت ۴، لاسرسی: <http://mom.gov.af/fa/news/۳۳۵۲۷۷> [مراجعه: ۲۲ جوزا

[۱۳۹۷

۱۵ هشت صبح. «نرگس نهران در سفر به هرات: شایعات در باره تاپی بی اساس است»، هشت صبح سایت، ۱۱ جوزا ۱۳۹۷، لاسرسی:

<https://baztab.news/article/۶۲۶۶۱۰> [مراجعه: ۱۳۹۷/۳/۱۵]

^{۱۶} رضانی بونش، فرزاد. «اهداف و منافع افغانستان از مشارکت در تاپی»، جاویدان سایت، ۱۳ اسفند ۱۳۹۶، لاسرسی:

<https://jawedan.com/۱۳۹۶/۱۵۰۹۲/> [مراجعه: ۱۳۹۷/۳/ ۲۸]

^{۱۷} A opnews. «Taliban vows to protect TAPI gas pipeline project», Aop news site, ۲۴th February, Available: ۲۰۱۸,

له ترکمنستان سره د ملي وحدت حکومت اړیکې

<http://www.aopnews.com/taliban/taliban-vows-to-protect-tapi-gas-pipeline-project/> { Accessed: ۱۴ /۶/ ۲۰۱۸ }

۱۸ هېواد. «په کندهار کې د ټاپي پروژې کارکوونکي چا وژلي؟»، هېواد سايت،
ثور ۱۳۹۷، لاسرسی:

<http://dailies.gov.af/site/hiwad/hiwad/note/۱/۴۹۷۱۱>
[مراجعه: ۲۲ /۳/ ۱۳۹۷]

^{۱۹} بی بی سی. «افغانستان، ترکمنستان و تاجکستان، تفاهمنامه احداث خط
آهن امضا کردند»، بی بی سی سايت، ۲۱ مارچ ۲۰۱۳، لاسرسی:

http://www.bbc.com/persian/mobile/afghanistan/۲۰۱۳/۰۳/۱۳۰۳۲۱_afg_turkman_tajik_railway_agreement.shtml#sa-link_location=more-story-
[مراجعه: ۱۷ /۳/ ۱۳۹۷]

^{۲۰} شهپر، علی شیر. «افغانستان و ترکمنستان؛ روابط رو به گسترش و توجه ویژه
اشرف غنی به عشق آباد»، خبرنامه سايت، ۱۵ سرطان ۱۳۹۶، لاسرسی:
[http://khabarnama.net/blog/۲۰۱۷/۰۷/۰۶/ghanis-focus-to-relations-](http://khabarnama.net/blog/۲۰۱۷/۰۷/۰۶/ghanis-focus-to-relations-with-turkmenistan/)
[مراجعه: ۲۹ /۲/ ۱۳۹۷]

^{۲۱} مصباح، یوسف. «پتانسیل های موجود برای گسترش همکاری های اقتصادی
افغانستان و ترکمنستان»، پژواک سايت، ۲۹ اگست ۲۰۱۵،
لاسرسی. <https://www.pajhwok.com/dr/node/۴۳۰۸۵۷> [مراجعه: ۲۶
۱۳۹۷/۳/]

^{۲۲} د بهرنیو چارو وزارت. «کمک بشردوستانه ترکمنستان به آسیب دیدگان زلزله
اخیر در کشور، وزارت امور خارجه»، د بهرنیو چارو وزارت سايت، ۹ عقرب ۱۳۹۴،
لاسرسی: [http://mfa.gov.af/fa/news/humanitarian-assistance-of-](http://mfa.gov.af/fa/news/humanitarian-assistance-of-republic-of-turkmenistan-to-recent-affected-of-earthquake)
[مراجعه: republic-of-turkmenistan-to-recent-affected-of-earthquake

[۱۳۹۷/۳/۱۴]

^{۲۳} آوا پرس. «اعطای ۳۰ بورسیه تحصیلی از سوی ترکمنستان به افغانستان»، آوا پرس، لاسرسی: <http://www.avapress.com/fa/news/۹۳۸۲۴/> [مراجعه: ۱۳۹۷/۳/۲۲]

^{۲۴} صفحه افغان. «بورس های تحصیلی ترکمنستان افزایش یافت»، صفحه افغان سایت، ۱۳۹۵/۷/۳، لاسرسی:

<http://www.afghanpaper.com/nbody.php?id=۱۲۱۵۰۹> [مراجعه: ۱۴] [۱۳۹۷/۳/

^{۲۵} جمهور نیوز. «غنی: روابط افغانستان و ترکمنستان پایدار و مستحکم خواهد بود»، جمهور نیوز سایت، ۸ قوس ۱۳۹۵، لاسرسی:

<http://www.jomhornews.com/fa/news/۸۷۹۸۶/> [مراجعه: ۱۹] [۱۳۹۷/۳/

محقق راضیه غوث

بررسی مقایسوی روند قانونگذاری در جمهوری اسلامی افغانستان و جمهوری ترکیه

خلاصه:

قانون عبارت از مجموعه‌ای از قواعد و مقرراتی است که برای تنظیم و اداره جامعه توسط مقامات ذیصلاح وضع می‌شود و قانونگذاری نیز روندی است که مراحل طی آن تسوید، تصویب، توشیح و نشر در جریده رسمی را می‌پیماید. در افغانستان پیشنهاد طرح قانون از طرف حکومت، قوه قضائیه از مجرای حکومت و هر یک از مجلسین شورای ملی انجام می‌شود، اما تعدیل قانون اساسی از طرف رئیس جمهور یا اکثریت اعضای شورای ملی صورت می‌گیرد. بعداً باید به تصویب لویه جرگه برسد. در ترکیه پیشنهاد طرح قانون از صلاحیت های مجلس ملی ترکیه (پارلمان) و در بعضی موارد شورای وزیران این کشور است، اما تعدیل در قانون اساسی باید از طرف یک سوم اعضای مجلس ملی پیشنهاد و از طرف سه پنجم کل آن تصویب شود و رئیس جمهور صلاحیت دارد تا آن را برای همه پرسى بگذارد و زمانیکه بالاتر از نصف کل آراء را به دست آورد قانون اساسی تعدیل می‌شود.

مقدمه

هرکشوری برای حفظ حقوق، تأمین آزادی، نظم اجتماعی و مساعد ساختن هرچه بیشتر و بهتر فضا برای زنده‌گی مرفه، نیازمند قانون است، زیرا اساس زنده‌گی انسان‌های متمدن قانون بوده و در سایه قانون عدالت به وجه احسن

تأمین و ارزش‌های انسانی معنی و مفهوم پیدا کرده و مورد احترام قرار می‌گیرد، قانونگذاری فرایند وضع قانون و یا یک قاعده حقوقی بوده و مرحله‌ای چون تسوید، تصویب، توشیح و نشر در جریده رسمی را طی میکند عمدتاً قانونگذاری یکی از وظایف اساسی قوه مقننه بوده، اما پیشنهاد آن می‌تواند از طرف حکومت و یا هریک از مجلسین پارلمان باشد؛ مرحله توشیح از صلاحیت‌های رئیس جمهور است و در نهایت پس از توشیح جهت همه‌گانی شدن آن در جریده رسمی نشر و قابلیت اجراء و تطبیق را پیدا می‌کند. سوال اینجاست که روند قانونگذاری در دو کشور افغانستان و ترکیه چگونه بوده، آیا تصویب قانون اساسی با قوانین عادی همسان است و یاخیر؟

هدف تحقیق: هدف از تحقیق روی روند قانونگذاری در افغانستان و ترکیه به شکل مقایسوی روشن ساختن نقاط اشتراک و افتراق و ضعف و قوت در روند قانونگذاری میان دو کشور و استفاده از نقاط مثبت آن است.

مبرمیت موضوع: وجود قانون در تمامی جوامع انسانی امری حتمی بوده و کلیه زوایای زنده‌گی انسان را در بر می‌گیرد و از آنجایی که وضع قانون و رسیدن آن به مرحله اجرایی در افغانستان و ترکیه چندین مرحله را طی می‌کند، بناءً نیاز به تحقیق دارد.

روش تحقیق: در این تحقیق از روش تحلیلی توصیفی و نیز مقایسوی استفاده شده و از منابع معتبر دست اول چون قوانین اساسی دو کشور، اصول وظایف داخلی مجالس پارلمان دو کشور و چندین کتاب معتبر دیگر و نیز سایت‌های انترنتی استفاده شده است.

در این مقاله روی موضوعاتی چون روند قانونگذاری در افغانستان و ترکیه و نقاط اشتراک و افتراق روند قانونگذاری در این دو کشور بحث گردیده که با یک نتیجه‌گیری خاتمه می‌یابد.

— بررسی مقایسوی روند قانونگذاری در جمهوری اسلامی افغانستان و جمهوری ترکیه

قانونگذاری در جمهوری اسلامی افغانستان

قبل از آنکه روی روند قانونگذاری بحث شود، ابتداء باید روی تعریف قانون مکشی کرد.

قانون از کلمه لاتین Cannon گرفته شده، «قاعده‌یی است که مقامات صلاحیت‌دار وضع و ابلاغ کنند و آن مبنی بر تمدن عالم و متناسب با مصلحت مردم است و همه افراد کشور باید از آن تبعیت کنند.» (۱)

قانون به عنوان یکی از ضرورت‌های اجتماعی افراد بشر عبارت از «قاعده مربوط به رفتار انسان در جامعه، اجرای قانون بر افراد، تحمیل می‌شود و در واقع یکی از خصایص بارز قانون، الزام آور بودن آن است.» (۲)

و یا اینکه، «قانون مجموعه‌یی از قواعد و مقررات الزامی است که از سوی مقام ذی صلاحیت (قوه مقننه) برای اداره جامعه وضع می‌گردد و از ضمانت اجرایی دولتی نیز برخوردار است.» (۳)

قانونگذاری روندی است که برای وضع قانون مراحل مختلف چون تسوید، تصویب، توشیح و نشر در جریده رسمی را سپری می‌کند. قانونگذاری از جمله وظایف عمده قوه مقننه (پارلمان) است که در کشورهای مختلف متفاوت است. تسوید اولین مرحله قانونگذاری است که در افغانستان پیشنهاد طرح قانون از طرف حکومت و یا از طرف هر یک از مجلسین شورای ملی صورت می‌گیرد (به استثنای طرح بودجه و امور مالی که مختص به حکومت است).

طرح ابتدایی قانون از طرف هر یک از ادارات اجرایی حکومت تهیه و برای تدقیق به وزارت عدلیه فرستاده می‌شود، «وزارت عدلیه به عنوان دستگاه اختصاصی در قوه مجریه مسوول اصلی تهیه و تدوین طرح قانون است. براین مبنا این وزارت وظیفه دارد، هر ساله پلان کار تقنینی را با همکاری و نظر به پیشنهادها و اولویت‌های ادارات مختلف اجرایی تهیه و به شورای وزیران جهت تصویب ارایه کند.» (۴)

به این ترتیب دیده می‌شود که تسوید از طرف هریک از ادارات اجرایی حکومت صورت گرفته طوری که در جز دوم و سوم ماده چهاردهم مقرر طرز تهیه و تدوین اسناد تقنینی آمده: طرح ابتدایی توسط اداره مربوط تسوید می‌گردد. اداره مکلف است، جهت تسوید طرح ابتدایی مربوط کمیته با صلاحیت را مشتمل بر کارکنان مسلکی با تجربه، متخصص و اهل خبره عرصه مربوط تعیین و توظیف نماید. (۵) تدقیق آن از وظایف وزارت عدلیه است. وزارت عدلیه پس از غور و بررسی در بخش‌های تخصصی این وزارت، جهت تصویب به شورای وزیران سپرده می‌شود و پس از تصویب به شورای ملی فرستاده شده، از طریق وزیر دولت در امور پارلمانی به دارالانشای ولسی جرگه سپرده می‌شود.

سپس برای بحث به کمیسیون‌ها فرستاده، اگر از طرف هر دو مجلس تصویب شد برای توشیح به رئیس جمهور فرستاده می‌شود، اما اگر میان دو مجلس روی تصویب قانون اختلاف به میان آمد، هیأت مختلط از هر دو مجلس به صورت مساوی تشکیل شده، تا موضوع اختلافی را حل کنند؛ در صورت توافق جهت توشیح برای رئیس جمهور فرستاده می‌شود، در غیر آن ولسی جرگه می‌تواند، در جلسه بعدی با آرای دوثلث کل اعضاء آنرا تصویب کند و سپس به توشیح رئیس جمهور فرستاده می‌شود.

پارلمان یکی از ارکان اساسی قوای ثلاثه در یک دولت شمرده می‌شود، در افغانستان به نام شورای ملی یاد می‌گردد، نهادی که مطابق ماده ۸۱ قانون اساسی به مثابه عالی‌ترین ارگان تقنینی و مظهر اراده مردم است و از قاطبه ملت نمایندگی می‌کند. اعضای آن از طریق انتخابات برگزیده می‌شوند.

پارلمان در افغانستان دو مجلسی و شامل مجلس نماینده‌گان یا ولسی جرگه و مجلس سنا یا مشرانو جرگه است. مطابق بند چهارم ماده ۸۳ قانون اساسی این کشور تعداد اعضای ولسی جرگه به تناسب نفوس هر حوزه حداکثر ۲۵۰ تن می‌باشد. همچنان اعضای مشرانو جرگه نیز سه چند تعداد ولایات کشور یعنی ۱۰۲ تن می‌باشد.

— بررسی مقایسوی روند قانونگذاری در جمهوری اسلامی افغانستان و جمهوری ترکیه

طبق حکم ماده ۹۰ قانون اساسی ۱۳۸۲ ه.ش افغانستان یکی از وظایف پارلمان عبارت است از: تصویب، تعدیل یا لغو قوانین و یا فرامین تقنینی؛ از آنجایی که وظیفه قانونگذاری به مثابه شکل دهنده چارچوب‌هایی است که سایر قوای دولت در محدوده آن وظایف خود را انجام می‌دهند، بناءً به ادامه موضوع روی روند قانونگذاری در افغانستان در پرتو قوانین این کشور بحث صورت می‌گیرد.

مطابق ماده ۹۵ این قانون اساسی، پیشنهاد طرح قانون از طرف حکومت یا اعضای شورا (شورای ملی) و در ساحة تنظیم امور قضایی از طرف ستره محکمه توسط حکومت صورت گرفته می‌تواند. «به پیشنهاد قانون از سوی نمایندگان مجلس قانونگذاری طرح قانون گفته می‌شود و به پیشنهاد قانون از سوی دولت یا حکومت لایحه اطلاق می‌گردد.» (۶)

به اساس ماده متذکره حق پیشنهاد طرح قانون در افغانستان به نحوی از صلاحیت‌های هرسه قوه (مجریه، مقننه و قضاییه) است، اما در امور قضایی، ابتداءً به حکومت و سپس از طریق حکومت جهت طی مراحل به پارلمان فرستاده می‌شود، حکومت صلاحیت دارد، تا در عرصه‌یی که نیاز به قانون دارد، طرح آنرا جهت تصویب به ولسی جرگه پیشنهاد کند، «حکومت طرح قانون را یا از جانب خویش و یا در حدود قضایی از جانب ستره محکمه به امضای وزیر عدلیه و وزیری که طرح قانون عمدتاً به او ارتباط دارد، توسط وزیر دولت در امور پارلمانی به انضمام یادداشت توضیحی مبنی بر ضرورت طرح قانون به ولسی جرگه ارایه می‌نماید. ولسی جرگه نیز می‌تواند طرح قانون را توسط ده تن از اعضای خویش با انضمام یادداشت توضیحی مبنی بر ضرورت طرح قانون و امضای اعضای پیشنهاد کننده به ریاست ولسی جرگه تسلیم نماید.» (۷)

پیشنهاد طرح قانون از طرف هریک از مجالس شورای ملی مطابق بند هفتم ماده ۹۷ این قانون اساسی از طرف ده تن از اعضای یکی از دو مجلس صورت

می‌گیرد، بعد از تأیید یک پنجم اعضای مجلسی که پیشنهاد به آن ارایه شده است، در فهرست کار آن مجلس داخل می‌گردد.

بعد از اینکه سند در مجلس عمومی مطرح شد و اعضای مجلس طی مراحل آن را تأیید نمود، به کمیسیون دایمی که به طرح پیشنهادی ارتباط دارد، فرستاده می‌شود. کمیسیون آن را به بحث و بررسی گرفته و در صورت ضرورت تعدیل، ایزاد و حذف می‌نماید، این مسأله در ماده هشتاد و پنجم اصول وظایف داخلی ولسی جرگه چنین تذکر داده شده است: کمیسیون مربوط، طرح قانون را که از جانب رئیس، برایش ارجاع گردیده، باید در مدت ۲۰ روز به تصویب برساند. (۸)

در خلال این مدت کمیسیون روی طرح قانون بحث نموده و فیصله‌های خود را به سایر کمیسیون‌های ولسی جرگه می‌فرستد و نظریات آنها را در طرح می‌گنجانند، سپس آن را دوباره به جلسه عمومی جهت تصویب می‌فرستد و اگر اکثریت اعضای حاضر به آن رأی مثبت داد، تصویب شده، اما میعاد برای تصویب طرح یک ماه است، طوری که در بند سوم ماده نود و هفتم قانون اساسی آمده است: ولسی جرگه نمی‌تواند طرح پیشنهاد شده را بیش از یک ماه به تأخیر اندازد.

هرگاه در جریان رأی‌گیری تعداد موافق و مخالف مساوی باشد، در این حالت رأی رئیس مجلس سرنوشت ساز بوده و تکلیف اقلیت و اکثریت را مشخص می‌کند. مصوبه مجلس نماینده‌گان یا ولسی جرگه پس از تصویب به مشرانو جرگه فرستاده می‌شود، طوری که در بند چهارم ماده ۹۷ قانون اساسی: ولسی جرگه طرح قانون پیشنهاد شده را بعد از تصویب به مشرانو جرگه می‌سپارد.

با در نظر داشت اینکه پارلمان افغانستان دومجلسی است، بناءً روند قانونگذاری در پارلمان‌های دومجلسی ایجاب چنین روشی را می‌کند. زمانی که مصوبه به مشرانو جرگه فرستاده شد، عین پروسه‌یی که در ولسی جرگه طی شده بود، در اینجا نیز عملی می‌شود. هرگاه تعدیل، ایزاد و یا حذف در قانون پیشنهادی حکومت آمده باشد و یا اینکه طرح پیشنهادی از طرف اعضای مجلس

— بررسی مقایسوی روند قانونگذاری در جمهوری اسلامی افغانستان و جمهوری ترکیه

نمایندگان (ولسی جرگه) باشد، در صورتی که به اعضای مشرانو جرگه قابل قبول باشد، تصویب می‌شود و بعد از تصویب مجلسین شورای ملی جهت توشیح به رئیس‌جمهور فرستاده می‌شود، ولی مشرانو جرگه می‌تواند، در صورتی که لازم ببیند، بعضی از تغییرات را نپذیرند و یا بعضی از مواد قانون را تعدیل، لغو و یا تأیید کنند، در صورتیکه با تصویب مجلس نمایندگان توافق داشته باشند، طرح پیشنهادی به تصویب می‌رسد. اما اگر با مصوبه مجلس نمایندگان مخالف باشند، در این صورت جهت حل اختلاف به تشکیل یک هیأت مختلط اقدام می‌کند، ماده صدم قانون اساسی در زمینه مشعر است: هرگاه مصوبه یک مجلس از طرف مجلس دیگر رد شود، برای حل اختلاف هیأت مختلط به تعداد مساوی از اعضای هر دو مجلس تشکیل می‌گردد، فیصله هیأت بعد از توشیح رئیس‌جمهور نافذ شمرده می‌شود. در صورتی که هیأت مختلط نتواند اختلاف نظر را رفع کند مصوبه رد شده به حساب می‌آید، در این حالت ولسی جرگه می‌تواند، در جلسه بعدی آن را با دو ثلث آرای کل اعضا تصویب کند. این تصویب بدون رایحه به مشرانو جرگه بعد از توشیح رئیس‌جمهور نافذ شمرده می‌شود.

بالاخره مصوبه مجلسین بعد از توشیح رئیس‌جمهور حیثیت قانون را گرفته و در جریده رسمی نشر می‌شود، اما در خصوص امور مالی طوری که در بند دوم ماده ۹۵ قانون اساسی تذکر داده شد، پیشنهاد طرح قانون در مورد بودجه و امور مالی صرف از طرف حکومت صورت می‌گیرد. یعنی اینکه پیشنهاد بودجه و سایر امور مالی از وظایف انحصاری حکومت است، ابتداء نهادهای مختلف دولتی با توجه به ضروریات یک ساله، مصارف خود را سنجیده و آن را به وزارت مالیه می‌سپارند؛ وزارت مالیه نیز کمیسیونی را جهت توحید ساختن آن تشکیل داده و در آن نهادهای مختلف دولت برای دفاع از بودجه پیشنهادی برای اداره شان، شرکت می‌کنند، بعداً وزارت مالیه آن را در یک سند واحد تنظیم و برای تصویب به مشرانو جرگه می‌فرستد، «بودجه دولت و پروگرام های انکشافی حکومت از طریق مشرانو جرگه توأم با نظریه مشورتی آن به ولسی جرگه تقدیم می‌شود. تصمیم ولسی جرگه بدون رایحه به مشرانو جرگه

بعد از توشیح رئیس جمهور نافذ شمرده می‌شود.» (۹)، هرگاه رئیس جمهور به مصوبه شورای ملی موافقه نداشته باشد، می‌تواند آن را در ظرف ۱۵ روز از تاریخ تقدیم، با ذکر دلایل به ولسی جرگه مسترد نماید. با سپری شدن این مدت و یا در صورتی که ولسی جرگه آن را مجدداً با دو ثلث آرای کل اعضاء تصویب نماید، مصوبه توشیح شده محسوب و نافذ می‌گردد. (۱۰)

حکومت باید طرح پیشنهادی بودجه را در ربع چهارم سال مالی (سال مالی در افغانستان از اول جدی آغاز و مدت ۱۲ ماه را در بر می‌گیرد.) به شورای ملی بفرستد، ماده ۹۸ قانون اساسی در زمینه صراحت دارد: حکومت در خلال ربع چهارم سال مالی بودجه سال آینده را به حساب اجمالی بودجه سال جاری به شورای ملی تقدیم می‌نماید. حساب قطعی بودجه سال مالی قبل در خلال مدت شش ماه سال آینده مطابق احکام قانون به شورای ملی تقدیم می‌گردد. (۱۱)

در تصویب بودجه، مشرانو جرگه تنها صلاحیت مشورتی را دارد، پس آن را جهت تصویب به ولسی جرگه می‌فرستد، اعضای ولسی جرگه باید با توجه به مصالح و منافع عمومی آن را مورد غور و بررسی قرار داده، سپس آن را به تصویب برسانند بودجه باید یا تماماً مورد تأیید قرار گیرد، یا هم به طور کلی رد شده و ملاحظاتی را که اعضای ولسی جرگه در این خصوص دارند، ضم بودجه نموده و آن را دوباره به وزارت مالیه جهت تصحیح بفرستند. البته میعاد بحث روی بودجه در ولسی جرگه مطابق قانون اساسی یک ماه در نظر گرفته شده است، هرگاه در مدت معینه، بودجه به تصویب نرسد، در این حالت برای جلوگیری از رکود فعالیت‌های دولت الی تصویب بودجه جدید، بودجه سال گذشته تطبیق می‌گردد.

هرگاه پیشنهاد طرح بودجه در اواخر اجلاس سالانه مجلس شورای ملی باشد، پس با توجه به اهمیت موضوع طوری که در ماده ۹۹ این قانون اساسی صراحت دارد: "در صورتی که در اجلاس شورای ملی، بودجه سالانه یا پروگرام انکشافی یا موضوع مربوط به امنیت عامه، تمامیت ارضی و استقلال کشور مطرح باشد، اجلاس شورا قبل از تصویب آن خاتمه یافته نمی‌تواند."

— بررسی مقایسوی روند قانونگذاری در جمهوری اسلامی افغانستان و جمهوری ترکیه

به این مفهوم که الی تصویب بودجه مدت کاری شورا تمدید می‌گردد؛ زیرا بودجه می‌تواند، اساس فعالیت‌های دولت را تشکیل دهد و این امر سبب شده، تا در پهلوی دو موضوع عمده چون استقلال و امنیت عامه ذکر گردیده و پیمانۀ اهمیت آن هم‌تراز با استقلال و تمامیت ارضی کشور قرار گیرد.

اینجا توانمندی ولسی جرگه نسبت به مشرانو جرگه در تصویب قوانین به وضوح مشاهده شده و نقش مشورتی این مجلس بیشتر نمایان می‌گردد؛ زیرا ولسی جرگه ملزم به قبول نظر مخالف این مجلس نبوده و در نهایت می‌تواند، نظریات خود را در قالب تعدیل، ایزاد یا حذف بر طرح‌های پیشنهادی خواه از جانب حکومت باشد و یا از طرف اعضای مجلس به کرسی بنشانند، اینجاست که فلسفۀ وجودی مجلس دوم تا اندازه‌یی زیر سوال رفته و می‌تواند این نهاد را در پارلمان زاید بنمایاند.

تعدیل احکام قانون اساسی در افغانستان مطابق ماده ۱۱۱ قانون اساسی ۱۳۸۲ ه.ش این کشور از وظایف لویه جرگه است که اعضای آن با در نظر داشت ماده ۱۱۰ این قانون اساسی شامل: اعضای شورای ملی، روسای شوراهای ولایات و ولسوالی‌ها می‌باشد. وزراء، رئیس و اعضای ستره محکمه و لوی خازنوال می‌توانند، در جلسات لویه جرگه بدون حق رأی اشتراک ورزند، در بند سوم ماده ۱۵۰ قانون اساسی این کشور آمده که تعدیل قانون اساسی با اکثریت دو ثلث کل اعضای لویه جرگه تصویب و بعد از توشیح رئیس جمهور نافذ می‌گردد.

پیشنهاد تعدیل قانون اساسی مطابق بند سوم ماده ۱۴۹ قانون اساسی این کشور از طرف رئیس جمهور یا اکثریت اعضای شورای ملی صورت می‌گیرد. برای اجرای طرح تعدیل نیز مطابق بند اول ماده ۱۵۰ این قانون اساسی هیأتی از بین اعضای حکومت، شورای ملی و ستره محکمه به فرمان رئیس جمهور تشکیل می‌گردد.

همچنان رئیس جمهور در زمان تعطیل شورای ملی در صورت نیاز صلاحیت صدور فرامین تقنینی به استثنای موضوعات مربوط امور مالی را دارد، مشروط به اینکه پس

از اولین اجلاس پارلمان الی مدت سی روز برای تصویب به پارلمان فرستاده شود، در صورت تأیید حکم قانون را گرفته در غیر آن از اعتبار ساقط می‌شود.

بند سوم ماده دوم مقررۀ طرز تهیه و طی مراحل اسناد تقنینی فرمان تقنینی را چنین تعریف نموده است: مجموعه قواعد حقوقی الزامی است که مطابق ماده ۷۹ قانون اساسی افغانستان طی مراحل گردیده باشد.

در ماده ۷۹ قانون اساسی آمده است: حکومت می‌تواند، در حالت تعطیل ولسی جرگه در صورت ضرورت عاجل، به استثنای امور مربوط به بودجه و امور مالی، فرامین تقنینی را ترتیب کند. فرامین تقنینی بعد از توشیح رئیس جمهور حکم قانون را حایز می‌شود. فرامین تقنینی باید در خلال سی روز از تاریخ انعقاد نخستین جلسه شورای ملی به آن تقدیم شود و در صورتی که از طرف شورای ملی رد شود، از اعتبار ساقط می‌گردد. (۱۲)

اما بعضاً فرامین تقنینی با وجود رد از طرف شورای ملی همچنان به قوت خود باقی می‌ماند که به عنوان یک معضل در امر قانونگذاری شمرده می‌شود.

قانونگذاری در جمهوری ترکیه

قانونگذاری از وظایف مجلس ملی ترکیه* (پارلمان) است که ماده ۷ قانون اساسی این کشور در مورد چنین صراحت دارد: «صلاحیت قانونگذاری به نام ملت ترک به عهده مجلس ملی ترکیه گذاشته شده است؛ این صلاحیت غیر قابل تفویض است.» (۱۳)

پارلمان این کشور یک مجلسی بوده و مطابق ماده ۷۵ این قانون اساسی متشکل از ۵۵۰ نماینده است که در یک انتخابات عمومی از طرف مردم و برای چهار سال برگزیده می‌شوند (ماده ۷۷)، اما در صورتی که در خلال مدت چهار سال پنج فیصد از اعضای مجلس نماینده گان این کشور (که تقریباً ۲۷ نماینده می‌شود) کاهش یابد، در این صورت انتخابات میان دوره‌بی برای تکمیل

* The Grand National Assembly Of Turkey

— بررسی مقایسوی روند قانونگذاری در جمهوری اسلامی افغانستان و جمهوری ترکیه
اعضای مجلس متذکره برگزار می شود، ولی اگر برای برگزاری انتخابات عمومی
مجلس یک سال باقی مانده باشد، در این صورت انتخابات میان دوره‌یی برگزار
نمی شود (ماده ۷۵).

صلاحیت پیشنهاد طرح قانون را نماینده‌گان مجلس و هیأت وزیران دارند؛
طوری که در ماده ۸۸ قانون اساسی این کشور آمده است: پیشنهاد لوایح با
هیأت وزیران و نماینده‌گان مجلس است.

همچنان، «طرح‌هایی که از طرف اعضای مجلس نماینده‌گان برای تصویب
به این مجلس پیشنهاد می شود، به نام لوایح خصوصی و طرح‌هایی که از طرف
شورای وزیران فرستاده می شود، به نام لوایح حکومتی یاد می گردد و پس از
اینکه از طرف اعضای مجلس به تصویب رسید، حکم قانون را می گیرد.» (۱۴)
مطابق بند اول ماده ۷۴ اصول و ظایف داخلی مجلس ملی ترکیه یک نماینده و
یا اضافه‌تر از آن می تواند، پیشنهاد طرح قانون را به مجلس ارایه کند.

رئیس مجلس آن را به کمیته مربوط راجع می سازد و بعد از غور و بررسی دوباره
به مجلس عمومی سپرده شده و با اکثریت آرای اعضای مجلس به تصویب می رسد.
پس از تصویب قانون در مجلس نماینده‌گان برای توشیح به رئیس جمهور
فرستاده می شود و رئیس جمهور باید در ظرف ۱۵ روز آن را توشیح و در جریده
رسمی منتشر کند، طوریکه در ماده ۸۹ قانون اساسی ترکیه آمده است: رئیس
جمهور، مصوبات مجلس را ظرف مدت ۱۵ روز از تاریخ تصویب منتشر می کند،
چنانچه انتشار تمام یا قسمتی از قانون را مناسب نداند، می تواند آن را برای
بررسی مجدد همراه با دلایل و در ظرف مدت مذکور به مجلس اعاده نماید،
چنانچه رئیس جمهور قسمتی از قانون را مناسب نبیند، مجلس می تواند فقط
آن بخش از قانون را که مناسب نظر وی نیست، مجدداً بررسی کند. قوانین
بودجه تابع این حکم نیست؛ اگر قانون اعاده شده به همان شکل ابتدایی به
تصویب مجدد مجلس برسد، رئیس جمهور نسبت به انتشار آن اقدام می کند، اما
اگر مجلس در مورد قانون اعاده شده، اصلاحاتی را به عمل آورد رئیس جمهور

می‌تواند، نسبت به اعاده مجدد آن اقدام کند، احکام مربوط به تغییرات قانون اساسی به قوت خود باقی است.

اصلاحیه قانون اساسی در جمهوری ترکیه مطابق ماده ۱۷۵ قانون اساسی و ماده ۹۴ اصول وظایف داخلی مجلس ملی ترکیه به پیشنهاد یک سوم اعضای مجلس ملی و رأی اکثریت سه پنجم کل اعضای این مجلس، تصویب می‌گردد. زمانی که پیشنهاد اصلاح به ریاست مجلس فرستاده می‌شود، ریاست مجلس نمایندگان آن را جهت بررسی به کمیسیون قانون اساسی که مطابق ماده ۲۰ اصول وظایف داخلی مجلس عالی ترکیه یکی از شانزده کمیسیون داخل مجلس متذکره است فرستاده و موضوع در آن کمیسیون به بحث گذاشته می‌شود؛ بعد از اینکه روی آن توافق شد، با اکثریت آرای مجلس به تصویب رسیده جهت همه‌پرسی به مردم مراجعه می‌شود، در صورتیکه اکثریت آرا را در همه‌پرسی به دست آورد، مواد اصلاحیه قانون تصویب شده و به مرحله اجرا گذاشته می‌شود. (۱۵)

در ترکیه اصلاحیه قانون اساسی که به همه‌پرسی گذاشته می‌شود، باید بالاتر از نصف کل آرا باشد و اینکه کدام مواد اصلاحیه قانون به ریفراندوم گذاشته شود، این امر از صلاحیت‌های مجلس ترکیه است. هرگاه روی طرح پیشنهادی لوایح، مجلس به نتیجه نمی‌رسد و آنرا رد کند، در این صورت تا یک سال بعد از تاریخ رد شدن دوباره در مجلس به بحث گرفته نمی‌شود.

مطابق ماده نود قانون اساسی این کشور: تأیید معاهدات بین‌المللی و موافقتنامه‌های ترکیه با سایر کشورهای خارجی از صلاحیت‌های مجلس ملی ترکیه است، «اما قراردادهای مربوط به روابط فنی و اقتصادی و تجارتي یک ساله یا کمتر از آن، مشروط به اینکه تعهد مالی برای دولت ایجاد کند و نسبت به موقعیت افراد یا حقوق مالی شهروندان ترک ساکن خارج تعدی نکند، تنها با اعلام اجرا می‌شود و نیاز به توافق مجلس ندارد.» (۱۶)

— بررسی مقایسوی روند قانونگذاری در جمهوری اسلامی افغانستان و جمهوری ترکیه
ماده ۹۱ قانون اساسی این کشور بعضاً صلاحیت قانونگذاری را به هیأت وزیران داده است؛ طوری که آمده است: مجلس می‌تواند، به هیأت وزیران صلاحیت صدور تصویب‌نامه‌هایی در حکم قانون را بدهد.
با سقوط کابینه و یا ختم دورهٔ تقنینیهٔ مجلس ملی ترکیه، مقررهای مصوب شورای وزیران از اعتبار ساقط نمی‌شود.

بند دوم ماده ۹۱ به این امر مصر است که: در تصویب‌نامه‌هایی در حکم قانون، مجلس در جریان تصویب آن و قبل از پایان پذیرفتن دورهٔ خود اتمام اعتبار اختیار تفویض شده و یا ادامهٔ آن تا زمان اتمام دورهٔ خود را نیز مشخص می‌کند.

لایحه بودجه نیز از طرف هیأت وزیران جهت تصویب به مجلس ملی ترکیه فرستاده می‌شود. شیوهٔ تصویب آن را ماده ۱۶۲ قانون اساسی این کشور چنین بیان می‌دارد: «شورای وزیران لایحه بودجه را حداقل ۷۵ روز قبل از شروع سال مالی به مجلس تقدیم می‌کند. لوایح بودجه و گزارش آن در کمیسیون بودجه که متشکل از ۴۰ عضو می‌باشد، بررسی می‌شود، در تشکیل این کمیسیون، شرط اعطای حداقل ۲۵ عضو از سوی حزب یا احزاب حاکم، از سوی سایر احزاب و گروه‌های مستقل به نسبت در صدشان در نظر گرفته می‌شود؛ متن پذیرفته شده در ظرف ۵۰ روز در کمیسیون بودجه، در مجلس عمومی بررسی و تا فرارسیدن سال مالی، تصویب می‌شود.

اما لوایح قانونی در مورد قطعیهٔ سال گذشته حداکثر بعد از ۷ ماه از سوی هیأت وزیران به مجلس ملی ترکیه تقدیم و ظرف ۷۵ روز از تاریخ تسلیمی آن به مجلس ارایه می‌شود و کمیسیون بودجه لوایح مربوط بودجهٔ سال مالی جدید و مصارف یا هزینهٔ قطعیه را یکجا به مجمع عمومی تقدیم می‌دارد.

تمامی تصاویر هیأت وزیران در حکم قانون بلافاصله جهت تأیید به مجلس فرستاده می‌شود، در صورتیکه مجلس آن را رد کند، از اعتبار ساقط و در صورتیکه مورد تأیید مجلس قرار گیرد، از تاریخ انتشار آن در جریدهٔ رسمی اعتبار دارد.

در حالت اضطرار یا حکومت نظامی، « هیأت وزیران به ریاست رئیس جمهور می تواند در خصوص مسایل مربوط به حکومت نظامی تصویب نامه هایی در حکم قانون صادر نماید. این تصویب نامه ها در همان روز جهت تأیید به مجلس ترکیه تقدیم می گردد.» (۱۷)

مشابهت‌ها و تفاوت‌ها در روند قانونگذاری افغانستان و ترکیه

وظیفه قانونگذاری در هر دو کشور از صلاحیت‌های قوه مقننه است، ولی روند بررسی و طی مراحل آن با توجه به ساختار دو مجلسی در افغانستان و ترکیه متفاوت است؛ زیرا در افغانستان شورای ملی (پارلمان) دو مجلسی و در ترکیه مجلس ملی این کشور یک مجلسی است.

پیشنهاد طرح قانون در هر دو کشور از طرف حکومت و پارلمان صورت می‌گیرد. اگر از جانب پارلمان باشد در افغانستان از طرف ده عضو مجلس و تایید یک پنجم اعضا صورت می‌گیرد؛ در حالیکه در ترکیه هر یک از نمایندگان مجلس صلاحیت پیشنهاد طرح قانون را دارا میباشند و پس از تصویب در هر دو کشور با اکثریت آرای اعضای پارلمان جهت توشیح به رئیس جمهور فرستاده می‌شود؛ رئیس جمهور باید ظرف مدت پانزده روز آن را توشیح یا در صورت رد در ترکیه با ذکر دلایل دوباره به مجلس ملی ترکیه و در افغانستان به ولسی جرگه مسترد می‌نماید.

اما در قسمت توشیح بودجه اندکی تفاوت وجود دارد. در افغانستان پیشنهاد طرح بودجه از صلاحیت‌های انحصاری حکومت بوده که در ربع چهارم سال مالی و حساب قطعیه سال قبل را در خلال مدت شش ماه سال آینده به شورای ملی تقدیم می‌کند؛ ولسی جرگه نیز باید در ظرف یک ماه بودجه را به تصویب رسانیده و در صورت رد دوباره به حکومت مسترد کند، اما در ترکیه باید هفتاد و پنج روز قبل از شروع سال مالی جدید به مجلس تقدیم و مدتی برای تصویب آن نیز پنجاه روز در نظر گرفته شده است؛ یعنی قبل از آغاز سال مالی جدید باید به تصویب برسد و در مورد حساب قطعیه سال گذشته نیز بعد از هفت ماه به

— بررسی مقایسوی روند قانونگذاری در جمهوری اسلامی افغانستان و جمهوری ترکیه
مجلس فرستاده و مجلس ظرف هفتاد و پنج روز از تاریخ تسلیمی آن با بودجه
یکجا آن را به مجلس عمومی تقدیم می‌کند.

نحوهٔ تعدیل قانون اساسی نیز در دو کشور افغانستان و ترکیه از هم متفاوت
است. در افغانستان صلاحیت تعدیل قانون اساسی را لویه جرگه به دوش دارد و
پیشنهاد تعدیل نیز از طرف رئیس جمهور یا اکثریت اعضای شورای ملی (ولسی
جرگه، مشرانو جرگه) صورت می‌گیرد؛ در حالیکه در ترکیه پیشنهاد تعدیل قانون
اساسی با یک سوم نماینده‌گان مجلس ملی و با تصویب سه پنجم کل اعضای
مجلس ملی ترکیه صورت می‌گیرد. در ترکیه پس از تصویب رئیس جمهور
صلاحیت دارد، تا تعدیلات قانون اساسی را به همه پرسى بگذارد، اما در
افغانستان مطابق مادهٔ ۶۵ قانون اساسی این کشور مراجعه به آرای عمومی
نباید مناقض احکام این قانون اساسی یا مستلزم تعدیل آن باشد، به این مفهوم
که صلاحیت همه پرسى را در تعدیل قانون اساسی ندارد.

نتیجه‌گیری

قانونگذاری در افغانستان و ترکیه یکسان بوده و مراحلی چون تسوید،
تصویب، توشیح و نشر در جریدهٔ رسمی را می‌پیماید، اما آنچه در افغانستان به
عنوان معضل مطرح می‌شود، بحث فرامین تقنینی است که با وجود اینکه در
اکثر موارد سبب سرعت در تصامیم حکومت می‌گردد، ولی بعضاً موجب اختلاف
میان دو قوهٔ مقننه و مجریه می‌گردد.

قانون اساسی در افغانستان با توجه به شیوهٔ تعدیل آن انعطاف ناپذیر بوده،
اما در ترکیه هرچند تجدید نظر در قانون اساسی این کشور نیاز به اکثریت رأی
اعضای مجلس ملی (پارلمان) را دارد، ولی با توجه به نقش احزاب در پارلمان
این کشور، تا اندازه‌یی انعطاف پذیر است، شیوهٔ تجدید نظر در قانون اساسی،
انعطاف ناپذیر تا حدی بهتر از انعطاف پذیر بودن آن است؛ زیرا از سوء استفاده
رئیس جمهور در جهت منافع شخصی و یا گروهی جلوگیری می‌کند، هرچند در
برخی مواقع سبب کندی در کارها می‌شود.

در پهلوی آن ضعیف بودن نقش احزاب سیاسی در پارلمان افغانستان سبب شده، تا روند قانونگذاری در کل چه تعدیل قانون اساسی باشد و یا تصویب قوانین عادی و سایر مواردی که نیاز به تصویب شورای ملی را دارد به مشکل مواجه می‌شود؛ زیرا نبود احزاب سیاسی قوی در داخل پارلمان نوعی پراکنده‌گی را در داخل شورای ملی به میان آورده است.

پیشنهادها

بناءً پیشنهاد می‌گردد، تا در راستای تقویت نقش احزاب سیاسی گام‌های عملی برداشته شود، تا از پراکنده‌گی در امر تصمیم‌گیری‌ها در داخل شورای ملی جلوگیری گردیده و نیز کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی نقش برجسته‌تری را داشته باشد، تا از مشکلاتی که پیرامون عدم تطبیق درست احکام قانون اساسی است، جلوگیری به عمل آید.

مآخذ

- ۱- رسولی، محمد اشرف. مروری بر قوانین اساسی افغانستان، چاپ اول، کابل: انتشارات سعید، سال ۱۳۸۸، ص ۲.
- ۲- نیاز، عبدالوحید. مقدمه‌یی بر حقوق اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، چاپ اول، کابل: انتشارات سعید، سال ۱۳۹۳، ص ۳۲۹.
- ۳- سجادی، سید عبدالقیوم. پارلمان؛ قانونگذاری؛ نظارت و نمایندگی، چاپ اول، کابل: دانشگاه خاتم النبیین، سال ۱۳۹۲، ص ۲۶.
- ۴- محمدی، عبدالعلی. حقوق اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، چاپ دوم، کابل: دانشگاه خاتم النبیین، سال ۱۳۹۵، ص ۲۹۰.
- ۵- دولت جمهوری اسلامی افغانستان. مقررہ طرز تهیه و طی مراحل اسناد تقنینی، جریده رسمی، فصل دوم بند دوم ماده چهاردهم و فصل سوم بند اول ماده پانزدهم، نمبر مسلسل ۱۰۸۱، کابل: وزارت عدلیه، سال ۱۳۹۱.

— بررسی مقایسوی روند قانونگذاری در جمهوری اسلامی افغانستان و جمهوری ترکیه

- ۶- سجادی، عبدالقیوم. پارلمان؛ قانونگذاری؛ نظارت و نمایندگی، ص ۷۷،
- ۷- "اصول و وظایف داخلی ولسی جرگه"، وبسایت ولسی جرگه، فصل چهاردهم ماده هشتادو یکم سال ۱۳۹۶، دسترسی: <http://www.wolesi.com/media/file> [مراجعه: ۱۳۹۶/۹/۷]
- ۸- همانجا، فصل چهاردهم ماده هشتادو پنجم.
- ۹- افغانستان، قانون اساسی افغانستان، جریده رسمی، فصل پنجم ماده ۹۸، شماره فوق العاده، نمبر مسلسل ۸۱۸، کابل: وزارت عدلیه، سال ۱۳۸۲.
- ۱۰- همانجا، ماده ۹۴،
- ۱۱- همانجا، ماده ۹۸،
- ۱۲- همانجا، ماده ۷۹،

۱۳- "The Grand National Assembly of Turkey," Constitution Of The Republic Of Turkey", Website of The Grand National Assembly of Turkey,____, Available at: <http://www.tbmm.gov.tr>, [Accessed ۴ June ۲۰۱۶].

۱۴- "The Grand National Assembly of Turkey "Law making process", Website of The Grand National Assembly of Turkey,____, Available at: <http://www.tbmm.gov.tr>, [Accessed ۴ June ۲۰۱۶]

۱۵- "The Grand National Assembly of Turkey " Rules Of Procedure Of The Grand National Assembly Of Turkey", Website of The Grand National Assembly of Turkey,____, Available at: <http://www.tbmm.gov.tr>, [Accessed ۴ June ۲۰۱۶].

۱۶- دفتر بررسی های سیاسی و اجتماعی، "فرایند قانونگذاری در ترکیه امروز"، خرداد و تیر ۱۳۷۵، شماره ۲۰، سال چهارم، فصلنامه مجلس و پژوهش، مرکز پژوهش های شورای اسلامی تهران، ص ۲۵۰.

۱۷- The Grand National Assembly of Turkey," Constitution Of The Republic Of Turkey", Website of The Grand National Assembly of Turkey,____,article ۱۲۲, Available at: <http://www.tbmm.gov.tr>, [Accessed ۴ June ۲۰۱۶].

د پښتون ژغورنې غورځنگ پېژندنه او د هغه راتلونکي

خلاصه:

د سپتمبر له ۱۱ مې وروسته د پاکستان پوځ په قبایلي سیمو کې د شبه پوځیانو د له منځه وړلو په موخه له لسو ډېر پوځي عملیات تر سره کړي چې له امله یې د یادو سیمو اوسیدونکو(پښتنو) ته د سر او مال زیانونه اوښتي دي. له ۲۰۰۹ ز. کال را په دېخوا یواځې په سویلي وزیرستان کې ۳۵ کسان د ځمکنیو ماینونو له امله وژل شوي او په زرگونه نور له خپلو کورونو، پوهنتونونو او سرکونو له ترهگرۍ سره د مبارزې په پلمه ورک شوي دي.

د ملگرو ملتونو سازمان د بې ځایه شویو د عالي کمیساری د شمېرو پر بنسټ د دغو عملیاتو په پایله کې د یادو خلکو کورونه، ښوونځي، روغتونونه او نورو عام المنفعه ځایونه له منځه تللي او شاوخوا دوه میلیونه کسان له یادو سیمو بې ځایه شوي دي، خو سره له دې هم د پاکستان پوځ د یادو سیمو د خلکو دې ناخوالو ته نه دي کتلي او د هغوی ځورونه یې روانه ساتلې ده چې وروستی پېښه یې په کراچۍ ښار کې د یو مسید ځوان وژل و چې له امله یې خلکو د هغه د قاتل د سزا رسولو په موخه لاریونونه پیل کړل، خو له ځنډ وروسته دا لاریونونه د پښتون ژغورنې غورځنگ په را منځ ته کولو بریالي شول.

سريزه:

ځينې مهال داسې پېښې رامنځ ته کيږي چې د يو قوم د ويښتابه او د هغوی له لوري د خوځښتونو د رامنځته کېدو لامل گرځي، د نړۍ په تاريخ کې د دغو پېښو بېلگې ډېرې دي چې يوه يې هم په ۲۰۱۸ ز. کال کې د پاکستان په کراچۍ ښار کې د يو پښتون ځوان وژل و، چې له امله يې په ياد هېواد کې مېشتو پښتنو لاريونونه پيل کړل چې له لږ ځنډ وروسته دا لاريونونه د پښتون ژغورنې غورځنگ د رامنځ ته کېدو لامل شول چې له پيل نه تر اوسه پورې د يو خود جوشه او بې طرفه خوځښت په توگه پرمخ روان دی. له ټولو مهمه دا چې د دې غورځنگ د غونډو او لاريونونو مشري د تېرو سياسي غونډو او لاريونونو په څېر، پخواني پښتانه سياسيون نه کوي، بلکې واک يې له ځوانو سياسي پښتنو سره دی چې د پاکستانې پوځ او استخباراتو گواښونه پرې چندان اغېز نه کوي.

دا چې دا خوځښت کله، چا او څنگه رامنځ ته شو؟ کومې موخې لري؟ تر دا مهاله يې کومې لويې غونډې کړي؟ راتلونکي به يې څنگه وي؟ او داسې نور هغه موضوعات دي چې په دې ليکنه کې پرې بحث شوی دی.

د څېړنې هدف: د دې څېړنې هدف د پښتون ژغورنې غورځنگ پېژندنه او د ياد غورځنگ د راتلونکي په اړه د معلوماتو وړاندې کول دي.

د څېړنې فرضيه: ليدل کيږي چې پښتون ژغورنې غورځنگ له وزيرستان تر پېښور، کوټې او له کوټې تر کابل، د پښتون ويښتابه د سمبول حيثيت خپل کړی او پر يوه قومي محور د پښتنو، په ځانگړي ډول له ډيورنډ کرښې پورې غاړې پښتنو د راغونډولو فرصت يې رامنځته کړی دی.

د څېړنې مبرميت: پاکستان زمونږ گاونډی هېواد دی، په ياد هېواد کې د هرې سياسي پېښې رامنځ ته کېدل پر افغانستان په مستقيم ډول اغېز لري، دا چې سرکال هلته د پښتون ژغورنې غورځنگ رامنځ ته شوی او په

د پښتون ژغورنې غورځنگ پېژندنه او د هغه راتلونکي

افغانستان کې ترې په پراخه کچه ملاتړ شوی، نو په هکله يې څېړنه او د معلوماتو راټول په خپل ځای کې د ارزښت او مبرمیت وړ موضوع ده.

د پښتون ژغورنې غورځنگ د رامنځ ته کېدو بهير: په وزيرستان کې د مسيدو پر قوم د پاکستاني پوځيانو د ظلمونو پر ضد د منظور مسيد په مشرۍ يو شمېر ځوانانو چې شمېر يې ۲۵ تنو ته رسېده، د مسيد ژغورنې غورځنگ پيل کړ. د دې غورځنگ غوښتنې په لومړيو کې د پاکستاني پوځيانو له لوري د مسيد قوم د خلکو د بې عزتۍ نه کول، دوی ته سپکې سپورې نه ويل او د دوی له ځورولو لاس اخيستل وو.^۱

کله چې د پاکستان په پارلمان کې د مسيد قوم يو وکیل (مولوی معراج الدين) د پاکستان پر پوځ نيوکې وکړې څلور ورځې وروسته د خپل کور په مخ کې ووژل شو. له يادې پېښې وروسته د مسيدو شمکۍ کلی ته نژدې د پاکستاني پوځيانو پر يو موټر د ماین چاودنه وشوه، له چاودنې وروسته پوځيانو ياد کلی محاصره کړ، نران، بنڅې او ماشومان يې له کورونو راووبستل پرځمکه يې ځملول او په جوتو پښو پرې ختل.

له يادو پېښو وروسته (د ۲۰۱۸ زکال د جنورۍ په ۳ مه) د سويلي وزيرستان يو پښتون ځوان نقيب الله مسيد په کراچۍ ښار کې د پوليسو له خوا له تحریک طالبان پاکستان ډلې سره د تړاو درلودو په تور و نيولو څو ورځې وروسته د جنورۍ په ۱۵ مه نېټه ووژل شو او مړی يې ډيورنډ کرښې ته څېرمه د سويلي وزيرستان په سيمه کې وموندل شو، دې موضوع پر ټولنيزو شبکو د خلکو توند غبرگونونه را و پارول، هماغه و چې د يادې سيمي (قبایلي) پښتانه د جنورۍ په ۲۴ نيټه د يو لاريون په بڼه د خيبر پښتونخوا له ډيره اسماعيل خان نه روان شول د بنو، پيښور او نورو ښارنو څخه له تېرېدو وروسته د فبرورۍ په لومړۍ نېټه اسلام آباد ته ورسېدل، اسلام آباد ته له رسېدو سره سم له نورو پښتون مېشتو سيمو څخه ورسره په زرگونو نور پښتانه يوځای شول او د ياد غورځنگ نوم يې له مسيد ژغورنې څخه پښتون ژغورنې

ته وارپولو. يادو لاريونوالو هلته د لسو ورځو لپاره احتجاجي ناسته وکړه. که څه هم په لومړيو کې يې غوښتنه د نقيب الله محسود د قاتل (راو انور چې پوځي افسر دی) په سزا رسول و، خو وروسته يې غوښتنې زياتې شوې چې په لاندې برخه کې به يې ذکر کړو:^۲

- ۱- د نقيب الله مسيد د قاتل نيول کېدل او د عدالت منگولو ته يې سپارل
- ۲- قبایلي سيمې په بشپړه توگه له ماینونو پاکول.
- ۳- د هغو پښتنو په هکله د معلوماتو ورکول، چې پاکستاني پوځ او يا استخباراتي ادارو له کورونو بيولي او لادرکه دي.
- ۴- که چېرته لادرکه پښتنو کوم جرم کړی وي، په محکمه کې يې عدالت ته راکشول.

۵- په قبایلي سيمو کې د خلکو په گرځېدو د بنديز له منځه وړل.

۶- په ولسي سيمو کې د پوځي عملياتو بندول.

که څه هم چې په لومړيو کې د پاکستان د بېلابېلو سياسي گوندونو مشرانو د دغې غونډې له گډونوالو ملاتړ څرگند کړ او ان د پاکستان صدراعظم هم له احتجاج کونکو سره ملاقات وکړ، خو احتجاج کونکو په يوه خوله ژمنه وکړه چې تر هغه پورې به خپلو لاريونونو او غونډو ته دوام ورکړي، تر څو يې چې غوښتنې منل شوي نه وي.

د پښتون ژغورنې غورځنگ غونډې: د دې غورځنگ پلويانو د خپلو حقوقو د غوښتنې لپاره تر دا مهاله د پاکستان دننه او بهر لسگونه غونډې کړي چې له مهمو څخه به يې دلته يادونه وکړو:

- ۱- **د پېښور غونډه:** وزيرستان او پېښور په مهمو تاريخي پراوونو کې د کوزو پښتنو د را غونډېدو، تصميم نيونې او مشرتابه د زيرون مراکز پاتې شوي، نو همدا لامل و چې د پښتون ژغورنې غورځنگ تر ټولو لويه غونډه د ۲۰۱۸ز کال د اپرېل په اتمه د پېښور ښار په رېنگ روډ سيمه کې له سرحد پوهنتون سره نږدې جوړه شوه چې په کې له قبایلو، پښتونخوا، سويلي

د پښتون ژغورنې غورځنگ پېژندنه او د هغه راتلونکي

پښتونخوا (مومند او خيبر ايجنسټو) او پنجاب نه د وركوشويو او وژل شويو كسانو د مېرمنو او كورنيو په گډون (چې د وركو شويو او وژل شويو خپلوانو انځورونه يې پورته كړي وو) څه باندې ۱۰۰ زره كسانو گډون كړي وو.^۳ په دغې غونډه كې د پښتون ژغورنې غورځنگ غړو د اسلام آباد له واكمنو څخه د پخوانيو غوښتنو (لكه: د شهيد نقيب مسيد د قاتل د كراچۍ د پوليسو د محلي قومندان راو انور په سزا رسول، په قبايلو كې د گرځند بنديز ختمول، د ښځو شويو ماينونو پاكول، د قبايلو ورك شوي ځوانان خوشې كول او په ولسي سيمو كې د پوځي عملياتو بندول) ترڅنگ د پښتنو د قتل په تور د پاكستان د پخواني ولسمشر پرويز مشرف او د پاكستاني طالبانو د يو مشر احسان الله احسان محاكمه كول هم وغوښتل.

۲- د لاهور غونډه: دا غونډه د اپرېل د مياشتې په ۲۲ مه نېټه د لاهور ښار په موچي گېټ سيمه كې جوړه شوه چې په كې له ۵۰۰۰ - ۱۰۰۰۰ كسانو برخه اخيستې وه. په دغه غونډه كې د پښتون ژغورنې غورځنگ له مشرانو سر بېره د پاكستان د بشري حقوقو د دفاع مشري امينه مسعود جنجوعه، د بشري حقونو فعالې حنا جيلاني، د سولې فعال فاروق طارق، د پېښور په بريد كې د وژل شويو ماشومانو د پلرونو د كمېټې مشر فضل خان، د انقلابي شاعر حبيب جالب لور طاهره جالب او د عوامي كارگرانو د گوند مشر گجرهم گډون كړي و.^۴

د دې غونډې گډونوالو د پاكستان د امنيتي ځواكونو له لوري د ناقانونه وژنو، د خلكو د وركېدو او نورو ناوړه سرغړونو د پاى ته رسولو غوښتنه وكړه.

۳- د سوات غونډه: په پېښور او لاهور كې د پښتون ژغورنې غورځنگ تر پراخو غونډو وروسته د همدې مياشتې (اپرېل) په ۲۹ مه په سوات كې ستره اعتراضيه غونډه وشوه، چې د پاكستان له بېلابېلو سيمو لكه: پښتونخوا، قبايلو، بلوچستان، پنجاب او نورو ښارونو څخه د ښځو په گډون زرگونه كسان راتول شوي وو. په دې غونډه كې د پښتون ژغورنې غورځنگ مشرانو، د وژل

شویو او ورکو شویو کورنیو غرو او بنځینه فعالانو گډون کړی و او ټولو په یوه خوله د پښتون ژغورنې غورځنگ د غوښتنو د عملي کېدلو غوښتنه وکړه او له پاکستانی حکومت او پوځ څخه یې وغوښتل، خو هغه کسان را خوشې کړي چې په بېلابېلو پلمو یې نیولي دي. د یادولو وړ ده، چې په دې غونډه کې گډونوالو پاکستانی حکومت ته گواښ وکړ، که چېرې یې غوښتنې ونه مني، نو ملگرو ملتونو ته به مراجعه وکړي.

۴- د کراچی غونډه: دا غونډه د ۲۰۱۸ ز کال د مې میاشتې په ۱۴ مه د سند ایالت په کراچی ښار کې داسې مهال جوړه شوه چې د پښتون ژغورنې غورځنگ څو غړي د پاکستانی حکومت له خوا و نیول شول او د دې غورځنگ مشر منظور پښتین ته له اسلام آباد څخه کراچی ته په الوتکه کې د تگ اجازه ور نه کړل شوه، د فعالانو په وینا، پښتین غوښتل چې په الوتکه کې کراچی ته سفر وکړي خو دوو هوایي شرکتونو ورته ټکټ ورنه کړ او دې ته اړشو چې په موټر کې سفر وکړي. د کراچی پر لار هم د پښتین موټر په څو ځایونو کې د ناڅرگندو دلایلو له کبله وځنډول شو، خو هغه له شلو ساعتونو سفر وروسته کراچی ښار ته ورسید. که څه هم چې د پاکستان حکومت د دې سترې غونډې د مخنیوي لپاره خلک گواښلي و چې په دې غونډه کې گډون ونه کړي. خو د گواښونو سربېره زرگونو کسانو په کې گډون وکړ او د خپلو حقونو غوښتنه یې وکړه.^۶

د صوابی غونډه: دا غونډه د ۲۰۱۸ ز کال د اگست میاشتې پر دولسمه نېټه په پاکستان کې له پارلماني ټاکنو (۲۰۱۸ ز کال) یوه میاشت وروسته د پښتونخوا په صوابی سیمه کې جوړه شوې وه چې له پښتونخوا سربېره په کې د یو شمېر نورو سیمو زرگونو کسانو هم گډون کړی و. په دې غونډه کې د پښتون ژغورنې غورځنگ مشرانو پر پاکستانی ادارو غږ وکړ چې له پښتنو سره روان ظلم دې بند کړي، د پښتنو غوښتنې دې ومني او د غورځنگ نیول شوي کسان دې له بندخونو را خوشې کړي.^۷

د پښتون ژغورنې غورځنگ پېژندنه او د هغه راتلونکي

د يادولو وړه چې له دې غونډې مخکې داسې گنگوسې وې چې د پښتون ژغورنې غورځنگ د مشرانو تر منځ، په پارلماني ټاکنو کې د علي وزير او محسن داوړ د گډون له امله اختلافونه رامنځته شوي، خو کله چې محسن داوړ په دې غونډه کې گډون او وينا وکړه، دا گنگوسې دروغ ثابتې شوې.

د بنو غونډه: دا غونډه د ۲۰۱۸ ز. کال د اکتوبر مياشتې په ۲۸ مه د خيرپښتونخوا په بنو سيمه کې تر دوه نيمو مياشتو ځنډ وروسته وشوه چې له پښتونخوا سربېره په کې د سويلي او شمالي وزيرستان، کوټې، پېښور او ملاکنډ له گوټ گوټ څخه څه باندې ۶۰ زرو کسانو گډون کړی و.^۸

دا غونډه د پېښور له هغې وروسته د پښتون ژغورنې غورځنگ دوهمه لويه غونډه وه چې گډونوالو يې د پاکستان حکومت ته خپلې مهمې غوښتنې بيا مخته کړې. په دې غونډه کې د غورځنگ د نورو غونډو په څېر د تري تم شويو کسانو د کورنيو غړيو، ماشومانو، ښځو او سپين ږيرو هم گډون درلود.^۹

د يادولو وړه چې په دې غونډه کې هم د پاکستاني حکومت له لوري پر دوی ټولنيزې شبکې بندې شوې وې او ځايي رسنيو د نورو غونډو په څېر ډېر پوښښ وړ نه کړ، دغه راز د غونډې ځای ته د خلکو د راتگ مخې ته هم ځنډونه او تکليفونه ډېر شوي و، خو له دې ټولو ستونزو سره سره بيا هم د پښتنو له ټولو علاکو او سيمو څخه دې غونډې ته خلک راغلي و.

دا چې د پاکستان په تېرو پارلماني ټاکنو کې د دې غورځنگ دوه مهم غړي (محسن داوړ او علي وزير) بريالي شوي وو او ډېره موده ياد غورځنگ کومه لويه غونډه نه وه کړې، نو ډېرو شنونکو ويل چې ښايي غورځنگ له خپله زوره لوېدلې وي، خو د بنو په غونډه کې د پښتنو گډون دا هرڅه دروغ ثابت کړل او خلکو ته دا فکر پيدا شو چې د پښتون ژغورنې غورځنگ لا هم پياوړی دی.

لکه مخکې مو چې يادونه وکړه چې د پښتون ژغورنې غورځنگ غړو له پاکستان نه بهر هم ډېرې غونډې او لاريونونه وکړل، يو له هغو څخه د ۲۰۱۸ ز. کال د سپتمبر مياشتې په ۲۹ مه د بلجيم په پلازمېنه بروکسل کې د

یاد غورځنگ دوه ورځنۍ کنفرانس وه، چې په ترڅ کې یې په اروپایي هېوادونو کې د پښتون ژغورنې غورځنگ استازو د خپلو فعالیتونو او لاسته راوړنو په هکله گډونوالو ته معلومات ورکړل او د راتلونکو پلانونو په اړه یې ور سره مشورې وکړې.^{۱۰}

د پښتون ژغورنې له غورځنگ څخه ملاتړونه: د پښتون ژغورنې له غورځنگ څخه په ملاتړ له کابل نه نیولې تر پاریس او واشنگټن پورې غونډې او لاریونونه وشول چې تر ټولو مهم به یې په لاندې برخه کې وڅېړل شي.

لومړی: په پاکستان کې د پښتون ژغورنې له غورځنگ څخه ملاتړ: له هغه وروسته چې د پښتون ژغورنې غورځنگ په اسلام آباد کې د خپلو حقوقو د غوښتنې لپاره پرلت پیل کړ، د یوشمېر مدني فعالانو په گډون د محمودخان اڅکزي په مشرۍ د ملي عوامي گوند او د جماعت علماء اسلام مخکښ غړي مولانا محمد خان شیراني او د اجمل خان باور په مشرۍ د پښتون ولسي تحریک په گډون ترې یو شمېر نورو گوندونو هم ملاتړ وکړ.^{۱۱}

دویم: په سیمه ییزه کچه له پښتون ژغورنې غورځنگ څخه ملاتړ: په سیمه ییزه کچه افغانستان هغه هېواد و، چې د نورو په پرتله یې له پښتون ژغورنې غورځنگ څخه پراخ ملاتړ وکړ.

کله چې د منظور پښتین ترمشرۍ لاندې د یاد غورځنگ اعتراضات رسنیز شول، افغان ولسمشر محمد اشرف غني له لومړنیو مشرانو څخه و چې د ټوټېر له لارې یې له یاد غورځنگ څخه ملاتړ وکړ، نوموړي په خپل پیغام کې ټینگار وکړ چې دا یو تاریخي فرصت او له بنسټ پالنې سره د مبارزې مثبت گام دی چې مور ته سوله ییز اقدامات را ښيي، نو اړینه ده چې ټول افغانان له دې غورځنگ څخه ملاتړ وکړي، دغه راز افغان ولسمشر په خپل پیغام کې ویلي و: چې له منظور پښتین څخه ملاتړ د پاکستان په کورنیو چارو کې د لاسوهنې په معنا نه ده، ځکه چې د ډیورنډ کرښې دواړو غاړو ته پښتانه زموږ خپل خلک دي.^{۱۲}

د پښتون ژغورنې غورځنگ پېژندنه او د هغه راتلونکي

د افغان ولسمشر له ياد پيغام څخه وروسته د پښتون ژغورنې غورځنگ په ټولنيزو شبکو کې د خلکو د پام وړ وگرځېد، د افغانستان او پاکستان دننه او د نړۍ په بېلابېلو هېوادونو کې مېشتو پښتنو له دې خوځښت څخه ملاتړ اعلان کړ، تردې چې ځينو افغان ملتپالو سياستوالو لکه: د افغانستان پخواني ولسمشر حامد کرزي، د ملي شورا (پارلمان) د دواړو مجلسونو (مشرانو جرگې او ولسي جرگې) مشرانو هريو فضل الهادي مسلميار او عبدالرؤف ابراهيمي، د ملي امنيت پخواني ريس امرالله صالح، په امريکا کې افغان ډيپلومات هارون حکيمي او ځينو نورو له ياد غورځنگ څخه د ملاتړ په باب څرگندونې وکړې.

همدارنگه د افغانستان ډېری رسنيو د پښتون ژغورنې غورځنگ خبرونو او غونډو ته په پراخه کچه د پوښښ اوږه ورکړه او له منظور پښتین څخه يې ملاتړ وکړ، له بلې خوا په کابل، ننگرهار، پکتيا، بلخ او يو شمېر نورو ولايتونو کې د ياد غورځنگ په ملاتړ لاريونونه وشول او له هغې ورسته په همدې ولايتونو کې د پرلت خېمې ودرول شوې، چې گڼو ځوانانو، د مدني ټولنو غړو او د لوی افغانستان غوښتونکو په کې گډون کاوه.

دا چې د پښتون ژغورنې غورځنگ مشرمنظور پښتین ډېری وخت مزارۍ خولۍ (د سور او تور رنگ لرونکې) پر سر کوي، نو دغه خولۍ د دې غورځنگ په نښان بدله شوې او ډېری پښتانه ځوانان او د ياد خوځښت پلويان ترې د ملاتړ په موخه دا خولۍ پرسرکوي چې ښه بېلگه يې د ۲۰۱۸ ز. کال د اپرېل په ۳ مه او ۷ مه نېټه د افغانستان د پارلمان د مشرانو جرگې او ولسي جرگې د غړو له لوري د يادو خوليو پرسرکول و.^{۱۳}

دربيم: په نړيواله کچه د پښتون ژغورنې له غورځنگ څخه ملاتړ: که څه

هم چې د افغان ولسمشر محمد اشرف غني پرته د بل هېواد چارواکي د پښتون ژغورنې له خوځښت څخه په ښکاره ملاتړ ونه کړ، خو د بخښنې نړيوال سازمان د پاکستان له حکومت څخه وغوښتل چې د پښتون ژغورنې خوځښت پر ضد دې جرمي دعوي بېرته واخلي، ځکه چې سوله ييز لاريونونه او ناستې د هغوی حق

دی. ۱۴ دغه راز په واشنگټن کې د سويلي اسيا د چارو کارپوه مايکل کگلیمین په پاکستان کې د پښتون ژغورنې د خوځښت په اړه امريکا غږ راډيو سره په يوه مرکه کې وويل: "امريکا بايد ياد خوځښت ته په ښه سترگه وگوري، ځکه چې امريکا تل د مدني ټولني د حقونو خبره کوي. مونږ وايو چې خلک دې د خپل فکر د څرگندولو ازادې ولري او په زغرده دې د ترهگرۍ ضد مبارزه وکړي." ۱۵

همدارنگه نوموړي په خپلو خبرو کې زياته کره چې منظور پښتین د ترهگرۍ او د پښتنو د اساسي حقونو لپاره مبارزه پيل کړې ده، نو بايد امريکا ورته په درنه سترگه وگوري، خو هغه دا هم ويلي و، چې ستونزمنه ده چې امريکا د يو هېواد په کورنيو چارو کې لاسوهنه وکړي. "امريکا به د منظور پښتین ملاتړ په عمومي ډول ځکه نه کوي، چې نه غواړي د پاکستان په مسلو کې د يو اړخ ملاتړ وکړي." هغه دا اندېښنه هم څرگنده کړې وه چې که امريکا د پښتون خوځښت د ملاتړ اعلان وکړي، نو دا به دغه خوځښت ته زيان ورسوي، ځکه چې "دا به د خوځښت غړي د امريکا ملاتړي وښيي او خلک به يې پر ضد وپاروي." ۱۶

د امريکا د ميرلينډ په ايالت کې د پوهنتون استاد او د سياسي چارو کارپوه ډاکټر عاصم يوسفزي هم د مايکل کگلیمین له خبرو سره موافقه ښودلې وه او ويلي وو چې امريکا ته په کار وه چې په اصولي توگه يې د پښتون غورځنگ ملاتړ کړی وی، خو دا کار به ونه کړي، د نوموړي په وينا امريکا په دې اړه ډيره څرگنده پاليسي لري، خو تر ټولو ښه لاره به دا وي چې د کانگرس غړي د پښتون غورځنگ په ملاتړ ويناوې وکړي ځنگه چې هغوی د بلوڅانو لپاره کړي دي.

د پښتون ژغورنې غورځنگ د له منځه وړلو لپاره د پاکستان د پوځ او حکومت هڅې: د پاکستان لومړۍ هڅه دا وه چې له لومړيو وختونو يې رسنيو ته دستور ورکړ، چې د منظور پښتین په مشرۍ د پښتون ژغورنې خوځښت غونډو او لاريونو ته پوښښ ور نه کړي، حتی تر دې چې منظور

د پښتون ژغورنې غورځنگ پېژندنه او د هغه راتلونکي

پښتین ادعا کړې وه چې په فیسبوک اوانټرنیټ هم ورته کله کله بندیز لگيږي، خو له دې ټولو سره سره بیا هم پښتون ژغورنې خوځښت خپلو فعالیتونو ته پراختیا ورکړه او نور هم د پرمختګ په حال کې دی.^{۱۷}

په دوهم قدم کې پاکستان د منظور پښتین په مشرۍ د پښتون ژغورنې خوځښت په وړاندې ځینې کسان راپورته کړل، چې په سر کې یې د قبایلي سیمې سیاستمداره عایشه ګلالۍ وزیر وه، نوموړې چې د ۲۰۱۸ ز. کال د اپرېل میاشتې په ۲ مه یې په پېښور کې د یو شمېر کسانو په ملتیا د یاد غورځنگ پر ضد لاریون کړی و، وویل چې منظور پښتین هغه مهال چېرته وو چې طالبانو پر پښتنو ظلمونه کول، دغه راز نوموړې ادعا وکړه چې منظور پښتین په غیر پارلماني لار روان دی او هغه یې تورن کړ چې د افغانستان او هند د څارګرو ادارو په ملاتړ د پاکستان د پوځ پر ضد دا کار کوي.^{۱۸}

په ټولنیزو رسنیو کې هم د یاد غورځنگ پر ضد ځینو کسانو پروپاګندونه وکړل، د بېلګې په توګه د سحر ناز په نوم یوې مدني فعالې په ټویټر کې پوښتنه کړې وه چې پښتین هغه وخت چېرته وو چې طالبانو پر پښتنو ظلمونه کول، دغو پروپاګند کونکو د پښتون ژغورنې غورځنگ مشران د هند، افغانستان او امریکا جاسوسان بللي وو او په ټویټر او فیسبوک یې د هغوی پر ضد ځینې هیش ټیګونه پیل کړي وو، چې یو یې "د پښتون تحریک دروغ" او بل یې "پښتون تحریک پاکستانی طالبان" وو.^{۱۹}

په درېیم قدم کې پاکستانی حکومت د پښتون ژغورنې خوځښت په لسګونه غړي ونیول او یایې په بېلابېلو پلموهغوی ته خنډونه جوړ کړل، د بېلګې په توګه: کله چې د سند ایالت په کراچۍ ښار کې د پښتون ژغورنې غورځنگ احتجاجي غونډه جوړېده، پاکستانی پوځیانو یې لسګونه غړي و نیول او مشر منظور پښتین ته یې له اسلام آباد څخه کراچۍ ته په الوتکه کې د تګ اجازه ورنه کړه، خو بیا هم نوموړی د موټر په واسطه په داسې حال کې چې څو ځایه د پولیسو له لوري ښکته شو، له شلو ساعتونو مزل وروسته

کراچی ته ورسېد او په یاده غونډه کې یې گډون او وینا وکړه. همدارنگه پاکستانی پوځیانو په متحده عربي اماراتو کې روغتیایال او د پښتون ژغورنې غورځنگ پلوی حیات پرېغال د ۲۰۱۸ ز. کال د جون میاشتې پر پنځمه نېټه په ډېره اسماعیل خان کې له یاد غورځنگ څخه د ملاتړ په پلمه له خپل کور نه ووېست او په اېډیاله زندان کې یې بندي کړ، خو د همدې کال د اکتوبر په درېیمه یې بېرته خوشی کړ. ۲۰ له نوموړي وروسته د یاد غورځنگ یوې ملاتړې گلالی اسماعیل له بریتانیا څخه پاکستان ته د ستنېدو پرمهال د پاکستان پلټنو فدرالي ادارې د اسلام آباد هوایې ډگر کې نیولې وه، چې د دغې ادارې په مرکزي دفتر کې له نژدې دوه ساعته پوښتنو گروپونو وروسته خوشی شوه.

دغه راز کله چې د پاکستان د پارلمان غړي او د پښتون ژغورنې غورځنگ دوه مخکښ فعالان علي وزیر او محسن داوړ د ۲۰۱۸ ز. کال د نوامبر میاشتې په ۳۰ مه دوبي ته روان و، د پېښور په باچاخان هوایې ډگر کې هلته له تلو وگرځول شول و او پاسپورټونه یې ترې اخیستل شوي وو، خو له پوښتنو گروپونو وروسته خوشی شوي و. ۲۱

دا چې د پاکستانی حکومت پورتنیو اقداماتو نتیجه ورنه کړه، نو په څلورم قدم کې یې د ریاست پلوه طالبانو په واسطه د ۲۰۱۸ ز. کال د جون په ۳ مه، د سویلي وزیرستان په واپا سیمه کې د پښتون ژغورنې د خوځښت د یو مشرعلي وزیر پر کور برید وکړ چې کابو یو نیم ساعت یې وخت ونیوه او د غورځنگ شپږ تنه پلویان په کې مړه او تر څلوېښتو ډېر ټپیان شول. ۲۲

له برید ورسته علي وزیر له ډیوی رادیو سره په مرکه کې وویل: د ده او د ملگرو د وژلو لپاره یې پوره تیاری نیول شوی و، خو د سیمې خلکو ځان مرمیو ته مخامخ کړ او دی یې ترې وژغوره. د نوموړي په خبره، په هغه باندي د وسله والو ډزې تر یونیم ساعت پورې روانې وې او کله چې د ریاست پلوه وسله والو سره مرمی ختمې شوې، نو د ملیشې عسکر ورغلل او هغوي یې له یادي سیمې و ایستل. هغه وایي کېدای شي پوځ نه غوښتل چې وسله وال په تش لاس د

د پښتون ژغورنې غورځنگ پېژندنه او د هغه راتلونکي

عامو خلکو منگولو ته ورشي. دی وايي دغه مهال په سپينو جامو کې مخصوص عسکر يو وار بيا په وسلو سمبال په دوی برید ته ورسېدل، خو په دغه وخت کې ځوانانو خپل ځانونه مرميو ته مخامخ کړل او ده ته يې پرې نه ښودل.

د يادولو وړه چې د علي وزير پرکور له برید يوه ورځ وروسته (د جون په ۵مه) په اسلام اباد کې لسگونو پښتنو زده کونکو او ځوانانو د ياد برید د غندلو په موخه احتجاج وکړ، خو د هغوی له ډلې ۳۷ تنه پوليسو ونيول او د پښدۍ په اډياله بند خونه کې يې بنديان کړل.

د پښتون ژغورنې له غورځنگ سره د پاکستان د پوځ او حکومت

مذاکرات: کله چې پښتنو په اسلام آباد کې پرلت پيل کړ، په لومړيو ورځو کې د پاکستان لومړی وزير شاهد خاقان عباسي له هغوی سره وکتل او د خبرو او مذاکراتو وړانديز يې ورته وکړ، خو د عباسي وړانديز يې ونه مانه او په يوه خوله يې وويل: چې ترهغو چې د پاکستان حکومت د ټولو پښتنو حقونه ورنه کړي دوی به خپلو لاريونونو ته دوام ورکړي.

که څه هم چې منظور پښتین د پاکستاني حکومت او پوځ هغه هڅې نه منلې چې غوښتل يې د جرگو له لارې مذاکرات وکړي (د هغه په باور جرگه هغه مهال رامنځ ته کېږي چې د دوه دښمنو ترمنځ منځگرتوب او مذاکره وکړي، اما د اوسيدونکو او حکومتي چارواکو ترمنځ جرگه کوم مفهوم نه لري)، خو له هغه وروسته چې د پښتون ژغورنې غورځنگ ځينو غړو د پاکستاني حکومت او پوځ پر ضد توندې څرگندونې وکړې او بيا د پوليسو له لوري ونيول شول، بالاخره د ياد غورځنگ او د پاکستان د پوځي چارواکو ترمنځ لومړۍ رسمي خبرې د ۲۰۱۸ ز. کال د فبرورۍ په اتمه پيل شوې، په دغو خبرو کې د پښتون ژغورنې غورځنگ په استازيتوب د منظور پښتین او محسن داوړ په گډون ۱۳ تنو مشرانو گډون درلود، دغو مذاکراتو ۲ اونۍ وخت ونيو چې په پایله کې يې د ياد غورځنگ ځينې غوښتنې ومنل شوې.^{۲۳}

د پښتون ژغورنې خوځښت د مشرانو په وینا، په دې مذاکراتو کې د پاکستان پوځي مشرانو ژمنه وکړه چې له دې ورسته به د پاکستان د ملي امنیت د دفاع په نوم د قبایلي سیمو پر خلکو ظلم او زور زیاتی نه کېږي او په یادو سیمو کې به د پاتې شویو ماینونو د له منځه وړلو لپاره چټک اقدامات کېږي. د یادونې وړ ده چې له دغو خبرو اترو وروسته د پاکستان د پوځ د عمومي اړیکو ویاند په یوه وینا پاڼه کې دا خبرې اترې مثبتې بللې وې.

له هغې وروسته د اپریل میاشتې په ۲۴ مه د پېښور د قول اردو قومندان ډگر جنرال نذیر بټ خبریالانو ته ویلي و چې د خیبر پښتونخوا د اییکس کمیټه (چې له والي، وزیر اعلی او د قول اردو له قومندان څخه جوړه ده) هوډ لري چې د پښتون ژغورنې غورځنگ له مشرانو سره د خبرو لپاره یوه داسې گډه جرگه جوړه کړي چې په هغې کې پوځي افسران، سیاستمداران او قومي مشران شامل وي، خو د پښتون ژغورنې غورځنگ مشرانو وار له مخه د نوموړي دا وړاندیز رد کړی او ویلي وو چې له هغه چا سره به خبرې وکړي چې واک یې ولري.

د داوون په نامه یوې پاکستانی ورځپاڼې د ۲۰۱۸ زکال د اپریل میاشتې په ۲۶ مه خبر خپور کړ چې د پاکستان د پوځ مشر جنرال قمر جاوېد باجوہ د پښتون ژغورنې خوځښت د هڅو د ارزونې لپاره د پاکستان د ملي امنیت له مهمو مشرانو او له ځینو متقاعدو او فعالو پښتنو افسرانو سره په راولپنډۍ کې غونډه وکړه، د ورځپاڼې په خبر کې راغلي وو چې په یاده غونډه کې له مفصلو خبرو وروسته جنرال قمر جاوېد باجوہ څرگنده کړه چې د پښتون ژغورنې غورځنگ ټول غړي د دې خاورې بچیان دي او سره له دې چې د پاکستان د امنیتي ادارو پر ضد شعارونه ورکوي، نو لازمه ده چې له هغوی سره خبرې وشي او رامنځ ته شوي مسایل د مذاکراتو او خبرو له لارې حل شي.^{۲۴}

که څه هم چې د پښتون ژغورنې د غورځنگ د غړو او پاکستانی پوځ ترمنځ خبرې اترې د یو وخت لپاره په ټپه ولاړې وې، خو د پوځ له لوري د غورځنگ د

د پښتون ژغورنې غورځنگ پېژندنه او د هغه راتلونکي

ځينو پلويانو تر نيولو وروسته د ۲۰۱۸ زکال د جون په ۱۲ مه پېښور کې د حکومت او غورځنگ ترمنځ جرگه جوړه شوه چې په کې د حکومت له لوري اجمل وزير، ملک خان مرجان او شاه فرمان او د غورځنگ له لوري محسن داوړ او نورو غړو گډون درلود، له جرگې وروسته حکومت ژمنه وکړه چې د غورځنگ ټول نيول شوي غړي به خوشي کړي، په مقابل کې د پښتون ژغورنې غورځنگ ژمنه وکړه چې د شمالي وزيرستان په رزمک کې به د اختر په درېيمه غونډه وځنډوي.^{۲۵}

لکه پاس مو چې ترې يادونه وکړه چې د پاکستان پوځ او پښتون ژغورنې غورځنگ ترمنځ د جون مياشتې راهيسې خبرې روانې وې، خو کله چې د ۲۰۱۸ زکال د جولای مياشتې په نهمه د پاکستان يوې محکمې د نقيب الله محسود پر قتل تورن افسر (راو انور) په ضمانت خوشي کړ، د ياد غورځنگ مشر منظور پښتین د محکمې پر يادې پرېکړې اعتراض وکړ او له پښتنو يې وغوښتل چې يو ځل بيا د پاکستان په بېلابېلو برخو کې لاريونونه او احتجاجونه پيل کړي.

د پښتون ژغورنې غورځنگ راتلونکي: د پښتون قوم په تاريخ کې د لومړي ځل لپاره د يولوی غورځنگ مشري د يو داسې ځوان له لوري کېږي چې د منځنۍ او داسې کورنۍ لرونکی دی چې له مطرح او لويو کورنيو سره تړاو نه لري، نوموړی په خپلو خبرو کې ټينگار کوي چې مونږ د پاکستان له پوځ او يا کوم بل شخص او نهاد سره دښمني نه لرو، بلکې د خپلو اساسي حقونو په لټه کې يو او د هغې د ترلاسه کولو هڅه کوو. منظور پښتین چې د ډېره اسماعيل خان په سيمه ييز پوهنتون کې زده کړې کړي له پښتو سربېره په اردو او انگليسي ژبو خبرې کولی شي چې دې کار نورو خلکو ته د نوموړي په پيغام رسولو کې مهم رول لوبولی دی.^{۲۶}

د پاکستان حکومت او پوځ پر ضد د پښتون ژغورنې غورځنگ د ځينو غړو توندې څرگندونې د دې لامل شوي چې دا موضوع پاکستانی مشرانو ته

جدي گوانښ و شمېرل شي، خو منظور پښتین په دې باور دی، چې په غونډو او لاريونونو کې دې د حکومت ضد له څرگندونو او شعارونو ډډه وشي، خو ځينو په خپل سر دا شعارونه ورکوي چې د کنترول لپاره به يې اقدام وشي.

که څه هم چې د پښتون ژغورنې غورځنگ تراوسه پورې په پاکستان کې د پښتنو د حقونو لپاره، د ډيرو ستونزوسره سره خپله مبارزه روانه ساتلي ده، خو که په پاکستان او يا په عمومي توگه په نړۍ کې د غورځنگونو شاليد ته وکتل شي، نو دا ډول غورځنگ ته د اوږدې مودې لپاره دوام ورکول ستونزمن کار دی.

د پښتون ژغورنې غورځنگ په دننه کې د ځينو ناپوهو کسانو را ټولېدل، حقانيه مدرسې او د تبليغيانو مرکز ته يې د مشر (منظور پښتین) تگ له هغو مسايلو څخه دې چې کېدای شي د دې غورځنگ پر راتلونکو فعاليتونو د خلکو باور راکم او عمر يې را لنډ کړي.^{۲۷}

کارپوهان او دپښتون ژغورنې غورځنگ ځينې غړي د دې غورځنگ دراتلونکي په اړه بېلا بېل نظرونه لري، د بېلگې په توگه د ياد غورځنگ يو مشر محسن داوړ له امريکا غږ راډيوسره په خبرو کې ويلي وو چې هغوي به خپل خوځښت ته په همدغې جذبې سره دوام ورکړي. هغه وايي "د پښتون ژغورنې غورځنگ د پښتنو سره د ظلم او زياتي ضد او د هغوي د اساسي حقونو خوځښت دی، تر هغو مو چې خپلې موخې نه وي ترلاسه کړي په کراره نه کينو، دغه راز نوموړی زياتوي، چې د پښتون ژغورنې غورځنگ د پښتو ژبې اوپښتنو د کلتور د ساتنې خوځښت دی او دا به په اسانۍ له منځه ولاړ نشي."^{۲۸}

د عوامي نیشنل گوند پخوانی مرکزي مشرافراسياب خټک (چې د ۲۰۱۸ز. کال په نوامبر مياشت کې له خپلې ښځې سره يوځای له عوامي نیشنل گوند څخه ووپستل شو) چې له ياد غورځنگ سره له لومړنيو وختونو خواخوږي لري، وايي: چې دا خوځښت به تر هغه پورې محبوبيت ولري ترڅو چې د ځپل شوو حالت سم شوی نه وي. د نوموړي په وينا: "د پښتون ژغورنې غورځنگ د پښتنو او په ځانگړې توگه د قبايلو په خاوره د جنگ په غبرگون کې را پيدا شوی

د پښتون ژغورنې غورځنگ پېژندنه او د هغه راتلونکي

چې گڼو ځوانانو او پېغلو په ډير برياليتوب سره خپلې غوښتنې په اسلام اباد او په ټولو صوبو کې وړاندې کړيدي. دوي د هغو ټولو خلکو استاځيتوب کوي چې د پاکستان پوځ خپلي او له کورونو لادرکه دي".^{۲۹}

له بلې خوا که څه هم چې د پښتون ژغورنې له غورځنگ څخه د ملاتړ په موخه په بېلابېلو سيمو کې خلکو لاريونونه وکړل او د نړۍ په بېلابېلو هېوادونو کې يې په اړه بحثونه وشول او رسنيو پرې راپورونه خپاره کړل، خو ځينې کارپوهان د ياد غورځنگ د کړو وړو په اړه نيوکې لري، د بېلگې په توگه مونا اورنگزيب چې د سياسي او ټولنيزو چارو کارپوه او ليکواله ده وايي: چې د غورځنگ راتلونکي د مشرانو په تگلارې پورې اړه لري، خو له دې امله په ياد غورځنگ نېوکه لري چې په اسلام اباد کې يې د خپلو نيول شويو ملگرو لپاره په وخت غږ پورته نه کړ.

دا چې د پښتون ژغورنې غورځنگ دوه مخکښو مشرانو علي وزير او محسن داوړ په پارلماني ټاکنو کې برخه واخيسته او بريالي شول، نو له دې امله هم ځينې کسان پرې نيوکې لري، خو د نوموړې (مونا اورنگزيب) په وينا د دوی بريا د پښتون ژغورنې غورځنگ لپاره ښه پرمختگ دی، ځکه هغوي به په پارلمان کې د پښتنو د حقونو لپاره غږ اوچتوي.^{۳۰}

له بلې خوا د دغه غورځنگ د لايحې لومړۍ او دوهمه ماده پر دې ټينگار لري چې دا غورځنگ نه سياسي گوند دی او نه د کوم سياسي گوند او جريان برخه دی، خو د هر گوند او ټولنيزو، خيريه تنظيمونو افراد په کې را ټولېدای شي. د وهمه ماده يې ولسواکۍ او پارلمان ته د درناوي ترڅنگ د تحريک پر قوميتوب او ناپارلماني حيثيت ټينگار لري.^{۳۱} دا چې پارلماني سياست د پاکستان په څېر هېواد کې د لږه کيو لپاره کومه د پاموړ (پرمختگ) نتيجه نه لري، له همدې امله د غورځنگ قومي رنگ ساتل په قوم او ټولنه کې د هغه د بقا ضمانت کوي او بنيادي چې دا غورځنگ نور هم دوامداره شي.

دغه راز د پښتون ژغورنې غورځنگ مشرتابه دوه مهم پارلماني غړي محسن داوړ او علي وزير د غورځنگ له مركزي كميتې نه ووبستل چې دا يې خورا ځيركانه او سنجول شوې پرېكړه وه (د پارلماني غړو غبرگون يې هم خورا معقول او سنجيده و) ځكه چې دا تجربې د پښتونخوا د سياسي تاريخ په مطالعه كې د درك او مشاهدې وړ دي. د بېلگې په توگه كله چې په ۱۹۳۷ ز. كال كې د انگرېزانو تر ولايت لاندې د ډاكټر خان صاحب په اعلى وزارت په پښتونخوا كې خدايي خدمتگاران واک ته ورسېدل، په پښتني ټولنه كې د هغوى شعار، دريځ او فعاليتونه ورسره ورځ تر بلې كمزوري كېدل. د خدايي خدمتگارانو يوې برخې به چې كله حكومت ضد حركات كول، دوى يې خپله پر وړاندې دريدل او دې دريځ د دوى ترمنځ اختلافات ټوكول،^{۳۲} خو دا چې د پښتون ژغورنې غورځنگ نه غواړي چې له اندازې دې زيات په حكومتي څوكيو كې وي، پر دې دلالت كوي چې د دې غورځنگ راتلونكى به اوږد وي.

له پښتون ژغورنې غورځنگ څخه د افغان ولسمشر او افغانانو ملاتړ، د افغانستان او پاکستان پر اړيكو يې اغېزې: افغان ولسمشر محمد اشرف غني د خپلې واکمنۍ په لومړيو كې هڅه وكړه چې له پاکستان سره اړيكې ښې كړي، نوموړي تمه درلوده چې گوندې پاکستان له ترهگرۍ سره د مبارزې په اړه له افغانستان سره لاس يو كړي او دلته سوله راشي، خو د ياد هېواد چارواكو د افغان ولسمشر په دې تمه يڅې اوبه تويې كړې، هماغه و چې له يوه كال وروسته نوموړى د پاکستان له كلکو مخالفينو څخه شو. له هغه وروسته چې په پاکستان كې پښتنو د خپلو حقونو د ترلاسه كولو لپاره خوځښت پيل كړ او د افغان ولسمشر په گډون ترې ډېرى نورو افغان چارواكو او ولس پراخ ملاتړ وكړ، دې كار د پاكستاني چارواكو اندېښنې را و پارولې او افغان حكومت يې په دې تورن كړ چې د پښتون ژغورنې غورځنگ په پراختيا كې مهم رول لري. د بېلگې په توگه د پاکستان د پوځ وياند جنرال

د پښتون ژغورنې غورځنگ پېژندنه او د هغه راتلونکي

اصف غفور د ۲۰۱۸ ز. کال د مارچ په ۲۶ مه يوي خبري غونډې ته په وينا کې افغانستان تورن کړی وو چې د پښتون ژغورنې له غورځنگ سره يې زياته خواخوږي څرگنده کړيده.^{۳۳}

نوموړي د دوهم ځل لپاره د همدې کال د جون په ۶ مه د پاکستانی پوځيانو په يو مرکز کې يوي خبري غونډه کې ويلي و: «دوی پوهېږي چې منظور احمد مسيد څه ډول په منظور احمد پښتین بدل شو او څه ډول يوه خولۍ له بهره راوړل شوه او په شپه شپه يې د پښتین د خولۍ نوم خپل کړ. نوموړي ادعا وکړه، چې «د پښتون ژغورنې غورځنگ د بنسټوال منظور پښتین او د هغه د خولۍ د شهرت تر شا د افغانستان لاس دی چې د دوی په خبره په افغانستان کې يې په ملاتړ يوازې په يوه ورځ پنځه زره د خواله رسنیو پانې جوړې شوې دي».^{۳۴}

دا چې افغان چارواکو تل پاکستان تورن کړی چې د افغانستان په کورنیو چارو کې لاسوهنه کوي، نو د پښتون ژغورنې له غورځنگ څخه د افغان ولسمشر او افغانانو ملاتړ کولی شي چې پاکستان ته فرصت ورکړي چې له افغانستان څخه نړيوالې ټولنې ته شکایت وکړي او ځان ته د لابي گری موقع برابره کړي.^{۳۵}

له بلې خوا پاکستان کولی شي چې هلته د مېشتو افغان مهاجرو له امله پر افغانستان سياسي فشار راوړي چې دا به هم د دې هېوادونو پر اړیکو اغېز ولري. که څه هم چې په دې ورستیو کې د افغانستان او پاکستان اقتصادي اړیکې پخې شوي، خو دا چې افغانستان پر ځان بسيا نه دی، نو بیا هم پاکستان ته اړدی او یاد هېواد (پاکستان) کولی شي په اقتصادي برخه کې پر افغانستان فشار چې د ترانزیتی توکو په اړه به وي. دا چې پاکستان د افغان حکومت په وسله والو مخالفینو ډېر نفوذ لري کېدای شي چې د پښتون ژغورنې غورځنگ د ملاتړ له امله په افغانستان کې امنیتي پېښې ډېرې شي چې دا کار هم د دواړو هېوادونو پر اړیکو ناوړه اغېز کولی شي.

د افغانستان او پاکستان ترمنځ د ډیورنډ کرښې د ستونزې له امله دا غورځنگ د پاکستان لپاره د گواښ او د افغانستان لپاره پر پاکستان د سیاسي فشار د یو فرصت په توګه بدل شوی دی. افغانستان له هغو خوځښتونو چې د پښتون قام د را وپښولو لپاره وي ملاتړ کوي چې دا موضوع د پاکستان لپاره سره کرښه شمېرل کېږي.

پایله

د دې لیکنې په پای کې دې نتیجې ته رسیږو چې د پښتون ژغورنې غورځنگ یو خود جوشه خوځښت دی چې د پښتنو د حقوقو د ترلاسه کولو لپاره یې مټې را نغاړلي، د تېر وزیرستان محوره غورځنگونو برعکس (چې اتکا یې په وسله وال مقاومت وه)، پښتون ژغورنې غورځنگ ځان پښتون شموله کړی او مبارزه یې هم په عدم تشدد ولاړه ده چې دې چارې د پښتنو ملتپالو ترمنځ د شعار، دریځ، نظر او لیدلوریو یووالی او مشترکات رامنځته کړي او دا د پښتنو په قومي سیاست کې یو نوی او مثبت تغیر دی.

دې غورځنگ په خپل تهاجمي قومي، خو په عدم تشدد ولاړ دریځ حجره او جومات په واقعي شکل سره یو کړي او له مذهبي گوندونو او جنگیالیو ډلو سره یې له تقابل نه هم ځان ژغورلی دی. د دې غورځنگ غیر پارلماني توب، په حکومت کې له اندازې د زیات نه گډون پرېکړې او دوامداره غونډې هغه څه دي چې پر مټ یې کولی شي خپل راتلونکی لا دوامداره کړي. له تاریخي تجربو زیږیدلی دغسې قومي تحریک د دې جوګه دی چې په پښتونخوا کې د یوه نوي سیاست او تغیر بنسټ کېږدي.

تر ټولو مهمه داده چې دا غورځنگ په پاکستان کې د مېشتو پښتنو د یووالي لامل شوی او په یو تغیر یې سره را ټول کړي دي. که د دې غورځنگ منظمو غونډو او لاریونونو ته وکتل شي څرګندېږي چې کولی شي په راتلونکي کې له خپلو بنسټیزو حقونو څخه برخمن شي او د پاکستانی حکومت او پوځ له لوري پرې ظلمونه بند شي چې ژوندی بېلګه یې له بي بي سي راډیو سره په

د پښتون ژغورنې غورځنگ پېژندنه او د هغه راتلونکي

کراچي کې د يو مېشت پښتون مرکه ده، نوموړي کس له بي بي سي راډيو سره په مرکه کې ويلې چې د دې (پښتون ژغورنې) غورځنگ له پيلېدو راهيسي په دې ښار (کراچي) کې د پوليسو له لوري د پښتنو ځورل کم شوي دي.

له بلې خوا دا چې اوسمهال پاکستان د نړيوالې ټولنې له لوري تر فشارونو لاندې دی او افغانستان هم له پښتون ژغورنې غورځنگ څخه په پراخه کچه ملاتړ ته دوام ورکړی، دا چاره کولی شي چې د افغانستان او پاکستان پر اړيکو سيوري و غوړوي او نورې يې هم خرابې کړي.

وړاندیزونه:

۱- د دې غورځنگ غړي بايد د پښتون ولس په منځ کي فکري او شعوري کار وکړي، سياسي شعور يې لوړ کړي او د ولس درېدلي ماغزه او فکرونه په حرکت راولي، تر څو ټول په يوه صف کې ودروي.

۲- د پښتون ژغورنې غورځنگ د برياليتوب لپاره په کار ده چې د دې غورځنگ مشران او فعالين د خپلې مبارزې هر اړخيزه مطالعه ولري، يوازې په شعارونو بسنه ونه کړي او ټول هغه سياسي وسايل وکاروي چې د خپلو غوښتنو د تحقق لپاره يې په واک کې لري.

۳- افغان دولت ته په کار ده چې له پښتون ژغورنې غورځنگ څخه د خپلو اتباعو په څېر ملاتړ وکړي.

۳- افغان دولت ته په کار ده چې د يو سياسي فشار په توگه پر پاکستان د خپلو غوښتنو د منلو لپاره له ياد غورځنگ څخه په داسې بڼه ملاتړ ته دوام ورکړي چې له يوې خوا پاکستاني چارواکي په ځان پوه نه کړي او له بلې خوا دا غورځنگ دوامداره وساتل شي.

مأخذونه

- ^۱ رحیم، عبدالکریم. د پښتون تحفظ تحریک بریالیتوب په افغانستان کې د سولې ضمانت کوی؛ روهی وېبپاڼه، ۲ د اپریل ۲۰۱۸ ز. کال، لاسرسی: rohi.af/fullstory.php?id=64984 [مراجعة: ۲۰۱۸/۹/۲۲ ز. کال].
- ^۲ خلیلی، زاهد. اسلام اباد کې د پښتنو ځوانانو پرلت: د سپورمی راډیو وېبپاڼه، ۱۸ د سلواغې ۱۳۹۶ لمريز. کال، لاسرسی: <http://www.spogmairadio.af/index.php/writing/item/1224-2018-09-07-02> [مراجعة: ۱۳۹۷/۸/۱۲ لمريز کال].
- ^۳ اتل، شفیع. جنبش نجات پشتون ها؛ اعتراض بر ضد یک ارتش قدرت مند؛ هشدار وېبپاڼه، ۲۱ د حمل ۱۳۹۷ لمريز کال، لاسرسی: <https://www.hushdar.com/1397/01/21/pashtoon-tahafoz-movement/> [مراجعة ۱۳۹۷/۸/۱۵ لمريز کال].
- ^۴ عبدالناصر. د پښتنو د ساتنې غورځنگ په لاهور کې په ريلی کې د حقوقو غوښتنه کوي، آسیا نیوز وېبپاڼه، ۲۳ د اپریل ۲۰۱۸ ز. کال، لاسرسی: http://pakistan.asia-news.com/ps/articles/cnmi_pf/features/2018/ [مراجعة: ۱۳۹۷/۹/۳ لمريز کال].
- ^۵ کابل نیوز، په سوات کې د پښتون ژغورنې غورځنگ په غونډه کې زرگونو کسانو گډون وکړ؛ کابل نیوز سایټ، ۹ د ثور ۱۳۹۷ لمريز. کال، لاسرسی: <http://kabulnews.af/pashto/index.php/afghanistan/13132-pashtun-long-march> [مراجعة: ۱۳۹۷/۸/۳ لمريز کال].
- ^۶ انعکاس راډیو. کراچی کې د پښتون ژغورنې غورځنگ غونډه او د پوځ لخوا د مخنیوي ناکامه هڅې؛ انعکاس راډیو تلویزیون سایټ، ۱۳ د مې ۲۰۱۸ ز. کال، لاسرسی: <http://www.enikassradio.com> [مراجعة: ۱۳۹۷/۸/۱۸ لمريز کال].
- ^۷ بي بي سي. پښتون ژغورنې غورځنگ صوابی کې جلسه وکړه؛ بي بي سي پښتو وېبپاڼه، ۱۲ د آگست ۲۰۱۸ ز. کال، لاسرسی:

د پښتون ژغورنې غورځنگ پېژندنه او د هغه راتلونکی

^۹ <https://www.bbc.com/pashto/pakhtunkhwa-۴۵۱۶۲۶۰۹> [مراجعه:

۲۰۱۸/۱۱/۲۱ ز. کال].

^۸ ناصر، خدای نور. بنو کې د پښتون ژغورنې غورځنگ غونډې ته غبرگونونه؛ بي بي سي راډيو اسلام اباد، ۲۹ د اکتوبر ۲۰۱۸ ز. کال، لاسرسی:

<https://www.bbc.com/pashto/pakhtunkhwa-۴۶۰۱۷۲۱۹> [مراجعه:

۲۰۱۸/۱۱/۱۳ ز. کال].

^۹ لامع، احمد فؤاد. علي وزير: د پښتون ژغورنې غورځنگ به متبادله سياسي لاره ولټوي؛ ډيوه راډيو، ۲۸ د اکتوبر ۲۰۱۸ ز. کال، لاسرسی:

<https://www.voadeewanews.com/a/pakistan-ptm> [مراجعه:

۲۰۱۸/۱۱/۵ ز. کال].

^{۱۰} کاکړ، بوريوال. د پښتون ژغورنې غورځنگ د اروپا دوه ورځنی کنفرانس پيل شو؛ مشعل راډيو، ۲۹ د سپتمبر ۲۰۱۸ ز. کال، لاسرسی:

<https://www.mashaalradio.com/a/۲۹۵۱۶۲۵۵.html> [مراجعه:

۲۰۱۸/۱۰/۸ ز. کال].

^{۱۱} ډيوه راډيو. پښتونخوا ولسي تحريک د پښتون ژغورنې غورځنگ بشپړ ملاتړ اعلان کړ؛ د ډيوې راډيو سايټ، ۳ د اپرېل ۲۰۱۸ ز. کال، لاسرسی:

<https://www.voadeewanews.com/a/۴۳۳۰۱۸۲.html> [مراجعه:

۲۰۱۸/۱۰/۱۲ ز. کال].

^{۱۲} همدانی، عارف. جنبش پاسداری از پشتون ها چالشی جدید در روابط پاکستان و افغانستان؛ مرکز مطالعات شبه قاره، ۲۴ د ثور ۱۳۹۷ لمریز کال، لاسرسی: <https://scs-center.com/۲۷۱۱/> [مراجعه: ۱۳۹۷/۸/۹ لمریز کال].

^{۱۲} نی اورگ، اعلام حمایت مجلس شورای ملی از تظاهرات پشتون‌های

پاکستان، اصلاح ورځپاڼه، ۱۹ د حمل ۱۳۹۷ لمریز کال، لاسرسی:

<http://nai.org.af/dr> [مراجعه: ۱۳۹۷/۸/۲۲ لمریز کال].

^{۱۳} همغه سایت.

^{۱۴} یوسفزی، نذرانه. امریکا دې د پښتنو د تحریک ملا وتړي او کنه؟؛ د امریکا غږ آشنا رادیو، ۲۱ د مارچ ۲۰۱۸ ز. کال، لاسرسی:

https://www.pashtovoa.com/a/us-to-support-pakhteen-
[مراجعه: ۲۰۱۸/۱۰/۱۳ ز. کال].

^{۱۵} همغه سایت.

^{۱۶} Khilji, Usama, Pakistan's Pashtuns march for justice“

sAljazeera, ۲۴ of Feb ۲۰۱۸, access:

https://www.aljazeera.com/indepth/opinion/pakistan-pashtuns-
march[۲۰۱۸/۱۰/۱۲].

^{۱۷} سهار، نذیر احمد. پښتون ژغورنې غورځنگ او پښتونخوا کې منځلاری سیاست؛ بي بي سي پښتو وېبپاڼه، ۳۰ د نومبر ۲۰۱۸ ز. کال، لاسرسی: https://www.bbc.com/pashto/afghanistan-۴۶۳۹۵۹۲ [مراجعه: ۲۰۱۸/۱۲/۱ ز. کال].

^{۱۸} یوسفزی، نذرانه. چې طالبانو ظلمونه کول، پښتین چیرته و؟ - عایشه گلالی؛ امریکا غږ آشنا رادیو وېبپاڼه، ۳ د اپریل ۲۰۱۸ ز. کال، لاسرسی: https://www.pashtovoa.com/a/ayesha-gulalai-acuses-
manzoor/۴۳۳۰۷۴۸.html [مراجعه: ۲۰۱۸/۱۰/۲۰ ز. کال].

^{۱۹} یوسفزی، نذرانه. پاکستان کې د پښتون تحریک ضد پروپاگاندا زور اخیستی؛ امریکا غږ آشنا رادیو وېبپاڼه، ۲ د اپریل ۲۰۱۸ ز. کال، لاسرسی: https://www.pashtovoa.com/a/propaganda-against-ptm [مراجعه: ۲۰۱۸/۱۰/۱۹ ز. کال].

^{۲۰} ناصر، خدای نور. د پښتون ژغورنې غورځنگ فعال حیات پر بغال خوشی شو؛ بي بي سي پښتو وېبپاڼه، ۳ د اکتوبر ۲۰۱۸ ز. کال، لاسرسی:

د پښتون ژغورنې غورځنگ پېژندنه او د هغه راتلونکي

مراجعه: <https://www.bbc.com/pashto/pakhtunkhwa-۴۵۶۴۳۷۷۴> [۲۰۱۸/۱۰/۱۰ ز. کال].

^{۲۱} بي بي سي، محسن داوړ او علي وزير د اېف ای اې له بنده خوشي شول؛ بي بي سي پښتو وېبپاڼه، ۳۰ د نومبر ۲۰۱۸ ز. کال، لاسرسی:

مراجعه: <https://www.bbc.com/pashto/pakhtunkhwa-۴۶۳۹۴۴> [۲۰۱۸/۱۲/۱ ز. کال].

^{۲۲} یوسفزی، نذرانه. طالبان د علي وزير د قتل لپاره د هغه د کور محاصره کوي؛ د امریکا غږ پښتو وېبپاڼه، ۱۶ د غبرگولي ۱۳۹۷ لمريز کال، لاسرسی:

<https://www.pashtovoa.com/a/taliban-planing->

[to...ali.../۴۴۲۵۹۵۴.html](https://www.pashtovoa.com/a/taliban-planing-۴۴۲۵۹۵۴.html) [مراجعه: ۲۶/۸/۱۳۹۷ لمريز کال].

^{۲۳} Khilji, Usama, Pakistan's Pashtuns march for justice"

sAljazeera, ۲۴ of Feb ۲۰۱۸, access:

<https://www.aljazeera.com/indepth/opinion/pakistan-pashtuns-march> [۲۰۱۸/۱۰/۱۲].

^{۲۴} همدانی، عارف. جنبش پاسداري از پشتون ها چالشي جديد در روابط پاکستان و افغانستان؛ مرکز مطالعات شبه قاره، ۲۴ د ثور ۱۳۹۷ لمريز کال، لاسرسی: <https://scs-center.com/۲۷۱۱/> [مراجعه: ۹/۸/۱۳۹۷ لمريز کال].

^{۲۵} عزیزالله. پښتون ژغورنې غورځنگ په رزمک کې غونډه وځنډوله؛ بي بي سي پښتو وېبپاڼه، ۱۳ د جون ۲۰۱۸ ز. کال، لاسرسی:

مراجعه: <https://www.bbc.com/pashto/pakhtunkhwa-۴۴۴۶۴۰۹۶> [۲۰۱۸/۱۱/۱ ز. کال].

^{۲۶} همدانی، عارف. آینده جنبش ایجاد شده توسط منظور پشتين؛ مرکز مطالعات شبه قاره، ۲۴ د ثور ۱۳۹۷ لمريز کال، لاسرسی: [https://scs-](https://scs-center.com/۲۷۱۱/)

[center.com/۲۷۱۱/](https://scs-center.com/۲۷۱۱/) [مراجعه: ۹/۸/۱۳۹۷ لمريز کال].

- ^{۲۷} مترجم مجاب، سید طاہر. پشتون های پاکستانی؛ قربانیان تبعیض سیاسی و بروکراسی دولتی؛ نیویارک تایمز، ۱۹ د اپریل ۲۰۱۸، لاسرسی: <http://didpress.com> [مراجعه: ۲۷/۱۰/۲۰۱۸ ز. کال].
- ^{۲۸} یوسفزی، نذرانه، کارپوهان د پی تی ایم د راتلونکي په اړه بیلابیل نظر لري؛ امریکا غږ آشنا راډیو وېبپاڼه، ۲۹ د غبرگولي ۱۳۹۷ لمريز کال، لاسرسی: <https://www.pashtovoa.com/a/analysts-split-on-ptm.../۴۴۴۵۷۷۱.html> [مراجعه: ۱۸/۸/۱۳۹۷ لمريز کال].
- ^{۲۹} هماغه وېبپاڼه.
- ^{۳۰} هماغه وېبپاڼه.
- ^{۳۱} سهار، نذیر احمد. پښتون ژغورنې غورځنگ او پښتونخوا کې منځلاری سیاست؛ بي بي سي پښتو وېبپاڼه، ۳۰ د نومبر ۲۰۱۸ ز. کال، لاسرسی: <https://www.bbc.com/pashto/afghanistan-۴۶۳۹۵۹۲> [مراجعه: ۲۰۱۸/۱۲/۱ ز. کال].
- ^{۳۲} هماغه لیکنه.
- ^{۳۳} مترجم مجاب، سید طاہر. پشتون های پاکستانی؛ قربانیان تبعیض سیاسی و بروکراسی دولتی؛ نیویارک تایمز، ۱۹ د اپریل ۲۰۱۸، لاسرسی: <http://didpress.com> [مراجعه: ۲۷/۱۰/۲۰۱۸ ز. کال].
- ^{۳۴} بي بي سي. د پاکستان پوځ: ځایي رسنۍ. ښه کوي چې غورځنگ ته پوښښ نه ورکوي؛ بي بي سي پښتو وېبپاڼه، ۱۳ د اپریل ۲۰۱۸ ز. کال، لاسرسی: <https://www.bbc.com/pashto/pakhtunkhwa-۴۴۳۵۸۰۵۴> [مراجعه: ۲۰۱۸/۱۰/۱۳ ز. کال].
- ^{۳۵} همدانی، عارف. جنبش پاسداری از پشتون ها چالشی جدید در روابط پاکستان و افغانستان؛ مرکز مطالعات شبه قاره، ۲۴ د ثور ۱۳۹۷ لمريز کال، لاسرسی: <https://scs-center.com/۲۷۱۱/> [مراجعه: ۱۳۹۷/۸/۹ لمريز کال].

نویسنده گان: محمدرضا عالم شاه یف و محمد روز علیشاه یف
برگردان: سرمحقق عبدالرحیم بختانی خدمتگار

راه های جلوگیری از وقوع نزاع ها در سطح جامعه

یادداشت مترجم

«راه های جلوگیری از وقوع نزاع ها در سطح جامعه» عنوان مقاله ای است که از کتابی بنام «مقدمه نزاع شناسی» بر گردان شده است. در تالیف این کتاب که در تاجکستان چاپ گردیده، دانشمندان سرشناس تاجکستان، کشور های منطقه و جهان اشتراک داشته و جدیدترین معلومات را در مورد نظریات نزاع، تاریخ پیدایش نزاع و اهمیت نزاع شناسی در آن به رشته تحریر درآورده اند. مقاله حاضر تحت عنوان «راه های جلوگیری از وقوع نزاع ها در سطح جامعه» از طرف دانشمندان بخش نزاع شناسی تاجکستان تحریر گردیده است. در این مقاله در مورد، راه های جلوگیری از وقوع نزاع ها در سطح جامعه تحقیق صورت گرفته است. از اینکه افغانستان نیز درگیر نزاع های مختلف در سطح محلی، منطقه یی و بین المللی است، نشر چنین مقالات تحقیقی می تواند برای حل نزاع های محلی، منطقه یی و بین المللی افغانستان مفید و سازنده باشد.

عوامل پیدایش نزاع و راه‌های حل آن مانند حوادث دیگر سیاسی و اجتماعی جنبه‌های عنعنوی و تاریخی دارد. آموزش و درک درست این عنعنات تاریخی و مشخص کردن زمینه‌های پیدایش و راه‌های حل آنها برای هر یک افراد جامعه و ملت‌ها یک امر ضروری می‌باشد.

ما موضوع نقش انستیتوت‌های مختلف مردمی، دینی و مذهبی را که به نام دیپلوماسی مردمی مشهور اند، بررسی نمودیم و مقام اجتماعی آنها را در جلوگیری و حل نزاع‌هایی که در سطح جامعه و قریه‌جات واقع می‌شود، مشخص نمودیم. هر کدام از این انستیتوت‌ها در حیات اجتماعی، سیاسی، اخلاقی و فرهنگی جامعه نقش مهم داشته، مانند یک عنصر مستقل در محلات و قریه‌جات عمل می‌کنند. لازم به یاد آوری است که ولایت خودمختار بدخشان (بدخشان تاجکستان) با بعضی خصوصیت‌های جغرافیایی، زبانی، مذهبی و فرهنگی از دیگر نواحی تاجکستان فرق می‌کند، از آن جهت اصول و راه‌هایی که در جلوگیری و حل نمودن نزاع در آنجا استفاده می‌شوند، نیز کمی متفاوت می‌باشند.

مردم تاجکستان در هر دوره تاریخی توانسته‌اند که عنعنات تاریخی هزار ساله خود را در جلوگیری و حل نزاع مورد استفاده قرار بدهند و در تشکیل دولت داری خود سهم فعال بگیرند. احیای عنعنات ملی می‌تواند ملت را از حالت دشوار نجات دهد و صلح را تامین کند.

راه‌های جلوگیری و حل نزاع در افکار گذشته مردم تاجکستان:

در تعداد زیاد منابع فلسفی، تاریخی و ادبی مردم تاجکستان در مورد زمینه‌های پیدایش و وضع نزاع تاکید صورت گرفته است. در منابع تاریخی، رساله‌ها و تذکره‌ها در مورد اصول دولتداری پادشاهان و وزیران قدیم قرون وسطی و معاصر، آثار ارزشمندی وجود دارد که در مورد نزاع‌های اجتماعی و سیاسی و راه‌های حل آنها معلومات داده شده است.

در مورد صلح پروری، وطن دوستی، آشتی ملی، ختم جنگ و نزاع در آثار تاریخی مانند: «تاریخ طبری»، «تاریخ سیستان»، «سیاستنامه»، «اخلاق

راه های جلوگیری از وقوع نزاع ها در سطح جامعه

محسنی» و «تاریخ بخارا» به طور واضح و روشن معلومات و توضیحات داده شده است. پادشاهان سامانی در تاریخ دولرداری خود از اصول و شیوه های مختلف جلوگیری و حل نزاع استفاده می نمودند. آنها این اصول را به دو طریقه اجراء می کردند:

((اول اینکه با نماینده گان خلافت و مردم سازش نموده و از طریق صلح مقصد خود را انجام می دادند. دوم اینکه، در زمان پیدا شدن مشکلات کوشش می نمودند که از راه مذاکره مسایل مشکل را حل نمایند، در هر دو مورد هدف آنها جلوگیری از جنگ و نزاع بود. این تجربه نتیجه خوب داده بود)) (۱).

اندیشه های مختلف مانند رهنمایی به صلح، دوری کردن از نزاع و راه اندازی صلح در آثار متفکران تاجکستان و منطقه مانند رودکی، فردوسی، ابن سینا، ناصر خسرو، عبدالرحمن جامی و دیگران انعکاس یافته است. بشریت در تمام دوران حیات خود دائماً در جستجو بود تا آن جهت های منفی را که به حیات او ضرر می رساندند، بر طرف سازد. به برکت دانش، عقل و کوشش انسان مشکل ترین نزاع های سیاسی و اقتصادی جامعه حل گردیده است.

معلومات تاریخی و اتنوگرافی محققان روسیه و تاجکستان از آن گواهی می دهند که در بدخشان مسایل مربوط به نزاع و جنایات را قاضی ها، موی سفیدان و شخصیت های صاحب احترام حل و فصل می کنند. در بین اهالی بدخشان حوادث دزدی هم بسیار کم بود. به حکم قاضی مجرم به عوض مال دزدی شده به صاحب مال یک ونیم برابر مال پرداخت می کرد. همچنین به خاطر دزدی او را جزای جسمی نیز می دادند (۲).

در این منطقه کوهستانی مردم بین همدیگر روابط مستحکم خویشاوندی و قومی دارند، اگر کدام نفر از بین خویشاوندان اذیت شود، برای حمایت او تقریباً تمام اولادهای او از وی پشتیبانی می کردند. اگر دو نفر با همدیگر جنگ میکردند و ندان یکی از آنها می شکست، به حکم قاضی او را یک گاو جریمه می کرد.

بیشتر برای حل نزاع از اصول مصلحت های قومی، شخصیت های صاحب رسوخ، میانجی و امثال آنها کار می گرفتند. تا انقلاب سال ۱۹۱۷ م در قریه

جات که آب برای آبیاری زمین‌ها کم بود و بین مردم نزاع‌ها را به وجود می‌آورد، از چنین اصول برای بر طرف نمودن نزاع استفاده می‌کردند. میرآب (مسوول تقسیم آب) برای آبیاری زمین‌های قریه جات جدول نوبتی آب را ترتیب می‌نمود که بعد از مدت ۹-۱۰ روز برای هر زمیندار نوبت آب می‌رسید، این اصول و نوبت آب از وقوع نزاع و جنگ جلوگیری می‌کرد. چنین شکل استفاده از آب در تمام نواحی بدخشان معمول بود و امروز نیز از آن استفاده می‌کنند.

بشریت در طول تاریخ خود خصوصاً در چهار قرن اخیر در (قرن ۱۷-۲۰م) که پر از خشونت، انقلاب، جنگ و خون‌ریزی بود، واقعات و حوادث مختلفی را از سر گذرانید. همزمان جامعه، دولت‌ها و سازمان‌ها اصول و راه‌های گوناگون را مانند سازش کردن، استفاده از انواع گوناگون مذاکرات، میانجیگری در اصلاحات دولت‌داری و غیره را به کار بردند، دولت‌ها مردمانی را که در مقابل همدیگر در جنگ و نزاع قرار داشتند، به همزیستی، آسایش، صلح و ثبات دعوت می‌کرد. تصدیق این گفته‌ها دو جنگ جهانی سال‌های ۱۹۱۴ و ۱۹۳۹ قرن بیستم شده می‌تواند.

مقام موسسات عنعنوی در جلوگیری و حل نزاع

عوامل به قوع پیوستن نزاع‌ها گوناگون است، اکثر نزاع‌ها عوامل اقتصادی، سیاسی، ملی، قومی و دینی دارند. منابع معتبر تحقیقاتی جهان امروز نشان میدهند که بیشتر نزاع‌ها بین گروه‌ها بوده و سرچشمه اقتصادی، اجتماعی، قومی، نژادی، دینی و فرهنگی دارند.

واضح معلوم است که انسان‌ها بدون داشتن مناسبات و روابط با مردمان دیگر زنده‌گی خویش را در جامعه پیش برده نمی‌توانند. در مناطق مختلف تاجکستان اصول و طریقه‌های مختلف جلوگیری از نزاع و حل نزاع موجود است، ولی راه حل آنها در هر منطقه خصوصیات خود را دارند.

قسمت زیاد از این موسسات مردمی یا عنعنوی در تاجکستان تقریباً یک شکل بوده و در نامگذاری و در بعضی مفاهیم خاص خود از همدیگر فرق میکند. مثلاً معاشرت اجتماعی در مساجد و چایخانه‌ها در سغد و ختلان و

راه های جلوگیری از وقوع نزاع ها در سطح جامعه

چایخانه های پامیر در بدخشان یک سان بوده که در آنها ساکنان محله جمع شده مشکلات بحث برانگیز را حل و فصل می کنند. افکار گذشته و امروزی مردم تاجکستان پر از مثال های می باشد که در آنها مفاهیم حقیقت، شفقت، عدالت و آشتی صدا می دهند و قسمتی از آنها قبلاً ذکر گردید. کمیسیون آشتی ملی که برای تطبیق (قرارداد برقراری صلح عمومی و آشتی ملی در تاجکستان که به تاریخ ۲۷ جون سال ۱۹۹۷ م امضاء شده است) ایجاد گردیده بود و در ماهیت باورمندی، همدیگر پذیری، استقرار و مستحکم نمودن رضایت ملی فعالیت می کرد. در مجموع فعالیت های آن کمیسیون از مفاهیم که در بالا ذکر گردید دور نبود.

طوریکه ذکر گردید، نزاع ها اشکال گوناگون داشته و با همدیگر یکسان نیستند. بنا بر همین تجربه تاریخی و عنعنوی ملی نشان می دهند که برای جلوگیری و حل نزاع باید از تمام اصول و اشکال استفاده شود، تا روند سازش را تا مین نمایند. می خواهیم به شکل مختصر از بعضی موسسات عنعنوی، که در حل نزاع مقام خاص خود را دارند یاد آوری نمایم:

۱. **جماعت:** گروهی از مردم را می گویند که با هم مناسبات خاص قومی، زبانی، فرهنگی، دینی و مذهبی دارند. مثلاً جماعت اسماعیلیان (اسماعیلیه یکی از شاخه های مذهبی شیعه در دین اسلام است). رهبر این مذهب پیروان خود را بر اساس ارزش های اخلاقی، دینی، صلح و ثبات، همدیگر پذیری و آبادی کشور هدایت می کند. آغاخان چهارم رهبر اسماعیلیان جهان که چند مرتبه از تاجکستان دیدن نمود، با پیروان خود نکات ذیل را تاکید می کرد: اگر هر کدام با همه مردم بخواهند که زنده گی شان بهتر گردد، باید طرف های اختلاف را به صلح تشویق کند، بدون وابستگی نژادی، دینی، ملیتی و زبانی با دیگر اعضای جامعه در صلح و ثبات و همدیگر پذیری زنده گی کنید، قوانین دولتی خود و کشور های دیگر را احترام و عملی نمایید، کوشش کنید که از درگیری (نزاع) یا خصومت که باعث زیان اجتماعی می گردد به هر وسیله دوری کنید (۳).

در روز های جنگ داخلی تاجکستان شهزاده آغا خان چهارم در ارشادات و سخنرانی هایش مردم بدخشان را به آن دعوت کرد که از نزاع دست بکشند و برای برقراری صلح زنده گی خود را آغاز نمایند. این راهی است که صلح را در سرزمین تاجکستان احیاء می کند.

در سال ۱۹۹۳م در شهر خاروغ دفتر بنیاد آغا خان افتتاح گردید و برای مردم ولایت بدخشان بدون وابستگی دینی، مذهبی و زبانی کمک های بشری رساند. بعداً برنامه های کشاورزی، مهندسی، انکشاف معارف و حفظ الصحه را علاوه از ولایت بدخشان در ولایت ختلان و وادی رشت نیز عملی نمودند (۴).

۲. شورای محله: شورای محله مانند یک ساختار عنعنوی جامعه عمل می کند. شورای محله که اضافه از هزار سال سابقه دارد، یکی از خصوصیت های مدنیت ملی و هویت مردمی می باشد. البته ساختار شورای محله در مناطق مختلف جمهوری تاجکستان دارای خصوصیت های خاص می باشد، اما ماهیت و فعالیت آنها از هر جهت با همدیگر یکسان است.

ساختار شوراهای محلات شهری شهر خاروغ در تنظیم و حل همه انواع نزاع ها مقام خاص خود را دارد. باید تاکید نمود که جماعت و شورای محلات شهری شهر خاروغ از روی ساختار فعالیت شان از دیگر نواحی و ولایات جمهوری تاجکستان فرق دارند. در شهر خجند (راستکار محله) وظیفه رییس محله را اجرا می کند و او نماینده حاکمیت دولت در محله حساب نمی شود. در شهر خاروغ شورای محله را رئیس جماعت مانند نماینده حاکمیت محلی به عهده دارد. به تاریخ ۱۴ اگست سال ۲۰۰۲م رئیس حکومت شهر خاروغ در باره تاسیس نمودن شورای محلات شهر خاروغ فیصله یی را صادر نمود. شورای شهر خاروغ به ۵ جماعت و ۲۰ محله تقسیم شده است و شورای محلات را رئیسان جماعت رهبری میکنند. رئیس جماعت را در مجلس محله به رای گیری علنی انتخاب نموده و در جلسه حکومتی شهر او را مانند رئیس جماعت می شناسند و او از حکومت شهر برای اجرای این وظیفه معاش می گیرد. رئیس جماعت دو معاون افتخاری دارد، در مجلس اولی شورای جماعت به تعداد ۷ الی ۱۰ نفر هیأت

راه های جلوگیری از وقوع نزاع ها در سطح جامعه

رهبری شورا انتخاب میشوند. در ترکیب هیأت رهبری رئیس جماعت، معاون جماعت، رئیس زنان، رئیس جوانان، رئیس موی سفیدان و نمایندگان دینی شامل می گردد. در اخیر سال رئیس جماعت از فعالیت کار های خویش به ساکنان محله گزارش می دهد.

وظیفه رئیس جماعت در محله به حیث رئیس اداره و نماینده حکومت پیش بردن امورات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می باشد. علاوه از این رئیسان جماعت از روی تقسیم بندی کوچه ها و محلات رئیسان کوچه ها و محلات را انتخاب می کند، این رئیسان مسایل تقسیم مواد، مراسم جنازه، تنظیم کمک به نیازمندان، کار های ساختمانی امورات عروسی، جلوگیری و حل اختلافات داخلی محل و کوچه را بدوش دارند. اگر کدام مسأله مشکل و یا نزاع بیرون از دایره محل و کوچه رخ بدهد و ساکنان محله در آن دخیل شوند، رئیس جماعت و نماینده گان شورای محله برای اداره و حل نزاع و مشکل در گفت و شنود اشتراک می کنند.

۳. طبقات میانجی: طبقات دیگری که در مذاکرات، جلوگیری و حل نزاع های مختلف مقام خاص دارد طبقات میانجی، سادات، خواجه ها، ایشان ها و امثال این ها می باشند که مطابق روحیه مردم آنها از جمله اولاده پیغمبر(ص) محسوب می شوند و در بین اهالی طبقه با نفوذ هستند. تا فعلاً در اکثر مناطق تاجکستان، از آن جمله ولایت سغد، ناحیه وادی رشت و بدخشان کوهی این طبقات صاحب اعتبار خاص بوده و در حل نزاع های مختلف بین مردم فعالانه اشتراک می کنند(۵).

۴. مشوره کهنسالان: در این گروه مردمان آبرومند و موی سفیدان کار فهم شامل می شوند، که بعضی آنها وظایف دولتی ندارند و مسایل بحث انگیز را مستقلانه حل می کنند. در بدخشان کوهی این اشخاص در جلوگیری و حل نزاع های اجتماعی در مقیاس محله، دهات و جماعت به مشکلات مانند تقسیم آب، زمین، مسایل که منافع همه ساکنان محله می باشد فعالانه اشتراک می کنند. در مشوره کهن سالان حلقات خویش و قوم به نظر گرفته نمی شود. عادتاً

از مشوره کهن سالان در آن وقت استفاده می‌شود که اگر حل مسأله ادامه یابد و ساختارهای دیگر، آن را تنظیم کرده نتوانند.

۵. جامعه قومی: گروهی از انسان‌هایی است که بین هم روابط قومی و خویشاوندی نزدیک و مستحکم دارند. تا فعلاً در بدخشان کوهی چنین مفاهیم در بین گروه‌هایی از مردم دیده می‌شود، مانند (قوم) در منطقه یازگولم، (قبیله) در واخان، (خانواده) در شغنان موجود است و از روی آنها علاقه‌های خویش و تبار معین و مشخص می‌گردد، معمولاً در این مناطق از ۷ الی ۱۲ نسل در یک منطقه زنده گی می‌کنند (۶). فعالیت اجتماعی این گروه بسیار بزرگ است و آنها میتوانند در جلوگیری و حل نزاع نقش مثبت و هم نقش منفی را بازی کنند. نزاع‌های که در چوکات قوم، قبیله، تبار و خانواده رخ می‌دهد، کوشش میشود که در بین خانواده حل و فصل گردد.

۶. اتحادیه‌های اجتماعی: یکی از عناصر مهم جامعه بشری اتحادیه‌های اجتماعی یا سازمان‌های غیر دولتی می‌باشد. آنها در مناطق گوناگون جمهوری تاجکستان در حل و فصل مسایل نزاع انگیز مقام خاص را اشغال نموده‌اند. فعلاً در جمهوری تاجکستان اتحادیه اجتماعی، که تنها با برنامه‌های ساحه نزاع شناسی سروکار دارند تشکیل گردیده (۷).

هدف اتحادیه‌های اجتماعی بهتر ساختن شرایط زنده گی مردم، حفظ حقوق سیاسی، حفظ استقلال و تشکیل جامعه سالم می‌باشد. برای جلوگیری و حل نزاع اتحادیه‌های اجتماعی در فعالیت‌های خود از راه و اصول مختلف، مانند برگزاری سیمینارها، گزارشات در اخبار و میانجی بین طرف‌های درگیر استفاده می‌کنند.

۷. همکاری حکومت، جماعت و محله: اصول دیگری که در تنظیم و حل نزاع‌های مختلف بیشتر استفاده می‌شود، همکاری حکومت، جماعت و محله می‌باشد. علاوه از این همکاری اصول و راه‌های گوناگون پیشنهاد می‌شود، تا موافقه را تامین کرده بتواند، مثال‌های ذیل تصدیق گفتارهای بالا شده می‌تواند.

راه های جلوگیری از وقوع نزاع ها در سطح جامعه

در جلسه چهارم وکیلان مردم بدخشان کوهی که در ماه جنوری سال ۱۹۹۷م برگزار شده بود، نماینده گان مردم، حکومت و شورا های محله در مقابل خود وظایف ذیل را گذاشتند.

۱. تمام بیجا شده گانی که از دیگر شهر ها و نواحی جمهوری تاجکستان در ولایت بدخشان موقتاً پناهنده شده اند، به جای های که قبلاً زنده گی می کردند فرستاده شوند. بخاطر اینکه در نتیجه جنگ به تعداد ۵۵۵۲۵ نفر پناهنده به بدخشان آمده بودند.

۲. در دست اهالی غیر نظامی مقدار زیادی سلاح ها موجود بود و این سلاح ها باید از طرف مقامات با صلاحیت جمع آوری شود. برای تطبیق این کار در تمام نواحی ولایت با اهالی مجلس های مشترک حکومت، نماینده گان حزبی و سازمان های اجتماعی و سیاسی و رئیسان محلات گزارش و خبر داده شود.

۳. در سرحدات افغانستان و تاجکستان از انتقالات سلاح ها و مواد مخدر به جمهوری تاجکستان باید جلوگیری شود (۸).

این وظایف چگونه اجراء شود. پیش از همه، بخاطر همکاری و همدیگر پذیری نیروها، که در ولایت بدخشان عمل میکنند، شورای هماهنگ سازی این نیرو ها سازمان داده شد. در رهبری این شورا شخصیت های با نفوذ از طبقات گوناگون اهالی داخل شدند و در بین مردم صحبت و جلسه نمودند.

در مرکز ولایت خاروغ کمیسیون وحدت ملی تشکیل گردید. هیأت رهبری این کمیسیون وکیلان مردم، نماینده گان شورای محله، روحانیون، نماینده شورای زنان و نماینده شورای جوانان داخل گردیدند. این کمیسیون موظف گردید که بین مقامات دولتی ولایت و نیروهای اپوزیسیون وظیفه میانجی را اجراء نمایند. کمیسیون مشترک در جریان فعالیت های خود کار های مهم را سازمان داد. در جریان دو سال (۱۹۹۵-۱۹۹۶م) به تعداد ۴۹ هزار نفر از بیجا شده گان را به جای های اصلی شان انتقال دادند. تا اوایل سال ۱۹۹۷م اضافه از ۶۰۰ قبضه سلاح های گوناگون را از اهالی این منطقه جمع آوری نمودند. در قریه جات نزدیک سرحدات از جمله جوانان گروه های محافظتی تاسیس

نمودند، که همراهی نیروهای مسلح سرحدی روسیه از سرحدات تاجکستان محافظت می‌کردند (۹).

به همین دلیل حکومت ولایت خود مختار بدخشان کوهی با همکاری شوراهای محله، جماعت، خادمان دین، شخصیت‌های با نفوذ کوشش داشتند که در مربوطات ولایت جنگ دوباره آغاز نشود و صلح بدست آمده مستحکم شود.

جلوگیری و حل نزاع در مثال تقسیم کمک‌های بشر دوستانه: در سالهای

اخیر اکثر نزاع‌ها در محلات بین همسایه‌ها و دیگر مردم از اثر مشکلات اقتصادی، تقسیم‌نا برابر کمک‌های بشر دوستانه موسسات خیریه، جدا کردن زمین‌های زراعتی برای ساختمان‌خانه‌های رهائشی، ساختمان‌راه‌ها و استفاده آب بوقوع پیوسته. برای درک خوبتر کار و فعالیت جماعت، شورا‌های محله و همکاری آنها با تشکیلات بین‌المللی و سازمانهای خصوصی یک مثال می‌آورم: در ماه‌های جون و جولای سال ۱۹۹۷م سازمان اتحاد دولتهای اروپایی چهار هزار تن آرد را به بدخشان کوهی آوردند، یک قسمت از این کمک‌های بشر دوستانه به اهالی بی‌بضاعت و قسمت دیگر آن به کارگران که در قسمت اعمار و بازسازی سرک‌ها، جوی‌ها و راه‌های کار می‌کردند داده شد. از طرف برنامه امداد و انکشاف بدخشان، که توسط آغا خان به ولایت بدخشان آورده شد، باید به طریقه‌یی که در بالا ذکر گردید تقسیم می‌شد. مگر این مواد بشر دوستانه طوریکه پلان شده بود به مردم توزیع نگردید، به همین دلیل برای مدتی این کمک‌ها قطع گردید. قطع شدن کمک‌های بشر دوستانه در چنین وضعیت مشکل، که اهالی شهر و نواحی ولایت بدخشان به نان و مواد اولیه نیاز مبرم داشتند میتواند اوضاع سیاسی جامعه را خراب سازد و نزاع‌های جدید را بوجود آورد. در اینجا سوال به وجود می‌آید که آیا در چنین حالت از این کمک‌ها بگذریم و یا اینکه مطابق معیارهای تقسیم امداد کننده‌گان عمل کنیم؟ برای حل این مسأله بحث انگیز و نزاع انگیز در شهر خاروغ با اشتراک نماینده‌گان حکومتی شهر، رئیس‌ان جماعت، رئیس‌ان شورای محله و کارمندان کمیته امداد آغا خان جلسه مشترک در مورد تقسیم کمک سازمان اتحادیه اروپا تدویر

راه های جلوگیری از وقوع نزاع ها در سطح جامعه گردید. در نتیجه فیصله نمودند که مواد کمک شده مطابق معیار های امداد کننده گان به اهالی رسانیده شود.

تطبیق فیصله های مذکور به دوش شورا های محلات و شورا های کوچه ها واگذار گردید، تا اشخاص و خانواده های مستحق را بخاطر کمک معرفی نمایند (۱۰).

با ساکنان هر یک محله و کوچه در بخش تقسیم این کمک بشر دوستانه جلسات تدویر نمودند. در این جلسات از هر خانه یک نفر نماینده اشتراک نمودند. در این جلسات به تمام مردم امکان صحبت و شکایت مهیا گردید و در نتیجه به رضایت مردم کمک های اولیه مطابق معیار های امداد کننده گان به مردم تقسیم شد و از بی نظمی و نزاع جلوگیری صورت گرفت.

نتیجه گیری:

در این بخش ما جلوگیری و حل نزاع را در سطح جماعت آموختیم و تا اندازه نقش موسسات عنعنوی را در حل چنین مسایل مشخص نمودیم. هر یکی از این موسسات در تمام ساحات حیات جامعه در جلوگیری و حل نزاع ها نقش مهم دارند. آنها در اساس نظریات آشتی ملی و قومی فعالیت های خود را سازمان دادند و در جلوگیری و حل نزاع های مختلف اصول و مقررات ذیل را اجرا نمودند: مذاکرات، گفتگو های آشکار و روبرو، همدیگر پذیری همدیگر بخشیدن، دعوت به صلح، رسیدن به توافق طرفین و امثال آنها.

باید تاکید نمود، که این موسسات مردمی به طور دایمی مانند عناصر جلوگیری کننده و حل کننده نزاع ها عمل نمی کنند. قسمتی از آنها فعالیت های خود را در حالاتی آغاز می کنند که نزاع آغاز شده می باشد در چنین حالات آنها به حیث جلوگیری کننده نزاع نه، بلکه به حیث حل کننده نزاع عمل می کنند.

در مجموع این موسسات مردمی مصالحه را در جامعه تامین می کنند. البته حل کردن مسایل بحث انگیز کار یک روزه موسسات عنعنوی نیست و آنها همیشه اصول و راه های جدید را طلب می کنند. تنها سازش و همدیگر فهمی در جامعه می تواند نزاع را دور سازد و صلح را برقرار کند.

مآخذ:

- ۱-А.А.Рахмонов. Баъзе рохҳои халли низоъ дар аҳди қадим ва миенаи мардуми таҷик \ \ Материалҳои семинари низоъшиносӣ . Душанбе, феввали соли ۲۰۰۱.
- ۲-А.Г.Серебрянников. Памир (Краткий очерк) \ \ Ежегодник Ферганской области. Т. ۱. Новый Маргелан, ۱۹۰۲.
- ۳-Чон Пол Ледерак. Бунеди сулҳ, \ \ Материалҳои семинари низоъшиносӣ.- Душанбе, феввали соли ۲۰۰۲.
- ۴-М.М.Алимшоев. Современный исмаилизм, путь к толерантности \ \ Вопросы памироведения. Вып. ۵. - Душанбе, соли ۲۰۰۳.
- ۵-А.Н.Махмадов, М.У.Хидирова. Межтаджикский конфликт и его особенности.-Куляд, Фарханг, ۱۹۹۷.
- ۶-Л.Ф.Моногарова. Преобразования в быту и культуре припамирских народностей. –М. Наука. ۱۹۷۲.
- ۷-П.Муллоджанов. Гражданское общество и миропотроение *// Accord. Вып. 10, 2001.*
- ۸-Сухани хотимагии раиси ВМКБ даричлосияи ҷаҳоруми маҷлиси вақилони халқи вилоят \ \ Балахшон, ۱۹۹۷' ۴ январ.
- ۹-Проблемаҳои тақсими маводи башардустона \ \ Бадахшон, ۴ январии соли ۱۹۹۷,
- ۱۰-Конфликтология , Учебник (Под ред.В.П.Ратникова). –М.Юнити, ۲۰۰۱.

معاون سرمحقق عبدالبصیر روانپور

جایگاه تاپی در حقوق بین الملل و نقش آن در تأمین صلح در افغانستان

خلاصه

قرارداد عبور لوله گاز تاپی از ترکمنستان به هندوستان از قلمرو افغانستان و پاکستان، از رهگذر حقوق بین المللی، یک قرارداد چندین جانبه سرمایه گذاری و اقتصادی بوده که شامل قرارداد اصلی و چندین قرارداد فرعی است که در مجموع نرم های حقوقی مربوطه را تعیین و تمام جزئیات حقوقی آن را تنظیم می نماید. از نظر حقوق بین الملل عمومی و به ویژه حقوق بین الملل معاهدات که اسناد کنوانسیون های مختلف جهانی پیرامون معاهدات بین الملل گواه آنست، حتی یادداشت ها یا میموراندوم ها و موافقتنامه های مذهبی نیز در تعریف قرارداد بین المللی شامل بوده الحاق و پابندی به آنها منجر به تأمین بستری پایدار برای صلح در افغانستان شده می تواند؛ از آن جمله قرارداد تاپی در پرتو اصول همزیستی مسالمت آمیز (پانچا شیلا) نه تنها به برقراری صلح در کشور ممد و مثمر خواهد بود بلکه بهره بر داری از این پروژه و توسعه آن در آینده در امر استقرار صلح و امنیت دوامدار در منطقه نیز کمک خواهد کرد. پروژه تاپی از رهگذر موقعیت جیواستراتیژیک و جیوپولتیک افغانستان و همراه با آن احیای راه های قدیمی ابریشم و لاجورد، در آینده، نه تنها نقش

ارزنده در تأمین صلح و ثبات در کشور و در عرصه منطقه‌یی بازی خواهد کرد بلکه با تکمیل و بهره برداری از آن و در ضمن به اثر به هم پیوستن شبکه های خطوط آهن، شبکه های لین برق، شبکه های انترنت و فایبر نوری و از طریق تأمین انرژی پاک در امر حفظ محیط زیست، تسریع روند انکشاف تکنولوژی نوین، مدیریت و بهره برداری از آنها در کشور، در امر تحکیم مناسبات کشور با کشورهای منطقه نیز مؤثر واقع خواهد شد.

مقدمه

پروژه تاپی حاصل یک موافقتنامه چند جانبه میان چهار کشور ترکمنستان، افغانستان، پاکستان و هندوستان است که در جهت حل مشکل انرژی در سطح منطقه کمک نموده و با به سر رسیدن آغاز کار احداث آن، ملت ها و مردمان چهار کشور مزبور ابراز خوشنودی نموده و امیدوارند که در راه رفاه اقتصادی و اجتماعی به پیشرفت های نایل آیند. به اساس موافقتنامه یاد شده کشور های عضو با تاسیس کنسرسیوم منطقوی تاپی لمتد، به چنان رویکرد سرمایه گذاری در امر خرید و فروش و انتقال و ترانزیت انرژی گاز را روی دست گرفته اند که در ضمن آن شبکه های برق، خطوط آهن، انترنت و فایبر نوری نیز در میان شان توسعه و گسترش و پیوند با همی خورده و به اثر آن در دراز مدت چشمه های تولیدی و عایداتی نوین نیز به ویژه در کشور عزیز ما افغانستان به میان خواهد آمد و تأثیر آن بالای صلح و امنیت منطقه از همین اکنون که کارهای مقدماتی تمدید لوله آن از افغانستان به پاکستان ادامه دارد، محسوس و ملموس می باشد.

بدر نظر داشت توضیحات سوال اصلی که در حال حاضر مطرح است، این است که قرارداد تاپی در حقوق بین الملل از چه جایگاه برخوردار بوده، اهمیت ملی، منطقوی و جهانی آن چگونه بوده و چه نقشی می تواند در امر تأمین صلح در کشور بازی نماید ؟

———— جایگاه تاپی در حقوق بین الملل و نقش آن در تأمین صلح در افغانستان

چنین به نظر می رسد که قرارداد مذکور یک قرارداد بین المللی چندین جانبه سرمایه گذاری است که با توجه به شرایط حاضر روابط بین المللی و موقعیت جیو اکونومیک و استراتژیک افغانستان، دارای حمایت های قوی در سطح بین المللی بوده و بادر نظر داشت پیامدهایش می تواند، در تأمین صلح پایدار در افغانستان و کاهش تنش های منطقه یی نقش بازی نماید.

مبرمیت و ضرورت تحقیق: چون امکانات رشد و ترقی افغانستان امروزه بسته به مناسبات همه جانبه آن با کشور های همسایه و منطقه می باشد، انعقاد قراردادهای منطقه یی در پرتو نورم های حقوق بین الملل و پیاده شدن قرارداد هایی چون تاپی و تحقیق علمی پیرامون جنبه های مختلف آن، بستر انکشاف علمی افغانستان در عرصه های اقتصادی و اجتماعی و رسیدن به صلح و رفاه را فراهم نموده و نقش جیو استراتژیک و جیوپولتیک آن در منطقه، ضرورت بررسی و تحلیل آنرا برجسته نموده و برای حیات ملی کشور و در امر تحکیم مناسبات افغانستان با کشورهای منطقه و جهان رهگشا خواهد بود.

هدف تحقیق: هدف تحقیق، بررسی قرارداد تاپی از رهگذر حقوق بین الملل در جهت ارایه پاسخ به سوال تحقیق و کمک در جهت تقویة مناسبات کشور با کشور های منطقه و جهان در امر رسیدن به صلح و ثبات ملی و منطقه یی است.

شیوه تحقیق: نوعیت تحقیق توصیفی- تحلیلی بوده و در امر جمع آوری معلومات از شیوه تحقیق کتابخانه یی استفاده شده است.

در این تحقیق کوشش صورت گرفته که در قدم اول جایگاه قراردادهای بین المللی در حقوق بین الملل، جایگاه قرارداد تاپی در حقوق بین الملل و در اخیر نقش پروژه تاپی در تأمین صلح در افغانستان بررسی گردد.

۱- جایگاه قراردادهای بین المللی در حقوق بین الملل عمومی

نخست باید دید که حقوق بین الملل عمومی چیست و چه تعریفی از آن می توان به عمل آورد ؟ بدیهی است که "حقوق بین الملل عمومی

مجموعه قواعد و پرنسپ‌های تعاملی و قراردادی بی است که، روابط دولت‌های مستقل دارای حاکمیت را اداره می‌نماید. همچنان روابط بین دول و سازمان‌های بین‌المللی جهان شمول، روابط ذات‌البینی سازمان‌های متذکره را و بعضاً برخی روابط افراد را با دول و سازمان‌های بین‌المللی اداره می‌کند" (۳۴:۱). تعریف مذکور بیانگر آنست که تعامل و قرارداد بنیاد قواعدی است که روابط میان اشخاص حقوق بین‌الملل عمومی را تنظیم می‌نماید، در واقع همین اشخاص حقوق بین‌المللی هستند که از طریق تعامل و قرارداد قانون حاکم بر روابط شان را می‌سازند. بنابراین می‌توان گفت که علاوه بر پرنسپ‌های پذیرفته شده حقوق بین‌الملل عمومی، این دولت‌ها یا سایر اشخاص این عرصه حقوقی هستند، که از طریق انعقاد قرارداد در زمینه‌های مختلف روابط شان را تنظیم می‌نمایند.

منابع حقوق بین‌الملل عمومی را معاهدات و قراردادهای بین‌المللی و عرف بین‌الملل تشکیل داده و می‌توان گفت که قرار داد‌های بین‌المللی از جمله منابع دست اول حقوق بین‌الملل عمومی می‌باشد.

قرارداد، نخستین بار در کمیسیون حقوق بین‌الملل در طرح مربوط به قراردادها، مؤرخ ۱۹۶۲، چنین تعریف گردید: "هرگونه توافق بین‌المللی مدون که در یک سند یا در دو یا چند سند الحاقی ذکر شده و بین دو یا چند دولت و یا چند موضوع حقوق بین‌الملل منعقد گردیده و حقوق بین‌الملل بر آن حاکم باشد بدون توجه به نام خاص آن (قرارداد، معاهده، عهد نامه، پروتوکول، میثاق، منشور، اساسنامه، اعلامیه، موافقت نامه‌های مذهبی، مبادله یادداشتها، یادداشت موافقت وغیره) به عنوان قرارداد، مورد قبول کمیسیون می‌باشد" (۳۸:۱).

به اساس این تعریف در می‌یابیم که از نظر حقوق بین‌الملل عمومی حتی یادداشت‌ها یا میموراندوم‌ها و موافقت نامه‌های مذهبی در تعریف قرارداد بین‌المللی شامل بوده پابندی به آن منجر به تأمین بستر صلح در

———— جایگاه تاپی در حقوق بین الملل و نقش آن در تأمین صلح در افغانستان
افغانستان شده می تواند، لذا موافقتنامه های مربوط به تاپی که در نظام
حقوق ملی یا داخلی کشور به صورت نورم های حقوقی تسجیل گردیده و در
جریده رسمی وزارت عدلیه انتشار یافته است، یک قرارداد بین المللی
اقتصادی و سرمایه گذاری به حساب می رود.

رویه مرفته در یک تصنیف کلی از نگاه انواع، قرارداد های بین المللی
منحیث منبع حقوق بین الملل به دو نوع تقسیم می شود: یکی قرارداد های
قانون ساز یا تقنینی یا Law making treaties که به حیث قواعد دایمی
حقوق وضع می شوند و بر همه دولت ها الزام آورند؛ مانند میثاق جامعه ملل،
منشور ملل متحد، قرارداد های ژنیو ۱۹۵۸ م. در مورد حقوق ابحار، قرارداد
۱۹۶۹ م. ویانا در مورد حقوق قراردادها، اساسنامه محکمه بین المللی عدالت
و امثال آن. در همچو قرارداد هایی که به همه جهان تعلق می گیرند تعداد
امضا کننده گان آن مورد بحث نمی باشند. دیگری قرارداد
مؤقتی Contractual است که حقوق و وجایب دو یا چند دولت محدود را
تنظیم نموده و صرف بین امضاء کنندگان آن قابل رعایت اند، مثل قرارداد
های فرهنگی، تجاری و غیره (۴۰:۱).

در پرتو این تفکیک می توان گفت که قرارداد پروژه عظیم تاپی که به طور
مستقیم میان چهار کشور ترکمنستان، افغانستان، پاکستان و هندوستان (با
مخفف تی. ای. پی. آی یا TAPI) به غرض تمدید لوله گاز منعقد و در ضمن به
هم پیوستن شبکه های برق رسانی، خطوط آهن، اینترنت و فایبر نوری، و به هم
پیوستن و احیای راه های ترانزیتی قدیم (چون راه های ابریشم و لاجورد) و
کمربندها و شاهراه های جدید مواصلاتی، اعم از بری، بحری با زیر ساخت لوله
یی به شیوه فناوری نوین و بی سابقه، و قسماً هوایی میان کشور های منطقه، در
رویکرد اقتصادی منطقه شامل گردیده؛ به طور غیر مستقیم با تمام قرارداد های
مشابه منعقد شده درین زمینه در سطح منطقه و جهان (از پایپلاین
ترکمنستان و چین گرفته تا پایپلاین موسوم به صلح میان ایران و پاکستان یا

پایپلاین‌های حوضه‌آرال و کسپین از روسیه تا اروپا و یوروشیا (غیره) ارتباط داشته بلکه از لحاظ علایق با نفت و گاز خاور میانه و علایق آن با کمپنی‌های بریداس و یونیکال، با سایر قاره‌های جهان نیز در پیوند می‌باشد.

این ویژه‌گی در عین اهمیت منطقی قرارداد تاپی چالش‌ها و هم‌آوردی‌ها را در امر تطبیق آن باعث شده بررسی آن را به مثابه موضوع مهمی از رهگذر حقوق عمومی بین‌المللی فراروی ما قرار می‌دهد.

۲- جایگاه قرارداد تاپی در حقوق بین‌الملل عمومی

چون بحث اصلی روی جایگاه قرارداد تاپی از نظر حقوق بین‌الملل عمومی و تأثیر آن بالای روند صلح در افغانستان می‌باشد و بدیهیست که تاپی مناسبات چهار کشور واقع در آسیای مرکزی و جنوب آسیا را به هم نزدیک می‌سازد، از نظر پیشینه تاریخی مناسبات این کشورها از دوره‌های مدنیت‌های ویدی و اوستایی و اعصار اسلامی با هم گره خورده و از سویی سیاست عدم انسلاک و اصول همزیستی مسالمت‌آمیز یا پانچا شیلا که عبارت از: ۱- احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی هر کشور ۲- خودداری از تعرض و تهدید به آن ۳- عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر ۴- برابری و رعایت منافع متقابل و ۵- پیروی از همزیستی مسالمت‌آمیز در مناسبات دول دارای رژیم‌های متضاد و مخالف هم، می‌باشد اساس مناسبات این کشورها را تشکیل می‌داده است.

چنانکه تاریخ سیاسی معاصر افغانستان و هند در چند دهه قبلی (از سال‌های ۱۹۱۹، ۱۹۴۷ تا ۱۹۷۸ م.) حاکی از تعقیب سیاست عنعنوی عدم انسلاک بود و کشور ترکمنستان نیز بعد از فروپاشی اتحاد شوروی سابق و کسب استقلال سیاسی در سال ۱۹۹۱ م. تعقیب راه سیاست عدم انسلاک را در پیش گرفت. اما یک نکته مبرهن است که: افغانستان یک کشور بیطرف دائمی نبوده است. یک نظر به پیمان‌های منعده افغانستان با سایر دول جهان و تاریخ این کشور از سال ۱۹۱۹ م. به اینسو این مدعی ما را به اثبات

———— جایگاه تاپی در حقوق بین الملل و نقش آن در تأمین صلح در افغانستان

می رساند. تعقیب روش عدم انسلاک با پیروی از مفکوره (احتراز از اشتراک در هر گونه پیمان های دفاعی) با بیطرفی دایمی مترادف نیست. بنا بر آن افغانستان که از زمان کسب استقلال سیاسی خویش تحت قیادت امان الله خان در سال ۱۹۱۹ م. تا زمان جمهوری محمد داوود خان (۱۳۵۲-۱۳۵۷ ش.) در قطار دول غیر منسلک به شمار می رفت، کشور بیطرف دایمی نبوده و بر خلاف بیطرفی دایمی مانند بیطرفی سویس تعقیب روش عدم انسلاک افغانستان به کدام مکلفیت حقوق عمومی بین الدول متکی نبود. به قول حقوقدان سر شناس کشور پوهاند دکتور غلام سخی مصوون: " غیر منسلک بودن افغانستان بیطرفی تضمین شده و دایمی نبوده؛ مثلاً تمامیت خاک یک دولت بیطرف دایمی مانند اتریش از جانب سایر دول به شمول دول بزرگ ضمانت شده در حالیکه تمامیت خاک افغانستان از جانب هیچ کشوری ضمانت نشده است" (۳: ۱۴۳). موصوف پیرامون موقف بیطرفی افغانستان در زمان جمهوری محمد داوود خان می افزاید که: " همچنان افغانستان مکلف نیست حتماً این موقف فعلی را پایدار نگهدارد. بلکه می تواند حسب الخواهش خود آن را تغییر دهد. در حالیکه یک دولت بیطرف دایمی بدون موافقه دولت های گارانت به چنین عملی مبادرت ورزیده نمی تواند" (۳: ۱۴۴). همین استقلال سیاسی را سایر جوانب موافقتنامه تاپی نیز دارا می باشند. پیرامون استقلال سیاسی کشور ماده هشتم قانون اساسی افغانستان می گوید:

"دولت سیاست خارجی کشور را بر مبنای حفظ استقلال، منافع ملی و تمامیت ارضی و عدم مداخله، حسن همجواری، احترام متقابل و تساوی حقوق تنظیم می نماید" (۴: ۵).

همانند کشور هند مناسبات افغانستان با کشور ترکمنستان نیز عاری از خدشه بوده هر رژیمی که در افغانستان به میان آمده در تحکیم این مناسبات بیش از پیش مساعی به خرج داده است. چنانکه به تاریخ ۱۳۸۱/۷/۲ ش. با بازدید هیئت بلند پایه د. ا.ا به ریاست حامد کرزی از جمهوری ترکمنستان

قرارداد "چوکات موافقتنامه" روی پروژه تمدید پایپ لاین گاز میان ترکمنستان، افغانستان و پاکستان به امضاء رسید. قبلاً در ماه اگست سال ۱۹۹۳ م. (۱۳۷۱ ش.) یادداشت سه جانبه افغانستان، پاکستان و ترکمنستان در مورد انتقال نفت و گاز ترکمنستان به جنوب آسیا امضاء شده در سال ۱۳۷۵ ش. (۱۹۹۷ م.) مذاکرات میان این سه کشور ادامه یافت و شرکت های یونیکال امریکایی و بریداس ارژنتائینی در زمینه به رقابت پرداختند. سر انجام یونیکال برنده شناخته شد ولی ادامه جنگ و حاکمیت طالبان بر بخش زیاد مناطقی که پایپ لاین گاز از آن محلات می گذشت کار احداث آن را به تعویق انداخت. مذاکرات در سال ۱۹۹۹ م. نیز ادامه یافت که به تاریخ ۳۰ می ۲۰۰۲ م. در اسلام آباد توافق سه جانبه میان افغانستان، پاکستان و ترکمنستان امضاء شد. از جانب افغانستان آقای حامد کرزی، از جانب ترکمنستان آقای سفر مراد نیازوف و از جانب پاکستان آقای پرویز مشرف سند متذکره را امضاء کردند^(۵: ۱۲۱).

چارچوب موافقتنامه پایپ لاین گاز تاپی در شماره مسلسل ۱۱۰۲ مؤرخ ۱۳۹۲/۱/۲۰ ش. جریده رسمی در کشور به داخل یک مقدمه و ۳۴ ماده نشر و نافذ گردیده است. در بند (الف) مقدمه آن گفته شده که موافقتنامه بین الحکومتی Inter-Governmental و لازم الاجراء بوده که به تاریخ ۳۰ می ۲۰۰۲ م. در شهر اسلام آباد منعقد گردیده است. در بند (ب) آن آمده که با پیوستن هندوستان به آن نام پروژه به تاپی مسمی شده است و نام موافقتنامه، پروژه یا پایپلاین انتقال گاز میان چهار کشور امضاء کننده آن، دانسته شده است. در بند (ج) آن تذکر رفته که پروژه های انتقال گاز طبیعی از یک کشور به کشور دیگر ماهیت فراملیتی داشته و تابع مقررات و احکام چارچوب موافقتنامه می باشد و در بند (د) آن از رعایت اصل ترانزیت بدون ممانعت گاز طبیعی مطابق نورم های قانونی بین المللی، سخن زده شده که

———— جایگاه تاپی در حقوق بین الملل و نقش آن در تأمین صلح در افغانستان
همه این موارد فوق تبعیت دولتهای طرفین موافقه را از نورم های حقوقی
معاهدات، از نظر حقوق بین الملل عمومی نشان می دهد.

در ضمن موافقتنامه چارچوب موافقتنامه تاپی و سایر موافقتنامه و اسناد
فرعی پیوست آنست که در مجموع از لحاظ حقوقی آنرا تنظیم می نماید.
تاریخ انفاذ و مدت دوام این موافقتنامه در ماده دهم آن چنین تصریح گردیده
است: " این موافقتنامه بین الدولتی از تاریخ امضاء منعقد و الی (i) امضای
موافقتنامه یی که جاگزین این موافقتنامه بین الدولتی گردد (ii) ۳۱ دسمبر
سال ۲۰۴۵ نافذ باقی می ماند " (۸ : ماده دهم).

متن ماده ۱۱ موافقتنامه تطبیق پروژه تاپی که آخرین ماده آن نیز می
باشد، قرار ذیل است: " این موافقتنامه بین الدولتی به روز ۱۱ ماه دسامبر
سال ۲۰۱۰ به لسان های انگلیسی، دری، هندی و ترکمنی در شهر عشق
آباد به امضاء رسیده و یک اصل آن در تمام این لسان ها به هر یک از جانبین
توزیع می گردد. در صورت اختلاف در متن لسان های ترکمنی، انگلیسی،
پشتو/ دری و هندی این موافقتنامه بین الدولتی، متن لسان انگلیسی آن
مدار اعتبار می باشد " (۸ : ماده یازدهم).

در کل موافقتنامه چارچوب و سایر موافقتنامه های پیوست آن در مجموع،
تمام مسایل مربوط به پروژه را تنظیم می نمایند، تمام موافقتنامه های مزبور
اسناد بین المللی دارای اعتبار حقوقی پروژه را تشکیل می دهند که از لحاظ
حقوق بین الملل عمومی دارای ارزش حقوقی می باشند. هرچند که
موافقتنامه های مذکور از لحاظ ظاهری به بخش های مختلف، تجزیه و در
مورد بخش های مختلف به صورت قراردادهای جداگانه تنظیم شده اند، اما از
آنجای که مجموعه همه اسناد امضاء شده پیوست های یک موافقتنامه
هستند، در کل حیثیت یک قرارداد واحد را داشته و بادر نظر داشت همه
اجزای آن مورد تحلیل و تفسیر حقوقی قرار می گیرند، سیستم حل اختلافات و

اعتبارات متن‌های آن همه و همه براساس قرارداد مورد شناسایی قرار گرفته و با در نظر داشت آنها حقوق و وجایب تمام طرفها مشخص می‌گردد.

۳- نقش تاپی در تأمین صلح در افغانستان:

پیرامون تحمیل مصارف جنگ بالای بودجه ملی افغانستان یکتا از تحلیلگران چنین می‌نگارد: "در حدود ۳۵ تا ۴۰ درصد بودجه ملی کشور در سال‌های مختلف مالی به سکتور امنیتی اختصاص داده شده و بر اساس برخی گزارش‌ها روزانه در حدود ۱۰ تا ۱۳ میلیون دالر هزینه جنگ‌هایی است که بر دولت و حکومت افغانستان تحمیل شده است؛ بنابراین برای بخش‌های دیگر از جمله پروژه‌های انکشافی و زیرساخت‌ها بودجه لازم و کافی باقی نمی‌ماند و از این رو زمینه رشد و توسعه اقتصادی کاهش می‌یابد"^(۹).

اما تاپی می‌تواند در پهلوی فراهم سازی امکانات، تسهیلات و رفاهیت‌های اقتصادی و اجتماعی، در امر تأمین صلح و ثبات در منطقه و به ویژه حل معضل چندین ساله جنگ و صلح در افغانستان اثر گذار باشد؛ زیرا با عبور یافتن پایپ لاین گاز تاپی افغانستان می‌تواند از طرفی تا حدودی منافع متضاد را به هم گره زند و از سوی دیگر، جایگاه افغانستان در معادلات سیاسی، به نفع صلح و امنیت آن بالا برده شده، معضل جنگ در کشور قسماً راه حل یافته و ثبات اوضاع و رفع تشنجات را نیز در قبال خواهد داشت.

در اینجا باید دید که در روند تأمین صلح و امنیت و خاتمه بخشیدن به جنگ و ناآرامی‌ها در پیوند به پروژه تاپی مقامات و کارشناسان ایرانی چه دیدگاه‌ها و نکته‌نظرهایی دارند و تأثیر آن از دید مسئولین امور کشور ما چگونه است؟ درین رابطه در نشست که زیر نام "بررسی ابعاد و پی‌آمدهای ملی و منطقه‌یی خط لوله تاپی" در مؤسسه مطالعات آسیای مرکزی و افغانستان (ایراس) در کشور ایران دایر شده بود، آقای حسن بهشتی پور عضو علمی آن مؤسسه اظهار داشت که: در نتیجه اجرای پروژه تاپی امنیت در چند ولایت افغانستان ایجاد می‌شود که این امر به نفع ایران نیز خواهد

———— جایگاه تاپی در حقوق بین الملل و نقش آن در تأمین صلح در افغانستان

بود. به نظر وی یکی از دلایل موافقت طالبان با این پروژه تأمین منافع پاکستان است. البته ممکن است داعش و فعالیت های آن به عنوان یک خطر، آینده این پروژه را تحت تأثیر قرار دهد. این طرح سرمایه زیادی را وارد افغانستان کرده و اشتغال زیادی را در این کشور ایجاد می کند که بی شک منافع آن به افغانستان باز می گردد. وی در خصوص موضع جمهوری اسلامی ایران در باره اجرای این پروژه گفت: از دو جنبه اجرای این طرح به نفع همه کشور های منطقه است. اول اینکه این همکاری می تواند انگیزه یی برای صلح و ثبات باشد. جمهوری اسلامی ایران که در این میان خود صادر کننده گاز است، می تواند به توسعه این همکاری ها کمک کند. همچنین امنیت در چند ولایت افغانستان در نتیجه اجرای این پروژه ایجاد می شود و چنانکه گفته شد این امر به نفع ایران نیز خواهد بود. وی اضافه نمود که: از دیگر سو طی بیست سال آینده رشد تقاضای انرژی در منطقه صورت خواهد گرفت؛ بنا بر این ایران می تواند بخشی دیگر از انرژی مورد نیاز را برای هند و پاکستان تأمین کند. این کشور ها باید به سمت انرژی های پاک تر گام بردارند و به نفع آن هاست که علاوه بر خط تاپی از انرژی ایران نیز استفاده کنند. وی تصریح کرد: اگر افغانستان به دنبال امنیت باشد، باید سرمایه گذاری در زیر ساخت های آن صورت گیرد. این یکی از بهترین فرصت ها برای این کشور است و می تواند فرصت های شغلی برای سایر کشور های منطقه از جمله ایران را فراهم کند.

به همین گونه آقای ولی کوزه گر کالجی، عضو دیگر علمی آن مؤسسه اظهار داشت که: منطقه آسیای مرکزی به سمت جنوب میل به گسترش دارد. این واقعیتی است که در همه زمینه ها این گسترش در حال بروز و ظهور است. سه حوزه نیز با اجرای این طرح در افغانستان در حال حرکت همزمان است که یکی از آن شبکه ریلی است. برنامه ایجاد شبکه برق و خط لوله گاز تاپی از دیگر این پروژه ها و برنامه هاست. افغانستان این سه تحول را به

صورت ترکیبی دنبال می‌کند که این امور موتور تحولات در این کشور و مناطق پیرامون آن خواهد بود.

وی با اشاره به رویکرد ایران در خصوص این پروژه تصریح کرد: ما نباید تنها به خط لوله نظاره کنیم. این خط لوله نیازمند توزیع شهری و توزیع در کارخانه‌ها و شبکه لوله کشی است که این نیازها می‌تواند به ایران نیز کمک زیادی کند. به قول موصوف در واقع این امر می‌تواند به سرمایه‌گذاری برای ایران کمک زیادی کند. آقای کالجی نقطه نظر خود را پیرامون طرح‌های امریکا در پیوند با تاپی چنین عنوان نمود: بستری که ایالات متحده در آن از این طرح حمایت می‌کند، در چارچوب دو طرح آسیای مرکزی بزرگ و روسیه است. در این طرح بخش آسیای مرکزی از بخش قفقاز جدا شده و در یک سازمان مستقل تعریف شده است. هدف ایالات متحده هر چه که باشد، این زیرساخت خواهد ماند و می‌تواند افقی برای رونق منطقه باشد و شاید در آینده این خط لوله با خط لوله صلح هم پیوند بخورد چرا که بازار این منطقه بسیار بزرگ است^(۱۰).

دیدگاه‌های کارشناسان و مقامات افغانستان نیز پیرامون نقاط مثبت لوله تاپی برای ایران و منطقه عین آن چیزی است که در بالا نگاشته آمد. چنانچه معاون قونسلگری و پژوهشگر سابق مرکز مطالعات استراتژیک وزارت خارجه افغانستان، آقای حسین رحیمی در نشست "بررسی ابعاد و پیامدهای ملی و منطقه‌یی خط لوله تاپی"، در مؤسسه مطالعات آسیای مرکزی و افغانستان (ایراس) اظهار کرد: پروژه تاپی فراتر از یک پروژه اقتصادی بوده و ناشی از یک هماهنگی منطقه‌یی است. در حالی که کشور‌های دخیل در این پروژه موارد پر اختلافی با یکدیگر دارند. وی علاوه نمود که: بعد از تشکیل حکومت وحدت ملی در افغانستان زیر بناهای سیاسی دولت چند رویکرد و چند شاخص داشت. یکی از این موارد توجه ویژه به اولویت‌های اقتصادی محض بود. هدف از این سیاست خود اتکابی ملی اقتصادی بوده است. همچنین تلاش

————— جایگاه تاپی در حقوق بین الملل و نقش آن در تأمین صلح در افغانستان

برای این بود که الگوهای معیشتی مردم افغانستان تغییر کند و بسترهای اجتماعی مد نظر قرار گیرد. افغانستان برای این امر پروژه بزرگی برای ایجاد شاهراه های مواصلاتی بین تمام ولایت های خود را در نظر دارد تا بتواند خطوط ترانزیتی را بین کشورها احیا کند. رحیمی با اشاره به اینکه ۷۵ فیصد معیشت مردم افغانستان به زراعت بستگی دارد، گفت: سیاست ایجاد بندها و سد های دیگری از سیاست ها در کشور ما می باشد. تغییر قوانین تجاری نیز یکی دیگر از این سیاست ها است. اینکه آیا طالبان عامل ویا مانعی برای اجرای این پروژه است، دولت افغانستان تمهیدی را برای این مسئله و ایجاد صلح دارد. آقای رحیمی با بیان اینکه صلح یک راهکار منطقه یی و بین المللی ولی با مدیریت افغانی است، خاطر نشان کرد: مسئله دیگر این است که ما در حوزه امنیتی به صورت عملی هم کار می کنیم که یکی حضور مستشاران خارجی و دیگری تقویت قوای هوایی افغانستان است. حدود ۲۶ تا ۳۰ هزار نیروی محلی که تا کنون به صورت محلی عمل می کردند نیز قرار است با قوای ملی تلفیق شوند تا در مناطق مختلف به کار گرفته شوند. اینها بخش هایی از طرح هایی است که افغانستان دنبال می کند که رسالت اینها حمایت و حراست از طرح هایی مانند تاپی است. حتی طالبان پروژه تاپی را یک پروژه ملی می داند. افغانستان با هیچ دولتی مشکل و دشمنی ندارد و هیچ کشوری برای ما دشمن تعریف نشده است. در پروژه های منطقه یی نیز ما یک توافق نامه سه جانبه با هند و ایران داریم. افغانستان همسایه های خود را در دایره اول سیاست خارجی خود قرار داده و این امر در دولت وحدت ملی بیشتر دیده می شود. آقای رحیمی با اشاره به تأثیرات ملی پروژه تاپی تصریح کرد: ایجاد ۱۰ هزار شغل مستقیم برای متخصصان، ایجاد اشتغال برای ۱۰ تا ۱۵ هزار نفر برای تأمین امنیت این خط، تأمین انرژی ۳۰۰ کارخانه در حوزه های مختلف در مسیر خط لوله در افغانستان، ۴۰۰ میلیون دالر عایدات ملی برای دولت و جذب سرمایه گذاری

های دیگر از عمده ترین تأثیرات اجرای این طرح است. وی افزود: در حال حاضر حاشیه امنی برای گروه های تروریستی و تجار مواد مخدر وجود داشته که این پروژه موجب افزایش امنیت بیشتر در کشور و مرز های آن با همسایگان ما خواهد شد. علاوه بر این با اجرای این طرح افغانستان به آن جایگاه اصلی و تاریخی خود که همان شاهراه مواصلاتی شرق با غرب آسیاست، باز می گردد^(۱۰). رحیمی یاد آور شد: ترکمنستان یکی از کشور های ذینفع در این پروژه است و رتبه چهارم را در داشتن ذخایر نفت و گاز داشته و در منطقه بعد از روسیه، در حوزه ذخایر گازی در جایگاه دوم قرار دارد. قرار است این کشور تا سال ۲۰۳۰، ۲۳۰ میلیارد متر مکعب گاز صادر کند. روزانه بخش های زیادی از کشور پاکستان دچار قطع برق می شود. این طرح می تواند تا ۱۴ میلیارد دالر در طی ۳۰ سال عواید اقتصادی زیادی برای پاکستان داشته باشد. این پروژه می تواند یک مزیت ژئوپلیتیکی را برای پاکستان نسبت به هند نیز ایجاد کند. هند پنجمین مصرف کننده گاز در دنیاست و این منبعی ارزان برای این کشور است. هند با توجه به افزایش ناامنی در شرق میانه به دنبال بازار های جدید برای تأمین نیاز های خود است.

رحیمی تأکید کرد: پیشنهاد ما برای جمهوری اسلامی ایران این است که اگر افغانستان بتواند معبری (راهی) بین ایران و چین باشد، می تواند فرصت های جدید را برای این کشور ایجاد کند^(۱۰).

به نگارش روزنامه اکسپرس تریبون دو شرکت امریکایی شورون و اکسون موبیل در حال رقابت برای ریاست کنسرسیوم پروژه تاپی و تأمین مالی اجرای آن بوده اند، اما قرار گزارش ها جدید بانک انکشاف آسیایی نیز به غرض اکمال آن کمک مالی می نماید^(۱۰).

در نهایت به خوبی واضح گردید که اجرایی و عملی شدن پروژه تاپی می تواند به حیث بال قدرتمند اقتصادی برای دولت افغانستان عمل نموده

———— جایگاه تاپی در حقوق بین الملل و نقش آن در تأمین صلح در افغانستان
که نتایج حاصله از آن تنها منحصر به انکشاف اقتصادی نبوده، بلکه در قدم
اول حد اقل در راستای تأمین امنیت و استقرار ثبات کمک می‌نماید.

نتیجه

اگر به مناسبات همسایه‌گی، فرهنگی، تاریخی و سیاسی کشور های
عضو تاپی نظر اندازی کنیم در آن صورت می‌توان گفت که پروژه تاپی پیش
زمینه‌یی به درازای تاریخ و مدنیت کشور و سایر کشور های عضو آن داشته،
در روزگار باستان مناسبات حقوقی این کشور ها بامدنیت های ویدی و
اوستایی و اسلامی پیوند داشت و در راستای نورم های حقوق بین الملل
عمومی و مناسبات مبتنی بر حقوق تجارت بین المللی معاصر، از اصول
همزیستی مسالمت آمیز و تبدیل جهان به دهکده دارای سکنه واجد
مناسبات نزدیک به هم، در اثر رشد و ترقی اقتصادی و اجتماعی و به میان
آمدن عصر فناوری نوین، مایه و الهام می‌گیرد. ضرورت انعقاد قرار داد های
بین المللی در زمینه منابع انرژی و پیدایش شرایط علمی-تخنیکی و
اقتصادی- سیاسی آن در منطقه باعث شده تا کشور های عضو تاپی قوت و
بقا و رفاه و سعادت مردمان خود و منطقه و جهان را در احداث لوله های گاز
و به موازات آن احداث خطوط آهن، ایجاد شبکه های برق رسانی و رساندن
خدمات انترنیتی از طریق شبکه فایبر نوری و نیز احیای راه های مواصلاتی
ابریشم ولاجورد، جستجو نموده و به اثر به هم پیوستگی و یکپارچگی
منطقوی و ایجاد صلح و حل معضلات جنگ و نا امنی بیشتر از چندین دهه
در افغانستان، که پروژه های چون تاپی نوید بخش آن خواهد بود، سر انجام
به صلح و امنیت جهانی نیز تأثیر مثبت به جا خواهد گذاشت.

بنا بر آن به صراحت می‌توان گفت که قرارداد خرید و فروش و انتقال گاز
از طریق لوله گاز تاپی مبتنی بر نورم های تثبیت شده در اسناد چهار چوب و
تطبيق پروژه، از سویی جزء قرار داد های مهم بین المللی و دارای اهمیت
حقوقی بین المللی می‌باشد و از سوی دیگر با راه یافتن در حقوق مکتوبه

داخلی نقش به سزایی در امر تأمین صلح و رفا و ترقی اقتصادی و اجتماعی کشور نیز بازی می نماید.

پیشنهادها:

۱- در شرایط کنونی از آنجایی که سیاست خارجی کشورها و حقوق بین الملل ادامه حقوق داخلی آنان می باشد، بناءً لازم است تا زمان خاتمه اوضاع جنگ و نا امنی در کشور، به فرجام رسیدن کار پروژه تاپی را به مثابه بزرگترین فرصت رسیدن به صلح و ترقی در کشور تلقی نموده، اما در طول مدت احداث بند های بزرگ و مدیریت آنها در کشور، احداث صنایع ثقیله، استفاده از انرژی خورشیدی و انرژی های قابل تجدید، را راهکار دارای اولویت قرار داده، تا در دراز مدت عواید بیشتری نصیب کشور شده و آن را به خود کفایی برساند. بنا بر این به مقامات دولتی پیشنهاد می گردد تا درین راستا برنامه های راهکاری و دراز مدت خویش را در سطوح ملی و بین المللی هر چه انسجام بیشتر و بهتر بخشند تا پروژه تاپی در وقت و زمان برنامه ریزی شده جامعه عمل پوشیده ارمان آور صلح سراسری نیز واقع شود.

۲ - اتخاذ سیاست بی طرفی ترکمنستان بعد از کسب استقلال آن در سال ۱۹۹۱ م. ادامه سیاستی است که قبلاً در مقاطعی از تاریخ کشور، افغانستان رهبری آن را به دوش داشت و کشور های جنوب آسیا نیز در آن نقش داشتند. بنابر این پیوند سیاسی کشور های عضو تاپی قدیمی تر و محکم تر از هر پیوندی بوده و پروژه تاپی به مثابه زیر بنای اقتصادی و انرژی تیک آن، احیا گر راه ابریشم و لاجورد، با احداث خطوط مواصلاتی راه آهن، خطوط فایبر نوری و انتر نت و شبکه های منطوقی برق رسانی میان آسیای میانه و جنوب آسیا با عبور از قلمرو افغانستان واقع می شود. ازینرو به مقامات دولتی پیشنهاد می گردد تا با در نظر داشت اولویت منافع ملی کشور و مردم، از سویی به تحکیم حاکمیت ملی و از سوی دیگر به استقرار و تحکیم مناسبات مسالمت آمیز با کشور های منطقه و جهان بپردازند تا جنگ و نا

———— جایگاه تاپی در حقوق بین الملل و نقش آن در تأمین صلح در افغانستان
امنی از کشور رخت بر بسته و صلح پایدار و آرامش و آسایش ملی در کشور جا
نشین آن گردد.

۳- بهم پیوستگی کشور های عضو تاپی در آینده نزدیک ، باعث تفاهم و
نزدیکی کشور هایی چون ایالات متحده امریکا، روسیه، چین و ایران با
همدیگر و با کشور های عضو تاپی گردیده زمینه های حقوقی، سیاسی و
اقتصادی صلح و خاتمه یافتن جنگ ها علاوه بر شرایط داخلی و منطوقی آن،
در سطح بین المللی نیز به میان خواهد آمد. بنا بر آن به مقامات دولتی
پیشنهاد می گردد تا با بهره گرفتن از فرصت های فراهم شده توسط پروژه
تاپی به چالش هایی که در زمینه مناسبات بین المللی از گذشته به میراث
مانده است، نیز خاتمه بخشیده و صفحه نوینی را در مناسبات افغانستان باز
نمایند.

مآخذ:

- ۱- صافی، پوهاند دوکتور و دیر. حقوق بین الملل عمومی، کابل: انتشارات
فیضی، چاپ اول، ۱۳۹۰ ش.
- ۲- فلسفی، هدایت الله. حقوق بین الملل معاهدات، تهران: انتشارات
فرهنگ نشر نو، چاپ دوم، ۱۳۸۳ ش.
- ۳- مصئون، غلام سخی. روابط بین المللی افغانستان از نگاه حقوق
عمومی بین الدول، کابل: انتشارات سعید، چاپ اول.
- ۴- کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی، قانون اساسی
افغانستان، کابل: ناشر کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی،
۱۳۸۹ ش.
- ۵- یار غازی، لعل محمد. افغانستان و معاهدات بین المللی آن، کابل:
چاپ اول، ۱۳۸۹ ش.

۶- وزارت عدلیه ج.ا.ا. ۱.۱. چارچوب موافقتنامه پایپ لاین گاز میان دولت جمهوری اسلامی پاکستان، د.ج.ا. افغانستان، د.ج. هند و دولت ترکمنستان، کابل: مدیریت جریده رسمی وزارت عدلیه، ۲۰ / ۱ / ۱۳۹۲ ش.، (شماره مسلسل ۱۱۰۲).

۷- ویب سایت پیوست: <http://www.payvast>، تاریخ ثبت: یکشنبه ۱۲ آبان (عقرب) ۱۳۹۲ ش.، تاریخ اخذ: ۱۳۹۷/۸/۸ ش.

۸- وزارت عدلیه ج.ا.ا.، موافقتنامه بین الدولتی بین ج.ا. افغانستان، ج.ا. پاکستان، دولت ترکمنستان و دولت هندوستان در مورد تطبیق پروژه (پایپ لاین) گاز طبیعی ترکمنستان، افغانستان، پاکستان و هند، کابل: مدیریت جریده رسمی وزارت عدلیه، ۵/۴/۱۳۹۰ ش. (شماره مسلسل ۱۰۵۴).

۹- ویب سایت روزنامه انترنییتی افغانستان ما، پروژه تاپی؛ اهمیت اقتصادی و سیاسی آن، چهارشنبه ۲ حوت ۱۳۹۶، توسلی غرجستانی، تاریخ اخذ: ۲۱ / ۶ / ۹۷ ش. <http://www.dailyafghanistan.com> @TheDailyAfg

۱۰- ویب سایت خبرگزاری دانشجویان ایران "ایسنا"، تاریخ اخذ: ۵ / ۷ / ۱۳۹۷ <http://www.Isna.ir/news9612140938>

مدیریت و مهارت آب های فرا مرزی افغانستان

خلاصه

آب به عنوان عنصر اساسی حیات و عمده ترین نیاز بشر در زندگی، امروزه محور مباحث داغ محافل ملی و بین المللی می باشد. مطالعه همه ابعاد آب خالی از دلچسبی نیست، ولی مبحث آب های فرامرزی و کشمکش کشورهای حوزه مشترک آبی، بر سر تقسیم آن باعث شده که آب دیگر یک ماده کیمیاوی ارزان و قابل دسترس برای انسان ها نباشد، بلکه آب به عنوان یک ماده ستراتیژیک و گرانبها و نیز رکن عمده انکشاف اقتصادی در آجندای نشست های سیاسی مطرح بحث می باشد. در این مقال روی مطالب چون رابطه آب با سیاست، پالیسی آب های فرامرزی افغانستان و دیپلوماسی آب مختصراً روشنی انداخته شده و در آخر با یک نتیجه گیری و چند پیشنهاد پایان یافته است.

مقدمه

آب مایه حیات، مظهر قدرت و ماده اصلی آفرینش تمام موجودات زنده است؛ فیصدی زیاد جرم هر سلول زنده را (حدود ۷۰ درصد) آب تشکیل می دهد؛ زیرا که بدون موجودیت آب، حیات به وجود نمی آید. الله سبحانه و تعالی در ۶۳ آیه قرآن مجید در مورد پیدایش آب، اهمیت آب، وابستگی حیات موجودات زنده به آب و سایر مسایل مربوط به آن ارشادات اکیدی دارد که

درواقع از پیوند سرنوشت انسان به آب حکایت دارد. (۱) در تمامی حوزه‌های تمدنی بشر آب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و آب را جزء چهار رکن اساسی خلقت (آب، خاک، باد و آتش) دانسته‌اند. آب یکی از فراوان‌ترین و ارزان‌ترین مواد موجود در کره زمین است و یگانه ماده‌ای است که بصورت طبیعی در اشکال جامد (یخ)، گاز (بخار) و مایع (آب) در طبیعت پیدا می‌شود. آشامیدن آب و رفع نیازهای فردی به وسیله آن ابتدایی‌ترین نگرش بشر نسبت به آب است و گر نه آب دارای چنان ابعاد وسیعی است که پی بردن به کنه هر یک از آن‌ها، به درک ژرف و مطالعه دقیق نیاز دارد.

آب عامل اساسی برای تشکیل اجتماعات بشری است، به گواهی تاریخ تمامی کتله‌های اجتماعی و تمدن‌های بشری، در کنار رودخانه‌ها شکل گرفته‌اند و نام اغلب مدنیت‌ها برگرفته از نام رودخانه‌ها‌اند، چون حوزه‌های تمدنی نیل، بین‌النهرین، سند، گنگا، جیحون، هیرمند، دانیوب، آمزون و غیره. امروزه آب از یکسو نقش خود را منحیث عنصر اساسی قدرت در ساختار رژیم‌ها و تغییر معادلات سیاسی احراز نموده و از سوی دیگر منعی است که مانع از توسعه و ستراتیژیک در انکشاف اقتصادی و پشتیبانی امنیتی شناخته شده است. به همین دلیل امروزه موضوع آب بحث داغ و اول مجامع ملی و بین‌المللی در تمام عرصه‌های سیاسی و علمی است، تا آنجا که توجه به آب و مدیریت سالم آن، (کلید سعادت پایدار) بشریت پنداشته شده و همه کشورهای در صدد بسیج همگانی نیروها برای دسترسی، توسعه، مدیریت و تجهیز منابع بشری در بخش آب هستند. با آن که آب نعمت خداداد، گنجینه مشترک و هدیه ظاهراً ارزان و وافر طبیعت برای بشر است، مگر انسان جداً مکلف شده که در استفاده از آب شکرگذار، محتاط و صرفه‌جو باشد و در حفاظت، پاک‌سازی و سلامت منابع آب نهایت کوشش؛ زیرا هر قطره آب امانت‌گزارانه‌های نسل‌های آینده بشر است که بایست با درک اهمیت حیاتی آن، خوب مدیریت شود و با امانتداری به صاحبان اصلی آن تحویل داده شود.

این نکته نباید فراموش شود که آب همیشه مایه رحمت نیست، آب گهگاهی بنا بر غفلت و ناشکری انسان، به طغیان آمده و به اشکال سونامی، سیلاب، طوفان و بارندگی بیش از حد، برای انسان مصیبت و تباهی می آفریند و یا گاهی هم آب بنا بر خشکسالی، قلت، سوء مدیریت و نزاع بر سر تقسیم آن، سبب بحران و جنگ می گردد؛ به همین علت است که بعضی از تحلیل گران و صاحب نظران سیاسی می گویند که جنگ آینده جهانی بر سر آب خواهد بود.

مبرمیت: مسأله آب از مسایل مهم و سرنوشت ساز جامعه بشری به شمار می رود؛ این مسأله همانگونه که در گذشته و حال مورد توجه بشر بوده، در آینده نیز از اهمیت خاصی برخوردار خواهد بود. بناءً ایجاب می کند که آب از زوایای مختلفی مورد تحلیل و تجزیه قرار بگیرد. درین مقاله آب در میان منابع طبیعی به عنوان عنصر مهم قدرت دولت، مورد مطالعه قرار گرفته و در مورد نقش سیاست آبی در مدیریت و مهار آب های فرامرزی افغانستان مطالبی به عرض رسیده است. اداره آب های فرامرزی در افغانستان به این خاطر واجد اهمیت است که اکثر حوزه های دریایی افغانستان باز بوده و آب آن ها بدون استفاده به خارج مرزها سرازیر می شوند.

هدف: ارایه راهکار برای مهار و مدیریت آب های فرامرزی و استفاده اعظمی از آن ها در داخل کشور، غرض انکشاف اقتصادی و رفع عقبمانی در همه ابعاد حیاتی، کاربرد منابع آب در تقویة اقتدار سیاسی و بالآخره وسیله قرار گرفتن آب برای برقراری روابط حسنه با کشورهای همسایه، از مسایل مهمی اند که امروزه کشور ما به آن نیاز دارد و اگر افغانستان امروز به مهار آب هایش اقدام ننماید فردا ناوقت خواهد بود و کشور ما نیم قرن دیگر از کاروان ترقی و پیشرفت عقب خواهد ماند.

روش تحقیق: شیوه پژوهش در نگاشتن این مقاله، توصیفی-تحلیلی بوده و از آثار و اسناد دست داشته، اغلباً به سبک کتابخانه ای استفاده به عمل آمده است.

رابطه آب با مسایل سیاسی: رابطه آب با مسایل سیاسی از این نکته نشأت می گیرد که آب یکی از اجزای مهم منابع طبیعی یک کشور است و منابع طبیعی یکی از عناصر مهم اقتدار سیاسی دولت ها می باشد؛ در میان منابع طبیعی، آب نقش اول و تعیین کننده را دارد. دولتی که دارای منابع طبیعی کافی باشد، می تواند به وسیله پول و یا تبادل منابع بدیل آن، نیازمندیهای خود را به نحوی اکمال نمایند، ولی دولتی که در قلمروش آب نداشت و یا با کمبود آب مواجه بود و نیازمندی های آبی خود را از خارج تأمین می کرد، درحقیقت شاهرگ حیاتی آن دولت به دست همان کشورهای است که آب از آن جاها برایش می رسد.

سیاست در اصطلاح عبارت از خط مشی رسمی دولت و یا احزاب سیاسی می باشد که برای حصول و یا حفظ قدرت مبارزه می نمایند، برخی دانشمندان سیاست را هنر اداره کشور یا واحد سیاسی می دانند که در این صورت رسیدن به قدرت سیاسی در محراق توجه علم سیاست قرار می گیرد. اما به نظر عده از دانشمندان علوم سیاسی، سیاست مفهوم عامتر ازین را دارد، چنانچه بعضی ها معتقد اند که قدرت جانمایه و مفهوم اساسی سیاست است و سیاست بدون قدرت معنایی ندارد. این ها سیاست را چنین تعریف می کنند: «سیاست در حقیقت مقوله است درباره قدرت» (۲) یعنی سیاست تلاش و مبارزه هدفمندانه برای به دست آوردن قدرت، اجرا و تمثیل آن و بالآخره مساعی برای حفظ آنست؛ منابعی که اساس و شالوده قدرت دولت را تشکیل می دهند، خواصخواه درتمثیل آن تأثیر گذار اند.

با همگانی شدن اقتصاد درجهان و انتقال قدرت از بارک های نظامی به تشبثات اقتصادی، دسترسی به منابع طبیعی خصوصاً آب که از عناصر

اساسی قدرت دولت می باشد، حتی به عنوان شاخص برای حفظ و یا توسعه قدرت سیاسی، در نظر گرفته می شود. (۳) بناءً دسترسی یک دولت به منابع آبی، نشانه از قدرتمندی آن می باشد. به همین دلیل است که منابع آبی در سال های اخیر، در بعضی جاها سبب تنش و در بعضی دیگر عامل برقراری روابط میان کشورها گردیده است، یا به عبارت دیگر آب در سال های اخیر به یک عامل تأثیرگذار در سیاست گذاری های داخلی و خارجی کشورها تبدیل شده است.

ابعاد چهارگانه رابطه آب با سیاست: رابطه میان آب و سیاست در چهار

مستوای محلی، ملی، منطقوی و بین المللی قابل مطالعه است:

- درسیاست گذاری منابع آب درسطح محلی، بحث مشارکت اداره محلی در مدیریت آب برای زدودن اختلاف و کشمکش مردم محل بر سر تقسیم آب مورد توجه می باشد.

- در سیاست آبی درسطح ملی، حکومت ها با روحیه همکاری با مردم در توسعه منابع آب، سرمایه گذاری می کنند که هدف آن مشروعیت بخشیدن نظام، ایجاد امنیت غذایی، ثبات سیاسی، رفاه اجتماعی، تأمین سلامت و غیره می باشد.

- در سطح منطقه‌یی برای مطالعه رابطه آب و سیاست، منابع آبی فرامرزی مورد بحث قرار می گیرند و عمده ترین اختلاف بر سر چگونگی و مقدار استفاده از آب و نحوه مدیریت آن بیش می آید. در این بخش سیاست آبی نقش آفرینی می کند که دولت ها میان همدیگر به توافق برسند؟ اگر توافق به میان آید، یقیناً گرمی سیاست از سردی آب متأثر می شود و اگر توافق صورت نگیرد، سیاست برای مدیریت آب باید کاری کند که قضیه بیشتر بحرانی نشده و به جنگ منجر نشود.

- در کنفرانس های جهانی بخاطر ترتیب و تدوین قوانین بین المللی آب، بحث ها حول انکشاف منابع طبیعی و جلوگیری از آلودگی آب و محیط

زیست، ایجاد همگرایی و جلوگیری از نزاع و کشمکش صورت می‌گیرد. (۴) با ملاحظه رابطه پیچیده آب و سیاست در سطوح فوق، به این نتیجه می‌رسیم که سیاست‌گذاری در بعضی سطوح توصیه‌ی، در بعضی اجرایی و در بعضی دیگر مبتنی بر ایجاد روحیه همکاری و همگرایی می‌باشد. به هر حال سیاست آبی یک ترکیب متوازن از دو واژه آب و سیاست است و تأثیرات دسترسی به منابع آب بر سیاست‌گذاری و مدیریت آن را مورد مطالعه قرار می‌دهد.

پالیسی سازی برای مدیریت آب‌ها: پالیسی سازی و سیاست‌گذاری در بخش آب، اعم از آب‌های مرزی یا فرامرزی، عبارت از تدوین سیاست‌ها، قوانین، ستندردها و وضع پلان‌ها و ستراتیژی‌های می‌باشد که توسط ارگان‌ها دولتی اجرا می‌شود. پالیسی‌سازی در همه ابعاد آب از مسؤولیت‌های عمده دولت، برای دست یافتن به اهداف خاص است. با توجه به پیچیدگی مسایل آب، ساختن پالیسی مؤثر برای تمام بخش‌های مربوط به آب، کار دشواری است و نقاط اساسی آن شامل جمع‌آوری معلومات در مورد آب، آماده‌سازی شرایط و امکانات استفاده از آب، دفع موانع و اضرار آن و بالآخره تثبیت پایداری جریان آب می‌باشد. بناءً ساختن پالیسی برای منابع آب‌های فرامرزی از مهمترین و پیچیده‌ترین مسایل در سکتور آب است و نهادهای مربوط می‌توانند با شناسایی بهترین شیوه‌های مدیریت و با رسیدن به توافقات دو جانبه و چند جانبه با کشورهای دارای آب‌های مشترک، پروسه پالیسی‌سازی را آسان سازند. (۵)

عقد توافقتنامه‌ها میان کشورها بر سر تقسیم آب و یا حل نزاع‌های آبی در تثبیت حقوق و وجایب کشورهای دارای رودخانه مشترک کمک می‌کند. پیمان‌های تعیین حقا به و استفاده مشترک، رسیدن به اهدافی چون جلوگیری از اختلاف و درگیری، تأمین آب آشامیدنی پاک و با کیفیت، تأمین آب زراعتی و ایجاد مصوونیت غذایی، جلوگیری از ضیاع آب‌های رو زمینی و زیر زمینی و سلامتی محیط زیست، زدودن آلودگی آب‌ها و دفع اضرار ناشی

مدیریت و مهار آب های فرا مرزی افغانستان

از تغییر مسیر رودخانه ها نکات عمده پالیسی های آبی را تشکیل میدهد. (۶) پالیسی سازی برای آب ها، شامل دو بخش ملی و فراملی می باشد که هر یک با اهداف مشخص تدوین می گردد:

اهداف ملی سیاست آبی عبارت اند از: نیرومند سازی زیربناها و نهادهای مربوط به آب، دسترسی تمام مردم به آب کافی و سالم، ایجاد ادارات اجرایی برای انکشاف سکتور آب، مدرنیزه کردن زراعت، توزیع عادلانه آب و ایجاد مراکز معتبرمعلوماتی در باره آب.

اهداف فراملی سیاست آب اینها اند: حل منازعات و کشمکش ها، تحکیم روابط دوستانه میان کشورها از مجاری دیپلماتیک، عقد قراردادهای برای استفاده مشترک از آب ها و مبارزه با خشکسالی، گرمایش زمین و تغییر اقلیم.

با افزایش نیاز به آب، اختلاف و کشمکش بر سر دسترسی آب های بین المللی شدت بیشتری گرفته است. از نظر جغرافیایی افغانستان در منطقه واقع شده که کشورهای واقع در این ساحه اغلباً با کمبود آب مواجه اند و گهگاهی در میان آن ها تنش های آبی بالا می گیرد. چون رژیم حقوقی حاکم بر آب های مشترک و قوانین موجود بین المللی، ضمانتی اجرایی و بازدارندگی لازم را در جلوگیری از منازعات آبی ندارد، پس بحران ناشی از معضلات آبی، از طریق اعمال سیاست های واقع بینانه و مبتنی بر تعاملات متقابل با استفاده از تمامی امکانات و ظرفیت ها به کمک دیپلماسی فعال آبی قابل کنترل خواهد بود.

دیپلوماسی آب: دیپلوماسی آب عبارت از داشتن اراده و ظرفیت بالقوه تفاهم و گشایش بالفعل باب مذاکره و گفتگو بر سر تقسیم و مدیریت آب های بین المللی میان دولت ها است. دیپلوماسی آب به توانایی کشورهای دارای منافع مشترک مربوط می شود که مایل اند آب های مشترک خویش را طوری استفاده و مدیریت کنند که از نظر سیاسی یک وضعیت پایدار و ثابت به وجود بیاید، یعنی منابع مشترک آب بدون هرگونه تنش یا نزاع بین دولت

های ساحلی دریاهای مشترک مورد استفاده قرارگیرد. افغانستان بنابر مشکلات اقتصادی و پشت سر گذاشتن چهاردهه بحران، تاکنون نتوانسته است از منابع آبی خود استفاده لازم بنماید، ولی کشورما با توجه به مبانی حقوقی، واقعیت‌های سیاسی، ساختار جغرافیایی و ساختار ارضی اش، برای استفاده از آب‌های خود درموقف برتر قرارداد. زیرا آب‌های فرامرزی افغانستان همه از کوه پایه‌ها، دره‌ها و وادی‌های افغانستان سرچشمه می‌گیرند و با درنوردیدن صدها کیلومتر فاصله در قلمرو افغانستان و استفاده ناچیز از آن‌ها در داخل، به خاک کشورهای همسایه می‌ریزند. هرگاه افغانستان به ثبات سیاسی نایل گردد و با طرح پالیسی‌های معقول، ظرفیت مدیریت و مهار آب‌های خود را دریابد، همسایه‌های افغانستان ازین بابت آسیب پذیر خواهند شد، زیرا در آن صورت جلو آب‌های سرگردان افغانستان گرفته شده، ازهدر رفتن آن‌ها به بلاد خارج جلوگیری می‌شود.

زمانیکه افغانستان صلاحیت خود را در اداره آب‌هایش به دست گرفت، آن‌عه کشورهای همسایه که در پایان آب‌قرار دارند، با توسل به روش‌های دیپلماتیک درصدد گشایش باب همکاری و دوستی با افغانستان برآمده و به خاطر یافتن راه‌های حل معضله کمبود آب، وارد مذاکره می‌شوند. البته ایجاد چنین روحیه‌ای به نفع کشورهای بالادست و پایین دست است، زیرا براساس توافق‌های دو جانبه و یا چندجانبه، غرور بالادست‌ها و ضعف پایین دست‌ها با همدیگر تلفیق یافته و هر دو طرف به یک راه حل معقول و منطقی بر سر استفاده آب‌های مشترک اتفاق می‌نمایند.

دیپلوماسی آب در بخش آب‌های فرامرزی، وسیله تمثیل اهداف سیاست آبی است که به واسطه آن می‌توان با درنظر داشت منافع ملی، مصالح امنیتی، منبع و مقدار آب، جغرافیای منطقه، پیشینه تاریخی، نفوس استفاده‌کنندگان آب، اندازه احتیاج، مقدار مصرف فعلی و بالآخره نیاز امروز و فردای کشورهای شریک رودخانه فرامرزی، با روحیه حسن نیت و احساس

بشردوستانه، درپروسة پالیسی سازی از آن کمک گرفت. هر چند تعبیر از دیپلوماسی آب در میان دانشمندان یکسان نیست، ولی قدرمسلم دراتخاذ روحیه همکاری و رعایت منافع مشترک، گزینش راه وسط است. واقعیت های عینی معضلات آب درجهان حاکی از آنست که تنش های مربوط به آب را می توان با مذاکره، تفاهم، میانجیگری و درک عمیق ازشرایط سیاسی، اقتصادی و زیست محیطی جلوگیری کرد. (۷)

دیپلوماسی آب یک روش پویا و در حال تحول است و می تواند در رسیدن به راه های حل صلح آمیز و پایداردرمنازعات آبی کمک کند. چون سیاست گذاری های آبی در سطح ملی، تا حد زیادی متأثر از مسایل امنیتی است، بناءً تا وقتیکه مسأله اختلاف حقوقی آب های فرامرزی با همسایگان مجرای آن حل نگردد، مدیریت آب ها و فایق آمدن بر مشکلات سکتور آب کار دشوار خواهد بود، زیرا راه حل این معضل منوط به همکاری مشترک اداره امنیت ملی و وزارت امور خارجه می باشد.

ضرورت تدوین سیاست آبی: کمبود آب و نیازمندی روزافزون نسبت به آن و تلاش دول برای دسترسی به آب، موجب تشدید تنش های آبی موجود درجهان شده است. افغانستان نیاز شدید دارد تا غرض استفاده از آب های جاری فرامرزی اش با کشورهای همسایه وارد بحث و مذاکره شده و برسرتهیین یک رژیم حقوقی عادلانه و معقول با آن ها به توافق برسد. اگر کشورهای همسایه در این زمینه با افغانستان به توافق نرسند و به حقوق حقه کشورما احترام نگذارند، افغانستان می تواند مطابق برنامه های انکشافی اش به زودترین فرصت با ساخت بندهای آب منحيث کشور بالادست، ازآب های جاری اش استفاده اعظمی نماید که دراین صورت کشورهای همسایه به نسبت کم شدن آب های مشترک به چالش مواجه شده و مجبور به تفاهم و مذاکره با افغانستان خواهند شد.

میانجیگری سازمان ملل متحد و سایر نهادهای بیطرف بین المللی می‌توانند خطرات ناشی از اختلاف و درگیری از این بابت را کاهش بدهد، برای حل این مشکلات بجای مناقشه و مقصرخواندن یکدیگر و ایجاد تنش‌های بی‌حاصل، لازم است تا دولت افغانستان با همسایگانش روی عوامل اساسی اختلاف و درک علل اصلی کاهش و کمبود آب، با هم مذاکره نموده و با توافق همدیگر در پیدا کردن راه‌های حل طولانی مدت بکوشند. بهتر است درین مورد به مشوره نهادهای بیطرفی چون بانک جهانی، برنامه توسعه سازمان ملل، اتحادیه اروپا و انستیتوت محیط زیست ستاکهلم در مورد حل چالش‌های آب‌های فرامرزی اقدام شود؛ الحاق به کنوانسیون سال ۱۹۹۷ م سازمان ملل متحد و روآوردن به مذاکره و امضای توافقنامه‌های فیما بین، حلال خیلی از معضلات آبی شده می‌تواند. (۸)

چون منابع آبی علاوه برآنکه نیازمندی‌های مردم را از جهات مختلفی چون تهیه آب‌های آشامیدنی و معیشتی، آب برای انکشاف زراعت، صنعت، تولید انرژی برق، سرسبزی و حفاظت محیط زیست مرفوع می‌سازد، رابطه خیلی نزدیکی با مسایل سیاسی، امنیتی و دفاعی کشور دارد، پس بدین لحاظ داشتن سیاست آبی جامع برای هر کشوری بالخصوص افغانستان بخاطر مهار و مدیریت آب‌هایش، ضروری می‌باشد. تقویت روند توسعه مدیریت منابع آبی موجب می‌شود، وابستگی افغانستان به کمک‌های بین المللی کاهش یابد و افغانستان به رشد اقتصادی، کاهش فقر و افزایش عاید سرانه اتباع خود نایل آید. (۹)

حجم عظیم سرمایه گذاری دولت‌ها در تأسیسات آبی و مهار آب‌ها و تحمل فشار کمرشکن احداث سد و بهره برداری از آنها، دولت‌ها را بر آن می‌دارد که در پهلوی سیاست‌های آبی، برای جلوگیری از بروز اختلال در امر انتفاع از منابع مزبور، تدابیر شدید امنیتی را اتخاذ نمایند تا تأسیسات مزبور

از مواجهه با نتایج ناگوار تخریبات و توطئه های سازمان یافته بر زیربناهای آبی توسط عناصر موذی و اجیر در امان باشند.

ایجاد وابستگی به واسطه آب: وابستگی یکی از عوامل عقب مانی کشورها است که به منافع ملی آن ها صدمه وارد می کند. متأسفانه کشورما در عرصه های تأمین ثبات و امنیت، توسعه تجارت، تهیه مواد غذایی مورد ضرورت، تولید برق آبی و سایر موارد حیاتی دیگر، وابسته به کمک کشورهای خارجی است؛ ولی بالمقابل کشورهای همسایه افغانستان نیازمند به آب دریاها می باشند که از کوهپایه ها و دره های افغانستان سرچشمه می گیرند. سال ها است که وابستگی افغانستان به کمک های خارجی زبانزد خاص وعام است، ولی کمتر کسی است که از وابستگی دیگران به منابع طبیعی افغانستان حرف بزند. شاید از جمله خوشبختی های مردم افغانستان یکی هم این باشد که کشور ما به دلیل دارا بودن سطوح مرتفع برفگیر، منشأ و سرچشمه آب شیرین در رودهای جاری خود است که علاوه از افغانستان حداقل چهار کشور همسایه ما نیز از آن استفاده می کنند. این نکته که وابستگی ما به دیگران عیان، ولی وابستگی دیگران به آب ما چرا پنهان باقی مانده است؟ جای تأمل دارد که در ذیل به آن می پردازیم پرداخته می شود.

حکومت های افغانستان در طول دو قرن اخیر، به دلایل هجوم خارجی و جزر ومد های سیاسی داخلی، موفق به مدیریت همه جانبه منابع آبی و توسعه و کنترل آن ها در قلمرو خود نگردیده و حتی در مقاطعی از زمان قسمتی از آب و خاک اصلی خود را نیز از دست داده است. آب دریاها افغانستان به استقامت های شرق، غرب، شمال و جنوب، بدون استفاده از مرز عبور نموده به خاک کشورهای همسایه می ریزند و آن ها بطور رایگان از آن ها استفاده می کنند. (۱۰)

اگر دولت افغانستان برای رهایی از وابستگی خارجی اراده نماید، در قدم اول باید به همان اقداماتی متوسل شود که دیگران می کنند، یعنی برای

کشورهای خارجی بالخصوص همسایگان وابستگی متقابل ایجاد نماید و آن عبارت از اعمال کنترل بر آب های فرامرزی و استفاده همه جانبه از آن ها در داخل کشور است. با این اقدام از یکسو روند انکشاف اقتصادی افغانستان با تقویت سکتورهای زراعت و صنعت سرعت می گیرد و نیازمندیهای غذایی و صنعتی افغانستان کاهش می یابد که این خود گامی در جهت رهایی از وابستگی است و از سوی دیگر استفاده از آب های سرگردان ما، موجب می شود که در استفاده همسایگان از آبهای فراوان و رایگان فرامرزی ما اختلال و سکتگی ایجاد گردد و آنها برای اینکه به آب بیشتری دسترسی داشته باشند به سراغ افغانستان آمده و برای منافع خود وارد مذاکره خواهند شد و پیشنهاد خواهند کرد که برای رسیدن به منافع مشترک آبی راه و چاره ای بسنجیم؛ آن ها به رضایت خود حاضر می شوند که در برابر دریافت آب مورد نیاز خویش، منافع و نیازمندیهای ما را نیز در نظر بگیرند، در نتیجه کشورما از وابستگی یک جانبه رهایی یافته و دیگران نیز به نحوی وابسته به کشورما گردیده چاره ندارند جز اینکه به منافع متقابل سر فرود آورده و به جایگاه و منافع ما در سطح بین المللی احترام بگذارند و این امر به منافع جانبین است.

این نکته را نیز باید به خاطر داشت که یکی از دلایل مهم مداخلات خارجی و ادامه جنگ و بحران در کشورما در گذشته و حال، مسأله آب های جاری است. آب هایی که همسایگان ما سال ها از آن ها رایگان استفاده کرده اند و حالا هم نمی خواهند که در این کشور صلح، ثبات و یک حکومت نیرومند به میان بیاید. زیرا با آمدن حکومت نیرومند در افغانستان در قدم اول به مدیریت و مهار آب های خود پرداخته و اجازه نمی دهد که آب های ما مانند گذشته به طور رایگان در آسیاب دیگران بریزد.

ضعف در مدیریت منابع عظیم آبی، مشکلات سیاسی حل نشده ناشی از استفاده مشترک آب با کشورهای همسایه، فقدان نیروی انسانی متخصص و

متعهد در رأس مدیریت منابع آبی کشور، اطلاعات ناقص و یا وارونه در مورد حوزه های آبی، نبود نگاه استراتژیک به آب، نداشتن یک سیاست خارجی مدون در رابطه به آب های فرامرزی، سطح پایین آگهی در مورد استفاده بهتر از آب و کمبود زیربناها و تأسیسات مدرن آبی، همگی دست به دست هم داده و باعث شده اند که با وجود داشتن این همه منابع عظیم آبی خداداد و فراوان، کشور ما به مصیبت کم آبی و بعضی اوقات قحط آبی مواجه باشد. بدون شک مدیریت سالم منابع آبی کشور به خصوص مهار آب های سرگردان مرزی و تبدیل آن به آب های مؤلد در بخش های زراعت، صنعت و تولید انرژی برق می تواند یک تحول عظیم در جهت تغییر وضعیت اقتصادی کشور باشد. (۱۱) البته به این نکته هم باید توجه کرد که بخشی از آبهای افغانستان به دلایل مختلف اصلاً مورد استفاده قرار نمی گیرد و در مسیر راه در دشت ها و دره ها بی جا ضایع می گردد، که این مسأله نه به نفع افغانستان و نه هم نفع کشورهای همسایه است، مدیریت و مهار آبها و استفاده از آنها در مواقع ضرورت بر اساس موافقتنامه های دو جانبه و رژیم حقوقی پذیرفته شده حل اختلافات آبی با همسایه ها و در نظر گرفتن همه جانبه مسایل حقوق بشری، زیست محیطی و غیره مسایلی که در مدیریت آبهای فرامرزی می تواند دخیل باشد، به نفع همه است، اما اینگونه که به صورت یکجانبه کشورهای همسایه از آبهای فرامرزی افغانستان استفاده می کنند، بسیار نا عادلانه بوده و بر خلاف حسن همجواری می باشد، به خصوص زمانی که برای ادامه این استفاده ناعادلانه به وسایل غیر مشروع دست یازیده و به اختلال نظم داخلی کشور ما دست دراز نمایند.

نتیجه

در نتیجه می توان گفت که با توجه به اهمیت حیاتی و روزافزون آب در عصر حاضر، افغانستان نیاز جدی به اتخاذ سیاست ها و استراتژی های مؤثر و کارآمد در رابطه به مدیریت منابع آبی خود و نیز حفاظت و کنترل آن

ها دارد. قرار معلوم جهت رسیدگی به این موضوع، دولت ستراتیژی ملی سکتور آب و محورهای اساسی آن (جغرافیای آب، مدیریت منابع آب و سیاست آبی) را بخاطر مهار آب های کشور، حفاظت و جلوگیری از اسراف آن ها، ضایعات و هدر رفتن آن که قبلاً طرح شده، اکنون تحت اجرا قرار دارد و برنامه ملی توسعه مدیریت منابع آبی، محور آن را تشکیل می دهد.

اگر برنامه ملی توسعه منابع آب که هدف آن ایجاد و کاربرد زیربنای آبی بخصوص ذخایر آبی در حوزه های آبریز به منظور مهار آب های کشور، استفاده و بهره برداری مؤثر از آن می باشد، مورد تطبیق و اجرا قرار گیرد، یقیناً افغانستان نخست از وابستگی به مواد غذایی و برق وارداتی نجات می یابد و ثانیاً کشور ما این ظرفیت را پیدا می کند که موضع همسایگان را از حالت هژمونی و زیاده خواهانه، به اتخاذ سیاست های دوستانه و انعطافی به سمت بهبود روابط سیاسی و امنیتی تغییر بدهد.

مهار آب ها ایجاب می کند که افغانستان با آن عده کشورهایی که بدون حساب و کتاب از آب های افغانستان استفاده می کنند، وارد مذاکره شده و با عقد قراردادهای دو جانبه و چند جانبه، آب های سرگردان خود را مدیریت کند. از جمله چهار دریای بزرگ افغانستان که از مرز کشور عبور نموده و به کشورهای همسایه می ریزند، افغانستان فقط با دولت ایران در مورد آب دریای هیرمند توافقنامه دارد که آن هم بنابر وقوع تحولات عظیم سیاسی در دهه پنجاهم هجری شمسی، در طول ۴۶ سال اخیر به منصفه اجرا گذاشته نشده و همین امر باعث گردیده که جانب ایران بجای پابندی به توافقنامه هلمند منعقد سال ۱۳۵۱ هـ. ش، با اظهار نارضایتی از آن، خواهان حقایقه بیشتر از آب هلمند است.

با دولت های پاکستان، ترکمنستان، ازبکستان و تاجکستان که اصلاً قراردادی آب وجود ندارد و آب دریا های کابل، آمو، هریرود و مرغاب، بطور مجانی به آن کشورها جریان دارند و آنها با اعمار تأسیسات بزرگ آبی، از آب

مدیریت و مهار آب های فرا مرزی افغانستان

های افغانستان حداکثر بهره برداری را می نمایند، در حالیکه مقدار بهره برداری افغانستان از آبهایش به عنوان کشور بالادست به مقیاس آن ها در حد اقل قرار دارد.

مدیریت آب های کشور ایجاب می کند که در قدم اول ارگان های ذیربط، این ظرفیت را پیدا کنند که با نصب آلات پیشرفته هیدرولوژیک در مصب دریا های مرزی، مقدار ریزش آب های جاری به جانب کشورهای همسایه را تثبیت کنند و در قدم دوم ضمن عقد قراردادهای رسمی حقایق کشورهای مذکور و سهم افغانستان را مشخص سازند تا کشور ما بتواند بدون مانع و دغدغه، به مهار آب هایش در جهت انکشاف و ترقی در عرصه های گوناگون حیاتی اقدام نماید.

متأسفانه دستگاه دیپلماسی و شاغلین سیاست خارجی افغانستان، بنا بر عامل جنگ و بحران و شاید هم عوامل دیگر تا کنون نتوانسته اند، از آب های جاری افغانستان منحصیث یک حربه قوی در برابر کشورهای همسایه در جهت تأمین منافع ملی کشور کار بگیرند. در شرایط فعلی که افغانستان در حمایت نیروهای بین المللی قرار دارد و کشور ما با بسیاری از کشورهای بزرگ پیمان های ستراتیژیک و امنیتی عقد نموده، این زمان بهترین فرصتی است که افغانستان با اتخاذ سیاست آبی فعال و مؤثر در روابط خود با کشورهای همسایه تجدید نظر نموده، حداقل آن ها را با فشار آب به برقراری روابط دوستانه و دست برداشتن از سیاست های خصمانه علیه افغانستان وادار سازد.

پیشنهادها:

با توجه به مطالب فوق الذکر که در باب سیاست آبی و مهار آب های جاری افغانستان مختصراً اشاره گردید، ذیلاً پیشنهاد می گردد:

۱- دولت از طریق ارگان‌های ذیربط، در تدوین ستراتیژی ملی سکتور آب و برجسته ساختن محورهای اساسی آن چون آگاهی از جغرافیای آب، مدیریت آب و سیاست آبی، اقدام عاجل نموده و گام‌های نخستین را در جهت مهار و کنترل آب‌های جاری افغانستان بردارد.

۲- حکومت با توجه به این اصل که آب در ردیف سایر منابع طبیعی، عنصر عمده اقتدار دولت می‌باشد، نقش آب را در تعاملات سیاسی نادیده نگرفته و با شناسایی اهمیت سیاسی این ماده حیاتی و تثبیت جایگاه آن در اصول سیاست خارجی کشور، از آب منحیث یک عنصر مؤثر در تامین منافع افغانستان و برقراری مناسبات دوستانه با کشورهای خارجی، خصوصاً همسایگان کار بگیرد.

۳- افغانستان با داشتن منابع آبی فراوان در منطقه و نیازمندی کشورهای همسایه به آب‌های ما، بایست از «دیپلوماسی آب» منحیث اهرم فشار در جهت انعطاف‌پذیری همسایگان به گفتگو و مذاکره و آماده ساختن آن‌ها به عقد تفاهمنامه‌ها و توافقنامه‌های دوستانه کار بگیرد.

۴- حکومت افغانستان به کمک‌های ظاهراً سخاوتمندانه همسایگان مبنی بر اعطای انرژی برق به کشورما، دل‌خوش نکند، بلکه برای تلافی کمبود انرژی برق، به اعمار تأسیسات برق آبی بالای دریا‌های خروشان در داخل کشور اقدام نمایند. زیرا برق وارداتی اولاً وابستگی ایجاد می‌نماید، ثانیاً دایمی نیست و ثالثاً بودجه ملی کشور ما به نام انتقال برق وارداتی به هدر رفته و چند سال بعد در اثر برهم خوردن روابط ما با کشورهای مذکور، افغانستان معامله می‌شود، همچنان تاریک و بی‌برق خواهد ماند.

۵- با توجه به قیمت آب شیرین در بازارهای جهان که هر مترمکعب آن بین یک الی دو دالر معامله می‌شود، سالانه صدها میلیون مترمکعب آب افغانستان رایگان به کشورهای همسایه می‌ریزد. امضای توافقنامه با کشورهای همسایه و مشخص شدن حقایق کشورها از آب‌های مشترک موجب می‌شود که

مدیریت و مهار آب های فرا مرزی افغانستان

کشورهای متقاضی آب، قیمت آب مصرفی مازاد از حقبه خویش را به افغانستان بپردازند، یقیناً که با جمع آوری این رقم درشت عایداتی، افغانستان در ظرف چند سال در ردیف کشورهای ثروتمند جهان قرار می گیرد.

۶- بحران و کمبود آب را با پالیسی های معقول آبی و مدیریت درست آب ها می توان تلافی کرد، مشروط براینکه متصدیان آن افراد متعهد و متخصص بوده و نیت خدمتگذاری بی شائبه به هموطنان خویش را داشته باشند. بنابراین برای حل بحران آن نیز به مدیریت آنها توجه گردد.

مآخذ:

- (۱) سوره انبیاء: آیه ۳۰.
- (۲) عالم، عبدالرحمن. بنیادهای علم سیاست، نشر سمت: چاپ هفتم، تهران، سال ۱۳۸۰، ص ۲۹.
- (۳) عسکری، محمود. «نسبت نوین بین منابع آبی و امنیت ملی»، فصلنامه مطالعات راهبردی: ایران، شماره ۱۶، ۱۳۸۱، صص ۴۹۸-۵۰۲.
- (۴) جرالداج بلیک. جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، ترجمه (میرحیدر)، نشر دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی: تهران، چاپ چهارم، سال ۱۳۷۰، ص ۱۲۴.
- (۵) هوتکی، مریم. آب، مدیریت و مشارکت، نشر عازم: چاپ اول، کابل، ۱۳۹۶، صص ۶۷ و ۶۸.
- (۶) همانجا اثر، ص ۶۹.
- (۷) انستیتوت هاگ. چهارچوب چند جانبه دیپلماسی آب، «تجزیه و تحلیل دیدگاه های سیاسی و حقوقی برای همکاری در اشتراک آب های فرامرزی»، ۲۰۱۶، ص ۹۵.
- (۸) هوتکی، مریم. آب، مدیریت و مشارکت، صص ۶۹-۷۱.

- (۹) ناب، جاوید. بررسی حقوقی آب در افغانستان، نشر سعید: چاپ اول، کابل، ۱۳۹۴، ص ۷۷.
- (۱۰) محمودی، انجینر سلطان محمود. مدیریت جامع منابع آبی افغانستان، نشر پرند: جلد اول، کابل، ۱۳۹۶، ص ۲۸۲.
- (۱۱) ناب. جاوید. بررسی حقوقی آب، ص ۸۹.

Cross-Border Water Management in Afghanistan

Assistant Professor Said Omar Ezami

Abstract

As an important factor of life and main requirement for the survival of human being, water has drawn the central attentions of both the national and international meetings. The comprehensive discussion of water is interesting; however, the worldwide discussion on cross-border water and the conflicts on the distribution of common water region have caused the water not be addressed as a simple chemical element; rather made it to be accounted, in political meetings, as a strategic factor and important driver for economic development. This article sheds light on issues such as; the relationship between water and politics, the policy of Afghanistan for cross-border water management and water diplomacy. The paper is closed with brief conclusion and some recommendations.

The Importance of the TAPI Project from the International Law's Point of View and its Role in Providing peace in Afghanistan

Prepared by: Research Fellow Abdul Basir Rawanprewar

Abstract:

The issue of the transit of Gas Pipelines through international law and how international and multilateral agreements are negotiated is discussed in this article. From the view point of international law TAPI at the first step is a multilateral

economic and investment agreement which includes many protocols that points the concern formatives and its details as a whole. In the second step, the project was considered as an economic and trade contract related to international law of trade. In terms of international law, even memorandums and religious agreements have been included in the definition of an international treaty, which could lead to the establishment of peace in Afghanistan, let alone a coexistence treaty, Peaceful (Pancha-Sheila) not only causes peace in the country, but also in the region and the world.

The TAPI project through the geo-strategic and geo-political position of Afghanistan by revitalizing the old routes of Silk and Lapis lazuli not only plays a fundamental role in securing peace in the country, region and the world, but also an agreement between the four countries, such as Turkmenistan, Afghanistan, Pakistan and India. . By interconnecting the railways, the electrical power, Internet and fiber networks are solving the problems of environment, managing water and energy and fuel, accelerating the progress of the new technology, globalized world, the access of landlocked countries to the International waters resources and the use of the right to transit and international trade, this process also serves to consolidate peace in Afghanistan, the region and the world. Having the country's transit revenues, the use of abundant and inexpensive energy and gas, providing international services and employment opportunities for 20,000 people, especially in securing highways, is one of the consequences of the TAPI project. These issues are being investigated in detail in present study.

Traditional ways to control and solve disputes in Tajikistan

and Mohammadroz Writers: Mohammadraz Alimshayov
Alishayov

Translator: Senior Research Fellow Abdulrahim Bakhtani
Khatmatgar

Abstract

(The ways to avoid disputes in society) is the title of an article, which is translated from (conflc studies) . This book is published in Tajikistan, which has compiled by renowned scholars from Tajikistan, region and world. It contains recent theories about disputes, history of dispute, and significance of (conflc studies).

Since Afghanistan has engaged in local. Regional and international conflicts, publication of such articles are very helpful to solve and avoid above mentioned conflicts.

Introduction of Pashtun Tahafuz Movment (PTM) and its Future

By: Research Assistant Jalaluddin Najm

Abstract

After 9/11, Pakistan army has accomplished more than 10 military operations in the tribal areas to eliminate militants, which caused it's inhabitants to kill and suffer financial losses. Since 2009, more than 35 people have been died due to landmine in South Waziristan, and thousands of people have been disappeared from their homes, cities and roads, on the pretext of fighting terrorism.

According to the United Nations Refugee Agency and Center for Homeland Security Monitoring, as a result of these operations, nearly two million people have been displaced and their homes, schools, hospitals, and urban facilities have been destroyed in the area. Nevertheless, Pakistan army did not consider the disruptions of these people, they continued their irritation, the most recent instance was killing of a young Pashtun(Naqibullah masid) in Karachi, because of which people started demonstration and wanted punishment for his murderer police officer. These demonstrations caused to form Pashtun Tahafuz Moment.

A comparative study of legislation process in Islamic republic Of Afghanistan and republic of Turkey

Researcher Razia Ghaws

Abstract

Law is collection of rules and regulations which are created by competent officials to manage and regulate society. Every law passes several stages like ratification, signature and publication in official gazette. In Afghanistan, motions are proposed by government, judicial and legislative branches of power but amendment of constitution, is proposed by the president or majority members of legislative branch which also needs ratification of constitutional Loya Jirga. In Turkey motions are proposes by Turkey's national assembly and sometimes council of ministers, but the constitution's amendment procedure is different from Afghanistan. In Turkey, constitution amendment must propose by 1/3

members of national assembly and needs approval of 3/5 all members of national assembly. The president of Turkey's republic put it to referendum. It will amend when it acquires more than half of positive votes in referendum.

The Relations between Afghan National Unity Government and Turkmenistan

Researcher Assistant Rahmatullah hemat

Abstract

Turkmenistan's foreign policy is based on impartial principles and has not interfered in internal affairs of Afghanistan in comparison to other neighboring countries. Since 2002, relations with Afghanistan have been expanded and bilateral relations have been strengthened with the National unity government, Mohammad Ashraf Ghani and other government officials have trip to Turkmenistan.

The Economic and Commercial Cooperation Joint Commission between Afghanistan and Turkmenistan, which has already held six meetings. Trade relations between the two countries have increased from \$ 400 million to \$ 800 million. Afghanistan has signed several agreements with Turkmenistan in railway, gas pipeline transmission, higher education and other fields. With the Implementation of the TAPI gas pipeline project, the economic situation of Afghanistan can be strengthened, many people will be employed and each year Afghanistan will receive \$ 400 million through a gas pipeline transit. The railway between

Afghanistan and Turkmenistan was also inaugurated, this railway connects the Ata murad area of Turkmenistan and Afghanistan Faryab province.

Turkmenistan has given scholarships in oil, electricity and agricultural fields for afghan students. The Turkmenistan President give the Honorable PHD to Mohammad Ashraf Ghani. Turkmen tribe of Afghanistan can play an important role in strengthening ties between Afghanistan and Turkmenistan.

Overview of China-US and some countries of the region

Research Assistant Zuhra Mohammad Zay

Abstract

During the last four decades, China has moved from being an isolated country separated from the international community to having become one of the world's major powers. This study provides an overview of China's current approach to foreign policy and external relations. The foremost foreign policy objective is domestic political stability, which in turn is a necessity for the survival of one-party rule. this study focuses on the role and actions of China in global power, its territorial claims and relations with countries in Asia, and its emergence as an important actor in region . It is vital to understand what is guiding Chinese foreign policy, why this is so, and not least what kind of power China is and will be in the future. China is a great power that is trying to improve its position in the global arena. In this way the path chosen by the Chines leaders is economic growth . Presently

China after four decades of modernization of the country's vital elements of power is in a position to become a regional hegemon in Asia Pacific in a way that the United States has to reconsider its calculations about China. the United States national security is affected by balance of power in other regions and the presence of the United States in several regions of the world is a response to rise of regional hegemons and the new strategy of the United States in Asia Pacific is a response to rise of China's power. The United States as a regional hegemon does not want the formation of rival hegemon for herself in other parts of the world.

The U.S.A Goals in South Caucasus

Research Assistant Abdulkhaliq ferdaus

Abstract

Abstract: South Caucasus's strategic and geo-economics location consider famous areas in world. Some area to major forces has two aspect one should have strategic and economic significance, the other is that the region has the ability to create threats to one or more big powers. The area of the southern Caucus region has two features. For United State there is economic and geopolitical value and also on the other hand it is the means of threat to Iran and Russia. In addition to the Russia wants to achieve the old influence, disrupts US influence. By this reason South Caucus has special psition in Russian and U.S foreign policy.

The new internal reforms in Uzbekistan after karimov's death

Research Assistant Kamaluddin Sahim

Abstract:

Islam karimov's death, brought serious changes in republic of Uzbekistan, the new president of Uzbekistan Shawkat Merziaov, applied new internal reforms in this country. These reforms include many parts, such as rules, corruption in governmental institutions, releasing political prisoners and journalists which were jailed in karimove' s government. parties' activities and solving Tajiks issue after two decades. Also, these reforms include the foreign policy of Uzbekistan, solving of disagrees with many neighbors and bringing changes in relations with them and with regional and international's big powers.

Analysis of the political relations of the national unity government with Pakistan

Research Assistant Ihsanullah Ihsan

Abstract

With the formation of National Unity Government in Afghanistan, came special changes between Kabul and Islamabad relations, and their relations became better than past period. Kabul's relations with Pakistan became closer than Kabul-Delhi. Many high-ranking Pakistani and Afghan

civilian and military officials traveled to Kabul and Islamabad. However, these good-neighborly relations did not last long. When Pakistan did not fulfill its promises to Afghanistan on one side, and on the other hand, war and large explosions continued in Afghanistan, relations between two countries returned back to their first state. Therefore, relations between Afghanistan and Pakistan once again deteriorated and the trust atmosphere between both sides eliminated. In Afghanistan-Pakistan relations, it's interesting to note that in spite of doubts and accusations, both sides are still trying to make their relations better. These efforts are turning now to the implementation of the Afghanistan-Pakistan Action Plan for Peace and Solidarity (APAPPS).

The legal regime of the Strait of Hormuz and Bab Al Mundab

Researcher Neamatullah Akhgar

Abstract

Strategic straits in the Middle East such as Hormoz and Bab-Al-Mandab are important for transporting energy and other commodities. In addition to examining the legal regime of these straits is also worthwhile to contemplate.

Under the 1958 and 1982 treaties and other regulations related to international law of the seas, countries that use strategic straits such as Hormoz and Bab-Al-Mandab are obliged to observe the rules of transportation mentioned in international treaties and countries whose straits are located in their maritime territory have rights and privileges to lay down rules and regulation to protect their interests but they do not

have the authority to block the straits based on the rules of the international law of the seas.

In the event of a crime, it is the jurisdiction of the owner of the ship to investigate the crime unless the crime is spread to a country where the strait is situated in its maritime territory, In this case, the country where the Strait is located has jurisdiction to prosecute the crime.

List of content

No	Title	Author	Page
1	- The legal regime ...	Neamatullah Akhgar	207
2	-Analysis of the...	Ihsanullah Ihsan	206
3	-The new internal...	Kamaluddin Sahim	206
4	-I The U.S.A Goals...	Abdulkhaliq ferdaus	205
5	- Overview of China ...	Zuhra Mohammad Zay	204
6	- Relations of the...	Rahmatullah hemat	203
7	- A Comparative ...	Razia Ghaws	202
8	- Introduction of ...	Jalaluddin Najm	201
9	- Traditional ways ...	Abdulrahim Bakhtani	201
10	- The Importance of ...	Abdul Basir Rawanprewar	199
11	- Cross-Border Water...	Said Omar Ezami	199

Published: Academy of Science of Afghanistan
Editoring Chief: Research Fellow Khadem Ahmad Haqiqi
Assistant: Research Assistant Fazal Rahman Alizai

Editorial Board:
Research Fellow Rafiullah Niazi
Senior Research Fellow Abdul Rahim Bakhtani
Researcher Ghulam Nabi Hanifi
Researcher Razia Ghous

Composed Designed By:
Khadem Ahmad Haqiqi

Annual Subscription:
Kabul: 320 Afghani
Province: 480 Af
Foreign countries: 20 American\$
Price of each issue in Kabul: 80 Af
• for pro fessors Teachers and Members of Academy of Science of Afghanistan: 70 Af
• for the disciples and students of schools: 40 Af
• For other Departments and Offices: 80 Af